گوهری
نیکادیمیای کوردی

۱۱۹۹
گرفارنگی نه کادیپی - زانستیه

پروشپره - ۱۳۷۹ کوردی
حوازمانی - ۱۳۷۹ ژانیتی

کورهستان - هولیت
• ناری گفتار: نماکدامی
• بلاک گاز شکا دیشی: کوره‌ب‌ور
• سریع‌ترین هرگز گزارش: محمد زاده
• پیرامون دارنگان: شیلا جلالی
• چهارم: عیسی‌خان علی‌رضا رضوی - زاهد عومری
• هم‌لذگی: شیخزاده فائق انس میراکی
• تیاره: ۵۰۰ دانه
• چایخانه حاجی حامد - هدیه ۱۳۹۹
Journal of the Kurdish Academy

Vol. 11

Kurdistan – Hawler (Erbil)
2009
سم رئیس: پ. د. محسن مهد حوسینی
سکرتریتی نووسن: پ. د. علیدوستی تنتح بهائی

دسته‌ی نووسنران

پ. د. عزت‌الدین مستمطا رسول
پ. د. وریا عومر ثمنی
پ. د. مهدیañ محروروف فه تتاح
پ. د. جهانگیر قادر
پ. د. نازند ذهاباند مه حمود
پ. د. مهرانیهان تهمیب
ناوءرودک

1- جاهلگی بازگانی کمرکوت له سهده نزدده‌همدان
ب. ی. د. سعیدی عوسمان همروتی
م. ی. بختيار سعید شوامی .......................................................... 15

2- شرکفگان دیسکورسی - رئیسی پر چهروکا (مریمی ناغا)
م. عصدوسلاژام نعمت‌الدین عصرولولا ........................................... 22

3- بالگه‌نامه‌کاتی کوردستان
محمدرام عزالقلی ناغا  ..................................................................... 86

4- دیکارت و شمافانئیهت  .................................................................
م. ریتیر حفص نعمت‌الدین سیروسی ............................................. 127

القسم العربي:

1- عالم الجهل ابن الرزاز الجزیری
د. اسمو برهان محمد ................................................................. 215

د. حبکر هارت ................................................................. 254
ریتنماهی‌کاننی بلالوکردنوه

له گوغراری (ن‌ه‌کادیمی) کوردنی دا

گوغراری نه‌کادیمی گوغراریکی ومرزیبیه. لیکولینوه زانستیبکانی ناوموه و دهرومامه‌ه‌همره‌ی کوردستانی عی‌راق، بلالو دمکانوه. به‌گونه‌ی ریتنماهی‌کاننی بلالوکردنوه. لیکولینوه ودکان بؤ بله‌ی زانستی سوودمه‌نه دمین. بؤیه پنجمسه‌ه لیکولینوه ودکان گرفت و ثاریشه‌کی داریکراو یان بپینینی کراو. جارجیم کهن و، بئرو هره‌یکی رسمن بیرن نازه له خو بگدن، بیان لابه‌نی‌کی زانستی بدوژنه‌وه. نابیت لیکولینوه ودکان له هیچ گوغراری‌کی دیکه بلالو کرابنوه بیان په‌سه‌نده بلالوکردنوه ودی له‌سمر درابیت.
پیشنهادهای کانال تایپهت به شیوه و ناورزک و پیکه‌اتویی لیکوئی‌بوده

(1) لیکوئی‌بوده، به جوار دانه، به سمر کانه‌رز سبی پیوانه (A4)، به محرکهٔ ته هم‌جرایی از لیکوئی‌بوده، دوور (A5) سم به جنین‌های مندی‌ساز و درصد مندی‌ساز. درمان درجیت، ته مرحله کاری گشت لیکوئی‌بوده، پزشک زانسته مدعی‌ساز و لیکوئی‌بوده زانسته مروری شکش بیشتر. در زمان‌هایی لیکوئی‌بوده، هاوینی‌چک هم‌بیت، ناونشانی لیکوئی‌بوده و ناو و شوینی کارکردن و بلئی زانسته و کار و وظیفه‌ای لیکوئی‌بوده، به خواست بگریت.

(2) زمانی بلاوکترینه، زمانی کوردنی، به‌لام لیکوئی‌بوده به زمانی عیوبی و هیجان‌پریشی بی‌لای دکاته‌وده. کورن‌های لیکوئی‌بوده‌که به هم‌سر زمان دهنده;

(3) ناورزک و پیکه‌اتن لیکوئی‌بوده به ال جویده دهمیت;

(4) ناونشانی لیکوئی‌بوده، به شیوه‌ی کورت و پوخت و گشتهگر، له‌نامرستی سروویی لایه‌ای یک‌همه، داده‌نردیت. ب) کورن‌های لیکوئی‌بوده، به دوو زمان‌های تر Abstract (لیکوئی‌بوده) به دوو زمان‌های تر دمیت، که لیکوئی‌بوده‌که بین نویسرانو، به‌مرحله‌ی ته (A5) وشه تیپ‌بی‌تی نهکات و نه‌نو ثامنی و نه‌نمایه به خواست بگریت، که لیکوئی‌بوده بینی گامشتوود.

(5) شیوازی‌سراه‌دماکان له بیماری‌زا:

8
(1) نگه‌دارنده و سازنده موکله-های درون‌المللی و کشوری است.

(2) این ویروس درون‌المللی و کشوری است.

(3) نگه‌دارنده موکله-های درون‌المللی و کشوری است.

(4) این ویروس درون‌المللی و کشوری است.

(5) نگه‌دارنده موکله-های درون‌المللی و کشوری است.

(6) این ویروس درون‌المللی و کشوری است.

(7) نگه‌دارنده موکله-های درون‌المللی و کشوری است.

(8) این ویروس درون‌المللی و کشوری است.

(9) نگه‌دارنده موکله-های درون‌المللی و کشوری است.

(10) این ویروس درون‌المللی و کشوری است.

(11) نگه‌دارنده موکله-های درون‌المللی و کشوری است.

(12) این ویروس درون‌المللی و کشوری است.

(13) نگه‌دارنده موکله-های درون‌المللی و کشوری است.

(14) این ویروس درون‌المللی و کشوری است.

(15) نگه‌دارنده موکله-های درون‌المللی و کشوری است.

(16) این ویروس درون‌المللی و کشوری است.

(17) نگه‌دارنده موکله-های درون‌المللی و کشوری است.

(18) این ویروس درون‌المللی و کشوری است.

(19) نگه‌دارنده موکله-های درون‌المللی و کشوری است.

(20) این ویروس درون‌المللی و کشوری است.

(21) نگه‌دارنده موکله-های درون‌المللی و کشوری است.

(22) این ویروس درون‌المللی و کشوری است.

(23) نگه‌دارنده موکله-های درون‌المللی و کشوری است.

(24) این ویروس درون‌المللی و کشوری است.

(25) نگه‌دارنده موکله-های درون‌المللی و کشوری است.

(26) این ویروس درون‌المللی و کشوری است.

(27) نگه‌دارنده موکله-های درون‌المللی و کشوری است.

(28) این ویروس درون‌المللی و کشوری است.

(29) نگه‌دارنده موکله-های درون‌المللی و کشوری است.

(30) این ویروس درون‌المللی و کشوری است.

(31) نگه‌دارنده موکله-های درون‌المللی و کشوری است.

(32) این ویروس درون‌المللی و کشوری است.

(33) نگه‌دارنده موکله-های درون‌المللی و کشوری است.

(34) این ویروس درون‌المللی و کشوری است.

(35) نگه‌دارنده موکله-های درون‌المللی و کشوری است.

(36) این ویروس درون‌المللی و کشوری است.

(37) نگه‌دارنده موکله-های درون‌المللی و کشوری است.

(38) این ویروس درون‌المللی و کشوری است.

(39) نگه‌دارنده موکله-های درون‌المللی و کشوری است.

(40) این ویروس درون‌المللی و کشوری است.

(41) نگه‌دارنده موکله-های درون‌المللی و کشوری است.

(42) این ویروس درون‌المللی و کشوری است.

(43) نگه‌دارنده موکله-های درون‌المللی و کشوری است.

(44) این ویروس درون‌المللی و کشوری است.

(45) نگه‌دارنده موکله-های درون‌المللی و کشوری است.

(46) این ویروس درون‌المللی و کشوری است.

(47) نگه‌دارنده موکله-های درون‌المللی و کشوری است.

(48) این ویروس درون‌المللی و کشوری است.

(49) نگه‌دارنده موکله-های درون‌المللی و کشوری است.

(50) این ویروس درون‌المللی و کشوری است.

(51) نگه‌دارنده موکله-های درون‌المللی و کشوری است.

(52) این ویروس درون‌المللی و کشوری است.

(53) نگه‌دارنده موکله-های درون‌المللی و کشوری است.

(54) این ویروس درون‌المللی و کشوری است.

(55) نگه‌دارنده موکله-های درون‌المللی و کشوری است.

(56) این ویروس درون‌المللی و کشوری است.

(57) نگه‌دارنده موکله-های درون‌المللی و کشوری است.

(58) این ویروس درون‌المللی و کشوری است.

(59) نگه‌دارنده موکله-های درون‌المللی و کشوری است.

(60) این ویروس درون‌المللی و کشوری است.

(61) نگه‌دارنده موکله-های درون‌المللی و کشوری است.

(62) این ویروس درون‌المللی و کشوری است.

(63) نگه‌دارنده موکله-های درون‌المللی و کشوری است.

(64) این ویروس درون‌المللی و کشوری است.

(65) نگه‌دارنده موکله-های درون‌المللی و کشوری است.

(66) این ویروس درون‌المللی و کشوری است.

(67) نگه‌دارنده موکله-های درون‌المللی و کشوری است.

(68) این ویروس درون‌المللی و کشوری است.

(69) نگه‌دارنده موکله-های درون‌المللی و کشوری است.

(70) این ویروس درون‌المللی و کشوری است.

(71) نگه‌دارنده موکله-های درون‌المللی و کشوری است.

(72) این ویروس درون‌المللی و کشوری است.

(73) نگه‌دارنده موکله-های درون‌المللی و کشوری است.

(74) این ویروس درون‌المللی و کشوری است.

(75) نگه‌دارنده موکله-های درون‌المللی و کشوری است.

(76) این ویروس درون‌المللی و کشوری است.

(77) نگه‌دارنده موکله-های درون‌المللی و کشوری است.

(78) این ویروس درون‌المللی و کشوری است.

(79) نگه‌دارنده موکله-های درون‌المللی و کشوری است.

(80) این ویروس درون‌المللی و کشوری است.

(81) نگه‌دارنده موکله-های درون‌المللی و کشوری است.

(82) این ویروس درون‌المللی و کشوری است.

(83) نگه‌دارنده موکله-های درون‌المللی و کشوری است.

(84) این ویروس درون‌المللی و کشوری است.

(85) نگه‌دارنده موکله-های درون‌المللی و کشوری است.

(86) این ویروس درون‌المللی و کشوری است.

(87) نگه‌دارنده موکله-های درون‌المللی و کشوری است.

(88) این ویروس درون‌المللی و کشوری است.

(89) نگه‌دارنده موکله-های درون‌المللی و کشوری است.

(90) این ویروس درون‌المللی و کشوری است.

(91) نگه‌دارنده موکله-های درون‌المللی و کشوری است.

(92) این ویروس درون‌المللی و کشوری است.

(93) نگه‌دارنده موکله-های درون‌المللی و کشوری است.

(94) این ویروس درون‌المللی و کشوری است.

(95) نگه‌دارنده موکله-های درون‌المللی و کشوری است.

(96) این ویروس درون‌المللی و کشوری است.

(97) نگه‌دارنده موکله-های درون‌المللی و کشوری است.

(98) این ویروس درون‌المللی و کشوری است.

(99) نگه‌دارنده موکله-های درون‌المللی و کشوری است.

(100) این ویروس درون‌المللی و کشوری است.
تعليمات النشر
في مجلة (الأكاديمي) الكردية

المجلة مجلة فصلية. ينشر فيها النتائج العلمي من داخل وخارج اقليم كوردستان - العراق. وتكون البحوث مستوفية للتعليمات الخاصة بالنشر وتخضع للتقييم العلمي. ويتعين ان يتضمن البحث حالاً لشكلة قائمة أو متوفرة، أو يتضمن فكرة أصيلة أو جديدة أو اكتشافاً علمياً، على أن لا يكون منشوراً أو مقبولاً للنشر في مجلة أخرى.
التعليميات الخاصة
بالشكل وترتيب البحث

1. يرسل البحث بأربع نسخ على اوراق بيضاء من قياس (A4) مع ترك مسافة 2.5 سم من الجهات الأربعة، على ان لا يزيد عدد الصفحات الكلية للبحث عن (120) صفحة لبحوث العلوم الصرفة والتطبيقية وعن (25) صفحة لبحوث العلوم الإنسانية بضمنها الإشكال والجدول.

2. ترفق بالبحث ورقة تتضمن عنوان البحث واسم الباحث ومركز عمله، ومرتبته العلمية ووظيفته.

3. لغة النشر هي اللغة الكردية، ولما علن نشر بحوث باللغتين العربية أو الانكليزية. وتوضع الملخصات باللغات الثلاث.

4. يرتيب البحث على النحو التالي:
أ. عنوان البحث: يتوسط أعلى الورقة الأولى، ويفضل ان يكون قصيراً وشاملاً.
ب. يوضح البحث الهدف من البحث والنتائج والتوصيات المهمة التي توصل إليها.
ج. المقدمة والنتائج.
د. أسلوب ترتيب المصادر في الهواشي.
أ - إذا كان الإقتباس من كتاب، يدون اسم المؤلف، بدون قلب الاسم، عنوان الكتاب بالكامل، الناشر، الطبعة، (عدا الطبعة الأولى)، مكان وتاريخ الطبعة، الصفحة.

ب - إذا كان الإقتباس من بحث، يدون اسم الباحث، عنوان البحث، اسم المجلة الناشرة، رقم المجلة أو العدد، مكان وتاريخ النشر، الصفحة.

1- حين يكون البحث تحقيقاً لمخطوطة تتبع القواعد والنهاج العلمية المعروفة، وترفق بالبحث ست صفحات من المخطوطة.

7- تحتفظ هيئة التحرير بحقها في أن تحذف أو تعديل صياغة بعض الألفاظ، بما يتلاءم مع أسلوبها في النشر، مع مراعاة الحفاظة على الفكرة الأصلية دون المعنى بها.

8- يستحسن إرسال البحث على CD وارسله برفقة النسخ المكتوبة.

9- يعد البحث مقبولاً للنشر، ويؤذن الباحث بقرار هيئة التحرير بقبوله بعد عرضه على ثلاثة محكمين (خبراء) من ذوي الاختصاص.

10- ماينشر في المجلة يخضع لنظرة نظر الباحث، وليس بالضرورة تعبيراً عن وجهة نظر المجلة.

هيئة التحرير
سال و روز

نامه‌ی به هویسداران زمان‌های ۲۴/۱۹۹۹/۱۷/۱۹ لازم است که گزارش‌های به‌کلاسیکی گزارش‌هایی را در مورد بیمارانی که مبتلا به بیماری‌های راکتیک نیستند، دوادوی نشان دهنده که خشونت باعث شده‌است. گزارش‌های زمان‌های (۸) روزی سیستم‌های زمان‌های (۱۷۸) حاصل می‌شود. با عرض ایستاده بودن هویسداران و وزارت خلیجی والی‌الپرداز دوباره راکت‌زا زمان‌های (۱۹۷) لازم است که راکت‌زنی جمع‌بندی شود.

خواهش می‌کنم بزرگداشت بیماران با بیمارانی که پاسخگویی به استانداردهای راکت‌زا نشان دهنده لازم است که راکت‌زنی جمع‌بندی شود.

محمود محمد
سرباز راکت‌زا

وپیشنهاد بود

- لازم است که بزرگداشت بیماران با بیمارانی که پاسخگویی به استانداردهای راکت‌زا نشان دهنده لازم است که راکت‌زنی جمع‌بندی شود.
- لازم است که بزرگداشت بیماران با بیمارانی که پاسخگویی به استانداردهای راکت‌زا نشان دهنده لازم است که راکت‌زنی جمع‌بندی شود.
- لازم است که بزرگداشت بیماران با بیمارانی که پاسخگویی به استانداردهای راکت‌زا نشان دهنده لازم است که راکت‌زنی جمع‌بندی شود.
- لازم است که بزرگداشت بیماران با بیمارانی که پاسخگویی به استانداردهای راکت‌زا نشان دهنده لازم است که راکت‌زنی جمع‌بندی شود.
باینات / تحلیل‌گرایانه

نامه‌ای مبنای (1) تعیین‌سازی سیستم کاربردی زانسی به کمک کمیته‌های کاربردی کروشنهای لینگومناتیک (کلک) به ماده 15(1) ود. خواهانه‌ها و الگوی کروشنهای لینگومناتیک (کلک) پرداخته شده باشد. این کروشنهای لینگومناتیک (کلک) می‌تواند در این زمینه به کار برگردد.

پیام‌های مبنای

- درست‌گرایانه
- مهاجرت‌گرایانه
- دانش‌گرایانه

www.leyauniversity.org
پیش‌هگی

مسه‌ی توجهی برای آنکه نمایشگه‌های بزرگ‌تری که بازگانی را به خویشته یا زبانی مرفق‌دا گزیده، بهم جوار پیوسته مرتبط هستند. دوام نو و بی‌همانه‌گی که به‌خویجی زبانی رؤیاسی بیانگر و پیدایش بپات. همه‌ها به‌منش پالی به مراتب ناگهانه ناهم‌که به لیسانا قلاتنگا نه شماند هی در برداشتی و بی‌پرتوتهایی ناوجته موهو ژیادن بیانگزایی‌ته‌ه به هر یک از یا ناوجته‌که تر که به‌پرتو‌هیان بپیتیم. دیاره پی‌زدی به‌هعر و هم‌هدیا رادیت به‌پروتیسی بوون بپیتی کات و شویین جیوازی‌ه، به‌هی ناتست برورس‌مندی بایزگانی لی ناوجمه‌که به ناوجمه‌که‌تر و هم‌ودودا به‌هدعوته‌ه

لی سفره‌نیکه‌ها به سفره‌نیکه‌تر جیوازی‌ه می‌هنه.

که‌واته کرداری بایزگانی بی‌واکیه جایگزینی‌نبوده‌که تنر که به‌پروتیسویت به‌پروتیسویت مرتبط نه‌نگیاب و در. له‌همان کاتیشدا نیشان‌نگهی رادیت بپروندگی‌ها ثابتوپری و ته‌نگیاب و دم‌تیرپری ناتست شارسترپنی هیپ‌ناوجمه‌که. له‌سونگ‌های مه‌همه‌تویژنه‌ه‌ها به‌روک‌تچ‌ترا بایزگانی دم‌ه‌ریکه کم‌کشک لی‌موهای‌سده‌ه نوزده‌هما فاپی‌خیت‌که دب‌روهی بپتیس‌پیتی که تویژنه‌ه‌ها ثب‌گامی‌ها لی‌سمر نه‌لای‌نه‌نه‌گراو. له‌کاتیپک‌ها باپ‌تکیه که تری می‌مزوج کم‌کشک (بپتیس‌پیتی سیاست) زوری لی‌سمر نووس‌راو.
نام تودیزینومیه به جهانی سرم‌چاودی می‌ژوویی رسم‌نی برنست نام‌تویه، که گرنگ‌رنبویان سالنامه‌گان ویلاییتی مولسی سرم‌دموی عوسمانیه که جهانی زانیاری گرنگیان لسما لاینی نایب‌ریوری دزمهری کمرکون تی‌داایه، بهو پیش‌ی کمرکون مه‌لیمینی سمنجه‌میکی سه‌ریم ویلاییته بوبو له ماوی نوسینی نام سالنامه‌یا. هم‌رودها گرمیه‌ی بیانپی‌کانیش (ودک: کلاودیوس چیمس ریج ۱۸۲۰، جیمس بیکنگ‌هام -۱۸۱ و هی‌زی) له گیش‌تی‌ساده‌کانیا زانیاری و سمرنیز وی‌ژریان له‌باردی جالاکیه‌ی ثاموری‌ی‌کانی نا‌جمه‌که توم‌مار کردودو و سمرنیز کاری بازرگانیان‌داوه. بیگم‌ان گیت‌بی و تودیزینوهمه‌هاوی‌که‌خ‌کانیش نایبی‌تی‌رودا ضررمرعیوش بکری‌نیه، بی‌یه‌ی زمار‌هی‌که‌ه زوره‌ی نه‌مان‌سامه‌یا‌نم تودیزینوهدیا‌دا به‌گی‌کا‌روبو.
بمی‌شود دووه‌های سمنتمبری بزرگانی شار پیک ده‌هزارتیت"(1). هر هواگرای
گرم‌ترین جووه‌کته بین‌المللی که له نیویون سالانه (180-185) داد سرمدایی
کمرکوکی گرم‌تره‌نیا رامده بهوه درسته که شاری کمرکوک پنکی کارگردان و
بازگانی‌هه(2). بهم شنی‌ویه نو گریدانه‌ی له سه‌ده‌ه هرمه‌ورد نوزده‌ه
هاتوانمه‌ه کمرکوک گم‌هایی له سمار جالاکی بزرگانی شارمه‌ه ده‌دقیه.

دبیه‌ه ههامه‌ه‌هی جووه‌هاتی کمرکوک نؤدی کاریگرد و هره‌بووه له سمار
جالاکی بزرگانی شارده، له هبراه نوه‌ی کمرکوک تایپیه‌می‌ئندی خوی هرهه،
بهو پی‌تی که شارده که توته‌نیا نه‌ورده هرمه‌یمی شان‌واهی و دم‌ستایی.
نوه‌هش بئته‌ه هرؤه‌که که دمقاوه‌ه کمرکوک بئته‌ه خالی پیک گمیاندی‌نه
دوه هرمه‌ه(3). نوه‌ه شوته‌ه سرگانی‌هیه کمرکوک یووه‌ه نوه‌ه شارده
بئته‌ه سمان‌ه‌یکی بزرگانی گه‌وره به‌ه نالگووتر پیرتمه‌ی شتومه و
کم‌وپی‌لی بزرگانی لمنیووه‌ه هرم‌هیمی جیایی و دم‌ستاییدا. نوه‌هش
واه‌ه کردووه پژوهانه‌یمی بزرگانی فرهاه له همر شارده‌ه له جاو شارمه‌ه
تیره هاوهوی‌ه‌هیه ده‌ریکه‌ه‌وی(4). نوه‌هتا (ریچ) گه‌هواه نوه‌ه ددرده که
کاروهانه بزرگانی‌ه‌ینه یووه کمرکوک نؤد‌رداروه و دمواوه بهره‌بووه نوه‌ه
به‌شیه کورده‌ه‌ه‌ی (مهمه‌ست کورده‌ه‌ی باشوه) بو جوهوه(5). نوه‌هش
بئته‌ه هرؤه‌ه نوه‌هیه کمرکوک بئته‌ه سمن‌نیه جالاکی بزرگانی‌له
ده‌ره‌ه‌که‌د. همر به‌هیه شه‌هاه‌می‌ئندی سامه‌StatusCode به‌ه و بوژوه‌نوه‌هیه بزرگانی
کمرکوکی گرمن‌ه‌ه‌نوه بهو شوته‌ه‌یه که بئته‌ه هرؤه‌ه جه‌ه‌یمه
پتی‌ه بزرگانی بئته‌ه سمر شارده(1). له لاهمه‌که تبرار ناوه‌دانه‌ی شاری
کمرکوک له سه‌ده‌ه نؤد‌هاه‌روه پرئینه گرم‌ه‌بووه له بوژوه‌نوه‌هیه بزرگانی
شارده، به جوزی‌هکه له سه‌ده‌ه ناوه‌بادا له ناو شاری کمرکوکی بپاراپی‌که
ناوخوی‌ه هم‌هو که (1382) دوکه‌ه لدغو لرره‌هوه، نوه‌ه به‌پچ‌هه له بووی
زماره‌ه‌یه کاروان‌ه‌یه و گمرماو و شوته‌ه نخل‌که‌ئینه تر. له لاهمه‌که
ترده‌ه له روزیه زماره‌ی دانیش‌واروه بهومینه شارمه‌ه نزیکه‌یی (1380)
که‌سی تی‌بیا بووه، نوه‌ه به‌پچ‌هه له ینه‌ه ینه‌می‌ئیه شاری کمرکوک که
دانیش‌شاتوانه‌که‌ی لَه كورد و تُورکمان و عُرُوه و جُوله‌که و قریستان
پیکتیابِیو (٩). پیگِیمان نهم‌مِش دَهوُوه‌هِئو هَُوُهَ رَن‌گاوبوْونی شَار و بِه‌شدارِی
گَردنی هَهدوْن‌نَهم نَی‌توْانِه‌ئه لَه پروْسِه‌‌بی پازرگان‌یا به‌جوز‌یک
هرِی‌هِی‌کِیان دَست رَن‌گی‌نیهن خَوْیان لَه بِوارِیک‌بِدا بَه‌یاد بِخَنِه.
چی‌گاه‌ی بَبَه‌ی پِیک‌یک‌یک تَر لَه هَهوُکارانَیه‌ی کَه‌ی کارِیگِی‌مرگی هَبدوُوه‌ه ود‌سَمر
با‌یه‌خی بِازرِگانی شَاری کَمرِک‌کِوَن لَه سَه‌ددی‌نْوزَده‌دیا هَبدوُوه بَوْو کَه‌ نَهم شَارِه لَه‌مو
سرَم‌ده‌ده‌هِا پِیک‌یک‌بی‌بدوُوه لَه شَارِه‌گَه‌رُمک‌کَی‌با‌شوُوری کورِتِستَان‌. نَحوُتَا
پیک‌یک‌یک لَه‌گَریدِنِکان دَوَای نُهدَوه‌ی لَه رَی‌گیای مُوْلِه‌تهمو‌دَم‌گان‌هِا کَمرِک‌کِوَنِ دَمِنِئی‌:
"نا دِئِستا کَمرِک‌کِوَن‌‌گَورِدِنِئین شَارِه‌ئه لَه دَه‌شتَاین‌رَؤْزَه‌هِانِئی دِی‌لَه‌دیا" (٩٠).
پِیگِیمان نهم‌مِش هَهوُکارانَیکی بَارِم‌تی‌دَر هَبدوُوه بَوْ بی‌زِی‌ات تَاوُده‌ن‌بَوْو‌‌بی‌شَارِک‌مو
dوَات‌بِه‌رُسِنه‌ندی‌بِازرگان‌یا لَه‌سَمار‌کَه‌ی‌کازِرِگِی‌بَرِی‌یان لَه‌سَمر‌بِایِه‌خی‌بِازرگانی‌شَاری کَمرِک‌کِوَن‌هَبدوُوه‌، بِمُدِی‌بِن‌تی‌رَی‌گیا
بِازرگان‌ییْه‌کِان کَه‌ئه بَمِدو‌بَآسِیان دَم‌کِی‌مین:
١. رَی‌گیا بِازرگان‌یی‌ه‌ی‌کان:
رَی‌گِیا بِازرگان‌یی‌ه‌ی‌کان رَئْلی‌کِارِی‌گان‌هَبدوُوه‌ه‌ئه لَه بِه‌رُسِنه‌ندی‌کَمرِک‌کِوَن و
درَو‌ستِدوُنی‌جَالاکی‌بِازرگانی‌ی لَه‌گُن‌نَاوْج‌ُکان‌دَم‌دورِبُری‌دیا. پِیک‌یک‌یک لَه‌مو
رَی‌گِیا بِازرگان‌یی‌ه‌ی‌کان‌کَه‌ی کَه‌ بِکَرِدِس‌تَان‌دَا تَبَی‌ه‌پِی‌رَدْوُوه‌‌بِه‌رُم‌دَو‌شَارِی‌بِعَن‌دا و
مُوْلِسِبِه‌مِک‌ه‌وَ بِمُسْتَوْتَه‌م‌رَی‌گِیا رَؤْزَه‌لَانِئی دِی‌لَه‌دیا. نَهم رَی‌گِی‌مِه‌لِه
بِعَن‌داَه‌دو‌ده‌ه‌ت‌ا و بِه‌هَمَرِی‌مک‌لِه دَم‌ل‌ی‌ع‌بَاس و قُهرَه‌‌هَم‌بِک‌ه‌رِی‌ک‌ه‌ی
تَنی‌د‌مِه‌ی‌رِی و بِءا‌شان‌بَوْ خُوْرِم‌اتو‌و و دَافَوق، دَوْات‌لِه‌کَمرِک‌کُو‌ه‌و‌بِهوُرْدِو برَدِئ
بِاهان‌هَوْلِوُرِ و لَه رَی‌گِی‌بَِی‌گِی‌هَگَرَب‌ه‌وَدْم‌شَه‌وْه‌مو‌مُوْلِس‌(٩). هَمرَوْه‌ها
هَم‌نِئه‌دا حَارِ‌کَرْوَانِه‌ی‌بِازرگان‌یی‌ه‌ی‌کَه‌ی‌بِه‌هَوْلِوُرِدَا تَنی‌د‌مِه‌برِيين‌بَی‌مل‌گَو‌لِه
رَی‌گِی‌بَِی‌شَم‌مَم‌ه‌کُوَه‌دَج‌وَوْه‌ن‌بَِی‌گِرَب‌ه‌وَدْم‌شَه‌وْه‌مو‌بَوْ مُوْلِس‌(٩). لَی‌رَدَا
دَم‌بِین‌ن‌نِئه‌رَی‌گِی‌مِه‌وهَک‌شَاد‌مِارِیْک‌بِهوُرْدِو کَه‌جُمِنِئ‌ن‌شَارْو‌جِچ‌کَه‌ی
نَا‌وْج‌ه‌ک‌بَی‌کُو‌ه‌گَر‌ی‌دَوِه‌. دَی‌اَر‌نِئه‌رَی‌گِی‌مِه‌لِه لَی‌هَن‌گَرَم‌یدْه‌بِبِانِی‌کِات‌بِه‌سَم‌بَوْدَو، نَهَوُت‌اَن‌دِی‌بَو‌لِه‌بَارِم‌ه‌وَدْم‌دَل‌ی‌ئی‌: "نَهم
ریگمیه تهوا نه‌مین و نارامه, تا نه‌رو داده‌ای که نگمه بهم ریگمیدا است. پی‌ویست‌نگه دیگری کاروانیگه، که نه‌رو داده‌ای برمه. نه‌رو بی‌ویگه لوهی بهم ریگمیدا جِنَدین شار ناوحانی دِن‌ه بهیش که کاروانی دامن‌باتی لِی‌ان لابادت و بَس‌ویان تِی‌دا یابد.(

همر لوم ریگمیدا دَف‌هِری کِرگِوک به هَرف پردهٔ نَئتون کُویری (بَرده) بِه هَریهک لِ هَوِلی‌ر و مُوسَلْوه دَه‌مسَرایه‌و. نه‌رو رُغِمیه لِ کَرگِوک‌هو به‌درد وَ له‌وی‌شه‌ه به‌دردَه وَ له‌وی‌لر تَید‌بابی. دواتر کَری‌ان دَی‌توانی لِ هَوِلی‌رِهو به رَگِه‌ی (کَِّْ‌) به‌هو بچی‌نیه شَاری موسَل.(

شاَبِّه‌ی بَسُه زَی‌ی بِجَووک کُه بِه شار‌ویچکی پرده‌دا تَی‌په‌ر دَب‌وو، هَنَد‌نیه حِر بِه‌گُراره‌هات بِو گَوی‌ست‌نِهو دِ‌تشَمک و کَلَو‌هِلی بازَگانی بْو بَغَد‌ا لِه رَگِه‌ی دِی‌جه‌وه هَرم‌ها لِه شاری گَی‌هَوه رَگِاه‌ک دَجِوو بْو کَرگِوک.(

دوای نه‌اوَدی بِه پرَپه‌دا تَید‌بابی‌ی. بِلَم سَم‌بارت بِه رَگِه‌ی بازَگانی نُئن‌ان کَرگِوک و سُلی‌مانی که نه‌م دُو شاره بِه‌ی‌وَودی بازَگانی بِه‌نین لِ نِئ‌نی‌اندا هَم‌بووک کُه لِ هَل داِه‌تودا رَوون‌ی دَدک‌ین‌ه‌و. ثَها بازَگانی‌ه کَرگِوک بْو گَبیش‌تی بِه سِلی‌مانی سِرِم‌نا دَجَوون‌ه شوَان و له‌وی‌شه‌وه بْو دَر‌ی‌نِدی بازَیان و باشان دَجَوون‌ه تَاسِلوگه دواتر بْو سُلی‌مانی.(

همروها بِتَی‌بسته لَنِرَدا نامَه‌ه به شوَی‌نی نَئون‌ان شَار‌ی کَرگِوک بِده‌نین لِ نِئ‌نی‌ان شار‌کَنی سِلی‌مانی و هَوِلی‌رِموسَل و بَه‌عِقَو‌ه‌دا، هَمَر بَوی‌ه شَاری کَرگِوک بِدرِهوام بِه‌ی‌وَودی بازَگانی لِ مَگ‌ه نه‌رَن‌نیا هَم‌بووک. بی‌گِوک‌نی نه‌م شوَین‌ه‌ی که کَرگِوک هَی‌بَوو لِ بَواری بازَگان‌ی‌دا رَن‌گِه‌ی داوون‌ه‌و. نه‌وَدی بازَگانی‌ه موسَل بْو گَبیش‌تی بِه سِلی‌مانی رَگِه‌ی کَرگِوک سِلی‌مانی‌ه‌ه هَل‌بَز‌دَوو لِه جَاو رَگِه‌ی هَوِلی‌رِ سِلی‌مانی. نُم‌م‌نش لِمَرْه نه‌اوَدی رَگِه‌ی نُئن‌ان هَوِلی‌ر و سِلی‌مانی زِوُر دَوور بِوو.(

له باسه‌دا بُومن رُوون دَم‌بی‌ت‌هوه کَموا شَاری کَرگِوک به هَرف تَی‌په‌ک لِ رَگِه‌ی بازَگان‌ی‌ه به نَوی‌جَک‌نی دَوْر‌وه‌رِه‌و هَرِپَر‌ای‌و، نُم‌م‌ن‌ش
واي کردنوون ناوچه کورده‌گان به‌هم‌گه‌وه به‌ستروین و جهند سمنترايكي
بازگانی به شاره کوردی‌ه‌که ناوناندا ناشسته بین له نیواوناندا کم‌درکه‌که
شایسته بسه سلیمانی یک‌گیک به‌موه ولو دروازانه‌که پارامبیتدر بهو
پژ می‌شستن کامپیتنه‌که بازگانی دفع‌ری کم‌درکه بازلیت‌ده‌ریان.
کامپیت به‌شاگانی دفع‌ری به‌ره‌جه همبچال کامپیتنه‌که پژ سلیمانی
نهج بژ هم‌بجیه و دواتر کرم‌شان و سنه و زهم‌اوه نیر‌درادو. باین هم‌نیه
جبار کلاغه بازگانی کم‌درکه به‌ره‌جه پیرگه‌ه خانه‌نشینه‌که می‌شتوشه
کرم‌شانه. هموه‌ها ناوجه‌که کم‌درکه له پیرگه‌ی موس‌ل و به‌نیادو
ده‌تولی به‌هی‌مندی به به‌نیاده‌که‌ی دمیری‌ان ناويته‌ست و نامته‌بول و
کسان‌باینی فارسی‌ردی.
خستندا که بی‌یان دمود جمله‌کلیش (ساتس). نه‌مه بی‌چپه له بازگان و زیبوار و نمود شتومک و کامل‌بئانه‌که که کاروان‌که له‌خوی گرتبو. شاین‌یی باره‌ه رکاروانی‌کیش جم‌ند پاسوان و سربازی له‌گئان به‌یو به‌پاراستنی له ری‌گئو به‌نام‌کاندا له جه‌تمو ری‌گئ (7).

دیاره‌ه له ری‌گئا ناپایه‌کانیش (کامل‌ک) به‌کارده‌هات، نه‌و‌نده‌ا له زن‌یی بچوک که به‌ساروچجه‌کی بردن‌دا تیبه‌ه دیوهو، کامل‌ک به‌کارده‌هات به‌گواسه‌ه‌دی شتومک و کامل‌ه‌لی بازگانی به‌یو به‌غدا له ری‌گئی دیچه‌ه. هه‌روده‌ها کامل‌ه‌لی بازگانی له ناوچه‌ه کویره‌ه به‌یو که‌لگئوه دهمیشنه‌په‌دین (7). شاینی باسه‌نه‌هم شاروچجه‌هی که ناته‌ی‌مکی سمر به‌که‌موک به‌هو و یو‌ستگاه‌مکی به‌یو‌سته‌مو بروسکه (تلت‌فراف) به‌یو به‌گی‌ب‌دوه‌دنی به‌یام و نام‌کان به‌یو باوی‌په‌کی دوول‌لی عوسمانی (7).

کامل‌ک له کوئم‌ئه‌ه مبیله‌ه به‌هو باش‌ده‌هات که به‌یهم‌گوه تونن‌د

ده‌گرنه‌ه به‌یوی به‌کاره‌ی‌نی‌نه‌که‌م‌یک داری‌دهی‌زو کول‌گه‌ب‌گه‌که. لمس‌ر نه‌م‌ه مبیله‌ن‌ه تماخته‌دار داده‌ن‌ه‌که به‌یوکاره‌ده‌ن‌ه‌ن‌ر به‌یو بازگردن و گواس‌ه‌دی شتومک و کامل‌ه‌لی بازگانی به‌یو ری‌گئی ناوهو. ونه‌ندد جار‌جی‌گی‌گی‌ه‌ه‌گه‌گرتن و بازگردنی کامل‌ه‌لی‌که‌سی‌لهم‌که‌ف‌گی‌ه لن ش‌یوی‌دی‌زو‌وری‌یک

دروست‌ده‌گرکان و سپریان ده‌گریا، نه‌مه‌به‌مه‌بسته‌پاراستنی له باران و تیشکی‌خور (7). نه‌و‌ندا به‌گری‌یده‌ر اول‌نک‌ه که‌خ‌ی‌سپرین‌ن‌ن‌ناوچه‌که‌گی کردوه‌گوه‌ب‌به‌یه‌ده‌ده‌ت که‌له‌ه‌رود‌چجه‌ی‌پر‌دید که‌لگئیان دروس‌ت کردوه‌نه‌مه‌ش به‌یوی به‌کاره‌ی‌نی‌نه‌که‌م‌یک‌بزن (7).

ج‌. نه‌موی‌ه‌ک‌ری‌اه‌ی کاریگره‌ی‌پی‌ا لمس‌ر بازگانی‌که‌ک‌موک‌ی‌ه‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌ب‌b
له سرمتادا پیویسته تمام‌شده به‌وه به‌دهن که دواگه‌توتویی هوکارگانی
gوست‌نهمه کاری‌گره‌ی به‌سر بازگانی دف‌هره کمرکوهو هوبوو،
نه‌میشه لی‌میر نی‌مویی هوکارگانی گوست‌نهمه‌ی تمام‌ی نازل‌د بونون.
پی‌گومان
نه‌میشه یار‌م‌تیده‌ر نموه‌ه بیر‌مارسدنی بازگانی لی ناوچه‌ه‌که‌دا به
شی‌وم‌ه‌که‌ی به‌مر‌ف‌واان. بؤیه‌ه سا‌نا‌هنامه (۱۸۹۸) نام‌زه‌ب ووه دوکاکه که
نه‌میگره لی داه‌ان‌دوویا هن‌یاه‌نده‌ف‌رم به‌ک‌مرکوکه تی‌پر‌نی‌بی‌هتماک
فراو‌نی بای‌ز‌گ‌ان‌ی و بی‌مز‌ب‌وو‌ن‌وه‌دی نا‌ست‌ی نابوو‌ره‌ی کمرکوک زامن
دماه‌یت. (۳۷)
\[\text{یمگی‌که‌ی تر لمو کی‌ش‌ان‌ه‌ی که کاری‌گره‌ی خراپی به‌سس‌ر بازگانی‌ه‌هو}
نه‌موه‌ه بی‌وه‌ه که لمو سر‌ده‌م‌ه‌دا ری‌گه‌که‌ن به‌ده‌ست کی‌ش‌ه‌ی نوبوئنی
ناسی‌اش و هبدوئنی ری‌گری و یله‌ند و دزج ب‌یر‌ده‌وه‌ه دمی‌ان‌ت‌ل‌ان‌د. (۳۸)
هم‌ر با وز‌ه‌گ‌ان‌ی بآو روبو‌ه‌وه‌لو بوبوئن‌وه‌ی ثم کی‌ش‌ه‌ی بی‌گه‌ه کاوواـ
ی‌سی‌گ‌ان‌ی‌ب‌رب‌وست ددکرد، خو‌ش‌یان‌ب‌ایه‌و‌نی‌ب‌یان لی ددکرد بین پی‌اواوی
چ‌ک‌ش‌کار سر‌پ‌یر‌ش‌تی‌ جو‌ول‌ه‌ی کاوواکا‌سی‌ان‌که ددکرد بآو پارا‌ست‌ی شتوم‌ک
و گ‌ش‌ت‌ی‌ار‌ن و گوست‌ن‌ه‌م‌ه‌ی‌ان لی نا‌و‌ج‌ه‌ی‌ه‌ک‌ه دوو نا‌و‌جه‌ه‌ی‌م‌ه‌ک تر.
دیر‌ه ناو‌ج‌ه‌ک‌و‌ردی‌ک‌ا‌سی‌ن‌ی یمگی‌ک‌ه بی‌وه‌ه لمو ناو‌ج‌ه‌ن‌ه‌که که نم‌دی‌ار‌م‌ه‌یان تی‌ب‌دآ
ب‌او ج‌ب‌وو. (۳۹)
\[\text{و ادب‌ار‌ه لی‌نیوی دوو‌م‌ی س‌ه‌م‌ه‌ی نژ‌ه‌ده‌دا دوای سر‌ه‌مل‌ان‌نی نازاوه‌ی}
ه‌زو‌گ‌که‌ن به‌تا‌بی‌م‌ئپ‌ن‌ی جو‌و‌ل‌ن‌ه‌وه‌ی هم‌ه‌و‌ن‌دن‌ه‌که‌ن دز ب‌ه‌داس‌ر‌ئ‌د‌ن‌دی‌ن
عو‌س‌م‌ان‌ی لی دد‌ف‌ن‌ه‌ری کمرکوک‌دا. نم‌ب‌ر‌او‌دوخ‌ه‌ش کاری‌گره‌ی ل‌س‌س‌ر‌ی‌گ‌ه‌مو
ب‌ان‌ه‌گ‌ا‌ه‌ن‌ه‌موه‌ه، نم‌و‌م‌ئ‌ا‌گ‌م‌ر‌ید‌ه‌م‌ه‌کی ه‌ل‌ن‌ه‌ن‌دی که خو‌ؤی هائ‌ت‌ه‌ه‌ه نا‌و‌ج‌ه‌ی
cمرکوک باسی نا‌ر‌ا‌ن‌م‌ه‌ی نمو دد‌ف‌ه‌ر‌م‌ه‌م‌ن‌ب‌و دد‌ت‌ئ‌ت‌د "... سا‌ل‌ئ‌ن‌ی
۱۸۹۰-۱۸۹۹ ه‌موه‌ری‌گ‌ه‌کات‌ی نمو نا‌و‌ج‌ه‌ه‌ی‌گ‌ر‌ی‌ب‌وو‌ن‌ه، نمو ک‌ر‌ا‌و و
پوی‌ست‌ه‌ی‌که کدرو ه‌ه‌ف‌ته‌ی جاری‌که لی ب‌م‌غ‌د‌ا‌وه‌د د‌ده‌ان‌ت‌ه‌ب‌و‌ی‌هه‌ه (۱۹۰۰)
جَمَن‌رْم‌ه‌ب‌ی‌ن‌ی‌ب‌ی‌ن‌ا‌ر‌ی‌ه‌ی "(۴۰)
پی‌گومان نم‌ی‌س‌ه‌م‌ه‌سی‌مان‌ان‌ی تر م‌ه‌یی‌ک‌ه‌ی نا‌ر‌ا‌ن‌م‌ه‌ی
ری‌گ‌ه‌مو ب‌ان‌ه‌گ‌ا‌ی نمو نا‌و‌ج‌ه‌ه‌ی دد‌م‌ه‌ن‌م‌ه‌یت، هم‌ر بؤیه‌ه‌گ‌م‌ری‌د‌ه‌دی نا‌و‌ب‌ر‌او
ل‌ه.

۲۲
دی‌مانه‌ییکی تردا له بارده دمستردی‌یزی ریگره‌یان به سمر کاروانه‌ی بازرگانی‌یان که دلی‌یان: "کاتیک له بوشومتو کوتونه‌ی ریک دواه دوو کیلیم‌یا در ریشتن هواویکی دلتره‌یی‌نیست، کاروانی‌که لع موهه هاتیبو به چمه چمعه و ریگره‌یان هولیاکتووبه سمریان و دوو کمس و سین وشترینان له کوشه‌یوون هم‌بو دی‌یه کاتیک کاروانی‌یی‌یه کان دمستین کردبووهو جهنمره‌یان گوته‌یان له تقه‌ی دهیم و به هاواریانوهو دچین و رژگره‌یان دگمهن"(۱).

حی‌یه‌یان نامذی‌ییه نمو بردیی سمر زنی بجووک که له بردی دروست کراده‌یارمه‌تیدری‌یکی گریگ بهووه به بازرگانی و پرمینه‌یه کاروانه‌ی بازرگانی‌یی‌یکن. هیلام نمو جهی‌رده بردیته کم و کوردینا زور بهووه نموتا گره‌یدی‌هیک له بارمه‌یوهو دلی‌یان: "... سالانه نم بردی نزمه ج زیانیک به کاروان و هایموشهکران دهدات. ج زینده‌وهو و ناژه‌ییکی تنیدا دمختنیک لبی‌یه‌ی نموه‌ی قمراغ و لی‌یواری بردیکه بمزر نین به‌یوز زو وشتر لی‌یوی به‌یه‌یه‌یتح خواری و له نلون‌کننا نه‌دنکنیک، به‌یاه ولاغ به‌یوه‌یه‌ی به‌ده‌مه‌ین نه‌بون‌یوه‌ونه و به‌یوش‌یار و بایساردی‌و داواهان له کاربه‌ده‌ستان کردبووهو هره‌یودو لابردیکه جهن‌ده‌ییه به‌گن بکن نمه‌یه‌یه‌یهن به‌نانا له‌یزدی‌ی تی‌یدجی‌کنچی هیمووهو داواکاری‌یه‌یک له شیویه‌ی بی‌ست گؤو خراوه(۲). بی‌گومان ن‌یوه‌نیان بایی‌خ‌ننه‌دانی کاربه‌ده‌ستانی عوضانی دچ‌مه‌یی‌هیک له دف‌مره‌ی کمرکوه بهو ریگه‌ی و بردانه‌ی که بای‌یه‌یه‌ی گرنه‌یان بهو بواری بازرگانی‌یه‌هو بهووه.

بی‌یکی‌تی له نم کویی‌هی‌کی که کاریگره‌ی خرابی‌ی به‌سمر بواری بازرگانی‌یانو بهووه نمو‌یوه که ژوگر یار دوعلوه و ولاه‌کانه وی‌ای‌ته‌کان به ژوگر یار باری‌یان به چمه‌ی له بازرگانی‌گه ورد‌گرته نم‌مهش کاریگره‌ی خرابی‌ی به‌سمر بازرگانی دروست دم‌کرد. لبی‌یه‌ی نموه‌ی ژوگره‌ی کات بازرگانی‌که ژوه‌همت بارمه‌یانه‌یه له دوعلوه و ورد‌گرته‌وه(۳).

۲۳
دیاره نام هم‌سکوک ودانه له پال نمبوونی ناساوش لد دهبه‌روکدای پالی به خانگی خاوندن سامان ناوه بو نوهای پاره‌گانیان بشاردنو له هیج بپره‌ویشه‌کا نمی‌خندد گم‌ر. یه‌کیک لهو گریدنی‌های که خوی سه‌درانی کم‌کروک کردوه وصفی تی‌روانی‌نه خانگی نام شاردن بو دهکات
درباریه‌ی پاره‌بو و ویتگانی کردن و ده‌تی: "پرونی بو‌چونی ژانو
ناپورینیان له جیگه‌گا خویدا بووه که گوتویانه له ولاته هم‌زاری‌کندا
پاره‌بو بروول و مالیکی نختنی‌هنی‌زور به دست میل‌مئته و خانگومه،
به‌لام به شیویک دستورالله به شاردنو له فن‌وبیریک، نامه‌شتی که له
گوشته‌که‌دما من به جاوه حومبیم راستی شهو بیروپ‌چونه‌ی
ده‌ساماند"(3). ناو‌یاهو له دیمئینی‌کا تردا ده‌تی: "مرف‌و دبیرسیده‌ی نامن
نام هموه بواردیان به جی بهیدا کردوه، به‌لام له گه‌مل‌هنوشکا نامن
زور هم‌زارو دست کورت دیار بوونی که هم‌روک مشک کلیسا وابونی(5)."
نامه ریگاپانه که کمروگیان به دمرووه دمبسته و دمیتوانی بازرسی
لما که ناوجوانانی دمرووه ریثکی کامل ردی به بکات. زوربریه نمو گمپیره، هاتوتوهته
شاعرده نمدم و گوگی بازاری ناوختوى کمروگی دامدن، نمومتا یوشک لمو گمپیرهنه له بارهی بازاری ناوختوى کمروگیه و دامدن:
"بمهشی دوممی شاری کمروگی دمتاییه به دمرووه قلادویه به که
جهندين کباران سمرای سمرای تشایه لمو کمیه خانه و بازاره"(5)
ناممش په خوی که گووهیجهی که گرنه لمسر همه بوینی بازاری ناوختوى
همرهها ریثک به شیوهیی یک زور ناشکرا و مسفعی پیگیه بازرسی
کمروگیان به دکات و دامدن: "سمبارته به همه بویوومی کوردهستان
زور دواین، شاری کمروگی نمو بازاریه به که همه بویوومی نمو
بهشهی کوردهستانه.[مبعستی میرشینطا بیانه] به دمیردی"(6)
وا دیاره هؤگاکی نمهم دهمره پهته به گرنه شاری کمروگی له جاوا
شاعرگانی ترنه بهشهی کوردهستان له زورگاردها، به جویریک نمو
سمردهنه کمروگی وکل یادهغتنی نام بهشهی کوردهستان وابوو. همرهوها
پهتره که له سالی (1423) دا هاتوته کمروگی سمردارته به بازاری
کمروگی دامدن: "بازاری کمروگی تمسکهو تاریکه بهلام لمو کمیه خانه
همهو بیوزه بیپنادویشته که مرؤف له شاهد روستم دهمست دکومیت"(7)
نامه سمردرای که گووهی گرمیردهیه که هؤلهندی که له بارده گرم و گوری بازاری
ناوختوى کمروگی دامدن: "دووکان و بازار و جاینهم کمروگی سمردو
شیوهکانی کمروگی وا نیشان دامدن که له شارده کورگاسبی و
بازرسی و کرین و فرطنتی گرم و گور له بیادهه"(8)
همرهها له سنیانه و تیلاینی موسلی (111-1423) دا هاتوته که بازاری شاری کمروگی
بیوه ردمساردی که بازاریکی رپکوپیکی هرهیه(1)
وه به بیتی سنیانهی هپمان و بیلمه له سالی (1874) له شار کمروگی بازاریکی
گمروه همه بویو که بیکی بوو له (1282) دووکان و مهغادوه یهک بازاری
فیسهه، نامه بهپچه به همه بویوعنه 12 خان(9) (کفاروان سمر) که به
بازرسیانی دمرووهی شار ناماده دمکران تا لهکاتی مانهوهدو خپیان و
هل می‌توان نتیجه‌گیری کرد که تغییرات اجتماعی و اقتصادی در جامعه به‌عنوان عوامل مؤثر بر آنها می‌باشند؟
دهرهو، به گوئردی زانیاری (ثنیسکلنپیبدیای بریتانی) له سه‌دی
نآوبرادا کمرکون برمویوومی کشتکانی و نازنداراد دستاره دهرهو
ته‌موش ودتو شوتمگی کنراو و به‌دمست درست کراوکان. له لایی‌گی
تر کمرکون هموئی داوه نمو شنانی که شاره‌گهه پراویست پیپویو له
دهرهو ورماران بگریت، لیره‌شدا بازرگانی له‌گهان بی‌مگدا بایه‌هی تازه‌یتی
همبوو، جونه‌گه نم شاهد مملومن‌یدیک بوو که جهندین کاموهانی له‌دهرهو
بؤ دههاه، همئدین‌که له کاپاشنه وک شکریو نآوریش و جل و به‌مگی درو
نمره له رپه‌گی بازرگان‌گانوهه ده‌هی‌ران بؤ کوردستان. به‌گوئرمان دهین
کمرکونه‌ی بمشا خوی له کاپاشنه له بازرگانه به‌غم‌دانه‌گه‌هنه کرپیچ‌تی به
تابی‌یتی نمو کاپاشنه به کمرکونه بؤ ممکا تی‌نده‌هیرین، لبه‌بر نه‌موه نمو شناته له
کمرکون بآره‌هممه‌هنه‌هیرانوه و شارده‌گهه پیپوستی پینه‌هنه‌هبوه. به
گوئرده سالانه‌ی (1912-1913) دا نمو شتوومک و پیپاویستیانه له ناوجه
کورده‌گاندا کرپاوه که خویان نمیان ده‌وانی به‌ره‌می به‌ینن که براتی
بوون له شگرک و قاومه فومووه و ناوریش و همئدی دروسنکراوهی هیندی
و جهان و ته‌هم‌مینی (110). هم‌روه‌ها به گوئرده نامادی‌گه نیبور دشمری
کمرکون زماره‌گی‌که زور ناشی ناوه‌ی پینه‌هی، هم‌روه به‌چه‌گی‌زور له
به‌ره‌می نادر ده‌نی‌ردن باؤ بی‌مگدا و له به‌ره‌می‌رده خورماه بی‌مسره
به‌ره‌می‌تر ده‌هی‌ران (111). هم‌روه‌ها به‌ینن‌که له خلاکی هزاری بی‌مغدا
قیودین دکری‌که له ناوجه‌گانی دوروی‌بری کمرکون درد‌ده‌هیرنوه و بؤ
رونه‌کاری‌نده‌وه به‌کاریان ده‌هنی‌ی (112). له لایی‌گی تروه‌وه له کمرکونه‌ه
نآوبری‌ی‌ی خاوه دنی‌ردن باؤ بی‌مگدا بو نه‌موه له کارگه‌گانی نمو شناته
به‌کاری‌پی‌رین بؤ دروسنک‌نه کوتایی ناوه‌ی مینه‌ی (113). له به‌ره‌میدا خمایگی
کمرکون فمی‌مشی لؤکه‌وه راوه‌ری نامولیان له بی‌مگدا و مگردتووه
هم‌روه‌ها می‌چمرسون که له سالی (1917) دا هاوته‌ته کمرکون و ناوجه‌هکه
نامزه‌ی‌هی بموه دوکان‌هکه بازارگانی‌رین به‌ناوریش و کوتایی دروسنکراوه له
لؤکه له همموکی کوردستان و تسنامت کمرکوکیش دمکرا (11).
له راست‌تری بایرجانی شاهه کوردی‌هان ته‌نیا له غمل‌نامه‌کانی
دوروبری خویاندو نیم‌بوده، به‌گونه‌که راه‌ها و مسیرهای جنگ‌دیده
بپرورانی‌گر فرگن‌کی نازدی‌کی و کشتکال‌کی بزو بئم‌نامه‌مبو و شام.
نامه‌مبو که نمایه‌نامه‌های دوم‌دهتی عوسمانی بوو بزو سالانه نازدی‌کی یهک
ملیون و نیو نازدی‌کی له میرو بزن و مانگا له ناواجه کوردی‌گانه‌دو بزو
دجوهو. به‌گونه‌که راه‌ها و مسیرهای جنگ‌دیده نازدی‌کی سین میلیون سمر نازدی‌کی دم‌ارده
نامه‌مبو و شام و بغازه. وه نمبیت‌نتم شتمه‌کانه‌ی له ناواجه
کوردی‌هان له سعدی نؤزدودا دم‌یردراوه دم‌ویووه تهن‌ها سامانی نازدی‌کی
بووین به‌گونه سامانی کشتکال‌کی و سروش‌میت دم‌یردراوه دم‌ویووه. وک
خوری و توتن و دار و همنگوین و سمه و گون و جوز و هژیر
بیگومان دفم‌ری کمرکوشی که دوبل‌میش بیو به‌پرورانی کشتکال‌کی
و نازدی‌کی دیم‌ی بیشک‌خوی له هم‌نارادانه بی‌کرکوه‌تی. نموداه به‌گویرهای
زانیاری‌هکان (نی‌سی‌اکسی‌لی‌بیدیای نی‌سلاهم) شاری کمرکوش سمنتمیکی
بایرجانی و بایرجانی کشتکال‌کی گران‌گی بوو بئم‌گیم و جوز و بپرورانی‌کی
نازدی‌کی بیو دفم‌ری دوروبری. (۲۱)

همر سه‌مباره به‌پایراجانی دم‌رینکی کمرکوش دم‌مینن‌پی‌بی‌یویندی
بایرجانی له نی‌یوان کمرکوش و مسیر‌تارادی‌سکی باش گهرم و گور بووه.
نه‌مض به‌به‌گویره‌ای زانیاری‌هکانی سان‌انمی موسولی (۱۹۱۱-۱۹۱۵) (۲۱).
به‌تبایه‌تی که شاری مسیر به‌هؤی نمدو شوی‌تی گرانگی که هم‌بیوه‌بیووه
بایرجانی بئه‌لوئر و کمرکوش و سلی‌مانی و شاره‌کانی نزی و دفم‌ریمه.
جی‌گه نامازی‌مه‌ی بی‌یویندنی بایرجانی نی‌یوان مسیر و کمرکوش توندو نؤز
بووه به‌جور‌یک له سالانی کم کم بازی باریه و نمبوین‌بی‌نپرورانی‌کی
کشتکال‌یده موسیقی‌شتی به ناواجه کوردی‌گانی تر دبست له نی‌یوانی‌ندی
کمرکوش. (۲۱)

جی‌گه‌ی بآسه که زؤریه‌ی گن‌بیدهو سی‌رچاوه رسمی‌هکانی دوم‌دهتی
عوسمانی جم‌خت له‌سمر نم‌نهوه دگ‌نئوه کد‌وا شاری کمرکوش به‌پرورانی‌کی
ژوری کشتوکالی ناردوتی گردیده. که ییگومان نماست نموده دومهینیت که
نام برمویومنه له پیداویستی شارمه زایم بوونه، نموده گمی‌بی بهترتم
نامازه به دوده‌می که بابرهمی سم‌رماه نام شارمه گوم و جویه، پینام
برنج به ریزه‌هی که متر بابرهم دومهینیت. نممه پی‌چیگه له بووه گریمه‌دی
ناوبرو جهخت له نمید نموده توش دمکه‌نو که شاری کمرکوک به بابرهم‌میهنیت
لؤکپس به ناویانگه و نموده له خوی زیده له چرمه تعین‌پرته گردیه
دهلیزه (16) هنر به‌دهی له نموددی بابرهم‌هی کاندی هر ازیمکی
درمزی تومار کردووه. به جونیک له سالی ناوبرادا ناهچه کمرکوک
(10,000). تئفیه (10) گم و (10,000,000) تئفیه جویه (13,123) تئفیه نیست
و (4,450) تئفیه نؤک و (1,000) تئفیه مازوی ناردوزه دمک (11). ییگومان
لی‌رهدا دمتوانی بلئی به‌هجیک له مکس وال به‌غا پیشک خویان له
هم‌ناردنیه کمرکوک بمرک‌تووه. نممش لهبمر نموده روزن‌مه بی‌په‌وندی
بازگانی دمکوک کمرکوک سپردار بوود به‌روفی له‌گه له مکس وال و
سی‌لی‌ندا نیک‌نجام ددرا (13). هر مها شویش کمرکوک و موسسه که له نزیکی
یمکت بیوو کاریگدنی بیه سر بازگانی په‌کرکت و ناوه‌چه کش هیم‌بووه.
نیمدیا نموده کارواهه بازگانینه‌ی له نامی‌دی ده‌هؤک و موسسه‌ن ده‌هؤک
ده‌جوون دم بمارکی کمرکوک و هپولیو دم‌فرام شراره‌ون (14). له لایمه‌کی
ترجوه بازگانی دقفدری باسدن له ری‌گه موسسه بی‌په‌وندی بازگانینه‌ی
لهم‌ل کمرکوک‌ها هیم‌بووه. به‌گویره راف‌پری وتی توسویه نام‌نها له سالی
(1967) دز بازگانی کمرکوک بایی (16,000) لیره عوسمانی (16) به‌رویوومی
جووژوری له بازگانی باسدن کریوه. بدلن له همان سالا بازگانین
دخفیه‌ی باسدن بایی (8,000) لیره له به‌رویوومی معره‌خوری و پیستی
نام‌لیان له کمرکوک کریوه (16).
شاری سلیمانی یک‌پک‌بوده، قلم‌های کوردی‌زبانی که به همراه کلم‌های محتملی و کلم‌های دیگری که در واژه‌پاره‌ای مشاهده می‌شوند، به‌عنوان بخشی از تاریخ و فرهنگ کوردی شناخته می‌شود.

در اینجا، در نسخه‌های مختلف از شعر، شایعه‌ای وجود دارد که به‌عنوان نمونه از کلم‌های بیشتری که در آنها می‌توانند به‌کار گرفته شوند، ذکر می‌شود. به‌طور بیشتری از این کلم‌ها در شعر حوزه گروهی می‌باشد که به‌عنوان بخشی از تاریخ و فرهنگ کوردی شناخته می‌شود.

در نهایت، این شاعری‌ها به‌عنوان بخشی از تاریخ و فرهنگ کوردی شناخته می‌شود.
به زوری بهره‌هم ده‌هی‌نریت، نهم مازوور به کمرکوک و له‌وی‌شهو به موسّل ده‌نیردریت"(۴۰). هم‌روها نووس‌ره‌نیکشت باثه‌شوه‌مان به دکتک که پی‌یوندی‌بازرگانی نیویان کمرکوک و سلیمانت نه‌رهم به‌هی‌زو زوّرت‌برو به‌ن که بازرگانی سلیمانی به‌رده‌وم ل‌گمان کمرکوک‌دا له بِره‌سمنندا به‌ووه، نموّتا بازرگانی سلیمانی جیل و به‌رگیان له شاری کمرکوک‌وه ددرکری‌، له به‌راه‌ه‌ی‌شدا شاری‌ناوابو به‌روپو‌موه کشتوکانی‌گانی‌وه‌کایه‌وه‌کو‌گه‌وه‌و تووتن و سه‌وها و به‌روپو‌موه نازول‌لی و‌ک و مدرّو‌مانتگا به‌ره‌موی بی‌به‌مه‌می‌بی‌شگ‌مری‌دست‌و و‌ک جاج‌م و به‌مام‌الی‌نؤی‌زگ‌رد‌دش‌هرکا و به‌گ‌وه‌و موسّل(۴۱). هم‌ر به‌وی‌ده‌مین به‌ره‌مه‌کانی‌تووتن و کم‌تیرو مازوو و سابوون له به‌رهم‌ه‌گرگان‌ه‌بوون‌که‌دوی‌نه‌وه‌ک‌کمرکوک‌له سلیمانتی‌و‌وه‌ره‌ده‌گر‌د، له ریغ‌گ‌ب‌بازرگانی‌وه‌ده‌نیر‌ده‌ره‌ی‌به‌م‌گدا(۴۲). هم‌روها‌به‌گو‌یردی‌گ‌ها‌وه‌ره‌ریچ‌بازرگانی‌نیویان کمرکوک و سلیمانتی‌به‌م‌ی‌به‌ره‌ه‌وه‌بوون‌ده‌م‌ش‌له‌م‌به‌ر‌نه‌وه‌ک‌کمرکوک‌بازا‌پی‌کی‌به‌روّاج‌بوو‌وه‌به‌و‌ده‌ش‌ک‌کوردست‌ان‌له‌ش‌اری‌سلیمانتی‌وه‌به‌ره‌مه‌کانی‌نی‌سک‌و‌نه‌وی‌و‌پا‌وه‌وه‌جن‌و‌تیرش‌و‌می‌وه‌ب‌ر‌نی‌و‌ل‌و‌کو‌مو‌م‌ی‌رده‌ل‌‌و‌م‌ازو‌وه‌بوو‌وه‌ک‌کمرکوک‌ده‌نیر‌ده‌راوه‌له‌وی‌شهو‌به‌پی‌اوه‌و‌وه‌‌وه‌مه‌کان‌که‌درا‌ده‌ر‌ده‌ره‌ی‌به‌م‌گدا(۴۳).
دهبینین همراه که لب بازرگانه کریستیان و کوردو تورکمان‌ه‌کان بازرگانه
یچوک و ناوندی‌ه‌کانیان هب‌ک ده‌ه‌سن‌با، به‌لام‌ه‌مان‌ش رونی زور
کاریگره‌ه‌ایان له بازرگانی کمرکودا هم‌هو. بی‌گومن سر‌مان‌گه‌ی بی‌بونی
بازرگانان له کمرکودا به هؤی بیونی جهن‌ده نمته‌ومه‌که له شاره‌ه‌که‌دا
هؤکاریک بیوه بو به‌هی‌زی‌بی‌وی‌نی بازرگانی ناهووه دوموه‌ی کمرکود.

سپه‌م/ بچ و رسم و دراهکان:

1. بچ و رسم:

شاهینی باسه دسه‌لندا‌راتانی عوسمانی به شیوه‌یکه‌ن ته‌ماش‌ای ناوچه‌کانی
پر دسه‌ی‌ل‌اتی خویان کردووه‌ه‌که سفری‌اه‌ک‌ین بو کؤکردنه‌هنی بچ، هم‌ه‌ره‌بیه
نهوان بارو بوپلاکی زوریان له ریگه‌ی باج‌کانه کؤکردوده‌ه‌دو. و نهوان
له هم‌هوشه نمته‌هم‌وی تای‌مک‌انی به‌زیر دست‌تان بیوه‌بون باج‌یان و ورده‌گرته‌ه‌ت
زؤر‌ه‌لار شگگر کؤکردنه‌هنی به‌اج‌کان دوشکه‌ن ای‌نایه‌سی‌دان‌ه‌ن ترو‌هن‌یان بی‌پره‌دو
ددرک به تای‌ب‌ه‌تی بمارن‌ب‌مری‌جوت‌یاران.

سه‌بارت به بچ یان جویری نهو باج‌ان‌ه‌ی که دسه‌لم‌اتانی دول‌لونی
عوسمانی له سدید‌ه نؤزد‌دیا له ناوچه‌ه‌کی کمرکود و مریان گرتووه‌ه، نهوان
دست‌وانین پل‌ین‌ه‌نن نم‌ن ناوچه‌ی‌یه‌ش و هکو ناوچه‌کانی تری زؤر‌ده‌شه‌ل‌ا‌تی
دول‌لونی عوسمانی له سیاست‌تی باج‌ژی‌ی نه‌ه دوم‌لس‌ه‌ب‌ه‌دند نم‌بووه‌ه له‌م
جوار‌جوت‌ی‌ه‌دا عوسمان‌ن‌ه‌یه‌گا چن‌دن‌ه‌ین جویره بچ و رسم‌مان له‌نما‌گ
نات‌ه‌ی‌ه کمرکود و مرگ‌تووه‌ه (۳)، به‌لأم‌نه‌ه‌نوی له‌یر‌دا نی‌م‌ه مه‌ب‌ست‌ه‌مانه‌ه
تی‌نیا باج‌ی بازرگانی‌ه‌یه کل‌یره به‌دوا باس‌ د‌ه‌ک‌من‌ه.

dدولتی عوسمانی چن‌دن‌ه‌ین جویره‌بچ به‌سمر‌بارزگان‌ه‌ی سمان‌بدووه‌ه،
لهم‌یبه‌ه‌هم‌هوی‌یان‌دا دست‌وانین پل‌ین‌ب‌انی به‌گمرگ‌ی بووه، نهم‌نا ک‌ات‌ی‌ک
کاروانتیک‌ی بازرگ‌ان‌دن‌ه‌ته‌ ناو شن‌ه‌ی کمرکود یان به‌پی‌چ‌ه‌ونوه‌ه
کاربرد‌ه‌س‌تان‌ی‌نی یای‌یروه دولا‌لونی عوسمانی به‌اج‌کانی‌ن لی‌ه و هرد‌گرته‌یت
بی‌گومن نه‌م جویره‌بچ به‌زؤری‌ه له دوم‌ا‌ز د‌ه‌ن‌ایه‌ شار‌ک‌ان‌دو ورد‌م‌ی‌گ‌ری‌ا.
گمراهیه فراپیام چه خویه له سالن (۱۴۳۴) چه هنوتئه کمکه‌که له شمیشه‌که اب بتیشین ان راکرت
لبه بته نسوئیه له وده گمراهیه که به‌راکرت
همه له جیگه‌مشیا کاره‌دنانه دوتک چه بی بی و درفسی داوکریان
لی وردرگرت. له لی‌هیکی تر تریکی فر ته جوهره به‌اپنه که
دستانی سیستانی له دهار بیزگریاندا ودی دهگر تابیه برپیننه بهو.
نه جوهره بابیش کاره‌دستانی سیستانی کمکه‌که له بردنیه لبه بیزگریان
وهریان دهگرت، نهمش له به باهو نسوئیه که بردنیه سیننشیکی بیزگریان و
همه‌ها کنیی جیم‌دنین ریگه‌ک تر بهو.
نه‌پیت گمراهیه‌که هولنم‌ید
که له سوسیه‌که نوزده‌ه مدا سی‌ن‌یدگی لکه کمکه‌که و بردنیه کردودو له
به‌مکه‌یننه به‌سیمر بردنیه تاکون‌گؤیری [بردنیه] وردرگرت.

هرودها نیپوریش لسه‌دمه‌ه‌ما بداسی ش‌وومان بو دمکت که
هیچ ریگه‌که ندوشده هم‌ریزی و کم تی‌چوو نیپا له روتی گومرگه‌وه
به‌قته ریگه‌که کمکه‌که چه یدردنیه. ریگه‌که‌یاهمیث، بهام بو مه‌ریه‌گی
به‌زغم ریگه‌که (زئی بچووکدا) بریت‌ما. که کاره‌دنانی سیستانی یک‌ریکی
که نوزده‌ه مدا ناوه‌بیای. له له‌سیمر ریگای نیوین کمکه‌که
و به‌نگشاد له یپه‌کیکه له ری‌ه‌ه‌گکانی جیای حمرین بابیه به‌پیننه بهو
و وردرگرت. به‌یاه به‌سمه‌ینیه سمر به‌بی‌ه‌غدو بهو نمک کمکه‌که

بچه‌گه له‌تامانی باسکران له نوا شارشیدا بابیش‌کی تر له‌سیمر بیزگریان
دندربوو، نسوئیه بهو بیاه بهو که له‌بازار‌کاندا به‌سیمر دوکان‌زدن و شویشه
بیزگریان سوه‌پی‌ریبی. وه هم‌دنئی جاریش ریگه‌کهی بابیه له‌وته کالاین‌ه
و وردرگر که له‌بازار‌کاندا به‌فورت‌دش‌یا خرابودن‌ه‌وه‌وه. جیگه‌ه سه‌رجه
قه‌رل‌دننی ریگه‌نیه نسوه بیاه و پی‌تاکانه نزو جه‌به‌نمای دی‌یدریک‌وا نسوه.
جوشه‌ه هم‌دنئی جار بی‌پی کی‌شی کاه‌یان به‌پی‌زدمه و قی‌بیاه، هم‌دنئی
جاریش به‌گویریه نسوه‌ینیه نیوه‌ه‌هاتو به‌ه‌یاه‌ده‌ی دی‌کیا.

۳
ب/ دراو و کیفان و بیوته:
باره هؤلاء گرگان گنگی نئچه‌ماندنی تالوگری بارگرانتی. لکه دنلیتن عسمناها دراو و باره‌ی بکاره‌نیاژ ووو دوهوژنری و دوشه زور جار کیشی پژ خنة دروست دهکردند به گری نکی پیداهستی نهوان نهوبو، هندشها همراه جویی دراوگدنک لکه دنلیتی عسمناها و بلاوپونو وی هندی جویی دیاریکردو لکه هنر ناواچیمکه کی شهیدیکی لیم‌رده نالوگریکا دروست دهکرد(۴۳).
لکه ماوی سپیدی نوزدهدنا لکه کمک‌کرک و ناواچه‌کانی دورو‌بیردا چمندن جوزد دراو بکاره‌تاوود، لهوانه (فرش) که دراویکی زیوی بومی دراویجیکانی دنلیتنی عسمناها بومی. نه دراویجیکی واسیلی دراویجیکی فیزیکی همه‌ی هم‌هی دراویجیکی فیزیکی عسمناها هاوتنای ۹ری فلمسی عیاری اکی بوم که لکه هشتنکانی سپیدی بیسته‌هدا بهکاردهسته، لکه‌ی هم‌هی دراویجیکی زیویتی مکان بومی بومی بومیبیستسی نینگلیزی (۴۷).
به‌رونه (ناقلجه) ش پیکسیک بومی دراویزیپیکانی دنلیتنی عسمناها که لکه سپرده‌ی مخولکه کانیش به کاره‌تاوود
عثمانیه‌کاری و جهان‌های نه‌ی‌هاو هم یا دوی به درون ترا ناهمچنین عثمانیه،
به‌هایی شه دروازه قدری به جهان مسئولیت زی‌که (۳۸)، دروازه‌ها تاریخ و بوی تاریخی به
پیش‌های بی‌پیام‌های زیو بوی، بالا درانت به هؤلای دایمیان به‌هایکه له سال‌هه (۳۸۳۸۸دا له لیاد و مستا (۴۴)، جهگه تامرزمه كه ناهمچنین
له هنریک ویلایی‌ده ولتی عثمانیه‌پی‌ی دوی‌ترا فلوسی
عثمانیه (۴۵).

جگه له دروازه جهان دراویک ترازی بوی له دولتی عثمانیا
به‌کاره‌هاوون لهوانه جهانی هی‌هستی (۳۷) و دروازه مسیبی، شه دروازه
دروی له سردمی سولتان عبید الله جیدی (۳۸۰۸۳۸۳۳دا لی‌درا، سمبایت
به‌به‌ماهک نرخی یهک مسیبی (۳۸۵) قروش و نیو مسیبی ۱۰ قروش
و جارده مسیبی اکه (۵) قروش بوی (۴۴). هم‌روها دراوی (باره)شه یم‌کیک
بوی له دروازه زیوی‌هاین دولتی عثمانیا، شه دروازه له کم‌روک و
ناوی‌که‌دا به‌کاره‌هاوون، سمبایتی به‌به‌ماهکه شهوا (۱۰) باره بیرانیان
بوی له‌گمان یهک قروشی خراب و (۵) بارش دم‌کرد نیو قروش (۴۴).
هم‌روها دراوی فلوسی مسی یم‌کیک بوده له دروازه عثمانیانه‌یه كه له
ده‌فره کم‌روکدا به‌کاره‌هاوون. سمبایتی به‌به‌هاا شه دروازه له کوتایی
سمله‌ی حمدیدها شهوا نرخی (۵) فلوس دم‌کردی یهک باره (۴۴).

سمبایتی به‌درایزی زی‌که به‌کاره‌هاوون له دولتی عثمانیا ده‌توانین
بله‌ی‌یا له‌گمان لرده لرمه‌یویان گنگرگت بوی. نمه دروازه له کم‌روک و
ناوی‌که‌ده به‌کاره‌هاوون، دی‌بایی‌ده نرخه‌که‌یه‌یهک لرده‌ی زی‌که دم‌کرد
(۱۰۰) قروش (۴۴). هم‌روها جهان دراویک ترازی زی‌که له
ویلایی‌ان دالته دولتی عثمانیا به‌کاره‌هاوون لهوانه زر نامه‌مبول و
زنجرلی و روا (۴۴). شاینی‌نامه‌ی بدرهمه له‌گمان به‌کاره‌هاوون ده‌راوی
تورکی‌له تورکستاندا له جهانی‌وی‌یه‌یه‌که کرانه‌ی‌نیبووه و بی‌تایمه‌یت
خقالی ناوی‌که‌ده مامم‌هیان به‌ینه‌گه نانلرنه‌ی شه‌گیش (المپیشین)
کردوه، نیبووه له‌گمان له‌ریجه‌ده: "ویستم ماوه‌ی دانیشتنم له موسّل

۳۵
به همل ودریگری، دستمزد کرد به گمانه به دوای بوویی دراوی رومنی و
یونانی و فارسی، به‌لای خنگی جه‌خیان قدس‌ری به آن نه‌وه دکرده‌وه که
دختوانیت به ناوجی‌کردستان نه‌وه جه‌ره دراوانته دست‌بکه‌یت لبمر
نحوه‌ی لدئ ناوجان‌ها دراوی تورکی به‌کمکی به‌کاردیه‌ینیت 
باشه به ناوجی‌کوردیپه‌اندا بی‌چی به ال دراوه عوسەنی دراوی فارسیش
به‌کاردیه‌ینیت.

سامارت به یوه‌کاهی کیشان و بی‌وانه کردن له دوئل‌هتی عوسەنی‌دا
دختوانیت بیل‌تین ثم‌هی پی‌شه‌ی جی‌گیر نمپیون. به‌گو له ناوجی‌پکه‌وه بی‌
ناوجی‌هی‌گی تر دمگژون. سامارت به ده‌ماری کمرکوک له مام‌یه‌دا
یوه‌کاهی کیشان و بی‌وانه‌گان بهم شی‌وی‌هی‌لای خواردوه بوون:

- حؤقه‌ی کمرکوک = ۱۱۸۹ گرام، ۲ کیلو = ۵،۷۳۶ باواند.
- باتمان = ۱/۲ حؤقه‌ی کمرکوک.
- نظره‌ی گمته = ۲۰۰،۰۰۰ کیلوگرام = ۱۱۰۰ باواند.
- نظره‌ی حؤ = ۲۸۴،۸۲۳ کیلوگرام = ۸۸۸ باواند.

بی‌و دیگشرتی نمپیت جه‌ری ناد که پی‌ی دوئترا جه‌ری‌لیوان (لیبان
جه‌روی) به‌کارده‌هات که دی‌یکد نزیک‌هی ۴ گالون (۵). هم‌روها بی‌وانه‌ی
بلی به‌کاردیه‌تی بی‌پی‌وانه‌کردی دی‌زی، نه‌م‌ش به‌روئی بی‌
پی‌وانه‌کردی قومش به‌کارده‌هات که دی‌زیپی‌هی‌گی له (۱۵) سم زیاتر
نیما (۱۶). هم‌روها باسلاش بی‌پی‌وانه‌کردی زدی و
دوولیپه‌کان. به جه‌ریک ییک فسرشه به پی‌وانه‌نیستا دمکاته نزیک‌هی
شمش کیلومتر (۱۷).
دمجالی‌ها

1- زوربراهی نمای‌گریدن‌های سمعی، نوزدهم‌نامه‌ای که در این مقاله ناوجوانان کروگ از نامزه، به‌طور کلی کروگ‌دانی، می‌تواند کروگ‌دانی را درون هر نوع قابلیت سیستم، بررسی کند که این کروگ‌دانان درون هر نوع قابلیت سیستم، بررسی کند.

2- هم‌ارزش نمایش یافته کتکی که در این مقاله ناوجوانان کروگ از نامزه، به‌طور کلی کروگ‌دانی را درون هر نوع قابلیت سیستم، بررسی کند.

3- هم‌ارزش نمایش یافته کتکی که در این مقاله ناوجوانان کروگ از نامزه، به‌طور کلی کروگ‌دانی را درون هر نوع قابلیت سیستم، بررسی کند.

4- هم‌ارزش نمایش یافته کتکی که در این مقاله ناوجوانان کروگ از نامزه، به‌طور کلی کروگ‌دانی را درون هر نوع قابلیت سیستم، بررسی کند.

5- هم‌ارزش نمایش یافته کتکی که در این مقاله ناوجوانان کروگ از نامزه، به‌طور کلی کروگ‌دانی را درون هر نوع قابلیت سیستم، بررسی کند.

6- هم‌ارزش نمایش یافته کتکی که در این مقاله ناوجوانان کروگ از نامزه، به‌طور کلی کروگ‌دانی را درون هر نوع قابلیت سیستم، بررسی کند.

7- هم‌ارزش نمایش یافته کتکی که در این مقاله ناوجوانان کروگ از نامزه، به‌طور کلی کروگ‌دانی را درون هر نوع قابلیت سیستم، بررسی کند.
7. جمدين جورى دواو و همروهها كيشان و يوانه له مثوكه له دفهدره
بهكاردهنيرة، له دراو زيمكان (نافجه) و (قروش) و له زيريكانش (لبه) له
هيموديان رؤور بيكار هاتون.

بيراوينزنگمان
(1) ج. اوتير، رحلة إلى تركيا وبلاد فارس، (باريس: 1848)، ص45؛ نقلا عن: دهلكوت
حكيم، كركوك في كتابات الرحلاء الفرنسيين، بحث ضمن كتاب: كركوك مدينة
القوميات المتافية، وقائع الندوة العلمية التي عقدها مركز كركلاء للبحوث والدراسات
(2). Benjamin II, Qinqueannees de voyages in orlent,1846-1851,paris,
p.78-79.

نقلا عن: د. نرمين امين، كركوك/ الشواهد والمواقع القرن (8-9)، بحث ضمن كتاب:
كركوك مدينة القوميات المتافية، ص19.
(3) شاكر خسائي، العراق الشرمالي/ دراسة لنواحيه الطبيعية والبشرية، مطبعة
شفيق، (بغداد1973)، ص9.
(4) عمر ياسين الجباري، الأهمية التاريخية والجغرافية لمدينة كركوك وأثرهما على
القيم الإنسانية السايدة بين أبنائها، بحث ضمن كتاب: كركوك مدينة القوميات
المتافية، ص19.
(5) كلاودياو جيمي ريجن، كشتنامه ربيع بؤ كورستيان 1820، و: حموده حموده بافتي،
جابيخاني ودارتي بدرود، (هونتر 2004)، ص14.
(6) شمس الدين سامي، قاموس الإعلام، مجلد (5)، مهران مطبعه سي، استانبول
رومي/1986، ص213.
(7) بروانه، حن، ص426؛ سالامة ولاية موص (1216)، موصل ولايتي مطبعه سنده
باصلمصدر، ص2.98.
(8) جيمي بكنغهام، رحلة إلى العراق 1812، ت: سليم طه التكريتي، ج، مطبعة
اسعد، (بغداد1968)، ص14.

38
9) بروان، أحمد بن أحمد الحسيني المنشئ البغدادي، رحلة المنشئ البغدادي، ترجمة
عن transcription: المحامي عباس السماوي، دار الجاحظ. (بغداد 1980، ص.5).
10) ستيفن هيلسي لونغريت، أربعة قرون من تاريخ العراق الحديث، ت: جعفر。
(بيروت 2011، ص.15).
11) كارستن نيبور، رحلة نيبور إلى العراق في القرن الثامن عشر، ت: د. محمود سليم
حسين، مراجعة وتعمق: سالم الأوليوي، (بغداد 1995، ص.18).
12) بروان، بارون نيكواد نولنده، غاستاثيك بـ وهرمستان و كوردستان و تبرمانستان،
وكتابتي له داننشیبود: حمید ملازی، جابجا، ویدارکی وایلشنپیری (هولندر 2000)، ل.20.
13) ستيفن لونغريت، أربعة قرون.... ص.15، هچردها بروان، نيبور، مس، ص.95.
14) د. س. ل: 296-2013؛ هيروها بروان، المنشئ البغدادي، م.س. ص.15.
15) محمد عبد الله عمر، الأمن القومي الكوري لراجسي محافظة كركوك الزراعية،
(هاروارد كركوك)، ع.1 (اربيل 1988)، ص.9-12.
16) بروان، ماجد عبدالله، المسألة الكردية في العراق إلى 1911، مطبعة دار الجاحظ.
(بغداد 1970، ص.22).
17) عماد عبد السلام رؤوف، الوصل في العهد العثماني، شهيرة الحكم المحلي،1304هـ/1886،
مطبعة الآداب النجف الإشرشاف، ص.2013؛ عبد العزيز سليمان
نور، داوود باشا ولي بغداد، دار العربي للطباعة والنشر، (القاهرة 1982)، ص.20.
18) د. سعد عثمان حسين، كوردستان الجنوبية في القرنين السابع عشر والعشرين
عشر/ دراسة في علاقتاه الإدارية والسياسية والأقتصادية مع إيلاتي بغداد والوصول،
مطبعة سبع، (السليمانية: 2001)، ص.27.
19) سالامة، ولاية موصل (1350هـ) مكتوب، ولاية سعادتولو حسن توفيق الهندي
عراقيتي ترتيب أولمشتر، ص.37- 200؛ موصل ولاية سالامة رسياسدي (1370هـ).
عنتول صفوت بك معرفيتلا ترتيب و درنچي دفعة اوله رق موصل مطبعه سندة
اولمشتر، ص.21.
20) رحلة نيبور.... ص.8.
21) سعد عثمان، كوردستان الجنوبية.... ص.32.
(22) بيغومان ممбоست خودى شارى كؤيه نئيه بهمكو ناوچه، کييه، دياره کهکولوئ
ناوچهکا له (تتاق تزاق) کؤکراتهاوه ننجا لمرپیگاي زئي بجوکوه به کاملک
دهئیترا بو یئ پردى.
(24) سالنامة، ولايت موصل (1321هـ)، ص: 17.
(25) سعیع عثمان، کوردستان الشنوبیه.... ص: 31.
(26) دراوه: لیونهارت راوولف، رحلة المشرق إلى العراق وسوريا ولبنان وفلسطين، 1573
ترجمة وتعليق: سليم طه التكريتي، دار الحرية للطباعة والنشر، (بغداد: 1978) .
ص:  ص 199.
(27) سالنامة، ولايت موصل (1334هـ)، ص: 20: هنروها دراوه: سالنامة، ولايت
موصل (1325هـ)، ص: 234.
(28) دراوه: لوئسکی، تاریخ الاقتراع العربي الحديث، ت: عفیفیة الیسیانی، دار
الغیراب، ط: 7 (بیروت: 1980)، ص: 23: بو زانیاری زیانیا، لم بارگیوه بو دراوه;
بابک‌کان (هوؤزی همدودن و دومئنی عوسسانیو) (کینشی نیوز هؤژمان) له;
بعختیار سعید مجمو شوایی، کمرکک له سموید نؤزدوو همدا/ لیکولین میک له
بارودوی خانیاری و نابوئیو، نامی ماسته، کولیزی نمدوبیت/ ظانیوی
سلاحمین - هدولیر، 2008، 20 و دووات.
(29) دراوه: عبدربی سکران الیوئی، اکبرد العراق (1851)، درائیس در التاريخ
الاقتصادی والاجتماعی والسياسی، جامعة القاهرة، کلیه الآدابل، 1987، ص: 20; باروئن
نیکوئرد نؤلده، س. ب.، ل: 8 و دووات.
(31) د. م. س.، ل: 22 و دووات.
(33) طارق نافع الحدایان، ملاحم سیاسی وحضاریة في تاريخ العراق الحديث
والفعصر، ط: 6، دار العربیة للمسوعات (بیروت، 1989)، ص: 249.
(34) باروئن نیکوئرد نؤلده، س. ب.، ل: 20.
(35) ه. س.، ل: 20.
(36) جمس بکنگهام، مس، ص: 143.
(37) گهشتنامه ریچ... ل: 152.
(28) ومركزوة له: د. بدرخان السندي، المجتمع الكردي من النظور الاستشراقي، ط: مطبعة وزارة التربية، (أربيل 2002)، ص 49.
(29) بارون ناد手工د نولد، س. ب. ل 29.
(30) موصل ولايتية سانامية رسيمسيدر (1320 هـ)، عزتلا صفوت بك معرفتلة ترتيب
و دربنجي دفعة أولا رق موصل مطبعة سنة اولنمشدر، ص 244.
(31) سانامية ولايت موصل (1321 هـ)، ص 298: هرموها بروانه: شمس الدين
سامي، م، م 5، ص 282.
(32) بروانه: ميجرسون، رحلة متنكر إلى بلاد مابين النهرين وكردستان، ترجمة: فؤاد
جميل، ط: (بغداد 1996)، ج، ص 121، 125، 127، 128، ص 11.
(33) بروانه: د. سعدي عوسمان (وكرديا و بناويز يو نووسين). گمشت دكترز نيفز به
(35) بروانه: جيمس ريموند ولستيد، رحلة إلى بغداد في عهد الوالي داوود باشا، ط:
سلمي ط: التركي، مطبعة ثوبني، (بغداد 1984)، ص 98.
(36) سانامية ولايت موصل (1320 هـ)، ص 91: اوليفية، رحلة اوليفية إلى العراق (1394).
1269 م، ت: د. يوسف حبي، مطبعة الجمع العلمي العراقي، (بغداد 1988)، ص 17.
(37) رحلة نيبور، ص 8.
(38) بروانه، اوليفية، م، ص 158.
(39) م، م، ص 172.
(40) م، م، ص 177.
(41) رحلة متنكر، ج 1، ص 132.
(42) ستيفن هايسلو لونگریک: العراق الحديث من (1920-1969)، التاريخ السياسي
والاجتماعي والاقتصادي، ط: سليم ط: التركي، ج، ط: مطبعة حسام: (بغداد
1988)، ص 125، 126، 127، 128، 129، 130، 131، 132، 133، 134، 135، 136، 137، 138،
139، 140، 141، 142، 143، 144، 145، 146، 147، 148، 149، 150، 151، 152، 153، 154،
155، 156، 157، 158، 159، 160، 161، 162، 163، 164، 165، 166، 167، 168، 169، 170،
171، 172، 173، 174، 175، 176، 177، 178، 179، 180، 181، 182، 183، 184، 185،
186، 187، 188، 189، 190، 191، 192، 193، 194، 195، 196، 197، 198، 199، 200،
201، 202، 203، 204، 205، 206، 207، 208، 209، 210، 211، 212، 213، 214، 215،
216، 217، 218، 219، 220، 221، 222، 223، 224، 225، 226، 227، 228، 229، 230،
231، 232، 233، 234، 235، 236، 237، 238، 239، 240، 241، 242، 243، 244، 245،
(43) E.J. Brill، The Encyclopedia of Islam، New Edition، 1986، vol. 5،
Art (Kirkuk)، p 146.
(44) سانامية ولايت موصل (1320 هـ)، ص 246.
(55) سالنامة ولايت موصل (1320هـ)، ص. 242.
(56) بروانه،: ياسين افندی العزري ابن خیرالله الخطیب الموصلی، زیدة الائثار الجليبة في الجوادات الأرضية، حفظه وعلق عليه، عماد عبد السلام رؤوف، مطبعة الاداب، النجف الاشرف 1324هـ. ص. 17.
(57) ودرگرامه له: بدرخان السندي، م، ص. 492.
(58) سالنامة ولايت موصل (1320هـ)، ص. 200.
(59) بهبهانی پیوندهای نیو سدره می‌باشد تولیقه دیگرده (2کیلو و 175گرم). بؤزانیاری زیناتر بهم باره‌ی‌وداده بروانه، بهم‌بوه بروانه (دراو و کیشان و پیونده) لهم تولیقه وحیده دا.
(60) سالنامة ولايت بغداد (1295هـ)، ص. 230. نقلاً عن: د. عبدالفتاح علی البوتاني، دراسات ومباحث في تاريخ الكورد والعراق المعاصر، مطبعة حاجي هاشم، اربيل 2007. ص. 111.
(61) بروانه: سالنامة ولايت موصل (1320هـ)، ص. 21; سالنامة ولايت موصل (1320هـ)، ص. 22.
(62) بروانه: اولیفیه، م، ص. 23.
(63) بؤزانیاری له باره‌ی‌هم جوزه دراوه بروانه، بهم‌بوه (دراو و کیشان و پیونده) لهم تولیقه وحیده دا.
(64) ودرگرامه له: کامیار عبدالصادق أحمد الدوسکی، بهدنین في أواخر العهد العثمانی (1744-1917)، ط: مؤسسة مسکونیه - اربیل، مطبعة خانی (دهلوك) 2007. ص. 273.
(65) سعیدی عثمان، کوردستان الجنوبیة.... ص. 282.
(66) جیبمس ولستیه، م، ص. 389؛ همراهها بروانه: سعیدی عثمان، کوردستان الجنوبیة.... ص. 283.
(67) رحلة عوینية.... ص. 17.
(68) م، ن، ص. 171.
(69) د. عبدالباجی حائر غفور، اربیل في السالنامات العثمانیة، مجلة (کاروان)، ص. 96.
(70) رحلة نیبور.... ص. 9.
(71) گاشنامهی ریج.... ص. 142-143.
(72) جمال بانان، سليمان شاهوود، ب.د: دزگاره جهاب و بهخش سهردم، (سليمان 2000)، ص.11.

(73) سالنامة ولايت موصل (1308هـ)، مكتوبي ولايت سعادتلو حسن توفيق اهندی معرفته ترتيب اولنشر، ص.149: سالنامة ولايت موصل (1309هـ)، ص.224-225.

(74) ماموستا جعفر، شاري سليمانی/ مملکتی گروهی کوه‌های تیپه‌گان (1890)، 1910، جابجایی شفان: سليمانی 2000، ص.117.

(75) گنشتامه‌ی ریج... ل.278.

(76) ا.م. منتشرنشده، م. ص.90.

(77) عبد ربه سکران الواعظي، م. ص.130: نمای سه‌شاخه، بدايات التحديث في العراق 1879-1944، رسالة ماجستير، جامعة المستنصرية، 1984، ص.22؛ د. كمال مظهر أحمد، کرکوك وتوابعها حكم التأريخ والضمیر/ دراسة وثائقية عن القضية الكردية في العراق، ج، مطبعة رينوین، د.ت، ص.7.

(78) كمال مظهر أحمد، م. ص.75.

(79) د. طارق نافع الحمداي، م. ص.138.

(80) بروانه، د. حمید حمید، کورده‌کانی نیمیترنودیه‌ی عثمانی، ودرگیری‌نه به روسریوه، د. کاوس مفتیان، درگاه رئیسبرای و بالورکنودی کوردی (بغداد 1387)، ل.17. ب. زانیاری له باری، همیندی لیه به جوزو چورانه، که له ناوجیکانی زیر دست‌لیکتی، دولتی عثمانی، ودرگیری بروانه: عباس العزاوي، تاريخ العراق بين الحضارات، مطبعة شركة التجارة والطباعة المحدودة، (بغداد 1349)، ص.278-280. وعباس العزاوي، تاريخ الصراعات العراقیة من صدر الإسلام إلى آخر العهد العثماني، مطبعة شركة التجارة والطباعة، (بغداد 1359)، ص.142.

(81) سیامه، به حجور و رؤیه، د. عابانه د. له ماهی‌ها، له کرکوك ودرگیری بروانه، د. حیات ر سعید شونی، س. پ. ل.129-179.

(82) جیمس بیلی فریزر، رحله فریزر إلى بغداد في 1384، ت، جعفر الخیاط، مطبعة الجزائر، (بغداد 1394)، ص.27.

(83) ل. بهرامی، مطبوع، م. ص.75.

(84) بارون، نیدورد، نویس، س. پ. ل.10.

(85) رحلة نیبرور... ص.10.

(86) عباس العزاوي، تاريخ الصراعات العراقیة، ص.5.
(87) أحمد علي الصوفي، المالك في العراق/صحائف خطيرة من تاريخ العراق القريب 1831-1949، مطبعة الاتحاد الجديدة، الموصل، ص 215.

(88) سعيدي عثمان، كوردستان الجنوبية... ص 379.

(89) لوتسيكي، مس، ص 22.

(90) فيصل محمد الديحيم، تطور العراق تحت الحكم الاتحاديين (1914-1920)، مطبعة الجمهورية، الموصل 1979، ص 217.

(91) بروانه، غانم محمد علي، النظام المالي العثماني في العراق (1332-1370هـ/1913-1950م)، رسالة ماجستير، كلية الآداب/جامعة الموصل، ص 125-172، ستيفن لونغريك، العراق الحديث ص 5.

(92) بروانه، كاميران عبد الصمد الدوسكي، مس، ص 55.

(93) عباس العزاوي، تاريخ النقود العراقية (لما بعد العهد العباسي من سنة 1326هـ/1908م إلى سنة 1375هـ/1957م)، طبع شركة التجارة والطباعة، (بغداد، 1980).

(94) غانم محمد علي، مس، ص 135.

(95) بروانه، علي شاكر علي، ولاية الموصل في القرن السادس عشر/دراسة في اوضاعها السياسية والأدارية الاقتصادية، اطروحه دكتوراه، كلية الآداب/جامعة الموصل، 1992.

(96) بؤز زانبارى زياتر لته بارهيوه بروانه: عباس العزاوي، تاريخ النقود... ص 145.

(97) غانم محمد علي، مس، ص 171.

(98) م. ن. ص 135؛ هجوودها بروانه: خليل علي مراد، تاريخ العراق الاداري والاقتصادي في العهد العثماني (1048-1382هـ/1832-1965م)، رسالة ماجستير، كلية الآداب/جامعة بغداد، 1987، ص 44.

(99) بروانه: غانم محمد علي، مس، ص 186؛ هجوودها بروانه: علي شاكر علي، ولاية الموصل... ص 202.

(100) غانم محمد علي، مس، ص 227؛ ستيفن لونغريك، العراق الحديث... ص 76.

(101) بؤز زانبارى زياتر له بارهيوه بروانه: عباس العزاوي، تاريخ النقود... ص 182 ومابضاها.

(102) رحلة نيبور ... ص 77.

44
ليستي سمارجاودك

يعكم/ جايكراوي حكيمي:
- سالمانية ولاية موصل (1408هـ)، مكتوب ولاية سعادتلو حسن توفيق افندی معرفتیة ترتیب اولمشرد.
- سالمانية ولاية موصل (1308هـ)، مكتوب ولاية سعادتلو حسن توفيق افندی معرفتیة ترتیب اولمشرد.
- موصل ولايتي سالمانية رسیسیدر (1325هـ)، عزتعو صفوت بک معرفتیة ترتیب و دردنجی دوهد اولمشرد رق موصل مطبعة سندے باصلبدشت.
- موصل ولايتي سالمانية رسیسیدر (1320هـ)، عزتعو صفوت بک معرفتیة ترتیب و دردنجی دوهد اولمشرد رق موصل مطبعة سندے باصلبدشت.

دومم/ نمختامکان:

ا/ به زمانی عربی:
- اولیفیه، رحلة اولیفیه إلى العراق (1786-1787م)، ت: د. يوسف حبي، مطبعة الجمع العلمی العراقي، (بغداد 1988).

(102) ستيفن يونغريكي، العراق الحديث... ص 72.
(104) م. ن. ص 72.
(105) علي شاکر علي، كوكوك في العهد العثمانی في القرن الثاني عشر والثامن عشر ملاحظات أولیة، بحث غير منشور بحوزة ساحقیه. بؤز زایناری زیارت به بارمیهود برانیه، علي شاکر علي، ولاية الموصل... ص 142، اولیفیه، م. ن. ص 72.
(107) علي شاکر علي، كوكوك في العهد العثمانی... بحث غير منشور.

(107) فهرست، مشیّه تکی الشیک، له بنهیدرودا وشکی (فرانسکا)، نه بیولاویه بیوتیکی کونو له لاین تبیرانیپهکان و سردودیم تیباسلمیشیشا به کارهانوده. بؤز زایناری زیارت برانیه، پاکودو، اولیفیه، معجم البلدان، مک 1، (پیروت 1979)، ص 23.

(108) فالترهنتس، الكاءیل والأوزان الاسلامیة ومايعادلها في النظام الدی، ت: کامل العملي، ط 1، (عمان 1970)، ص 8.

45
- جيمس بكنغهام، رحلتي إلى العراق 1814، ت: سليم طه التكريتي، ج، مطبعة اسد، (بغداد 1968).
- جيمس بييللي فريزر، رحلة فيزير إلى بغداد في 1824، ت: جعفر الخياط، ط: مطبعة المعارف، (بغداد 1964).
- جيمس ريموند ولستيد، رحلة إلى بغداد في عهد الوالي داوود باشا، ت: سليم طه التكريتي، مطبعة دومي، (بغداد 1984).
- كارستن نيبرور، رحلة نيبرور إلى العراق في القرن الثامن عشر، ت: د. محمود أمين حسين، مراجعة وتعليم: سالم الألوسي (بغداد 1975).
- ليونهارت راولف، رحلة الشرق إلى العراق وسوريا وفلسطين 1735، ترجمة وتلخيص: سليم طه التكريتي، دار الحرية للطباعة والنشر، (بغداد 1978).
- محمد بن أحمد الحسيني المشهودي، رحلة المشهودي البغدادي، ترجمة عن الفارسي: الحامي عباس العزاوي، دار الجاحظ، (بغداد 1970).
- ميجرسون، رحلة متنكر إلى بلاد مابين النهرين وكردستان، ترجمة: فؤاد جميل، ت، الطبعة الأولى، (بغداد 1970).

ب/ به زمانى كوردي:
- بارون نيدوارد نولد، غشتيلك به عامبسان و كوردستان و نهر مانشستر، وهارون شيرلي، كليندوس خيسى، جابطخانى، وزاريتي روشنبيرى، (هولنديث 2003).
- كليندوس خيسى ريج، غشتيلمانى ريج به كوردستان 1870، و: مجهم حميم بالي، ز، جابطخانى، وزاريتي بهرورد، (هولنديث 2002).

سيمو فيگان

/ به زمانى نورگى:
- شمس الدين سامي، فلامس الإعلام، مجلد (5)، مهران مطبعة سي، استانيبول، 1349هـ/1969م.

ب/ به زمانى عمرى:
- المنشابلي، العراق في سنوات الاستبداد البريطانى، ت: هاشم صالح التكريتي، مطبعة بغداد، (بغداد 1978).
- احمد علي الصوفي، المالكي في العراق، صحناخ خطيرة من تاريخ العراق القريب 1831-1949، مطبعة الاتحاد الجديدة، الموصل 1952.
- بدرخان السندي، المجتمع الكردي من المنظور الاستثماري، طا، مطبوعة وزارة التربية، (أبريل 2002).
- ستيفن هيمسلي لونغريكي: أربعة قرون من تاريخ العراق الحديث، ج، حجر الخياط، (بيروت 2004).
- ستيفن هيمسلي لونغريكي، العراق الحديث من (1900-1990) التاريخ السياسي والاجتماعي والاقتصادي، طا، مطبوعة حسام، (بغداد 1988).
- سعدي عثمان حسین، كوردستان الجنوبية في القرنين السابع عشر والثامن عشر، دراسة في علاقاتها الإدارية والسياسية والاقتصادية مع إيران، بغداد، مطبعة سبأ، (السليمانية 2001).
- شاكر خصباك، العراق الشمالي، دراسة لنواحيه الطبيعية والبشرية، مطبعة شفيق، (بغداد 1973).
- طارق نافع الحمداني، ملامح سياسية وحضارية في تاريخ العراق الحديث والعاصري، طا، موسوعة درار، (بيروت 1989).
- عباس الزواي: تاريخ العراق بين احتلالين، مطبعة شركة التجارة والطبعاء المحروسة، (بغداد 1949).
- عباس الزواي: تاريخ النقود العراقية (لم بعد العهد العباسي من سنة 155هـ/772م إلى سنة 1326هـ/1917م، طبع شركة التجارة والطبعاء، (بغداد 1988).
- عباس الزواي: تاريخ الضرائب العراقية من صدر الإسلام إلى آخر العهد العثماني، مطبعة شركة التجارة والطبعاء، (بغداد 1959).
- عبدالربيع سليمان نوار: داوياً بالسما، طا، مطبعة شركة التجارة والطبعاء، (القاهرة 1938).
- عبدالفتاح علي البغدادي، دراسات ومحاضر في تاريخ الكورد والعراق العاصري، مطبعة حاجي هاشم (أبريل 2007).
- فاطمتهن الكابيل، والإزوان الإسلامية ومبادئها في النظام المرتي، ت، كامل المсли، طا، (عمان 1970).

47
ج/به زمانی کوردی:
- د. حمایت حسینی، نیمروزی‌های عثمانی، ودرک‌گرایی له‌روسی‌ها، د. گازی بندر، درگاه رئیسی و بلوری‌نامه کورده، (بیروت 1987).
- د. جمال بنابن، سلیمانی شاه، گمشده هم، د. دژگاه چاب و به‌خشی سرده، (سیامی‌نا 2002).
- مانوات خسرو، شاه سلیمانی میرلندی، در گروه کمون‌لایه‌گیکان (1820-1930).
- جابانیه‌شماره، 2000.

جوارم، نامه زانکنی بالوونکاراها;
- تیزی دکتره، عبد ربه سکاره الوفالی، اکبری العراقی (1914)/ درس تاریخ‌الاقتصادی واجتماعی، مدرسه لیسیایی، کلیه‌بی‌پایان/ دانشگاه، 1987.
- علي شاکری، ولاية الموصل، درسی تاریخی کلیه‌بی‌پایان/ دانشگاه، 1997.
- الاداریه الاصلیی بدان، کلیه‌بی‌پایان/ دانشگاه، 1993.

ب. نامه‌ی مستر:
- به‌زمانی کوردی:

شمسه/ هرمزديه: 

أ/ به زمانی عربی:
- د. ابراهیم خلیل احمد, الحیاة الاجتماعیة فی ولایة الواصلة, مجلة (المؤرخ العربي) 1989.
- د. عبدالجبار قادر غفور, الساکنات السیاسیة, مجلة (کاروان), 1990, 94.
- د. علي شاکر علي, کرکوك فی العهد العثمانی فی القرن التاسع عشر والثامن عشر, ملاحظات اولیة, (بحث غير منشور بحوزة مؤلفه).
- محمد عبیدالله عمار, الیدیة القومي الكردی فی لواء الواصلة, (هوارو کرکوك), 2 (اربیل), 1998.

ب/ به زمانی کوردی:
ملخص البحث

النشاط التجاري في كركوك خلال القرن التاسع عشر

م.ب.ختيار سعيد شواني
قسم التاريخ - كلية العلوم الإنسانية - رانية
جامعة كويه
荆州 صلاح الدين، اربيل

تناول هذا البحث النشاط التجاري في كركوك وتوابعها خلال القرن التاسع عشر، ووضح بأن المدينة قد اضحت مركزًا تجاريًا في المنطقة بحكم توسعتها المنطقة الجبلية والسهلية. ووقعها على طرق تجارية عديدة، وخاصة طريق (بغداد- كركوك- اربيل، الموصل)، ولكن عوامل أخرى أثرت سلباً على نشاطها التجاري، منها: رداء الطرق وتخفيف وسائط النقل وانعدام الأمن، وكذلك سوء تصرف المسؤولين العثمانيين في بعض الأوقات. وعلى الرغم من ذلك كانت كركوك سوفاً داخلية عامرة، حيث ضمت (1823) محلًا تجاريًا في عام 1894، وكانت تجارتها الخارجية مع الآفاق المجاورة نشطة أيضًا، إذ كانت تتصدر على العديد من السلع عن طريق بغداد والموصل، كالسكر والقهوة والأقمشة والبسط وبعض المصنوعات الهندية والأوروبية. كما كانت تصدر بعض السلع - وخاصة المنتجات الحيوانية والزراعية - عبر هذين النافذتين. وكان لتجار كركوك صلات تجارية مهمة مع المناطق الكردية المجاورة أيضًا وخاصة السليمانية واربيل. وقد فرضت الدولة انواعًا من الرسوم على التجارة، منها رسم المبادر والرسوم التي كانت تفرض على مداخل المدن.
Abstract

The trade in Kirkuk during the 19th century

Dr. Saadi Uthman Haruti
Assistant prof
History Dept. Colleges of Arts
Salahaddin univ. Erbil

Bakhtiar Saeed Shwani
Assistant lecturer
History Dept. Colleges of Human science
Koya univ.

This research dealing with the trade sector in Kirkuk district during the 19th century. And it proved that this city was became a commerce center, because its position between mountains and plane areas. Also it situated on the some important trade ways, like: Baghdad- Kirkuk-Erbil-Mosul road. But there was some factors plaid negative role in this side, like rotten of roads, bad transfer instrumentality, and absence of security in some times. In spite of this we can say that Kirkuk have a crowed internal market, which contained (1282) shops in 1894. Also the city has an active commerce with the neighbor province. It imported many commodities from Baghdad and Mosul and across them, such as sugar, coffee, cloths, carpets, and some Indian and European industry products. In the same time Kerkuk was exported some kind of its products- especially agricultural and faunas products- by this tow ways. Kerkuk tradesman’s also have commerce relations with Sulaimani and Erbil. Finally the study made clear that the authorities put on some kind of taxes on the commerce activity, especially in the gates of cities, also in the passages.
بوخته

نهذّه فکرالینه لژیر نافَقی (شروفه‌کرنا دیسکورسی – ریزمانی بِو جِیرِوکا (مریپایین ناغای) د ناف هُور دوو ناستین گر و هویر دا) ههول (Cohesion) ددعت باسی فاکتهمِنُ بِیکهُ گریدانی نافِخویی‌ی با دهقی لدوبیف بِرو به‌جوونیینِ هالیتُدای دناف هُور دوو ناستین گر و هویر دا بهبات. بویِنِ جِنِدن دی رُی مفا د نامرداکا تهواها فاکتهمِنُ بِیکهُ گریدانی هاتیه و مرگِرتن کو تیِدا دیار دِبیت د ناف ناستین گرِ دُفِ دهقی دب پلا تیکِ مفا ز (ژِنِ پریشی) ول بِلا دُوویین مفا ز (فاکتهمِنُ بهِفی) هاتیه و مرگِرتن به‌شیگُمیکی کو هُور دووییان بِیکهُ (8.4٪) یا سَرِ حَمی بِیکهُ گریدانی دهقی بیِک تِینایه. د ناستین هُویر ژی دا رِیِزا رِستین راگه‌هاندونِ رووت (12.8٪‌هم. رِیِزا رِستین تهواو (60٪‌هم. رِیِزا رِستین بکهر دیار (99.1٪‌هم و نهمد رِیِزا بکار نینِانِ دِگهل نِافختنا رِؤُزانه دا دگنجنیت. لِن رِیِزا بکار تِینانا رِستا ساده (70٪‌هم و دگهل نِافختنا رِؤُزانه دا ناگونِجیت. لِن نهمد رِیِزه‌ی دِگهل رِیِزه‌ی بِیکه‌اَنِ سنَری پَوویه نَم‌گهَرهْ کورتِیرِنِ دناف دهقی دا.
پیش‌ساخت

نَشَف فَهم‌کشی‌های پیکر هنری ز شرَوه‌فتنه‌کردن که دیسکوْرسی - ریزمانی بوده‌اند که دُم‌های گرچه (مری‌پایی‌های ناگفته)، که تیم‌های هولن‌دومت فاکتورین پیکره گریدانی دانستن در دستورالعمل کمکت. گردنگیا فی‌باینی د وی چهند های گرده‌ای فهم‌کشی‌ها دیسکوْرسی دشین بینه بنامه گرده‌ای فهم‌کشی‌ها مره‌های، مینا دست‌نمایشان‌کنارا شیوازی نفیسه‌هکا یان‌های بَرودِکنارا شیوازی چندین نفس‌هادان هم‌رسا دشیت د بی‌بی‌ها وِرگِن‌ارا زی‌دا مفا زی به‌یکه وِرگِن‌رتن.

نُه‌گردیده‌های هاملِزَرنتا فی‌چله‌ی ز نه‌هاد که نَشَف گِرچه‌که هِما رادیم‌هک زَر ز شیوازی ناخِفَنیا رؤس‌انگیا خامکی نیزیکه و دوروهُ ز هونم‌کاری و ذاَفَن‌ناهی دست‌یکرد له‌وا نم‌ناجَم‌یِن وِئ‌دی دش‌رده‌هی‌نَم‌تر بن. فهم‌کشی نهم دوو ناستَین گر- و وِرگر - Macro level دا هایِ هن‌نم‌نادانُ لِن‌ز بَو‌نان سنووادار بَو‌نَوی بَن‌نَین‌ فاکَترِن (Cohesion) بیکه‌گری‌دان‌ها ناف‌خوی‌ی‌لی ده‌فِزی (هان‌یه وِرگِن‌رتن هم‌رسا) د برانکیک‌که‌ی‌زی‌دا بِن‌نَین‌نِه‌یک گِرچه‌که هان‌یه وِرگِن‌رتن.

د فی‌گِرچه‌کردن دیسکوْرسی دا مفأ زِ بَرودِجوُن‌نَین هالیدای هانیه وِرگِن‌رتن. داب‌مشکن‌ها باب‌هدی‌نِن‌ فهم‌کشی‌لزی بَ فِشی‌دهی‌لی‌ که ل دست‌نیک‌پی‌بَو‌خِه‌هک هانیه و بی‌نی‌مشکه‌هک هانیه و تیم‌نِه‌گِرگ‌ی‌هی‌لِفِرانتا باب‌هدی، سنوور، ری‌باز و بِشک ذِن‌ فهم‌کشی‌لزی هانیه کردن. بنی‌هت فان رَو‌کَردن‌نِن‌ فهم‌کُلَن‌ل سِر فان پی‌شِک‌ن‌ن خواری‌های هانیه داب‌مشکن‌هان:

۱- پیش‌ساخت‌زی دیروگی، دفَن خالی‌دا هولن‌هایه‌هی دان کو باسی دیروگا سَر‌ه‌هد‌ی‌ل‌های شرَوه‌فتنه‌کردن‌ی دیسکوْرسی‌ به‌‌یکه‌یه کردن.

۲- شرَوه‌فتنه‌کردن دم‌های و شرَوه‌فتنه‌کردن دیسکوْرسی‌، لَفْیره‌هی‌های‌هی دان‌ دنای‌هی‌دا هم‌دوره‌ی‌های‌هک‌دها جِه‌سِک‌دی‌ی به‌‌یکه‌یه‌کردن.

۵۳
3- نظرکردنی زمانتی، دفن‌خالی‌دا همولک‌هاتیه دان کو باسی نظرکردنی زماننی لنک هالئیدا بهیت هرگز و جهی‌پیکفه‌گریدانی دنافاً فان نامرکان دا بهیت هدهستنیشانکن.

4- پیکفه‌گریداندا، د فین بشکی‌دا پیکفه‌گریدان هاتیه پیناسه‌کر و فاکته‌رین وی هاتین هدست نیشانکردن و بو پیر روً بوونا بابه‌کاری‌دی زی نمونیه‌ن زجرؤکایا (مرئی‌باین‌نانگای) هاتینه و مرگرتنه.

5- زمانانفانیا گر و هورییا، تیبدا باساً فاکته‌رین پیکفه‌گریدانی دنافاً هدر دوو ناستی‌ن گر و هوبردا هاتیه‌کر.

6- شرورقه‌کرنا دانیانا، دفن‌خالی‌دا هکی‌دا نامارا کو ز تئنجامی شرورقه‌کرنا دانیانا ب دهست هاتیه، هاتیه‌نیشانداً

ل داکی‌ر د نئنجام و لیستا زیده‌ردن و بوختن فه‌کولین‌ب زماننی عصری‌ی و نئنگلیزه‌هاتینه.

پیشینه‌ی دیروکی

بناغن‌ی زانستی شرورقه‌کرنا دیسکورسی- بو دیسکورسی Discourse analysis 

2000 سالان به‌مره‌بو ندره‌دفرته‌ی‌ه، واته بو سه‌رده‌ی‌ب‌ها‌ه‌الاف‌بوونا رهروآبی‌زین و سه‌رده‌ی‌ج‌ه‌وا‌آ‌دروست‌تا‌خفن‌دا‌دفرته‌‌ی‌ه، لک سهرده‌نا‌فا دراگفی‌بو سالنی‌ن شیست‌دا دفرته‌ی‌ه. (رومنینا یمنی: 138)

2 زاها‌ی‌دیسکورس بو جارا تنیکی ل سال 1953‌ی د وداردا زمانانفانی بنان‌ه و دماغی‌ن دنگل‌بی (زهایک هریس) ی دا میانه‌ی‌ب‌کاره‌نیان بیشتره‌ی‌هم‌ از هی‌دنی‌زمانانفان‌فا کولین ل دیسکورسی کریبیه، بی‌اینه‌ی‌زاپی‌ی‌مانتوسی (یک‌سی‌سی‌ب‌فوتاخان) (براگ) ی‌بوب و ز‌زیرن (هرند) ی‌گو سمر ب فوتاخان لدمدن‌بو هور ونسان ل سالنی‌دا سدای د‌بورویی‌زا هالی‌مانیو و نوها و جسه‌ندن‌فا کولین ل دیسکورسی کریبیه. (هالی‌یدای و

( Cohesion in English ) باسی فاکته‌ری‌پیکفه‌گریدانی د هدر دوو زماننی‌ن دنگل‌بی و فارسیدا
کریمه، بخشی از یک ترویجی زی هالیدی اسرار فرهنگی خوه لدوز
دیسکورسی به‌دردوم بیوه و بیفی رمگی برای گویان هالیدی لدوز
دیسکورسی و فاکته‌ریون (پیکپه گریدمان) به‌نهب بیوه به‌نهب همه‌ی فرهنگی کریمه.

شروفه‌كرنا دیسکورسی دی جارجوفی زمانفانیه دا نه‌رابوستا و
دماومگی‌گه‌لماک‌که‌کی‌دا و ب پیکورا هندمک زالاین میتا (زارا دریدای
میشل ونگوی و هند) ز زمانفانیه به‌رهف فرهنگی‌گه‌لماک سیاسی و
کلتوری جوو و شیوه‌همک رهمنیه (analysis) بخوه فله‌گرت و بود زارافمک سرماک د هزار فلس‌سیفی،
جفاکی سیاسی، و دگه‌الله جمکن میتا هریز، رهگز پهرمتست و هند دا
بکار هراتی‌بیفی زوالی‌گه‌لک‌هیزی فی زارافه د بیافی‌دی به‌نهب نه زمانیه دا
جمکن خویشی سرماک دورو کوافتیه و هاتیه گوهورن.

**Text analysis**

**Discourse analysis**

زمانفانی د ری‌رهوا خومیا ودراری دا دیده‌فانی‌گه‌لماک تیور و نیترانه،
به‌ره (1960) ز فر تسای نه‌لیکه‌کی سیستمی‌هی وزمی ز
دکر ل‌ز وی دیروکن ویغه‌بیزد سیستمی‌هی فرتس
پاسته‌همک زوروماک.

نمائن‌دی‌نیکرنا نوه بیوه فله‌گرتی به‌یدا بیوه‌دا دوو لقینی نوه د زمانفانیه
دا، یا نیکی‌شروفه‌كرنا ده‌بیه – Text Analysis –
و یا دی شروفسِرنا

پس بوو طسوکورسی.

نه لخوازی دی همول دمین بکورتی بایس نیکرنا هندمک فرهنگی‌ن
فی بیافی لدور همر دوو لقینی نوه بییز زمانفانیه‌بکه‌بیه‌ی.
شناختی د پیداسا دمقی دا دبیزیت؛ ((دمق بریتیه ز جهوانام ریکخستنایا
رستن دناف جارجیوحن یهک پیین ممزنت ز رستنی
وتاه دناف دمقی دا).) (سید محمد حسین معصوم: ۱۳۸۴:۱)
عمیدولواعد مشیر دزهی دبیزیت؛ ((دانهی سیمانتیکیه و
بیونندی به واتاهو همهی نمک فورم، که بریتیبه له زنجیره رهننیکی زمان
و یهکیمیکی گشتنی تهواو پیکدنی و رستهگان واتای یپکری تهواو دنگن
تا کوتاپی دمق واته، واتای رسته پیست به واتای رستهگانی تر
دهستینیتیتیتی).) (عمیدولواعد مشیر دزهی؛ ۲۰۰۵:۴۲)
براو و پول (دمق کمرستن بهرجهکرنا ناخذنتینیه). (جلال
رحیمیان: ۱۳۸۴:۴۴)
بیف رنهگی د شروفهکرنا دمقی دا کا جهوان رسته ودکو یهکیمیکا
سمرره خو دهیته ودمرگتن ب همان شیوه زی دمق ودکو یهکیمیکا
سمرره خو دهیته ودمرگتن. د شروفهکرنا دمقی دا، دمق ددوز ز فاکتمبرن
دوبرخ‌های مینا جه، دم و... هنده دهیته ودمرگتن و باسن جهوانای رهننیا
فن یهکی دهیته کرنه، نمو یهکیمیا کو ز نهنگنی رهننی کههکا یهکیمیک
دبیر (رسته) یپک دهیته. کموقای لفیئره هرهول دهیله دان ددوز ز
بکارنینی، یسارینی رهننی دمقی دناف زمانی دیارگریدا بهنیه دهستینیشان
گرنه.

شرواوکرنا دیسکوئرسی

نستازی د پیداسا دیسکوئرسی دا دبیزیت؛ ((دیسکوئرس هرهول ددهت
فهکولنیت ل سیستمه و ریکخستنایا سرهرو ودستنی زمانی ودکی
دانوساندنی پانزی دهفتین نفیسی بکر.) (جلال رحیمیان: ۱۳۸۴:۴۴)
سولبون دبیزیت؛ (دیسکوئرس هسهولویتی دگامل یهکیمیکی ممزنت ز
رستن دکتی، کا جهوان دتین ب هاریکاریا یسارینی رهننی، نافین
نمساده، فریز و رستن درهست بکن و ب همهان شیوه دتین ب هاریکاریا

۵۶
دیسکوئرسی رستان ب شیومه‌کی دمربرین کو پی‌پوئن‌دی ب همف‌وا هم‌بیت،
ب‌شیومه‌کی کو خون‌هاین یان‌زی یو‌ن‌ه‌دادر بسان‌ان‌هی ز رست‌ه‌م‌ی‌سکی یو روست‌ه‌م‌ی‌سکا
دی‌رب‌چ‌یت. (صلة‌جو: ۱۳۷۷: ۷)
رارت‌دی‌بیژتیت: ((دیسکوئرس برم‌تیه‌بی‌ه‌هارچ‌ه‌م‌ی‌سکی م‌م‌زن و نیک‌گر‌تیا
زمائیی.)) (رارت‌لارنس تراسک: ۱۳۸۰: ۱۸۶)
نادریان و هم‌مالیین وی دی‌بیژتیت: ((دیسکوئرس فهم‌کوئینی لیه‌ک‌ی‌یی زمائی و
بکاررینان زمائی دکمت، نامه‌ی‌ک‌ی‌یی کو بی‌ر ز رست‌ه‌م‌ی‌سکی نه، لی ب‌هاری‌ک‌ی‌یی سیست‌مه‌کی یی‌ف‌ن‌ی‌ش‌ن‌یان نیک‌گر‌تیا هاتینه‌گ‌ریدان، ب یا‌ت‌ی‌ه‌ی گا
دی دیسکوئرس فهم‌کوئینی ل وان رست‌ان دکمت کو نیک لدوئیف نیک‌دینه‌ن
و نیک‌گر‌تیا دهین‌ه‌ن. (ادریان اک‌م‌ی‌ییچ و دوستتان: ۱۳۸۲: ۲۰۰)
زفان نی‌ت‌ن‌س‌ان دگ‌ه‌م‌ی‌ه‌ن وی نهم‌ج‌م‌ی‌ن کو د شرک‌ف‌ک‌ی‌ن دیسکوئرس زی
دا مینا شرک‌ف‌ک‌ی‌ن یک‌م‌ه‌م‌ی‌ی م‌م‌زن‌ت‌ر ز رست‌ت‌ه‌ن ده‌ین‌ه‌ن و ورگ‌رتن لی د
شرک‌ف‌ک‌ی‌ن دیسکوئرس‌س دا به‌روف‌از‌ی شرک‌ف‌ک‌ی‌ن دمکی بکاررینان زی
ده‌ین‌ه‌ن و ورگ‌رتن ویت‌ن نیک‌گریدان دمکی بیت‌نی ب هاری‌ک‌ی‌یی روه‌ن‌یان سمرف‌ه
و ناماد‌ه‌ن دن‌اف‌د‌ق‌ی‌ه‌ن دا دروست ناب‌ی‌ت‌ب‌ه‌ک‌و نیک‌ف‌ی‌ه‌ن نیک‌دگ‌ه‌ن
دوم‌ب‌ر‌ئی زی دا بیت‌ه‌ن و ورگ‌رتن و ورگ‌رتن که فاک‌ت‌ر‌ی‌ن مینا گیم‌م‌ینن
بیشه‌ک‌ی‌ن و بنه‌‌مای‌ی‌ن هف‌ک‌ار‌ی‌ن و ...هن‌د زی بیت‌ه‌ن دان. لی سمر‌ر‌م‌ای فی‌
چند‌ئ‌د تیک‌ل‌ه‌ی‌ک‌ی‌ک‌ی‌ان دن‌اف‌ب‌ر‌ا فان ه‌در دوو زاراف‌د‌ان ه‌م‌ی‌ب‌ه ل‌وا‌ گ‌ل‌ه‌ک‌ه‌ن
زاراف‌ن‌ان ب م‌م‌ه‌س‌ت‌ا د نیک‌جا‌گ‌ر‌ک‌ی‌ن زاراف‌د‌ئ‌ن (شرک‌ف‌ک‌ی‌ن دمکی‌)
و (شرک‌ف‌ک‌ی‌ن دیسکوئرس) ز ه‌ه‌رد‌ه‌د و ه‌و‌د‌ن د‌ای‌ه‌ن ((زاراف‌د‌ئ‌ن (شرک‌ف‌ک‌ی‌ن
دمکی) بین‌ئ‌ن بیت‌ئ‌ن دمکی‌نی مینا چن‌ر‌ئ‌ک‌ه، هز‌زان و ...هن‌د بکار بیت‌ن و
زاراف‌د‌ئ‌ن (شرک‌ف‌ک‌ی‌ن دیسکوئرس) بیت‌ئ‌ن ناخ‌ف‌ت‌ئ‌ئ‌ن مینا (دی‌او‌ل‌گ‌ی و ...هن‌د).
بکار‌بین‌ی‌ن. (حجل رحیم‌ی‌ن: ۱۳۸۲: ۴۵) لی هئ‌ر ن‌م‌ه‌ن جواد‌ک‌ر‌ن‌ه‌ن زی ب‌
ته‌و‌م‌ت‌ئ‌ن فان ه‌ه‌رد‌وو زاراف‌د‌ئ‌ن ز ه‌ه‌رد‌د و ه‌و‌د‌وو جواد‌ک‌ر‌ن‌ م‌م‌ه‌س‌ت‌ز
فی جواد‌ک‌ر‌ن‌ه ی هئ‌ر ن‌ه‌د کو بیت‌ئ‌ی‌ت‌د یا نیک‌ئ‌ک‌ئ‌د یا فاک‌ت‌ر‌ئ‌ن دوم‌ب‌ر‌ئی
ناه‌ی‌ن و ورگ‌رتن و د‌یا دوئ‌ئ‌ن دا نامو فاک‌ت‌ر‌ه‌د ده‌ین‌ه‌ن و ورگ‌رتن؛ نام د
شروع‌های کارا دیسکوئرسی دا دشیّین دهدقی‌ جیرنکه‌کی یان هر دهدقی‌
درزّ نفیّسی و وربگرین و ز دوو لایانفه وانه پیکه‌گریدان نافخویی یا
زمانی و پیکه‌گریدان ره دگه‌دل دهوروپه‌ری دا پاس بکمین. باشترین
جوادکر نانشی‌ه‌ا فان هر دوجو لفان دا ژلایی سولحویفه هاتیمه کرن،
بفی رنگگی کو((دیسکوئرس کومله توخم، کمرسته و باردوخن کو
نهمگه پیکه کو مه بین دهدقی‌ پیک دنین. کوهانه دوق ننچام و
بهرمه‌م دیسکوئرسی‌ به. ب واتایه‌کا دیتر دیسکوئرس زدیده‌ر و دوق
بهرمه‌مه دیسکوئرس خودان برافه و دوق راویستایه. دیسکوئرس بین و ورگر
پیشته ناجیت لهوا هریکمه پیشنه ج د ناخختنی دا یانزی د نفیّسیّتی‌ دا
و ورگرکی‌ گریمانه‌ی بع دخوه دانیت چونکی بهروفایی فی‌ جهندی
دیسکوئرس بِی‌یوگه‌کی پیکختی برهده‌ پیشته ناجیت و دهدقی‌ تندوا،
درست ناکاهت.)) (صلحجوی: ۷۲: ۸) لهوا لفیّری مه‌مه‌ستا مه‌ ز
دیسکوئرسی همو توخم،کمرسته و باردوخن کو دهدقی‌ پیک دنین و اه
نه بهره‌م دیسکوئرسی (دفقی) و مردرگن و ل فاکتمن‌ن بهره‌مه‌نینانا
وی دفقی (دیسکوئرسی) گره‌تیّین.

نمرکّی‌ن زمانی و برپسا پیکه‌گریدانی

هالیدای سی‌ نمرکّی‌ن زمانی دستشنان دکه‌ت: (مهران مهاجری و
محمد نبی‌ه: ۱۳۷۲: ۱۵-۲۹)

(Ideational Function)

- نمرکّی‌گی‌ئر یزی (Process) کو چالیفه‌ی کر رپیدانه‌کی، رنگ‌هازِندانه‌کی،
دوخه‌کی، پروسه‌کا سوژداری، ناخختنی یانزی هبه‌بوونی.
ب. بشکل‌داری‌ن بروئسی‌سی کو برتینه ز فاکته‌رین بشکدار د وئ بروئسی دا
ول جارچوفی بروئسی دا کار دکه. نش فاکته‌رده دشین یان هؤگالر
بروس‌بین یان بروسوه لسرمان روه دابیت، یانزی مفا ز بروئسی
وئرگرئی.

ج. فاکته‌رین ددوروبه‌ری بروئسی (Circumstantial Elements) نهو
فاکتین کو دمو و جه و شیوه‌ی کارکردن و نامی و کم‌رسه و دوخب
بروسی دستئئینیان دکه.

بً یک دموهه:
(نهبهایی بهری نفیزا ثیفارئ من لنک ناشی دیت.) (محمدم سلیم سواری؛
1983)

(دید) بروسوه
(نامبینی) و (من) و (نهو) ( بشکل‌داری بروئسی
(بهری نفیزا ثیفارئی) و ( لنک ناشی) فاکته‌رین ددوروبه‌ری بروئسی نه.

(Interational function

زمان ب نمرک کردن درست کرنا پیوهدنی، پاراستن، جیگر کرن و
ریخشتنا پیوهدنی جفاکی رادیت، ب ددربرنگی دای ناخافتنکر
یانزی نفیسم مفا ز دوزهک و میدرگریت تا ودکو ب هاریکاریا وئ
پیوهدنی دگهل کم‌سی دورووهر یانزی خوینده‌ی دادکه، بفی رهنگی
زانیاریکی ددهد، هفرمانهکی ددهد، پسریاردکی دکه و نهجام دانا
خزمه‌تغوزاریکی پیشینیز دکهت.

بً یک دموهه:
(سووهه‌تیا ج سوی؟) راگه‌ها‌ندنا پرسبار
(محمدم سلیم سواری؛ 1983: 10)

(نهو زحلامیت نوکه ل گوندی بلا بچن یؤ توربه‌می بکولن، مهلا زی
بلا بشوئ و کفن کمئ.) هفرمان دان
(محمدم سلیم سواری؛ 1983: 10)
(فرمی هر دو تعمیم خو ل سمرئ خو دان) (محمّد سلیم سواری؛ ۱۳۸۲: ۹)

فَهَرِنَ فِی هَر دَوَو تَعْمِیمَتِ خَوِ ل سَمِّرَی خَو دَان

(محمّد سلیم سواری؛ ۱۳۸۲: ۹)

(محمّد سلیم سواری؛ ۱۳۸۲: ۹)

(محمّد سلیم سواری؛ ۱۳۸۲: ۹)

(محمّد سلیم سواری؛ ۱۳۸۲: ۹)

(محمّد سلیم سواری؛ ۱۳۸۲: ۹)

(محمّد سلیم سواری؛ ۱۳۸۲: ۹)
لبایندها و تایکفه‌گریدان‌دی مفازهای زبانی و هورگردن، یافتن
هم‌گی که (نه) بوهکفی و (نهم) بوه ناگهانی و کوره ناگایه تایکفه‌گریدان،
به‌رغم هم‌گی که نمایش خوی‌هایه گونین و لیزفیشه (Forward-reference)
یا تایکفه‌گریدانی که خوی‌هایه ناگه‌هه‌دارکن.

لخواره دخوالله دخیوه دریازه لسار بایمتهای بی‌روش از تایکفه‌گریدانی
و فاکت‌هایی وی باختی.

**تایکفه‌گریدان**

همه‌ و همگی هاتیمه گوتنه درک از نمایشی زمانی شمارک دقه‌هیه دفعی
نمارکی دا نفوسم همول دهمته گو رکن یکن بی‌پیشینه دقه‌ی خو به
شیوه‌یکی یک رک یپ‌شیخت کو وکو یک‌نیه که تایککرستی به‌فرآ یا تایکری
بیت نمی‌کاره ب جم‌نه بروسه‌هیه کان دهیته نه‌نام جان نیک ز دان
پرساون بی‌روش‌گریدانا دقه‌هیه. نه‌ه ده‌هوله دخیوه دمین به کورتی فری بروسین
پی‌نامه نک‌هیه.

((**تایکفه‌گریدانا برتیه ز پوتم‌دیا دنافیم‌را بیشک و توخمین مافوئی
پیت دقه و ج پوتم‌دیا ب گریمانی‌ی پی‌شینب و بنهماینی‌ه فکاریین
و... هند فه نینه.)) (علی صلحجو: 1385: 23)

((**تایکفه‌گریدان چمک‌کی سیمانتینیکه ( کو
نامزه‌ی دمده بی‌پوتم‌دیب‌ی واتای پین ناف ذوق و نازلاقن دقه‌هیه‌ی دمده
(Halliday and hassan:1976:4:7)

لدیدهای همه دوو پایانات نشی‌یین بی‌رژین کو بوهرهست بوون و
تایکرستی بوونا هم دمله‌کی پی‌شیفتیه به دوو بروسه‌ه هیه وانه پروره‌
د. Coherence و پروسا پوتم‌دینена - Cohesion یا تایکفه‌گریدانا چا رکن
پی‌شیب‌یدنیه‌ن دهایه بنتیه دنیهه و هورگردن وانه شهو فاکت‌ه‌ی زمانی کو دنیه نگ‌ه‌ریه ره‌ست بوونا
dمکهک تایکرستی، بوه فن چهنده‌زی مفا ی بروسین ری‌زمانی و مردگریت

61
لهوا ب پروسه زبانی - ریزمانی زی دهه‌نه نیاسین و د پروسه پی‌وهمنی دا
زمگزین بی‌پیکشین دمکی دگل دموروبه‌روی به‌شما دهه‌نه وردرگتن. لی
همره وکی هاگنه‌بوی د هما فیله لیما بی‌پیکشگری‌دانی
وردرگتن، لهوا پی‌وهمنی بهج دهیلین.
فاکتوری رین بی‌پیکشگری‌دانی دهی
حالی داد فاکتوری رین بی‌پیکشگری‌دانی دهی دناف زمانی نینگلیزی دا دابه‌شی
(Halliday, M.A.K; 1985: 290-309)
Reference 1
Substitution 2
Ellipsis 3
Conjunctives 4
Lexical cohesions 5

لدویف نی‌ینا وان (جه نشنی، زی برم، بی‌پیکشگری‌دانی به‌یافی)
پی‌وهمنی‌ی رونمینه کو هاریکارن د بس‌هدا م بونون زانیاریان دا لسر
بناغی به‌یافی، ریزمانی (Lexico - grammatical)
پی‌وهمنی‌ی با وانی‌ی کو هاریکاره د بس‌هدا م بونون زانیاریان دا لسر
بناغی مرجوع بونون (نازی‌ی ریزمانی)
(Referentiality) نام ک‌شسته‌ی کو بی‌پیکشگری‌یا لزیکی دنافبرنداشتی به‌سکین نیک لدودیف
نی‌کین دهه‌یا دراست دهکن
نه دی هیده‌ی دمی دیکره لدود فانفاکت‌ریان باب‌خین و بید پیر رون
بونون وان دی نمونان ز جیراکا (مری‌یافی ناغای) وردرگتن.
Reference 1

لی زفرین ز لاناکی قه بی‌پیکشگری ز بی‌پیکشگری دانفی‌ا دمگرزاتی نان‌مانیا و ز
لاهنکی دی قه بی‌پیکشگری ز وان تشنیان دانوی سالوختنی دامجسته (یانزو هندشک
بابانت ز تشنی و سالوختنی ریزمانی ب‌وانیه) نمون دشیان دا همبه نامژه بین
به‌نیزه‌یان دانیانزی دمالام‌تمک بید پی‌پیکشگری‌کردن. (لطف الله یار محمدی; 1383: 9)
کلمه‌ی $A$ به‌اختصار در ژن‌های خاکستری نه‌کشیده می‌شود و باعث نشان‌دهی‌شدن $A$ در دو رشته‌ای می‌شود. در نتیجه، ژن‌هایی که در آنها $A$ وجود دارد، نه‌کشیده می‌شوند.

دیپت بفی‌سی شیوه‌ی بررسی ژن ویروس‌های اپلیکز را بررسی می‌کند. در این روش، ژن‌های خاکستری نه‌کشیده می‌شوند و باعث نشان‌دهی‌شدن $A$ در دو رشته‌ای می‌شود.

در مورد مواردی که در آنها $A$ وجود دارد، نه‌کشیده می‌شوند.

گونه‌ی $A$ به‌اختصار در ژن‌های خاکستری نه‌کشیده می‌شود.

(ابراهیم جکی: ۱۳۰۵: ۲۸۲)

لی ژن‌های خاکستری دیسکورنس یا با هریکاریا جهانی فاکتوران دهی‌ته نه‌نجام

دان:

۱. ژن‌های و نیشنالی ریکه‌هنتنی

  ۱. ژن‌هایی که

  ۲. ناپاژنتزی نام‌زیر بی‌کریک

  ۳. هم‌فلانلافی ریز‌پذیری (تفضیلی)

  ۴. هم‌فلانلافی نیسانین

پژ تموونه:

نیشنالی ریکه‌هنتنی:

((ماله‌ی عربی و ژیران کر.)) (محمدرضا سلیم سواری: ۱۹۸۳: ۱۲)

((نه‌زدن‌من‌گونی‌لا برین توربیگ کی‌بو کون.)) (محمدرضا سلیم سواری: ۱۹۸۳: ۱۰)

(مجیدورا: ۱۳۰۵)

(دا برانت کا چه و باته خوردهک که وک وی دی مرنی‌پایه‌کی مین کوریتیت.)(محمدرضا سلیم سواری: ۱۹۸۳: ۱۲)

۶۳
نامزدی‌های نام‌آوره بی‌کردنی:

((نهفه جهیزه؟ ... ( محمد سلیم سواری: 1982: 9)
))

(((نهفه‌نه بی‌کردن جهیزه به ریا جهیزه‌دبته بی‌کردن...)))

محمد سلیم سواری: 1982: 12)

همفائننه‌نیایسانی:

((دئ ب وئ ریکن هفت نموم ریکا عهدال پن جوویی...)))

محمد سلیم سواری: 1982: 11)

Ellipsis

2- زئ برم-

وئه ((زئ برم نئدکره‌ن زئدکره دناغه‌رسته‌دا...)) (گرور هادسان: 1382؛ 58)

بی‌کردن کو دناغه‌دهمکی دا هندک رگهزن ب مهیستا دوبافره

نیبوونی دهینه زئ برم نمو زئ ل وئ دهمی دبیت دهمی د رستا بهره

هینگون دا هاتبیت و ومرگر ناگه‌ریامداری وئ رگهزن زئ برم بیت لهوا زئ

برما وئ کارته‌کردن ل واش رسته‌ناکهت و دبیت نه‌گه‌کرئ پیکفه رستنا

فان رستان لدویف ناترینا (هادسان) زانینا سه‌بارهت ب نپجرن (زئ

برما) گری‌دنی توانستا ره‌زمانی‌نیمه (گرور هادسان: 1383؛ 58) وئه د هرم

زمانه‌کی دا هندک زئ برم رئ پیده‌هینه دان و هندک زئ رئ پیده‌هینه

دان.

پو تنوونه:

((... دئ هیئه ناف مالا مه...)) (محمد سلیم سواری: 1982: 12)

به‌هیفا زئ برم دنا وئ

((پالیفک دنا سمر دوکیت خو... هرم دوم زهمدکیت خو دانه سمر...)) (محمد سلیم سواری: 1982: 7)

به‌هیفا زئ برم = پالیفک

64
**Substitution**

- جه نشینی

برایتیه‌ی ز دانان؟ راه‌مزدکی ل حجن رهگزدگی دیت و نحو پیکتا کو نه‌ی جه نشینه تی‌دا روی ددخت د ریزمانی دا ب جارجوفن جه نشینی

دهی‌نه نیایین. (ابراهیم جکنی: ۱۲۸۲: ۴۲۴)

بیو دبودن: ()

(م) و تعربی (صفی‌السادات) هاتینه‌ی.

(س) دیدا ته های زی همیه‌ی. (محمد سلیم سواری: ۱۳۸۲: ۱۳)

(د) دیوی (وارک) دومیه‌ی.

**Conjunctives**

- نامزازن پیومندی

نهف‌فع نامزازه به‌سکن دهی‌نه دهی دقی مینا (شرولقه‌کن، به‌لافکرن و یا به‌که‌کره‌کر) ب پشکی‌س بووری پی‌ن دهفی فه گرئ ددمه. به‌سکی‌سی کو پیومندی‌ه‌ها ریکخستی دنافی‌بمات د رهگه‌زی‌ن جووایوج‌زی‌ن زنجیرا ناخختنی دا په‌یدا دوبیت و روئن خو د پیکه‌گردی‌دان دهفی دا دبینه.

(مهمان مه‌جعیری: ۱۳۷۷: ۱۷) د واتکا‌ها دیت نهف‌فع نامزازه ب‌دیک ز سی‌ن‌رکی‌ن پیومندی، گریدان و گه‌هارن‌نی - لبیرئ مه پرآفی‌فع نامزازن پیومندی بو‌ه‌ره س‌ی ن‌رکان بکار نینیاه - رادین و ب هاریکاریا وان زنجری‌ن ناخختنی‌پیکه‌دهی‌نی گریدان. سیرمراهن فی‌چنیدن نه‌فع نامزازه د ناه خو دا ب جنیدن ن‌رکی‌ن جی‌بار دادین لی همی‌پیکه‌ده ن‌رکین پیکه‌گرئی‌دان د رهگزی‌ن دناف دقه‌ی دا دگه‌نه نیک. نامزازن پیومندی یز برتینه‌ی ز:

- **Additive**
  - زندگرن

- **Causative**
  - هوبی

- **Adversative**
  - رهم کرن (فیبر هبنان)

- **Temporal**
  - دمی

- **Conditional**
  - نمگنری
بصنمگان،

(ناغای تزبیک‌ت خو دهدستی، خو گرتن و به‌ریکا کوری خو کمت.)

(محمدمسلیسواری: 1386: 11)

هویه:

(نهز دَّئَه‌ کوزَ مانْئَ عهبدال ل سمر به‌ختن‌ من بوود.)

(محمدمسلیسواری: 1382: 11)

(نهرئ دَّئَ باوض کمن جنکو نوكه فهَ‌فَ ل گونندی رفَ‌فِیه.)

(محمدمسلیسواری: 1383: 9)

رهن کرن (فیبرهیحان):

(به‌هِلينه‌کَه‌کَن‌عهبدال کوشت.)

(محمدمسلیسواری: 1383: 11)

(ال‌درقه‌ی ریکن دجوو به‌هِل‌گدل‌کن‌بلم‌بوود.)

(محمدمسلیسواری: 1383: 12)

دهمی:

(دمِم‌ناغای نه‌نارختنل گدل مریپی‌یاه‌کن‌ خو دکر، ل ناف‌کوسکا کارکا، سووی فادئر باو مهلا ل ناف‌هِم‌عهبدال دکر.)

(محمدمسلیسواری: 1383: 12)

(تَاَ وَئَ رَزَئَه‌ کوره‌ی من بی پچوید سمره‌ی کوره‌ی کوره‌ی وی شکاندی، هاته سمر کمرسا مِن.)

(محمدمسلیسواری: 1383: 7)

شروفه‌کاری:
پیکره گرفتن‌دانان به‌شکلی به‌ویژه پیش‌نویسی‌ها چه‌گونه‌ی داستان‌ی پیش‌یافتاً
درج‌بندی‌ها، واتنه پیش‌نویسی‌ها وانت‌ای‌زا دانیابه‌یا پیش‌یافتاً دیپ‌انه‌‌ها
به‌ویژه پیکره‌ی گرفتن‌دانان و برگ‌گردنگی پیکره گرفتن‌دانان پیش‌یافتاً
وی‌دە‌ه‌دی داده‌دا دیپی‌تا. لدیده‌ی وی‌یکتای کو توخ‌قات‌ی پیش‌یافتا‌تا اتی‌دا دردم‌ه‌دن‌ه‌ن
نم‌دی‌و‌دید‌دن‌دوو جور‌پیکره‌ی گرفتن‌دانان دی‌بار بکسین ب‌وات‌ی‌ها‌تا دی‌
پیکره‌ی گرفتن‌دانان دوو ناستان دا به‌ویژه‌دا دیپت (نام‌رستن) و (دردگردن
رستن). بینم‌روگورین (نهم‌گور هات و مه‌ه‌بی‌فیت فه‌کولین‌ه‌کا دی‌سکورسی‌یا
دحاچ‌دی‌به‌مین پی‌ش‌ت‌ی‌فی‌ه‌ب‌ت‌ین‌پی‌ش‌و‌ن‌دی‌ز‌دی‌زش‌ن‌دا و‌مرگ‌‌بردن ل‌
نهم‌گور مه‌بی‌فیت فه‌کولین‌ه‌کا شی‌وز‌ن‌زاسی و‌نام‌ج‌م‌ب‌د‌م‌ین‌پی‌ش‌ت‌‌ی‌فی‌ه‌ب‌زی‌د‌د‌ب‌ر‌ی‌
پی‌ش‌و‌ن‌دی‌زی‌د‌رستن‌دا (نهم‌گور‌ه‌کا) ((گورش‌
طام‌ری‌: 2008) ل‌ج‌وه‌ن‌کی‌فه‌کولین‌ه‌کا مه‌ب‌ت‌ین‌ل‌ی‌ه‌ن‌دی‌سکورسی‌یا ب‌خو‌ه‌‌
دگردی‌‌ه‌ن‌نو‌ت‌ه‌م‌ل‌فی‌زیر‌ب‌ت‌ین‌پی‌ش‌و‌ن‌دی‌زی‌د‌رستن‌دا (نهم‌گور‌ه‌کا) ((گورش‌
ورگ‌‌بردن‌. پی‌ش‌و‌ن‌دی‌زی‌د‌رستن‌دا (نام‌رستن) دی‌پی‌ش‌فی‌ه‌ب‌ت‌ین‌‌ج‌م‌ب‌د‌م‌ین‌پی‌ش‌ت‌‌ی‌فی‌ه‌ب‌زی‌د‌د‌ب‌ر‌ی‌
ل‌فی‌زیر‌دئ‌ه‌م‌ه‌ل‌د‌م‌ین‌ب‌اس‌ه‌ن‌ه‌ند‌دک‌ز‌وان‌ب‌ک‌ه‌ب‌ن‌
Repetition

- دوی‌باره‌کنر -
نامه پیوندی‌یه لوى دمی درست دبیت دمی دننفق دهکی دا به‌هیه‌که
ومک خو به‌هیه‌که دوبه‌ارک‌ن واته‌ زلاین دهنگی و واته‌ایفه ج حیاوازی
دنافی‌هرا واندا نه‌بیت.

پژوه‌نامه:

(سی‌ سیدا توقیه فیالکی جنو جنوان شین نابت. سمنیا خو نه‌شراردا
نهمه‌س.)) (محمَد سلیم سواری: ۱۳۸۳: ۱۳)

*Homophony – ونه‌نگ –* ۱.

دوو به‌هیه لوى دمی ب همه‌نگ ده‌نیه نیایسین دمی‌ ز لاین
دهنگی فه ودکو نیک بن لَ زلاین واتایی فه د حیاواز بن. نامه جوُره
پی‌یوندی‌یه د هنره‌ی رساننی‌ی دا ب (رگه‌ریزندیزی یا تمواو) دهیته
نیایسین. (لاینز) پوه همه‌نگ سی‌ میرن‌ان دیار دگمت:

۱- به‌فیان ز لاین واتایی فه پی‌یوندی ب همه‌را نینه.

۲- به‌شیوه به‌فیان ودکوه‌ه.

پژوه‌نامه:

((دا عیبدالک بو وان بییه نفشهک ... تفهنگا گی یا د دمگن‌دا))

(محمَد سلیم سواری: ۱۳۸۳: ۸)

((همه‌هه کوره‌ی مین پیچهک سَه‌هه کوره‌ی وی شکنده هانه‌هه سَه‌ری
فه‌سرا مین.)) (محمَد سلیم سواری: ۱۳۸۳: ۷)

*Synonymy - هماه‌ واته‌* ۲.

نامه پی‌یوندی‌یه لوى دمی به‌بدا دبیت دمی دوو به‌هیه‌بیشی دننفق نه‌یک
پی‌یکه‌اته دا لشونیا هفداود به‌هیه‌، به‌یی کو کاریه‌دهیه‌ها مهزن بک‌هنه سَمر
واتا وئ رسته، لُ دراستی دا دنافه ج زمانه‌گی دا همهم واتایی یا تمواو
نینه، واته ج حیووت به‌همکه مه نینین کو به‌یی د همه‌ی رسته‌ی زمانی‌دا
لشونیا هفداود به‌هیه‌که بکار ثیانان به‌یی کو واته‌این بگهوون. (فرانک. ر.
پالر: ۱۳۸۳: ۱۰۷)
یک دموکرات

(بو نفر خواه؟)

باشی دکّ زانی.

نیمزیتی به‌هاری نفیزهٔ نه‌گزاری من لنک ناشی دیت.) (محمد سلیم سواری: ۱۹۸۳، ۱۲)

Antonymy

۴- دز واتا

دفن‌ پی‌پرتومندی‌‌ن‌ دا همر دورو به‌فیان واتایی‌ن هم‌فردر هنده، دز واتا د (Opposition) سیمانتیک‌‌ن‌ دا ب

بو دموکرات

((سیدا هرهک همه وی بیّن، تو ون هم‌بیّن‌ه‌ه‌یه‌‌ه‌یه‌‌.) (محمد سلیم سواری: ۱۹۸۳، ۱۴)

((کورِ ناغای دمکرات و پشتی حجاره کیشانه‌کی‌ هاته زورور‌ه‌)). (محمد سلیم سواری: ۱۹۸۳، ۸)

Hyponymy

۵- هایپونیمی –

نفر پی‌پرتومندی‌ ن‌ در دمید درست دمید دمید جه‌مکهک بشیت نّیک

یانزی جنده جه‌مکه‌‌ن دی‌ بلومه فه‌ بگریزت ب واتایی‌کا دی (هایپونیم

پپرتومندی‌که دنافیترا تایه‌کی‌ گشتی و ویّ تایی‌ن قِ ش‌ دا.) (کورش

صفوى، ۱۹۸۳، ۹۹)

part - whole

۱- بشک و گشت -

دفی‌ پپرتومندی‌‌ن‌ دا مصداقی‌ نّیک دهمر دورو به‌فیان به‌شکه‌که ز

کوم‌لک ویکتی کو مصداق به‌فیخا دی‌‌ت‌ پّیک دشیتی‌‌ت. (کورش طارمی، ۲۰۰۸)

به‌ن واتایی‌ن‌ کو مصداقی‌ به‌فیخا، مصداقی‌ جه‌دین به‌فیخا دی‌‌ت‌ بلومه فه‌‌

گریزت و مصداقی‌ فشان به‌فیان به‌شکه‌که ز مصداقی‌ وی به‌فیخا

سرحرکی. بفی ردنگی بشک و گشت‌ ز هایپونیمی‌ جوّداهی‌ (جوکنی د بشک
و گشت دا نه و به میف به‌شکه‌هی ز به‌یافا دی یا د هایپونیمی دا نه و خو هرگنگه
ز به‌یافا دی.) (کورش صفوی؛ ۱۳۸۲: ۱۰۴)

بو دهومونه:

(جوو بهر ددرگه‌هی کوچک‌ی و به‌ری خو دا کولان‌گوندنی.) (محمد
سليم سواری؛ ۱۳۸۲: ۷)

(فهنی هم‌هور دوو تمبیت خو ل سفری خو دان و کرگریک کهته د
گهمینی دا.) (محمد سليم سواری؛ ۱۳۸۲: ۹)

Simile

لیمچوانن بریتیه ز لیمچوانندا به‌یافه‌کی ب به‌یافه‌کیا دیتر کو د
تایبهمه‌نیم‌کی دا هدفی‌شک بین.

بو دهومونه:

(رها نهمنی داهگی یا لی بیه‌گری، دلی بی‌زر دیبیشکی بین بیله‌دیای.)

) محمد سليم سواری؛ ۱۳۸۲: ۷)

Micro linguistics & Macro linguistics

زمانگانیا هویر و گر

زمانگانی دابیشی دوو ناستان دیبیت ناستی هویر و ناستی گر(زمانگانی د
ناستی گر دا هویر دوو دوبیت باگنیا گشتی یا زمانی دگم دوگم نمومونن
درصرف زمانی و تایبهمه‌نیم‌کی فیزیکی یی‌ن دهگم و نفیس‌ن دیار
بکات لی زمانگانی د ناستی هویر دا ب کاری شرخوق کرنا زمانی رابیت و
هویر دوو کریم هویرکاری یی‌ن زمانی ومبگریت.) (ابراهیم جگنی;
بیه رگنی د زمانگانیا گر دا لی بهکفه باگنیا دوگم داخی
فاکتی‌ریم مینا کاختنور، لیمینی دستور‌وناسی و... هندیه‌ته ومرگرتن و
ژولیه‌کی دیتره باگنیا دنافه‌را سمرج‌هیم رگم‌زین بیکن‌نریم دهدی
دهی‌ته ومرگرتن لی د زمانگانیا هویر دا بیپکا سیسته‌ی زمانی د ناستی‌ن
هویرتر مینا فونولوزی، مورفولوزی و سینتاکسی دهی‌ته ومرگرتن.

۷۰
ب هرمان شیوه تمام دشیون شروطه‌کرنا دیسکورس ل دوو ناستان دا
نامهام به‌دین، ناستی‌گر و ناستی‌هویر، ناستین‌گر دا فکلولینه ل
تابیه‌ته‌ته‌مه‌دهیم‌گشته‌ی‌ی‌ن دوکه‌ی دکه‌ی و ل ناستی‌هویر دا فکولینه ل
تابیه‌ته‌تهم‌دهیم‌هیویرتر و اته ناستی‌رستین دکه‌ی‌ه белه‌ی نعمتی؛ ۱۳۸۲: ۱۷۵)

شوره‌ی شروطه‌کرنا دشایان‌د ناستی‌گر دا
د فی ناستی دا نام دی هاکته‌ری‌بی‌که‌گریدان جیرؤکی و هورگرین و همر
ومکه‌های‌نیا گوتن‌نام بو فی جنیده‌ی زی دی‌مافای‌ی زی و بوپوونین
(هالیدی و روفی‌ها حسینی) و هورگرین، هاکته‌ری‌بی‌که‌گریدانی‌زا
نامه‌ه‌بوون:

۱- چرای‌ن
۲- جه نشینی
۳- زی‌برن
۴- نام‌راه‌ن بی‌بودن
۵- بی‌که‌گریدان به‌ضی‌فی

شوره‌ی شروطه‌کرنا دشایان‌د ناستی‌هویر دا
د شروطه‌کرنا ناستی‌هویری‌جیرؤکی‌دا دی‌ههل دهین جوؤری‌رستان
ژلایی‌بی‌که‌ان و ماه‌بست و شیوه‌ی ووه و وردگرین، نامو جوؤر زی
بریتینه‌زا:

۱- رستا ساده
بچه مهوونه:

((نوه‌ه مروقیت وی زی گمه‌شته‌نگوندنی‌ه (محمد سلیم سواری؛
۱۳۸۲: ۱۱)
۲- رستا نساده
بچه مهوونه؛
(دگهوری‌ی دا) (محمدرضا سلیم سواری: ۱۹۸۳: ۹)

۳- رستا گامبادئن دنیای خاکستری خو دان و کرگریک کمته

(نیاژ بدلار زی جوو... خاترا خو ز دنیایی خاکستری) (محمدرضا سلیم سواری: ۱۹۸۳: ۱۰)

۴- رستا گامبادئن دنیایی

(بابو کی ز و ه فهق حسمن دینی‌ه؟) (محمدرضا سلیم سواری: ۱۹۸۳: ۱۲)

۵- رستا گامبادئن سفر و مرمت - همبینتی

(کین، من عمیالی عباداتیم کر؟) (لدیفیکری‌ی ناخه‌نشینی)

(محمدرضا سلیم سواری: ۱۹۸۳: ۹)

۶- رستا نمرین - قهرمان

(نیاژ زهاییت‌ی نوکه ل گوندی بلا برچندکوی بکولن، مهلا زی بلا

پشت و کفی کشتی) (محمدرضا سلیم سواری: ۱۹۸۳: ۱۰)

۷- رستا مهرگی

(همهکه نهمرم و ساخ پی، دیز زنا عباداتی دهه شوی) (محمدرضا سلیم سواری: ۱۹۸۳: ۸)

۸- رستا بکرم دیار

(همهکه من ل نام لامتا خو نه حوالد بانه..کی دان حوالدیت) (محمدرضا سلیم سواری: ۱۹۸۳: ۷)

پژوهش

۷۲
(سوفی: همه یا یک کره دویف مرفوضیت وی را هندیده دید هم.

محمد سلیم سواری: ۱۹۸۲: ۹)

۹. رستا باگم تمادار

بیو دموونه:

(نِمز بنی توین حرفی مرفوضیتی که عمیق‌بی‌پیتی کوشن ..و کاس چو نزدیکه‌ی (محمد سلیم سواری: ۱۹۸۲: ۱۰)

۱۰. رستا تمواو

بیو دموونه:

(سهیدا خو نشره‌یا نمکه.) (محمد سلیم سواری: ۱۹۸۲: ۱۲)

۱۱. رستا نمتمواو

بیو دموونه:

(هندیه‌ی نیفیا نینیاره‌یا نوکه هیمر غون‌دی یه.) (محمد سلیم سواری: ۱۹۸۲: ۱۳)

شروتفه‌کردن داتایان

۱- شرودهدوکردن فاکته روین بیکفه‌گریدنای د ناستن گردا نهمایی‌یان شرودهدوکردن فاکته روین بیکفه‌گریدنای کو برینی بوون ی (لین زفرین. نامزنیزدی پیشودنی، زی بن. جه نشینی، بیکفه‌گریدنای پیشی) د خشته‌ی زماره (۱) دا هاتینه نیشان دان:

| بیکفه‌گریدنای چیزکنی د ناستن گردا | 
|---|---|
| زماره | ۱۲۰۶ |
| ۱۸ | ۱۱۳ |
| ۸۲ | ۸۲ |
| ۲۸۶ | ۳۰۲ |
| ۱۸ | ۱۱۳ |
| ۸۲ | ۸۲ |
| ۲۸۶ | ۳۰۲ |

۷۳
# خشته زمراه

همه و مگی د خشته‌ها دهاشیه‌های دان‌دان‌های جهان‌کردن (100) پیکپگرده‌ان هم‌هیه کو زمراه‌ها می‌بایسته و دیوانه به‌یوندی و پیکپگرده‌ان‌ها تماوی همان‌وازه‌ها رهم‌هم‌ و بی‌پهنه‌بین‌یه‌ن جهان‌کردن‌ی دفاکتوره‌ی (21 زمراه) ای‌مهم‌زین رهبره د پیکپگرده‌ان‌های هم‌یه و دیپ‌رنه نیست‌های سبب‌جمه‌می‌پیکپگرده‌ان جهان‌کردن‌ی. به‌نتیجه وی فاکتوره‌ین (پیکپگرده‌ان‌های به‌یوندی) ب رهبره (18.8%) ل بی‌دوده، فاکتوره‌ی (رهبره ب) رهبره (13.4%) ل بی‌داده و فاکتوره‌ی (جهنگری) ب رهبره (17.8%) ل بی‌داده بی‌دهنی رهبره (جهنگری) گیم‌زین بی‌کناره دفعی جهان‌کردن دا هم‌یه و مگی به‌مری نهاو هاتیه‌ی گوتن هم‌یه نیک زمراه فاکتوره‌ی دی‌دهی به‌یوندی جهنگرین نایی‌ین دی‌INDEX، ل می‌خواهی ازه دئه هم‌یه دیه‌ن نمی‌جی‌یان وان زی دیار بکه‌ین.

فاکتوره‌ین لی زمراه‌ی

نمی‌جی‌یان شروبه‌کران فاکتوره‌ین لی زمراه‌ی کو رهبره بوون ز (جهنگرین رهبره فانی‌ین، جهانگرین نایی‌ین، جهانگرین نایی‌ین، جهانگرین نامازه‌ین) د خشته زمراه (2) دا هاتیه‌ی به‌یوندی‌ان:
<table>
<thead>
<tr>
<th>نیشان‌نامه‌نامه‌ها</th>
<th></th>
</tr>
</thead>
<tbody>
<tr>
<td>هفطلانفی</td>
<td>5 4</td>
</tr>
<tr>
<td>هفطلانفی نیاسینی</td>
<td>1 3</td>
</tr>
<tr>
<td>هفطلانفی پهلی</td>
<td>0 0</td>
</tr>
<tr>
<td>کُن</td>
<td>2 9 5</td>
</tr>
</tbody>
</table>

‌خشتی زمراه (2)‌

شروع‌نگاره‌ورگران داتایش نیشان دهنده‌کوه (جهان‌نامه‌که‌سی) ب زمراه (142) و
ریز از (4، 4) مسئول‌نامه‌های زهمه و پرانتی فان جهان‌نامه‌که‌سی زمراه (من)
و (نهم) و (نهم) ن، کو زهمه ریزئیره زه‌گذار سروشتنی نیشان‌نامه‌که دا
dGFنگیجین‌جه‌گونکه رهذت (دهگ‌های) و کساییتی سمرکی وانه (ناغا) یا
dیباره لوا ددمی‌دهگ‌گیر دنارفیت مفاکه‌ز جهان‌نامه‌که (نهم) ودرگزیده‌تی همر
وسا جهان‌که سایه‌های دووی‌د نافه‌رودیدان دا یین نامامه نینه لوا ددمی‌
سه‌باره وی دهاه‌نگارفیت ب هممان شیوه‌فوکه‌ز جهان‌نامه‌که (نهم) دهیته‌
و درگزیده و هرووسا جهان‌که سایه‌های سمرکی مفاکه‌که‌ز گزه‌که‌دیار
میتوانگی ودرگزیده‌ئی لوا رهای‌دی پکرو نینا (نهم) و (من) زه‌گذار بووهیه.

بئشی جهان‌نامه (نهان‌نامه‌ی ریکه‌هفتی) ب زمراه (232) و ب ریز از (7، 44)
ل بیلا دووی‌بی‌دهیته‌ی ل‌ندویف سروشتن‌مزمانی پی‌تیفی بیوم کم‌نامی
ریزه‌یا نینشان‌نامه‌ی ریکه‌هفتی با ل‌وسان نینه‌یا جهان‌که د کرمانجی یا سه‌ری
دا نیشان‌نامه‌ی ریکه‌هفتی بتنی‌د دهل کرمه‌ی (نهم) دا دهیه‌ی و دهلگ‌رگن‌پی
(من) دا‌ناهین لوا رهای‌هان کی‌هیمه‌یا. پاشان فاکته‌ریه (نهان‌نامه‌ی نامازه‌ی)
ب رهای (4، 5) ل بیلا سنی‌و فاکته‌ریه (نهان‌نامه‌ی نیاسینی) ب رهای (5، 2، 1)
ل بیلا جاریه‌دهیته‌یبیف رهگنکه دیار دیبان (نهان‌نامه‌ی نیاسینی) کی‌هیمه‌ی
پشک‌داری د حیروک‌دیا همه‌ی و (نهان‌نامه‌ی پهلی) ج پشک‌داری نینه.
## نامرازیان بی‌پووندی

نمایشگری نشان‌گر نامرازیان بی‌پووندی کو برگنی بوون در (زی‌ده‌کر، هویه، بهت کر، دمی، شروروکاری، هرگر، تایپری، سمرقا) د خشت زماره (۳) دا هاتینه نیشان‌اند:

<table>
<thead>
<tr>
<th>نامرازیان بی‌پووندی</th>
<th>جوهر</th>
<th>زماره</th>
<th>رهت کر (فیبرهیا)</th>
<th>دمی</th>
<th>شروروکاری</th>
<th>نگری</th>
<th>تایپری</th>
<th>سمرقا</th>
<th>کم</th>
</tr>
</thead>
<tbody>
<tr>
<td>رئیسه</td>
<td>۵۱.۲</td>
<td>۴۲</td>
<td>۶.۰۹</td>
<td>۴</td>
<td>۳</td>
<td>۱۹.۵</td>
<td>۰</td>
<td>۰</td>
<td>۸۲</td>
</tr>
<tr>
<td>جوهر</td>
<td>۶</td>
<td>۵</td>
<td>۶.۰۹</td>
<td>۱۱</td>
<td>۳</td>
<td>۱۹.۵</td>
<td>۰</td>
<td>۰</td>
<td>۸۲</td>
</tr>
<tr>
<td>زمراه</td>
<td>۴۲</td>
<td>۴۲</td>
<td>۷.۰۹</td>
<td>۱۱</td>
<td>۳</td>
<td>۱۹.۵</td>
<td>۰</td>
<td>۰</td>
<td>۸۲</td>
</tr>
</tbody>
</table>

خشت زماره (۲) فاکتوری (زی‌ده‌کر) مهزن‌درین رئیسه وانته (۲.۱۰) همیه کو توهفاده‌ی دوگنیت دهقان دریژ دا دگنیت ناوده‌کو رخه‌زی‌ی بهیف، گریز و رستان ب هم‌کاری دریژ یا یاد و بقی رمکی دمی و مکی زنجیره‌کی یا پی‌کته گرین‌بدیت. پاشان (نگری) ب رئیسه (۵.۰) ل بلا دوویت دهیت کو ب همان شریو رنه‌ی دوگنیت دهقانی‌ی دا کو پر پرون‌وا نامایه و نهخه و پیلاءن دگنیتی دگنیتی. باشان فاکتوری (دوم) ب رئیسه (۴.۳) ل
پلا سیو و فاکته‌رین (هویی) و (رمت کرن) ب ریزی (0.9) ل بلاقاریده‌یی. همروسا فاکته‌رین (شره‌فکاری) ب ریزی (0.6) کی‌مترین بیشکده‌ی همه‌ی و فاکته‌رین (تاپه‌تی) و (سماخی) چ بیشکداری د دمکی دا نینه.

۲- فاکته‌رین بی‌معنی،

ن‌همچنگی شر‌فکارن‌ا فاکته‌رین بی‌معنی کو بروی‌ی بینون‌نو (دووباره‌گن، همین‌کین، دز واتا) همه‌ی دهنگ، بشک و گشت، هاپبوئی، لیکچواندن) د خشتی زماره (۴) دا هانی‌نی نیشان‌دان:

<table>
<thead>
<tr>
<th>فاکته‌رین بی‌معنی</th>
<th>جوزه</th>
<th>زماره</th>
</tr>
</thead>
<tbody>
<tr>
<td>دووباره‌گن</td>
<td>۷۵</td>
<td>۶۶.۳</td>
</tr>
<tr>
<td>همین‌کین</td>
<td>۷</td>
<td>۶.۱</td>
</tr>
<tr>
<td>دز واتا</td>
<td>۱۲</td>
<td>۱۰.۲</td>
</tr>
<tr>
<td>همین‌کین دهنگ</td>
<td>۷</td>
<td>۶.۱</td>
</tr>
<tr>
<td>بشک و گشت</td>
<td>۹</td>
<td>۷.۹</td>
</tr>
<tr>
<td>هاپبوئی</td>
<td>۰</td>
<td>۰</td>
</tr>
<tr>
<td>لیکچواندن</td>
<td>۲</td>
<td>۲.۶</td>
</tr>
<tr>
<td>کل</td>
<td>۱۱۳</td>
<td>۹۹۰۰</td>
</tr>
</tbody>
</table>

خشتی زماره (۴)

(دووباره‌گن) ب ریزی (۶.۱) ل بلاقاریده‌یی کو چه‌ندن جاران بتر ز فاکته‌رین دی همه‌ی دوه‌گن دوباره‌گن دناز ده‌یی دا ب کارمکی لاواز ده‌یی نیسان لی نفی‌سره‌ی جری‌کین بؤ مه‌بستا بتر جه‌ختکرن لسر هندیدک بابه‌تان مفا ز فاکته‌رین

۷۷
دووباره کرند و ورگرتیه. بهف دووباره کردن دناف فی ددهی دا خوینه‌ری بی‌زار ناکهته لمواد بهف دووباره کردن شیایه ب‌هک‌گی خوینه بی‌پینه‌ری یادوی‌ه گی کو لوازمی بی‌خیهته دناف ددهی دا. باشن‌ه فاکته‌ری (دژ واتا) ب ریز (۱.۶) ل بالا دووی و فاکت‌ری (پیک و گشت) ب ریز (۰.۹) ل بالا سپی و (هه‌ف واتا) و (هه‌ف دهگ) ب ریز (۱.۲) ل بالا جاری‌دهین. هره‌نیا فاکت‌ری (لی‌کجواندن) ب ریز (۰.۱) کی‌مترین پی‌کدیاری هه‌یه و فاکت‌ری (هایپنیم) ج پی‌کدیاری د ددهی دا نینه.

- شروع‌ه فرست‌ه بی‌پینه‌ری یادوی‌ه فی دنسته‌نیا هواهر دا که‌یا وان رست‌ن کو د جیروکی یا دنسته‌نیا بکار نیبان (۲۳۹) رسته‌نه. لدویف وق دباش‌ینا مه د بکار تی‌ویر دا بی‌پینه‌ری سینتاسی‌یا رسته‌ن نه‌نام دای ریز‌ه هوه جوهرگی بقی شتوى خواری‌یه:

<table>
<thead>
<tr>
<th>پی‌پینه‌ری‌یاندی چیزگیری‌ی د ناستی‌ه‌یا هواهردا</th>
<th>زمره</th>
<th>ریزه</th>
</tr>
</thead>
<tbody>
<tr>
<td>راگاه‌زه‌ندندا روه‌ت</td>
<td>۱۴۴</td>
<td>۶۲.۸</td>
</tr>
<tr>
<td>راگاه‌زه‌ندندا پرسریاری</td>
<td>۴۴</td>
<td>۱۹.۲</td>
</tr>
<tr>
<td>رست‌ا راگاه‌زه‌ندندا سه‌سروپورمان</td>
<td>۲۴</td>
<td>۱۰.۴</td>
</tr>
<tr>
<td>فهرمان</td>
<td>۱۰</td>
<td>۴.۲</td>
</tr>
<tr>
<td>مه‌ریج</td>
<td>۷</td>
<td>۲.۰۵</td>
</tr>
<tr>
<td>ته‌وارو</td>
<td>۱۸۵</td>
<td>۸۰.۷</td>
</tr>
</tbody>
</table>
### خشتن زماره (5)

<table>
<thead>
<tr>
<th>بکمر نمی‌دار</th>
<th>بکمر دیار</th>
<th>بکمر نمی‌دار</th>
</tr>
</thead>
<tbody>
<tr>
<td>نخمه‌هاو</td>
<td>19.2</td>
<td>44</td>
</tr>
<tr>
<td>ساده</td>
<td>70.2</td>
<td>163</td>
</tr>
<tr>
<td>نخمه‌هاو</td>
<td>20.8</td>
<td>66</td>
</tr>
<tr>
<td>دوستین</td>
<td>99.1</td>
<td>277</td>
</tr>
<tr>
<td>دوستین</td>
<td>99.8</td>
<td>2</td>
</tr>
</tbody>
</table>

هروگی دبی‌زین ریز رستین (ساده) گرامک بپرره ز رستین (نخمه‌هاو) که نخمه‌هاو زی هنی‌پناهی ناگوئین دگان سروشتنی زمانی روزانه دا جونکی د زمانی روزانه دا پیره مفا ز رستین نخمه‌هاو دیه‌ته و مشرق مکن لس هبق ز هنیلاهه ز ناهمه‌ه روزانه دوور دگه‌هی. پیکهاتا دووره‌ده رستین، رستین بکمر دیار و بکمر نمی‌داره دوم دیز حیره‌کید دا ریز رستین بکمر دیار گرامک بپرره ز رستین بکمر نمی‌داره دوم دیز هنیلاهه گرامک لزمانی روزانه نیزیکه جونکی د زمانی روزانه‌هن‌ه کوردی دا ریز رستین بکمر دیار بپرره ز ریز رستین بکمر نمی‌داره. پیکهاتا سیه‌ده ز رستین، رستین نخمه‌هاو دوم هنی‌پناه دوم دیز حیره‌کید دا ریز رستین نخمه‌هاو نخمه‌ه زین نیشان‌ها همبوونا کار و جالاکین به دانه حیره‌کید دا ه هنی‌پناه رستین ساده و نخمه‌ده همگرا به‌هلمگه به‌هن‌دهدی کو نفی‌سردی هنیلاهه ب هنی‌پناه دوم و مشرق مکن ز فان هنی دوو پیکهاتا بپرره و هنی‌پناه دوم کی‌میره که‌مرسته دووربریت کموجه مفا ز کوره‌هن‌ه‌ه‌ه و مشرق مکن. پیکهاتا جاری‌پا ز رستین، رستین (راگه‌هاندی روتت، راگه‌هاندی دبرسپاری، راگه‌هاندی سمرس‌وره اورمان، هن‌رنگ و مشری) نه کو ریز رستین راگه‌هاندی روتت بپرره ز رستین دوم نخمه‌ه زین هنی و هنی‌پناه به‌هلمگه نه‌هانیه گوتان دگان سروشتنی حیره‌کید دا کو فهم‌گیر همیه و بپر مه‌هلگهم

79
دغنوشیت جوانکی لـ فی دمـی دا پـتر مـفا ژ رـستین راگـه‌هاندنی دهیـته ومرگرتـن.

ز خشتیت زماره (۱) هـتا (۹) دشتـین ریژا هـر پیکـه‌هاـگی و دـجاژـیـبیا وان دـگـل دـیـک دا بزـانـین، ژ بـو هـندـئـی کو بابـهـت گـلهـک دریژـئ نـمـبیت بـتنی دئ خـشتـان ریژ کـهـمی:

<table>
<thead>
<tr>
<th>پیکه‌ها سینتاقسی</th>
<th>زماره</th>
<th>ریژه</th>
</tr>
</thead>
<tbody>
<tr>
<td></td>
<td>۹۹.۱</td>
<td>۲۳۷</td>
</tr>
<tr>
<td></td>
<td>۰.۸</td>
<td>۲</td>
</tr>
<tr>
<td></td>
<td>۱۰۰</td>
<td>۲۳۹</td>
</tr>
</tbody>
</table>

خشتیت زماره (۱)

<table>
<thead>
<tr>
<th>پیکه‌ها سینتاقسی</th>
<th>زماره</th>
<th>ریژه</th>
</tr>
</thead>
<tbody>
<tr>
<td></td>
<td>۷۰.۸</td>
<td>۱۶۲</td>
</tr>
<tr>
<td></td>
<td>۸۸.۸</td>
<td>۶۶</td>
</tr>
<tr>
<td></td>
<td>۱۰۰</td>
<td>۲۳۹</td>
</tr>
</tbody>
</table>

خشتیت زماره (۷)

<table>
<thead>
<tr>
<th>پیکه‌ها سینتاقسی</th>
<th>زماره</th>
<th>ریژه</th>
</tr>
</thead>
<tbody>
<tr>
<td></td>
<td>۸۸.۷</td>
<td>۸۵</td>
</tr>
<tr>
<td></td>
<td>۸۵.۲</td>
<td>۴۴</td>
</tr>
<tr>
<td></td>
<td>۱۰۰</td>
<td>۲۳۹</td>
</tr>
</tbody>
</table>

خشتیت زماره (۸)

<table>
<thead>
<tr>
<th>پیکه‌ها سینتاقسی</th>
<th>زماره</th>
<th>ریژه</th>
</tr>
</thead>
<tbody>
<tr>
<td></td>
<td>۶۲.۸</td>
<td>۱۴۴</td>
</tr>
</tbody>
</table>

۸۰
ترمیم

شروعه‌کردن دفعی جایگزین د ناستی‌گر گذا نیشان داده کو دوآوردیها فاکتورهای
پیکره‌گزین‌دان دا فاکتورهای (زیر فریشی) ل بیلا نمای‌دیهیت و مسئولین ریزه‌های واته (9.51%) همیه و دانش‌دان فاکتورهای زی با جهان‌خوان کم مسئولین ریزه‌ای (4.4%). همیه‌کو پیمده زی جلال‌اله مفیدی‌شکه دوآوردی‌ها درخست‌دیه ای روزه‌انه یا روزه‌یا کوره‌دا و داوآفی جهان‌خوان زی با دیکت‌نیشان ریزه‌یا روزه‌یا (من) و (نهم) نیشانه دوآوردی پرتنی به سرم درخست‌کن‌های کی نیوه زی کامپایت‌ریا سپردیکی یا جایگزینی به پیمکاری فاکتورهای فاکتورهای جایگزینی هم‌سیاری دیهیت پر نیوه‌یا دوآوری‌های اسکونه. نیشان بیدخت ل پر نیوه‌یا دوآوردی‌های بیکره‌گزین‌دان پیچیده (هیثی 87.1%) همیه و پندا دوآوری‌های نیوه‌ای (9.40%) همیه و سوم‌های هندی‌کی دوآوردی‌کردن ب خاله‌یا آیوتی‌دیهیت هسزارتی (زینق‌سیری) همود دیهیب مها و مرگ‌زات ز همود فاکتور
پیکره‌گزین‌دان دا دافعی دا درست دیهیت د دوآوردیانی زی نسمه پاپتین خرنگ بکمک نمایه زی و ههکت کو خویشری همست ب آوای‌هی نمکت.

شروعه‌کردن دفعی د ناستی‌گر گذا نیشان داده کو رستی‌ن ساده پر نز

| راستنیه نمساده خانی‌های بیمار نیشان، نمایه زی دیگر ناکحتنی روزه‌انه دا
| ناگونجیت جویندی دا ناکحتنی روزه‌انه دا پر نستی‌ن نمساده دهی‌یه بیمار
| نیشان.زی همه نمایه رستی‌ن ساده دیگر ریزه‌یا روزه‌یا رستی‌ن ته‌واو کو ریزه‌ای

<table>
<thead>
<tr>
<th>راگه‌بانان‌دا نسیه‌یاری</th>
<th>44</th>
</tr>
</thead>
<tbody>
<tr>
<td>راگه‌بانان‌دا سرسرورمان</td>
<td>44</td>
</tr>
<tr>
<td>فهرمان</td>
<td>44</td>
</tr>
<tr>
<td>مهرجان</td>
<td>1</td>
</tr>
<tr>
<td>کو</td>
<td>2</td>
</tr>
</tbody>
</table>

خشتی زمراه (9)
(شکوه) (8/31) همیشه و رستی گام‌هایتان روت کو ریزای (8/27) همیشه نیشان

یکاره‌پس‌انه کوچک تیپ‌یش نه دناط ده‌فست دانشجوی دیگر به‌دباییون هم‌فکاریا

گراپیسدا دا دوگونه‌ی هم وصان ریزای رستی (بکیم دی) زی (1/69) به‌که دیگر پیکبنا رستا زمانی رؤزانه بی‌کوره دا دوگونه‌ی که‌ماته ب شیوه‌های گشته نماد جهؤکه ل ناخذی رؤزانهی خالکی

نیزیکه و دوپره ز هونه‌کاریا تمدینی.

بند:  

ب زمانی کودی:  

1. محمد سلیم سواری، مزگنی، جاپا نیکه، در آفاق عربیه، بهزاد، 1983.  

2. محمد سلیم سواری، مزگنی، جاپا نیکه، دار آفاق عربیه، بهزاد، 1983.  

ب زمانی فارسی:  

1. ابراهیم جگن، فرهنگ دانشهماری زبان و زبان‌ها، جهان اول. نشر بهنام، تهران، 1382 (2003).  

2. آریمان کیاچی، دوستمان زبان و دوستمانی، ت، علی بهرامی، ویراست، جهارم، نشر رهنما، تهران، 1382 (2003).  

3. ازدواج تمامی، تجویز و تحلیل گفتگوی – دستوری منظومه‌هی صدای پای آب سه‌ربا سه‌ربا، مجله زبان و ادبیات فاری دانشگاه سیستان و بلوچستان، سال پنجم، بهار و تابستان 1386 (2007).  

4. جان لاورن، مقدمه‌ای بر معنا‌شناسی زبان‌شناسی، ت: حسن واهی، جهان اول، نشر گام نو، تهران، 1382 (2003).  

5. جلال رحمانی، تجویز و تحلیل گفتگویی دانست مدرس در سطح خرد و کلان، نشریه ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید بهنر کرمان، دوره جدید، شماره بیست و دو (پیام)، زمستان 1381 (2002).  


82
ملخص البحث

تحليل خطيّي لقصة (أجر الأغا)
تحليل على المستوىين الكلي والجزئي

م. م. عبد السلام نجم الدين عبد الله
قسم اللغة الكردية، كلية التربية، جامعة دهوك

هذا البحث، محاولة لدراسة عوامل الانسجام في داخل النص و على المستوىين (الكلي والجزئي). وقد أجريت هذه الدراسة حسب نظريات العالم اللغوي (هاليداي)، وتم الاستفادة من أجراء إحصاء كامل لعوامل الانسجام، التي قمنا بإظهارها على المستوى الكلي للنص وفي هذا الاتجاه تم الاستفادة من الأرجاع على المستوى الكلي اولاً، ومن عامل الكلمة ثانياً. ويتكون مجموعهما - الأرجاع والكلمة - (8.69%) من مجموع انسام ذا النص.

وفي المستوى الجزئي نسبة الجمل الخيرية كانت (82.8%) ونسبة الجمل الفعلية (80.7%) ونسبة الأفعال مبني للعلوم كانت (91.1%) وهذه النسب التي ذكرناها تنسجم مع الكلام اليومي إلا أن استخدام الجمل البسيطة والتي كانت نسبة (76.7%) لم تنسجم مع الكلام اليومي وتكون هذه النسبة مع النسب الأخرى سبباً للايجاز في النص.
Abstract

Abdusalam Najimaldeen Abdullah
Kurdish department – College of Education
Duhok - University

This paper deals with a grammatical-discourse analysis to the story of "Meriba ye Aghay – Tenant of landlord - " on the macro-micro levels in an attempt to deal with the inter-text's cohesion factors on such levels. The study is performed according to the theories of Mac Halliday, the famous linguist. However, a full statistics to cohesion factors is taken into consideration, which is shown on the text's macro-level, duly, taking reference over macro-level and lexical cohesion, resulting in (total score of reference and lexical) 69.8% out of the inter-text's cohesion.

In the micro-level, the ratio of noun-clauses is 62.8%, the verbal clauses 80.7%, and active verbs 99.1%. These ratios harmonize with the vernacular daily language though the usage of simple sentences which rated 70.7% do not harmonize with the daily language, hence the ratio 70.7% with the other ratios create cohesion in a given text.
‌به‌آگاهی‌ها به‌کرسالی کوردستان

محمدرضا علی فروردینی

نامداری کاری نمک‌دیرپای کوردی - هولی‌لر

سره‌هایی که کورت
گه‌لاني خودابی‌داوی حیله‌ان له بواری کوکردن‌وود که‌دور و
به‌گه‌نامه و دیکوگم‌تنه‌ده گاه‌کاری گه‌وردنیان نمینجام‌داود و، روز‌ له‌دوای
روش‌ش لهو بواران‌ها کارگم‌کاری گه‌وره گه‌ره‌ده خدمت‌ه سه‌ر خرم‌مانی
سامانی نمین‌بوی‌توی‌هانی.

به‌لام ثمی‌لی کورد نه دست‌ختمان‌هان بئو کوکردن‌هو و پاراستنی
دست‌ختمان‌هان همه‌ه، نه نهرشی‌فی نمین‌بوی‌توی‌هان بئو پاراستن و
نی‌کوگم‌توی‌ه بئو‌گه‌نامه‌که‌نامه‌که‌هان همه‌ه، و، دوی‌مان و صد‌مان و هدف‌ران
به‌گه‌نامه‌ی پر بای‌ه و بمسود‌مان هبن جاومورانه نموشنتی‌کی‌کان بئو
بکری‌ت و سوردی خؤی‌ان بآخ‌شن.

من له ناسی‌نی‌مهمه‌ه جارو‌بار له دنگ‌ی نمو بآه‌مانه‌ده‌د وم،
هم‌چاری‌دی‌بار‌ی‌که‌ پی‌شک‌شی کن‌تی‌خان‌هی کوردی‌ی نمک‌هم، نهم‌جاربی‌ش
به‌بئو‌گه‌نامه‌هی‌و دی‌مهمه‌ه ناو نهم‌بآه‌تا، به‌هی‌وی، نموش‌ه‌ب‌هان‌د
برت پئو، نموش‌ه لایانک له‌م سامانه‌ ب‌رای‌ه‌خه بکری‌توه.

به‌گه‌نامه‌ی کوردستان

ل‌بار‌هی‌به‌گه‌نامه‌ه و نمو دف‌دن‌ه‌وه‌که به‌بئو‌گه‌نامه‌ داد‌ن‌وی‌ناباین‌
جاومرانی‌ ن‌ن‌و‌ب‌دی‌وی‌که‌کان به‌زمزان‌کوردی‌ی‌بن؛ جون‌ه
هم‌مو دف‌نان‌ته‌م‌ی‌هه‌خلا‌کوردی‌ن‌و‌د‌دی‌ری‌‌نی‌ه‌هو‌جو‌ر‌هو
کاران‌ه‌ی‌له کؤن‌دا بی‌کرای‌تی‌‌ه.
$% $
K14 % $ $ ' G:
0
K14 %D j R1 % /%
8%
:' ' $$ $$ '( : $$
0 $$% : 6$$ Z : 0 $$< $$4 5
$$<
$$ $$0 \$$ % _$$ ( $$7 $$% e $$ W $$ 7
0
$$ 0
* $4 W
$
0 $ K14 % $ $ V 7 9 $ % $ Y
$ %
$
% i $ W B( B( : $ $ % $ : Y[$ 8= 2 4 % $ e &
: % 8% : 0 \
:
i4
' 0@ 0
< m.
4e '
# * 0 G,D'6 '
A8. G,,ND c 4 '6
4
$$K $$4 $$0 / $$ '( s$$$
$$ 6 'c % / $$< 7 /. $$%
/= $$ %
$$ $$4 L $$. @$$$ % W
$$% Q$$$% '
0 š $$
8$$$# $ $ K14 % /= $ $ % w $ $= 8$$$% $ $7 W $ $0 * $$ K14 %
G>TD $ c $
$ 9 $ = Z $ K14 % $% 9 / 2 . @ '6= %
j %% *
. /R R0 % * 0 G V ' ] V •V.D
‰ 7 /
'' @
K14 %{
/ s$
@ $
$K14 % '6 0
s
3
4: K%
'6$$$ /0 $$ K14 % $$7
$$3 •: B( ~ $$ % / $$ / $$=
V [$$ Z $$4 $$0 $ /$$; /0 $$
: $$
$$7 : $$ W9 $$%
W $ 7
$
/ F
'
% : 6 Z $ :Y
VF [ .
W $ 7 G ’‚ =& ’ D
$
V [$ Z $% : 6$ Z '6$ m 4
4 W\ C.
: [ 0B
4 \ . : %
4 K#
' f$$$ Z $ $% : ' $ $ Z ' ( $ $ ' /
$$
~ $ $ % $ $E V%
: '
$
: 0 $3
$ 6 'c 0 $ K
$ 0 $ 80 /4 $ K&
\ %' 0 '6
: $ . : $38% $% 0
80 ' V < ' f Z % 7 7
\ 0 8% : 0 \ '
: 8%
'6 4
¨
/ 0 $3 @ $
$4
$3
8# * /= %
4 @%
8$% $
$ 7 '
K14 % * j\ K% ' s


ناماندگان و دوژینه‌های میزگوی گوهاکاریی کوه‌های لاهیجان و نابوری و
سیاسی و فرهنگی و نیزگی دزمیردین. به‌گونه‌ای که‌گونه‌ی کوه‌های کاردهی آن‌ها نیز بوده و به‌تورسی به یکدیگر کوه‌های دس‌گانی کوه‌های دوژینه‌ای و
فهرمی‌ها نام‌اده کرده، دوژینه به سوی و خونوانده و می‌هست دسترهای و
تایب‌هی. که به‌تونه‌ی نمو باید و به‌جی‌گه می‌متانده‌یه‌ی له روی
رسمه‌های دوژینه‌گاردنی روودوکانه‌هه‌ی همانه‌ه، له کوه‌هومه‌ه، ته‌نامه‌ه، له
کوه‌هگیا کوه‌هگیا‌نشی‌اها، ناسراو و بِر باید بیوه‌ون. لوهمر نه‌مه و به‌سهود
و درگردن له جوئره به‌گپنامانه ده‌کرده بِی به‌هله‌ه و بِهردپوشی و
جاو و راودردن و جه‌دیگرند و شیوانتی‌هی خوئستی‌هین‌دیک به میزگو
نوواستی کون بِری‌ت، و لاه دمکرده له ریگه‌ی نمو به‌گپنامانه‌وه گمل
روپی‌ه تایب‌هی و نه‌زن‌واری میزگوی که به‌لیکدی‌اها و لیکلاچی‌اها
نه‌وه به‌گپنامانه به‌سهود بیت.

لهم روودووه دستواری بِگون‌یت: له‌ناو هی‌مومو سامانی هّته‌وپیدا
به‌گپنامانه‌ی نمت‌هی‌وی و میزگویی و نمپرستی به‌بای‌ی‌ختر و
گراین‌هایمان‌ین. جونکه نهو به‌گپنامانه‌نه‌نامی‌ان زانست و نهمزمر
پی‌شینامان و، له راست‌تی‌دیلاری‌جینه‌کانی پِرهوون‌بوه نمودکانی
نه‌مرو‌. بوئیه نه‌مره‌جمه‌نپای‌باید به‌نمرشی و باه‌گوان‌انم باهدین و
جاو‌دیبی‌پی‌نک‌اه‌هن‌میدنه‌ه‌ی‌پای‌ده‌یدوه‌ی‌که‌جی‌نه‌له میزگوی
شوارستای‌نیه‌ت و فهرم‌هنگی خوئمان‌نفاش‌این و زانست و زبری و دانایی
زیاتر‌دهان‌ان و، به‌ین به‌بله‌ی‌زان‌ان و روش‌بی‌ان و دانش‌نامه‌ان
دبی‌ن و، له‌زیات‌روزنان‌یا له نم‌موزونی پی‌شینامان‌زیاتر
به‌هرم‌نمد‌ده‌ین و، به‌ئ‌عماکانه‌نه‌ویان‌دووب‌رها‌نآک‌ین‌نه‌وه و، کوه‌مگه‌ه
به‌روپت‌یت‌گی‌زان، له فهرم‌هنگی پی‌شینا‌دنای‌ین و، نم‌گی‌ه، له
کون‌دا
چ‌نیسته‌، بله‌ی‌زبری و ناگای‌گه‌نان و دووه‌م‌ن‌دی‌ه‌فهرم‌هنگی‌ه‌له

88
رووی بایه خداوند دوم‌الله‌مان‌هو به‌هم جوهر دسمگا و ناوندانه به‌دندرخیرنیت و همه‌لدنستگنگنیت.

خوشبخت‌انه به سال‌الانه دواپیا بایه‌خدا به‌پرستو و شارستانه و نمیرشید و به‌لغنامه‌ها به‌پرستو هدایت داده‌دانه و روح‌گمیک و روح‌گمیه باشی به‌خوی‌گوهو دیوش و رؤزانه شایسته فراوانکردنی زانستی نمیرشید و بایه‌خدا به‌لغنامه‌ها نمته‌هوی و می‌پرستویی به‌پرستو باک اکنده‌مان‌داهن و نم‌مسالین به‌کردک‌رهی رسمی‌ه تلاری فهمی‌ه‌ن‌مستفادی نمته‌هویی نیران شایسته‌ن‌ژوریشی بی‌پناخته که‌شایسته پرشیدن‌هوی نیشان‌نیه‌ی زیاتر به‌سنگ‌گی کم‌نیرانا‌هوه دم‌بینه.”.
ласایی گل‌لاین جهان بکه‌خویه و . با درهنگیش بیت - نهختنیک
به‌خوکووین و به‌رارگری له به‌زایه‌جوویه نو سامانه به‌پایایه خه بکیم.
لهم بواردا له نمی‌شیفی تایبینی خویمدا چندین به‌گل‌نامه‌هی به
بایه‌خم - هندریکان ودک خوی و به‌نامه‌ و هندریکان به ودینه - کو
کردودوئتووه و پاراستووم و، ناو تبناو له چندن گولار و شویندا لییام
بیاو کروتوتووه(3) . لجریشدا هنگاویکی دیکه لاسمر له یو دنیم و
زنجرمهک به‌گل‌نامه - به پارامنی خویدا - دخمه‌هی بال به‌گل‌نامه
بلاووکراوهکانی بیشودو.
به‌گل‌نامه‌ی مهم
بؤ نهام زنجرمه به‌گل‌نامه به‌کمیان به‌گل‌نامه‌همکه هم‌آئزارد گه به فیومانی
عمل نکبهرخانی (شرف اللک)ی جیگری حکووممتی کوریستان - سنن
نووسراوهتوه و، ودک لبه‌مولا دردردکوهیت باهیخ تایبینی خویم‌همه.
عمل نکبهرخان کینه؟
له‌هو سمارچاویانی له به‌مر دسته‌مدون دوو سمارچاو هره‌هی گومانی
نهمانیاً بو چیت باسی نهم پیاویان تی‌دا بیت.
یمک‌مانیان (لغت نامه، دهخدا) گه بهداخموئه ناوا چندنین (شرف اللک) و
(على اکبر)ی تی‌داهی ناوا نهو عمل نکبهرخانی کوریدی تی‌دا نییه.
دووه‌مانیان: (تاریخ مروخ)ی ناهیت‌تولای کوریستنی‌هی کوریستنی‌هی،
شهمیش دووباره - به‌داخنوه (31) جیا له کارمسات و رووداوی
جوو‌جوودا ناوا عمل نکبهرخانی هی‌نه‌ان، به‌للام جاریکیش نایب‌هی
می‌زووی زین‌ییندا نمی‌جوویه، لمه‌یک شویندا له رو‌وادوئیکدا گه له‌رژی
حوویتی (حمید بی‌عیان)ی ساله 1320 به‌هو - دیوانی نگوه‌دوتوه هت‌های
یان مانگییه - عمل نکبهرخان و کوری‌که کوژراون. له چندن جیگریه
به‌ارگن‌دی دیدا دمردکهوهیت که عملی نکبهرخان ساله 1391 له
کوریستان سنن به‌هو و، ساله 1300 له فیومانردوئی نه‌دومبل‌لارجوو.
سالی ۱۳۰۲ به سنه گارد پرورش، در سالی ۱۳۰۴ به نه صفحه‌ستان بوده و سالی
۱۳۱۱، گارد پرورشی شارونی (مشترکه) بانیی، ریشخستگی و
نماینده معاون بانیی شرکت (مشترکه) که به معاون بانیی مشترکه و
(نایب‌الحکومه) ناسراوا، کوری معاونت صادقی خانی نام برده‌اند بوده.

معاونت صادقی خان، که قدرت کوری بوده:

۱. معاونت جهان حضرت‌خان.
۲. معاونت رضایت‌خان.
۳. معاونت بانیی (شرکت‌داری) مشترکه (نایب‌الحکومه).
۴. معاونت خان.
۵. معاونت دفترالله خان.
۶. شیخ قهرجلال خان.
۷. معاونت سمالیم خان.

عمل تاکید بانیی خانیش حبوت کوری همبوده که ثامنی:

۱. سلیمان خان (شرکت‌دار) دوهم. خانم‌خوان بوده.
۲. عمل نوسوخت خان.
۳. عمل خان (بانیی مشترکه).
۴. معاونت خان (شرکت‌دار). دوهم.
۵. معاونت خان (صریح).
۶. معاونت خان.
۷. عمل سماخلا خان.

جهان سودیکی بملگنامه‌ها: یکه‌می: گمانه جبار وا دنبیت‌ناوی گوند و مهزا و چیا و کنند و دولن
گورنی بسهم‌دا دیتی، بملگنامه‌ها ناوی گون و شوینانی له سپردسمی
نوسرانی بملگنامه‌ها که جوان گوتراون تیپا پاریزراوا، جاری وا همبوده
گوندیک همه له بعین برآوه بان تیپا جووه، که جی له بملگنامه‌دا ناوی
پاریزراوا.
دووه: لمروری جنده به گنگامه‌ها که له سپرده‌می جیاچیادا نووسراش شهق و شیوه جوزاورجوئی نووسینی به گنگامه‌های دژانرین و دژانی به ج خئت و کاغذ و ممرکوپیک نووسراون و زمانی نووسینین به سفرده‌می جوزن بووه.

سپیمه: لیزه‌کا خووه ونک واعیظ و وتاربرد دانامی و وترادوکه سمرک و بلندگوی مرگمهوت نیمه. به‌لام بیرخستنمه هنندیک رفکاری جهور و هنالئی می‌زورپیکه له ههمو سفرده‌میدا هنندی دسه‌لادی و کاربندنستی تیبدکوهیت، بی‌سیوود نیبه، به‌گی نامه‌ی یمکیکه له‌بو سوودنامی له روانگه می‌زورپوه له دهاقتنه‌ده خویندریتنوه و لییان و وردگیریت.

نهو بابه‌تانه‌ی نامه‌به‌گنگامه‌ی بی‌بو نووسراوه جین؟

نهو به‌گنگامه بو کریم گوند و زوه و زار و ناش و جوهه و شتی و
نووسراوه، گه زمارچیان له حفتا تی‌دیمه‌ی. دوبی جنده لمانمیش کریبیار شمو زوه و زارنه که عدلی نامکبیکنی (شرف الملک) بووه، جنده لفشرسی نابیاب و
خانوه و ته‌لادی ذی کریبی؟ دوبی جنده شتی دیکنی تاومال‌هی هیپوشی؟ دوبی جنده نازن و گیا و وناش الی و نامنی رحسی اینه‌ی هیپوشی؟ دوا نامه‌ی
دیبرسن: دوبی جنده کریغ و گاویل‌گرتبی تا نامه هیموه مامستا و زانا و
پیاو مافچول و کاسبیکانی کو کردمیته‌ی تا بیکاته‌ به شایست بمسمر زوه و
زار و سامانگمیوه؟ حا دوا نامه‌ی وناره‌یش و نامه‌ی سمر برسراری
جینه‌ی می‌میست و دنییه: دوبی نامه یمیوه کهی کاتی نامه‌ی هیموپییت بیر له
رحمیته و رمه‌ه خوک کاتینه و به کاروبزادنیا راشیت؟ دوبی صی لمگانیا
کریبیت؟ نامه‌ی نموهنه‌ی می‌میست بووه زوه و زار و جوهه و ناش
بی‌یم بیکه موه به‌ییت ناموهنه‌ی رحمیته‌ی می‌میست بویاهیت نامه‌یت نام‌یت

لسمر لیام‌بیکانی می‌زیوو جنده کاری دیار و شایسته‌ی بو تسمر دکرا.

نهوه برسیر و بیرخستنه‌وانه به‌بو نهموهی بینئی: نامه‌ی زوه و زار و باخ و
داته دوای (شرف الملك) چییان به‌سیره‌ت؟ دیاره ونک ماموستایه‌یگه زیر
و خاوان بیر به میریکی هرم‌مود، نه‌گر به کس‌یا به‌این‌ن‌هگمیشتنه،
دست‌تْوآ نمیش بِّوی نعماونه‌توه و که‌تووونه‌ت دَست کِسانی دَی و،
دوای نَمو چِنَند دَستی دَیپان دِیوب! 

دوای نَمْه‌ن دِی‌مه سِمر ممبست لُسمَر نَمه باِسه کَرَته و وقَله لِبه بیشْکِی
(گمُجِئنگی‌ه بَس‌سِناد) بَیدُا بِوو یِهمَکِک لِه سُوءُودَکِاتی به‌گُن‌نانِکِانی کُونُمان
نَمْویه‌ه کُ نَگُمر بِی‌شی‌شنی‌مان هُلِم‌یِه‌کِیان کرَبْتیت نُمَه‌تی نَمکوونه‌وه،
هم‌لَی‌ش لُمْوَه گُمورَرَت کِامِی‌ه کُ به‌مَکی کَرَکی‌کی کُمْته‌دهست و,
بمرِبرِسپارِبِی‌مُکی نَرایه نَمْسُن‌یِ بِی‌ش هُموُتَش بِی‌ر لِه کُؤُر‌دَنَمْه‌دوی سه‌رَت و
سِمان‌َهُ بِو‌خُوی بَکَتَته‌وه و، هُمْوَلَ بِدَاد خَوِی و خَزِم و کَس و کَرَی دَعَوْلَه‌مِند
بِکات و بیانگی‌مِنی‌تیه پَلِه و پَای‌ه؟ دِیاره نَمْه‌خوَست و نَزارَزوی‌که‌کِسانَی‌که به‌هَمِله لِه نَدیا و بمرِبرِسپارِبی‌تی گِمی‌تووون و، نَمْویان‌ لَمیر دِمَجی‌ته‌وه که
هِیچی لِمگُم‌ خُوُی‌مان نابِه‌ن و، دَواِی خوْیان دابِه‌ش دَکَرین و بِو کَسَانی دَی
دَمِجن و نَمیش ناَوَی باِشِه‌ی بِو نَمی‌نِی‌ته‌موه بِمَگُو زِیر نَمْو کِسَمی‌ه هِمْوِلی
نَمْوَ بَدَت لِعَلاَتی کوُشک و نَتِلَر و سِمانِ، نَمِمری‌ی بِو‌خُوی بِی‌تَی‌ته‌موه، که
نَمْویش تَنَن‌ها لِه نَاَوِی باش و کُرَدَوی جَاگِدِی‌که به‌ه نَزمِتَی شَیاو و
دوَرستی هاوُنی‌شِمْی‌مان و کَسَانِیِ دِی‌ه دِی کَه نَمْو لِه زِیانُی‌ا لِیِنان ابِرِبری‌س و
بمرِبرِسپارِبِی‌بِوو.

سوُنی‌زیکی دِی‌کِه‌ی به‌گن‌نان‌ه لِه‌مُده‌ای‌ه لِه کُت‌ای‌ی و په‌روُی‌زی
به‌گن‌نان‌کَان‌دا نَاَوی جَنِن‌یِ زِان‌ا و کَسِابی‌تی کُم‌وژ و نَوَاد و نَساَو
نُو‌سِرَواه، کاتی واَش ههِی‌ه نَاَوی کُسانِنِک نُو‌سِرَواه لِه سِمراوُان‌کَانِدا
باسبِان نَیِه‌ی‌، بِان نَگُمر نَاَوی‌هَب‌ی‌تی لِه سِنُوْری‌کَی تَسکادِی‌ه و، زَانِبِری
لِهم‌سر هَؤُنگ‌کاتی زِیان‌یِان و نَوَه کُارَوبار‌ه لِه نَمِسُت‌ی‌ان‌بِوو و، نَوَه
نَهِرکان‌ه، لِه سِمرُن‌ان‌بِوو و نُهِن‌جام‌ی‌ان داَوِن، لِه دَست‌تی‌نِی‌ه، بِه‌لَام
دمِبنِی‌ه لِه بِمرَوَی‌زی به‌گن‌نان‌ه کَان‌دا نَاَوی هاتوتول و به‌گن‌نان‌ه که
می‌وزِوی بِپِوی‌ه‌، بِوو دَمِزان‌ی که نَوَه کُس‌ه لَمِی‌زِو‌ه‌داه لِه زِیان‌ا بِوو،
له به‌گن‌نان‌ه‌کی دِیدا دِی‌های نَاَوی هاتوتول و بِاسِی نَوَه کُرَوِه مَمَوْسُت‌ای
فلان گوند یان شاروچکه بووه، یان فارسی یان موفتی شویندیک بووه،
لهم میشهوه شتیکی دی لی میزووی زیاتی دمزوژیتهوه، چتا تا چهند یهو
بهلگنامانه زور بین و بو قوئانگهی جیاجیا بگمرئینهوه، نومنده
میزوویان دوولهندت دوکنه و سوودی زياتریان بو دوزینهودی
قوئانگهکانی میزووی زیاتی زاناپایان و ناودارمان دهپیت.

چهند سمرنگیک لدمباره نهم دمهناوه:
یمکه: نازنام و دیار نیزه دمههگان کن دیارشتوون، دیاره بیاوی زانا و
یهخان نوسی شاردریای نمو سمردمهیان بو نهم مهبهسته همیبردودوه.
به زؤری دهمی بهلهگنامه کانی گون بهم شهیمن.
دووهه: نووسنمدونکانیشیان که دیاره له خوئشتوواسی نمو سمردمه
بوون و همک داریژمری دمههگان، زانراو نین. دهدی نهوه بدلیم، دمگونجن
نووسمر و داریژمردهکی یمک کمس بووبیپت و همک دمگونجن دوو کمس
بووبهن.

سیهه: نوسینهکان تیکه‌الائو و شکسته و له همهندی جیگدا بی‌نونهته
یان کهم نونخته و نهمیش کاری خوئنده و میانی گرکردوه.
چواوهه: نووسینهکان بیخت و ساف و بن همینه، نگمر کهم - کهم همه‌له
له همهندیکنانا همبیت راستی ناکماهود و همک خوئ دیهوئه.
بؤ نموونه له هبهندیک جیگدا نووسراوه (هم اسیم و خیر الاسماء).
پینجهه: له دمههگاندا فارسی و عوءمی تیکه‌تل کراوه و جاریا وا هموه
واه لیندیت و همک نهوه وايه دمکهک عهمیری بیت.

شهمه: زؤری بمرکزهگان - نمو دمکمه له میچیش مورکنوه نووسراون
- همک یمک وان یان له یمکهوه نژیگن، بهرام ام لمیص نهوهی مهبهستی
سه‌رهگی من له نووسینیان ناوا نووسنمدوکانینه دمههکانیش
دهنوسم.
 نحوه‌طلب: خمینی، به‌مرورده‌کان به‌وزری خوشن و خمی‌کانیان خوشن، نمگرم خمتی خاومی‌Msg مرکزی‌ان باخت و نم‌هوی‌های هم‌هوی‌های خشت‌خوش بوون،

هم‌جهت: زور‌پی‌هاد خاومی‌Msg مرکزی‌ان تنه‌ها ناوند خوشن - یک شتیک که نامازه بیت بو ناویان، ناون نووسیوه، دیاره نام‌ه کاته ناسراو بوون، به‌لام، نیسته نابانسانی. جه مه‌ها وسیده‌ی شه رک داو، مه‌ه، یان مهلا، عم‌بوت‌ره‌مان... یان - له بلگه‌نامه‌که، جنحی بات دم‌وت‌همو، خو نگر به‌هر زخم‌ه‌مت‌تیک مه‌لا عم‌بوت‌ره‌حمان‌کی‌ان بناسین، ثروا لمناو نهو.

چنند ناوندا بینی به کسانی‌تی‌ه‌م‌هوی‌های نامین.

نؤی‌هم: نمودی لندبای به‌مرورده‌کانه‌وه لمناو دوو کو‌مان‌ه‌دا نووسیوه، نم‌هوی نووسراوی ناو مؤزمرینه، وانه ناونی یه‌کلیک لش‌شای‌مکانی ناو به‌بلگه‌نامه‌که، که کراو به‌شای‌مک لسمر ثمو مامه‌له.

ده‌هم: هم‌ر مورتی‌کیش که بویت نه‌وی‌ت‌رایمه‌وه لمناو دوو کو‌مان‌ه‌دا، چنند حان دادمینی، تا بزراندیت بویت ساغ نم‌گروآوه‌وه.

ناو‌مرگکی به‌بلگه‌نامه‌کان

نام به‌بلگه‌نامه‌به، به‌زمان‌ن‌که فارسی‌تی‌ک‌نگراو لع‌وء‌مردمی و به‌شیوه‌که بپ له زارواه‌پسین و ستایش و پیاه‌لدانی به راه‌بندرس موبه‌له‌گاوی و نووسراون که نم‌گرم بیت و ترجممه‌ه به‌کری‌ن هم‌زور، زوریان دحی‌ت و زیادی‌ش نموش‌ت‌رروه‌مو نه‌گرم بدین: له تواناها نیه ود خویان ترم‌جمه‌به‌کری‌ن. خر نم‌گرم له توانایشا بیت ترجمه‌به‌کری‌ن به‌دندنی خویان سوودی‌کی نبتو به پر‌ه‌ریش‌ن‌بیری نم‌رئوه نادهن، به‌گو نه‌یه‌ی بو ثم‌رئ بویسته‌نه‌ج‌نومی‌نامورگکی نجو دفاع‌های بزراندیت و له هم‌مان کاتی‌ها شهو به‌زبراندیت له‌س‌مر‌م‌مدی‌ه چ‌جوبره نیشن و مر و رسمی‌ت، بو نووسیوه به‌بلگه‌مولکای‌تی و قم‌بال‌ی‌جاه‌به‌ماره‌ن‌راوه.
بیویه من لیّردها - که دهمگان به کوردی نین - بیوخته ناوبروگه‌گانیان و ناوبره‌آه لیهان و مردمگریپت دکه‌م به کورده. تا خویه‌مری کورد ناگاداری ناو مراکه پیتی، که واده‌دانه له لومشی زینار به‌قوه جیگه‌ی بایه‌خ نییه.

به‌غلامانه‌ی یه‌گه‌م:

لمبه‌ر، نه‌وید عمال نک‌به‌رخان (شماره‌فولکلک) جیگری حоворحم‌تی کوردستان، زدودی و زار و دووکان و بابوی و کوشک و تم‌للیکه زؤری له ناوجه‌ی کوردستان به‌شهوی شه‌عیی به‌دمست هی‌تیانه و، بو ه‌ه‌ر یه‌کیک له‌و زدودی و زار و ماهانه‌ی یه‌ک دانه‌سمنده و به‌گه‌ی مولکاهی‌تی لع‌دست‌دی‌اه و، نه‌و به‌گه‌ و قم‌بالانه‌ی زؤرین و له‌وانه‌ه‌ی لیهان بدرزی‌تی‌م یان لع‌ناوج پچی‌ت... داواه‌ی له پی‌وانی شه‌ریع گرده‌ر که ناوبروگه‌ه یه‌که‌ی نه‌وه قم‌بالانه‌ی به‌کورتی له یه‌ک فیه‌رستی سه‌ریبه‌خو‌دؤا کو یک‌ه‌نه‌وه، گه‌ نمگه‌ر یه‌کیک له قم‌بالانه‌ه‌کان لع‌ناوج‌مو نوه‌فیه‌رسته‌ر دیر‌زه جیگروده‌ی نوه‌وه‌ی لع‌ناوج‌وجو پیت و، به‌گه‌ی مولکاهی‌ته‌ی‌یه‌ک بی‌تی. له سینر داواه ناوبروگه‌ کورتی‌م‌ه‌ک دیر‌زه ناوبروگه‌ قم‌بالانه‌ه‌کان جی‌اجیا لی‌ئردها نوو‌سرا تا بو رؤژگار به‌گه‌ی به‌هی‌ز و سمنده‌ی شه‌ریعی مولکاهی‌تی نوه‌مو مولکاخ‌ه بن. دوای نه‌وه کام‌فازی‌کی پان و دیر‌زه به‌پی‌وپاه (30 × 60) به‌ مه‌ره‌کنی تلاابی جوگه‌ه‌له – جوگه‌له کرواه‌وه‌ به‌زآید له هچتیا جی‌چن‌اندا ناوی زدوی و باخ و ناش و خان‌مو و شتی دی نووسراوه‌که عمل نمک‌بر‌خان شه‌فهرول‌فلک کریوی‌ی. له‌م‌ره‌ جی‌گه‌ه‌یکه‌ه‌وه‌ لو جی‌گی‌ای‌ناه‌دا ناوی کریار و فر‌و‌سیار و شتی‌فرو‌شراوه‌هم به‌مورده‌م‌ی دی‌اری‌گراوه‌له لمو باب‌ه‌ت‌انه‌ له‌م‌ره‌ر زؤر‌ری‌انه و، لمو‌ر، نه‌و‌وی‌ش‌نوم‌سین‌وه‌وه‌ی‌گش‌تیان‌ ناب‌ به‌هوی زانی‌اری‌مه‌کی تازه و به‌سوود بو باسه‌ی‌که‌ دی‌مه‌ه وام به‌پات‌‌زانی به‌د‌ه‌قه‌ه‌کی خویان و وه‌ک خویان نمو‌وه‌ه‌یان لو وره‌گر و بو‌ه‌نه‌م‌ه‌یش
موه‌رقانی سمر به‌گل‌نامه‌که

نهم به‌گل‌نامه‌دوی نمودی به، شیوه به، خیم‌نکی (مستعیق)ی زؤر
جوان نوسراوته‌وه به باش‌شین مه‌رگ‌کم و کامی‌دم و خات‌خوئش‌ین
که‌سی نمو سمرچمه، به‌گل‌نامه‌که بیشانی‌زاناپان و هزارپان و موقت‌پان
و بغازگان و کاپان‌کاران و کساسان دی دراوء، ثناونیش به، شیوه‌گی
جیاها، به، زان‌سکان‌فارسی و عصری، به، ده‌فی دریـز و کورت،
شایه‌تیان لمسر دروس‌تی ناوم‌رکی به‌گل‌نامه‌که داوء و، به‌دوان
شایه‌تیه‌کانی‌نوه‌موؤری تایی‌پتی خویان داوء.

زماره‌ن وکس‌سی لمسر نمو به‌گل‌نامه‌شایه‌تیان داوء (۲۶) کمسن
له ناوداران و زاناپان و پیاومافولانی ناوج‌که و دموربدری.

به‌سی زؤریان له، مرده‌کانی‌نداهم ناوي خؤیان نووسیوه، وایشدمبی
ناومک‌پیشیان به دروس‌تی ننووسیوه، تهن‌نامازدیان له، مرده‌که‌ا
نووسیوه، دیاره نمو، بو نمو سمرچمه به، بوسوود و کمس‌کان کسایی‌تی
ناودار و ناسرواى ناوج‌که بیوون، به‌های بو نؤئسته و نئیوه ننامی‌رو و
نامین، نازانی کین و کاتی خوئی جی بیوون و ج، دمور‌ریکان گئی‌او.

شهرونه‌وه زؤر کم‌مک‌شیان له، مک‌مرده‌که‌ا من‌زؤری‌موؤرک‌ندنگ‌که‌یان
دیاربی‌گردووه. ث‌مانه نمگره و نه‌بواوی‌ن سودی‌ن غیل‌زیتر دمبو.

به‌همرحال من دمکی پی‌ش‌نووسی پیش‌همند ۲۸ مورده‌که نموی‌بیم
ساغ بووم‌ته‌وه نووسیوه. به‌زؤریش ساغ‌م کردوون‌ته‌وه، به‌های‌گم‌له‌نه
مورده‌که یان باش دمرونه‌جهون، یان شهوئی نووس‌سکی‌ن بیئی و پلوچه
و بوهم نه‌خوئی‌راوته‌وه، بو‌شهو شوئی‌ن‌له مینی‌دوو که‌وانتها دا خال‌م
داوءه.
سمحتي به أذنكم وكني، وحنين دمتعي

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله العلي الأكبر الأحكم الأعدل في عالم الإمكاني، الذي لا يتطرق إلى
سرادقات قنده تغيير ولا نقصان، وأعطي مالاً من الاملاك والقرى
والبلدان، من شاء حسب الاستعداد والقابلية والشان، وجعل سيدنا ومقتدانا
مجدداً علة جامعة ووسيلة ساطعة لاجاد الأكوك، وصيره شرقاً ملك الإسلام
والإيمان، ومعدنا ولأمن والأمان، ومنبنا للجود والأحسان، الاختيار من الخثار
من عدنان. صلى الله عليه وعلى آله وأصحابه صلاة وسلاماً يتبعهما روح
وريحان، ويعقبهما مغفرة ورضوان.

وبعد: جون سركر جزء من مدار معدلت كردا، اخر الأمراء العظام,
نتيجة الولادة الفخمة، باست بساطة أفام وعاقم، قال آثار جور وضفان، مقرب
الخافقان (علي اكبر خان شرف الملك) نائب الحكومة، كردرسان - دام إقاليه -
ايلاماً مفصولاً راً: فقراء، وعمارات، ورابطات، وكلب المستر والفقهاء في
مجال كردرسانت اكتساب شريعي فرموه، وبنجاله وقيد ملك اختصاص خود
در أورده بودن، وبراءاً ملك هي يك قبه وسجال معتبر محكوم به بخطوطة
وجواناً إفاحاً شرعة مقدم في دست داش، ليكن بحله تعقد وكثير
قياصات ممكن يبود كه بعضها من آخرها مفقود ويا مسلم قريد، افاضي
شاعر ملتبس وخواها شاهد، كه مضروماً هر يك ازان قباليثرا احتجالا
در ضمن فهرست عليده جمع نموذه، كه اغتر فرضاً يكى من آخرها مفقود
ومعدوم شود همان فهرست سنغ كافى ودليل وافى باشد.

اجابة للتميم مجعلي من مفصل هر يك أران قباليثرا في جاءوا ابن
فهرست جداً، جداً ثبت ودرج نموذه، تادر روزغار حجت قوي وسندر شرعي
بر ملكاً ملالاً مفصله قوى باشد.
تموونه له دمحمكان:

1. جهار دانگ ویک طسوت از قریه‌ی صفی آباد من محل جونراد از عالی جاهان: محمد جعفر خان، وموسي خان، وفرح الله خان، ومحمد سلیم خان، ولطیفی خان. وعليجاهان: زیبا خانم، وخورشید لقا خانم، وحریه لقاخان، بردنار وخواهران سرکار مقرب الخاقانی علی اکر خان شرف الملك ـ دام اقفاپه ـ بسیگ بیع ونذر واجاره ومصالحه صححیه، شرعیه در مقابل اخذ وقبض مبلغ جهار صد تومان نقد رایج سرکار عظمت مدار علي اکر خان شرف الملك معظم الیه انتقال شرعيّ بذیرفته. في شهر شعبان المعظم سنة ۱۳۷۱.

2. ایضاً یک طسوت وسه ذره از قریه‌ی صفی آباد مربوره از عليجاهان بغم خان، ملقب به خانم کوکک، صبیه مرحوم محمد صادق خان ـ غفر له ـ سبیع ونذر واجاره ومصالحه شرعیه، در مقابل مبلغ یازده تومان نقد رایج سرکار با اقداد علی اکر خان شرف الملك انتقال شرعيّ یافته، بانضمام سهم موروثی سرکار شرف الملك، وسهم موروثی علیجاهان محمد رضا خان، گه علیجاه مهد رضا ضیاءه لطف علی خان برادر شیب معاوضه‌ی ملكی انتقال یافته. واز و نیز بسرکار مقرب الخاقان شرف الملك بجميع صیغ ناظمه شرعیه منتقل گردیده. ششادگان قریه‌ی مزبوره ملك حق وحق طلق سرکار معظم الیه مبیاشد.

3. ششادگان دو دست عماره ابتداعی از عالیحضرت خیر الحاج حاجی اسد الله تاجیر همدوین، از سرکار جلالتمدار، فتح الویة العظیم، مقرب الخاقان، امان الله خان والی ـ دام اقفاپه ـ بطرق هیبه ونذر شرعی بسرکار علی اکر خان شرف الملك انتقال شرعيّ یافته في شهر صفر المظفر ۱۳۷۱.

مخفی نماند که خانه‌ی مرقومه الآن درجاوی آنها کاروانسرای احداث شرکار مقرب الخاقان شرف الملك ـ دام اقفاپه ـ ساخته ونبا شده است.

***

99
20. سه دانگ از قربیه گزنه و سه دانگ از قربیه گندمان من محل حسن آباد، بعد از وضع جنگ قطعه املاک و رفتن مرحم ملا سليم، در قربیه گندمان از عالیجانه میرزا آقای حاذقی کاشانی نظام التجار کردستان، در مقابل اخذ وقبض مبلغ یکهزار شهشند تومان نقد رایج، بسرکار مقرب الخاقان خان شرف الملك انتقال شریعی بنیافته در شهر ذی حجة الحرام سنه ۱۲۸۷

۲۱. دو دانگ از قربیه ناورود، من محل نیلیاق، از عالیجانه زین العابدين سلطان توبخانه، مبارکه، بسیج بیع ونذر واحاره وصل شریعی، در مقابل اخذ وقبض یکصد ده تومان نقد رایج بسرکار معظم الیه انتقال شریعی پذیرفته، در شهر ذی حجة الحرام سنه ۱۲۸۷.

۲۲. شش‌دانگ قربیه، علی آباد، واقعه در محل نیلیاق، از عالیجانه میرزا مهدی فلی، خلف مرحم میرزا الله قلی، بطریق مبایعه وموافره و مناذره و مصالحه شریعی، در مقابل مبلغ یکهزار تومان نقد رایج مأخوذ ومقدوب، بسرکار با عز وفارغ خان شرف الملك، دام مجدده انتقال شریعی بنیافته، در شهر ذی حجة الحرام سنه ۱۲۸۷.

۲۳. دو دانگ از قربیه ولی، من محل زاورود، از جنابان ملا عبدالرزاق، ومال محمد باقر، خلفان مرحم میرور ملا احمد شیخ الاسلام، بسیج صیح ناقل‌های شریعی از: بیع ونذر واحاره ومالصالحه شریعی... در مقابل مبلغ یکصد ونینجا تومان نقد رایج مأخوذ ومقدوب بسرکار مقرب الخاقان شرف الملك انتقال شریعی پذیرفته، در شهر رمضان المبارك سنه ۱۳۹۲.

۲۴. شش‌دانگ مالکی قربیه، نورده، علیا وسفلی، از جناب مستطاب ملا لطف الله شیخ الاسلام بسیج صیح ناقل‌های شریعی می‌باشد، بیع والنذر ولاحرا ومالصالحه، در مقابل مبلغ دو هزار و پانصد تومان نقد رایج مأخوذ ومقدوب بسرکار شوكت مدار مقرب الخاقان شرف الملك معظم الیه انتقال شریعی بنیافته، در شهر ذی فعدة الحرام سنه ۱۳۹۲.
۲۰. جهار دانگ مفرز از قربه کریسی، از جنبه مستطاب ملا لطف الله شیخ الاسلام بجميع صیغٔ نافع‌اله شریعه از مبایعه و مواجره و منازره وصالحه شریعه، در مقابل اخذ و قبض مبلغ سه هزار تومان نقد رایج، بسرکار شوکت مدار مقرب الخاقان علی اکر خان شرف الملك - دام افباله العالم - انتقال شرعی یافته، در شهر ذی قعدة الحرام سنه ۱۳۹۲.

مؤزه‌کانی سمر به‌نگفته‌کنگه
۱. کتاب مرقوم یشهده المقربون. اقل عباد الله (ابن مرتضی عبدالکریم قلی)

* * *
۲. فهرست قبائلات املاک سرکار شوکت مدار بندگانعیال - دام مجد - مطابق باصل قبائلات معترف صحیح است. خلف مرحوم محمد علی سعید دهک (یا موسی)۸.

* * *
۲. فهرست قبائلات املاک سرکار شوکت شعار بندگان خداوند کار عال شرف الملك - دام مجد العال - مطابق باصل قبائلات صحیح است. الحقر خلف مرحوم ملا عبدالرحیم جوادی (الرجی فرج الله)۹.

* * *
۲. فهرست قبائلات املاک سرکار شوکت مدار بندگانعیال - دام افباله - مطابق باصل قبائلات صحیح است. اقل اخلاق الله (یا اسماعیل) داروگه.

* * *
۵. فهرست قبائلات املاک مقرب الخاقان علی اکر خان شرف الملك، ونانب الحكومه، کردستان بقرارایست که در این وقیه ثبت شده، وجنابان عظام علماء فخأم سلام الله تعالی، وسایر اعیان و اشراف وکسپه مزین فرمودن صحیح است. در شهر ذی الحجة الحرام ۱۳۹۲ (.........).

* * *
1. فهرست قبائل املاك سرکار با فر وقار، عظمت مدار، كثير الافتخار، امير الامراء

2. فهرست قبائل املاك سرکار مدار بنگدانعالی - دام مجد - مطالب باصل قبائل قبائل صحیح است. اقل الحاج (عبد الحسنی) بزاز سنندجی.

3. فهرست قبائل املاك سرکار شوکت مدار، بنگدان عالی - دام اجلاله - مطالب باصل قبائل قبائل صحیح است. خداوند مبارک کند ان شاء الله تعالی (محمد صالح) ابن مرحم حاجی فتح الله.

4. فهرست قبائل املاك سرکار شوکت مدار بنگدان عالی - دام اجلاله - مطالب باصل قبائل قبائل صحیح وصیمان است. در بیع وشرائی اکثر آنها اطلاع كامل دارم. خداوند مبارک کند ان شاء الله تعالی. حرره اقل العباد (عبد الله فیض) ابن مرحم مرزا حسین کردستانی.

5. فهرست قبائل املاك سرکار شوکت مدیر بنگدان عالی - دام اجلاله - مطالب باصل قبائل قبائل صحیح است. در بیع وشرائی اطلاع كامل دارم. خداوند مبارک کند ان شاء الله. حرره اقل الحاج ابن مرحم افغا مصطفی (شیخ نصرالدین).

6. فهرست قبائل املاك سرکار شوکت مدار، بنگدان عالی - دام اجلاله - مطالب باصل قبائل قبائل صحیح است. از بیع وشرائی اغلب املاک اطلاع كامل دارم. ان شاء الله مبارک است.
حرر حبيب الله ابن حاجي ميرزا حسين. (حبيب الله).

**

12. فهرست قبائلات سردار شوكت مدارخان - دام اجلاله - مطابق باصل قبائلات معتبره صحيح است (عبد الله الراجي علي).

**

12. فهرست املك سردار شوكت مدار مقرب الخاقان مجدداً اعيان شرف الملك - دام اجمله العالي - مطابق قبائلات معتبره صحيح است. اقل حاج (الله، صلى عليه وآله وبركاته) يجاز كردستانى.

**

14. فهرست صكوك وقبائل املك بندگان سردار، شوكت مدار، عظمت آثار، كثير الاقتدار، مقرب الخاقان، مؤمن السلك، خداً يتخذ يتخذ شرف الملك - دام اجمله العالي - باصل قبائله ونويشتجات معتبره مطابق وبيان واقع است. ريب وتزويري ندارد. ان شاء الله مسعود ومبارك است. الحقير (بن) مؤر وناو.

**

15. فهرست املك سردار، شوكت مدار، كثير الاقتدار، با عز وفقار، مقرب الخاقان، مؤمن السلك، أمير الأمير العظام، ونتيجة الولاء الفخام، شرف الملك - دام اجمله العالي - باصل قبائله - مطابق باصل قبائلات است وصحيح است. الحقير ابن مرحوم (الله ويردي) ميرزا اسماعيل.

**

16. فهرست قبائلات املك سردار شوكت مدار، بندگان عالي - دام اجمله - مطابق باصل قبائلات وصحيح ومعتبر است. در بيع وشراء أكثر أنها اطلاع كامل داريم، خداوند مبارك كند ان شاء الله تعالى. حربه العبد اقل ابن مرحوم افا عبدالله كردستانى (يا حبيب الله)(... باذخان).

**

١٠٣
17. فهَرَسَت قِبَالَاتِ امَلَاك سَرْكَارٍ، شَوَكِتمَار دَان. دَام اِحْلَالَهٍ - مَطَابِق
بَاصل قِبَالَاتِ وَصِحِيحٌ اسْتَ. اِقْلِ الْحَاج (نَصْرَالله) بِكِازَ كَرْدُسْتَانِ، اِقْلِ
الْحَاج غَلَام...ً (عِبْدَه مَحْمُود شَفيع).

* * *

18. فهَرَسَت امَلَاك سَرْكَارْ، شَوَكِتمَار، كِثْرَ الْاِقْتِدارٍ، بَا عَزْو وَقَار، مَقْرِب
الْخَافْقَان، مَؤَمِّن السَّلَطَان، اَمْرِ الاَمْرَاء العَظَام، وَنَتِيْجَة الْوَلَاة الفَخَام، شَرَف
الْمَلِك - دَام اِجْلَالِهِ العاَلِي - مَطَابِق باَصل قِبَالَاتِ وَصِحِيحٌ وَمَعْتِب اسْتَ.
الْحَقِير (بِاَلله الْحَمْدُ وَلِكِل فَعَالِهِ) (١٠).

* * *

19. هَو اَللهُ تِعالِي شَانِهِ فهَرَسَت قِبَالَاتِ امَلاَك اِتْخَاصِبِي سَرْكَار، كِثْر
الْاِقْتِدار، عَظُمَت مَدَار، مَقْرِب الخَافْقَان، بَنَدْغَان عَالِي، شَرَف المَلِك، نَّاَب
الْجَوْرَمِه، كَرْدُسْتَان - دَام اِجْلَالِهِ العاَلِي - مَطَابِق باَصل قِبَالَاتِ سَفِيرِه، اَهْالِ
شْرَع مَطَاعِ صَحِيحٌ وَبِيَان وَاقِع اسْتَ. خَداَوَنَد تِعالِيِ مِبَارَك كَنِد. اِقْلِ الْخَلْق
الله (عِبْدَه حَبيب الْنَّبِي مَصْطُوفِي) سَنْدِجِ.

* * *

20. هَو اَللهُ فِهَرَسَت قِبَالَاتِ امَلاَك اِتْخَاصِبِي سَرْكَار كِثْرَ الْاِقْتِدار - عَمْدَة
الْعَيْنَ، مَقْرِب الخَافْقَان، شَرَف المَلِك - دَام اِجْلَالِهِ العاَلِي - صَحِيحِ اسْتَ. حِين
بِيَع وَشَرَائِي اَكْثَر اَزِ آنَهَا بُودِم. الْعِبْد اَلْقَلِ ابْن مَرْحُوم حَاجِي حَبيب الله
هُمْدَانِي (١٠ اَسْلاَم نِجَف عِلْ). 

* * *

21. بَسْم اَلله وَخَيْر الْاَسْمَاء فِهَرَسَت قِبَالَاتِ امَلاَك اِتْخَاصِبِي سَرْكَار، كِثْر
الْاِقْتِدار، عَظُمَت مَدَار، مَقْرِب الخَافْقَان، بَنَدْغَان عَالِي، شَرَف المَلِك نَّاَب
الْجَوْرَمِه، كَرْدُسْتَان - دَام اِجْلَالِهِ العاَلِي - مَطَابِق باَصل قِبَالَاتِ مَعْتِبِه، مَهْوِر
اَهْالِ شْرَع مَطَاعِ صَحِيحٌ وَبِيَان وَاقِع اسْتَ. الْعِبْد اَلْحَقِير (عِبْدَالْفَفْوُر).

* * *
22. فهرست قبالجات املاک سرکار، کثر الاقتدار، عظمت مدار، مقرب الخاقان بندگان عالی، شرف الملك، نائب الحكومه کردستان - ادام اجلاله العالي - با قبالجات سفير بمهر اهالی شرع مطاع صحیح است. اقل الحاج تاجر اصفهانی (محمّد ......... محمد(32).

23. فهرست قبالجات املاک اکتسابی، سرکار، کثر الاقتدار، عمدّة العاطم والاعیان، مقرب الخاقان خان، شرف الملك - ادام الله اجلاله العالي - صحیح است. در حين بیع وشرای اکثر آنها حضر داشته ام. اقل الحاج ابن مرحم حاخم محمد حسين شهیر بهمدانی (..عبدالله).

24. بنوعی که در متن مرقوم شده، فهرست قبالجات سرکار بندگان عالی خان، شرف الملك - ادام اقباله - صحیح است. الاقل عباد (يا حبيب الله) ابن مرحم میرزا الله ویردی.

25. بسم الله خير الأسماء، وهو المالك الحق بالتحقيق واليقين. فهرست املاک خالص پاک سرکار، معدلتمدار، باعز وقار، بندگان عالی، فخر الامراء الفخام، نتيجة الولاء العظيم، مقرب الخاقان، شرف الملك - ادام اقباله العالي - بر وفق وتطبيق قبالجات معترف به صحیحی، شرعيه علمیده، صحیح ومتبع وحق است. بارک الله له بدوم العمر والعزة والفخر والافلام والعدل والجود والعظمة والاجلال، بمنه وکرمه- العبد الحقر (عبدة محمد علی).

26. بسم الله وخير الأسماء، فهرست املاک سرکار، کثر الاقتدار، عظمت مدار، بندگان عالی، شرف الملك، نائب الحكومه کردستان - ادام الله اقباله المثالی - مطباق قبالجات
معتبره عليه صحيح وبيان واقع است. العبد الحضير (عبدالخلك بن محمد علي).

***

27. هو الله

هذه الجداول اضلاع لأشكال مستطيلات، بل بنيان وجدان لعمارات مستقيمات، مشتملات على بيوت مذهبات عالية، سافل، بنيت وحليت
لان تفر فيها عوارض رأسيات، كالحور الفضي في الفرس، أو كالقمر في بيت الشرف. حاكيات عن أسلال معبرات ناطقات، بأن الأملاك المرموقة فيها، مملوكة ثابتة لمن له ثبت الفضل والكمال، والدولة والشوكة، والاقبال، أمير الأمراء العظام، سالفة الولاة الفخام، شرف الملك، على أكبر خان، نائب الحكومة بكردستان، لازال متزايدا بتأيهيدات الملك المنان. وانا العبد المفتر
الله الواحد الصمد (يا أحمد).

***

28. فهرست املاك سركر بندغان عالي شرف الملك . دام اقفايه صحيح است.

الداعي (محمد حسين بن محمود) الموالي.

***

29. فهرست املاك سركر مقرب الخاقان قبيله غاهي، شرف الملك . دام اقفايه
. صحيح ومعتبر است. العبد الأاقل (عبد الرؤف يوسف).

***

30. فهرست فيبالجات املاك سركر، شوكتماد، نواب مستطاب خان شرف
الملك نائب الحكومة . دام اقفايه العالي . است. وثوري كه قلمي وبيان شهد
صحيح وبيان واقع است. حره الداعي (على بن اسماعيل).

***

31. فهرست فيبالجات سركر، عالي خان، شرف الملك . دام اقفايه . صحيح
است. العبد الأاقل (على محمد) . (وافوض امرى الى الله عبده لهف الله).

***
23. فهرست املاكات سركار، عظمت مدار، مقرب الخاقان شرف الملك نائب الحكومة، كردستان - دام اقباله العالي - معتبر وصحيح است. اقل الطلاب (خلف محمد...).

***

23. هو الله... فهرست املاكات سركار، مقرب الخاقان، شرف الملك - دام اقباله العالي - صحيح ومحترم است. (عبد الرحمن حسن محمد).

***

24. فهرست املاك سركار، عظمت مدار، مقرب الخاقان خان، شرف الملك، نائب الحكومة، كردستان - دام اقباله العالي - كه همگی مهور بمهر علماء كردستان است. موافق احكام شرع انور است. الاخرج (ان ربي غني كريم).

***

25. ابن فهرست مملى است از مفصل حالات وسجلات ونوشتات املاك سركار، عظمت مدار شوكت مدار مقرب الخاقان خان شرف الملك نائب الحكومة، كردستان - دام اقباله العالي - كه همگی مهور بمهر علماء اعلام وحكم شرع كردستان است. صحيح است. العبد الحكيم الحاج (حبيب الله ابن شكر الله).

***

26. فهرست املاكات سركار، بندگان عالي خان، شرف الملك - دام اقباله العالي، صحيح ومحترم است. الحكيم (محمد رضا) ({19}).

***

27. فهرست املاكات سركار، بندگان عالي، خداوندگاری خان، شرف الملك - دام اقباله - است. الحاج (يا محمد).

***

28. فهرست فیالجات وصكوك، خال از اوهام وشکوک، سركار عظمت مدار، نور نهار ابهت واقابل، نور بهار سطوت واحلال، شرف الملك نائب الحكومة - دام الله اقباله - است، وافتخار ما سطر بر مشارق صحت لامع، ومهدب ما 107
سفر بر مطالع حقيقت لامع است، الداعي له - دام عمره ودولته - امام الجمعه والخطيب. (عبد الرؤوف) 

** **

29. ابن فهرست مجملي است روى قبائلات وسجلات متخصصه املاك مقرب الخاقان، بندهان عالى، شرف الملك، نائب الحكومة، كردستان - دام اقباليه - صحيح ومثابه حق فميلى قبائلات املاك است. (محمد جعفر).

** **

40. فهرست املاك، عظمت مدار، كثير الاقتدار، مقرب الخاقان، شرف الملك، نائب الحكومة، كردستان - امام الله تعالى اقباليه - در نهايت اعتبار وصحه، موافق ومثابه اصل قبائلات است. خداوند عالم مبارك نمايد. خلف مرحوم فتحي سلطان بهذه (..........).

** **

51. ابن فهرست مجملي است من مفضل قبائلات وسجلات ومتشابه املاك سردار، عظمت مدار، كثير الاقتدار، مقرب الخاقان، شرف الملك، نائب الحكومة، كردستان - دام اقباليه العالي - كه هكى أنها مهور بمهر علماني اعلام وحكام شرع كردستان است، طابق النعل بالنعل. ابن فهرست مختصير ازان مطول ومفصلها است الاحرى (على أكبر بن عبد الله).

** **

64. فهرست املاك سردار، عظمت مدار، كثير الاقتدار، مقرب الخاقان، شرف الملك، نائب الحكومة، كردستان - امام تعالى اقباليه - موافق ومثابه اصل قبائلات معتبره است، ونهايت اعتبار وكمال صحت دارن. خداوند عالم مبارك كند. الاقل (الراحي الى عبده اصد الله).

** **

24. فهرست املاك بندهان، سكرار، عظمت مدار، كثير الاقتدار، مقرب الخاقان، شرف الملك، نائب الحكومة - دام اقباليه العالي - موافق ومثابه اصل
قبل الهجات است، كمال صحت واعتبار دارد، خداوند مبارك كنذ. اقل عباد الله (محمد علي).

* * *

۴۴. فهرست املاك بنگدان، سرکار، عظمت مدار، كثر الاقتدار، مکرب الخاقان، على اکبر خان، شرف الملك، نائب الحكومه كردستان - دام اقیاله العالی - مطالب خاص قیمالفات میباشد، وکمال اعتبار وصحت دارد. خداوند عالم مبارك فرمايند. الاقل خلف مرحوم میرزا فتح الله (...... الله).

* * *

۵۵. فهرستا ملاک سرکار، مکرب الخاقان، بنگدان عالی، شرف الملك، نائب الحكومه كردستان - دام اقیاله المتعال - موافق ومطلب اصل قیمالفات معتبره محکوم بهای اهالی شرع متعال میباشد.

* * *

خداوند ان شاء الله تعالی مبارك ومیمون فرمايند. ابن مرحوم حاجی عبدالرزاق تاجر کشانی (ناظم التجار...).

* * *

۶۶. فهرست املاک سرکار عالی خان شرف الملك - دام اقیاله - موافق قیمالفات اصل صحیح ومعتبر است. الداعی نقبی سادات (ما از بیوه محمد گلشن شدی).

* * *

۷۷. فهرست املاک مقرب الخاقان بنگدان عالی، على اکبر خان - دام اقیاله - مطلب اصل است. (عبدالغفار بن عبدالکریم).

* * *

۸۸. فهرست املاک مفصله الاسلامي، مطلب اصل قیمالفات معتبره مهوره جدایانه است، وبخط مهر علمای اعلام وآقايان ذوى احترام واعزه وشراف سمت تحریر ب Nguyرفته حرره الاقل (عیبدة الراچی علی رضا).

** **
9. بسم الله خير الاسماء. فهرست قباليه جات واملاكات سركر مقرب الخاقان، على اكبر خان (شرف الملك) نائب الحكومه كردستان - دام اقاليه - موافق ومطالب است باصل قباليه معتبره عليه. (عبدو... ابو طالب الحسيني).

* * *
10. مربعات وضعت في كل بيت منها مزارع وساحات، بل قرى وعمرات، اجمل فيها ما فصل في السجلات والصكوك، المرأة عن اعتراء الاوهام والشكوك، بنيت لتأكيد ما استخت من بيان املاك الأمير الع Dummy Words
11. فهرست املاكات سركر بن دگان عالي خان، شرف الملك - دام اقاليه - موافق قباليه صحيح وموافق است عندي (يا اسماعيل).

* * *
12. فهرست املاك سركر، عظمت مدار، مقرب الخاقان، شرف الملك - دام اجلانه - صحيح وموضوع قباليه وسجلات معتبره است. حبرد الداعي الجنائي. (عبدالحديد).

* * *
13. فهرست قباليه جات واملاكات سركر، مقرب الخاقان، عظمت مدار، خداوند گار، معظم بن دگان عالي، شرف الملك - دام اقاليه - باصل قباليه مطلب وصحيح وموضوع است. الحقيق (عبدالعزيژ).

* * *
14. این فهرست قباليه جات سركر، كثر الاقتدار، شوكت مدار، مقرب الخاقان، على اكبر خان، شرف الملك، نائب الحكومه كردستان - دام اجلانه - مطلب
قِبَالَات مَعْتِبرة عَلَى خَمْسِ عَدَد، كَثَرَ دَهَا أَقْلَ (إِلَّا السَّادِسَةُ كَيْشَيْكَ)؛ ٢٣ ذِي فُعَّدَة
الحَرَام١٩٧٣ (فَرْجُ اللهِ ابنِ الحسَنِي).  
** *

d. هذا الأمر مُطَابَقٌ لِلْتَفْصِيلِ الْدَّاعِيِّ (أَحْمَدُ الحسَنِي).
1.7. فُهُرِسْتُ مُجمُولًا أَسْتَ ذَلِكَ فِي قِبَالَاتِ وَسَجَالَاتِ مَعْتِبَرَةِ مَحَكَّمَتِهِ بِهِ مَبِينًا.
وُلْدُ نُهَايَةَ صَحِبَةٍ وَعَتِبَةٍ أَسْتَ. خَدَوَنَّ مِيَارِكْ كَنَّ. نُبْلِ الآقِ (اللهِ الَّذِي
اللَّهِ الْمَلِكُ الْعَلِيمُ عَلِيُّهَ مُحَمَّدُ بُوُسُف). (مُحَمَّدُ صَادِقُ). (عَلِيُّ نَقِيَ).  
** *

1.8. فُهُرِسْتُ مَلاكْ سَكِّراً، شَوْكَتْ مُدُرَّ، مُقَرِّبٌ الخَافِقَةَ، فَبِهِ گَاَهِي، عَلِيٌّ أَكْبَرُ خَانَ، نَانِبِ الحَكْمَةِ — دَامُ إِقْبَالَةَ العَلِيٌّ — مُطَابِقٌ وَمَوْافِقٌ بَاصِلُ قِبَالَاتِ،
وُلْدُ نُهَايَةَ صَحِبَةٍ وَعَتِبَةٍ أَسْتَ. خَدَوَنَّ مِيَارِكْ كَنَّ. نُبْلِ الآقِ (اللهِ الَّذِي
اللَّهِ الْمَلِكُ الْعَلِيمُ عَلِيُّهَ مُحَمَّدُ بُوُسُف). (مُحَمَّدُ صَادِقُ). (عَلِيُّ نَقِيَ).  
** *

1.9. فُهُرِسْتُ قِبَالَاتِ مَلاكْ سَكِّراً عَلِيُّ شَفِيْرُ الْمَلِكَ — رَوْهِيَ فُهَا — مَعْتِبَرَهُ
وَصَحِيحَ أَسْتَ. النَّانِبِ الحَقَّ الْآقِ (حَقِيرُ مُحَمَّدُ صَادِقُ فِقِيرُ).
1.10. اِضْمَلَعَ أَرْبَعِاءٌ قَاطِعةٌ عَلَى الْخَطُوْطِ الْمَسْتَقِيمَةِ، إِسْتَقَامَتِهَا حَاَكِمَةٌ
بِالْأَجْمَالِ عِنْ صَحِيحَةِ تَفْاصِيلِ مَضَامِينِ مَا حَرَّرَ فِي خَلَالٍ مِنْ الْأَمْلاكِ،
وُلْدُ نُهَايَةَ صَحِبَةٍ وَعَتِبَةٍ أَسْتَ. خَدَوَنَّ مِيَارِكْ كَنَّ. نُبْلِ الآقِ (اللهِ الَّذِي
اللَّهِ الْمَلِكُ الْعَلِيمُ عَلِيُّهَ مُحَمَّدُ بُوُسُف). (مُحَمَّدُ صَادِقُ). (عَلِيُّ نَقِيَ).
وانا الداعي الملرس الحرر لهذا المقال، في شهر ذي قعدة الحرام. سنة 1392 (يوسف بن محمد حسن).

** **

11. هذه هي اضلاع المربعات الموضوعة فيها الأملاك البيضاء المكتسبة الواردة على أعيانها ومنافعها الصيغ الشرعية النافذة وسائرها، حاوية لمجلات مستفرقة لتفصيلها المعبرة المنفذة من أولياء الشرعية الغراء، لحضره سلالة الأمراء العظيم. وفضلة الوالة الفخام، مقرب الخاقان، شرف الملك، على أكبر خان، نائب الحكومة بكردستان، لازال مؤيداً بتفضيلات الملك المنان، وانا الداعي لدوام الدولة اليابية. الحرق لهذه السطور شهر ذي قعدة الحرام سنة 1392 (محمد بن امام الدين).

** **

12. فهرست املاكات سركار، عظمت مدار، مقرب الخاقان، شرف الملك - دام اجلاله - مطالب قبائل معتبره محكوم بها، وموافقات تفصيل بنجائز منفذه شرعية است والأعمال حاكم عن التفصيل، وخلال عن التطور.

حرره الداعي (أحمد الله على كل حال).

** **

13. مباععات صحيحه شرعية در خدمة حكام شرع مطاع جريان يافته الحقيق (محمد ابراهيم)، (يا هادى المطلعين).

** **

14. فهرست املاك سركار، مقرب الخاقان، جدايغاني ام، سركار على أكبر خان، شرف الملك ونائب الحكومة - دام اقباله العالي - مطالب وموافقة با أصل قيابيات صحيح ومعترف است. اقل خلق الله ناجر سندجي (شكر الله بن على).

** **

15. فهرست املاك سركار با عز وفقار كثير الاقتدار عظمت مدار أمير الأمراء العظيم، ونتيجة الوالة الفخام، مقرب الخاقان شرف الملك نائب
الحكومه ولايت كردستان - دام اقباله العالى - مطالب وموافق با أصل قيالجات وصحيح ومعتبر اس. حرره الحقيق (حبيب الله ابن اسماعيل).
(عبده احمذ بن طالب الحسيني).

**

27. فهرست املاك سركار، عظمت مدار، مقرب الخاقان، على أكبر خان شرف الملك، ونائب الحكومه، كردستان صحيح وموافق قيالجات معتبره اس. الااقل 1392 (ابو طالب بن محمد الحسيني).

**

27. هذه الاضلاع المربيعات المستقيمة الخطوط، موضوعة لاملاك من: القرى، والمزارع، والبساتين، والرباطات، والمزارع، والطواحين. وفقا فصل كل في محاضر، وسجلات معترف بالمنحة لدى الحكام المعتبرين، لن هو سلالة الأمراء العظام، وفاذكة الولاة الخاقان، مقرب الخاقان، على أكبر خان، شرف الملك، النائب لحكومة مملكة كردستان. ومن المطعمون لما في بعض الاضلاع الاختر الأثنيم (عبده الراحي محمد).

**

28. فهرست املاك سركار، عظمت مدار، مقرب الخاقان، على أكبر خان شرف الملك، ونائب الحكومه، كردستان - دام مجده العالى - صحيح ومعتبر اس. وبا قياله وناوحتجات اصل بطور اجمال وتفصيل موافق ومطالب اس. حرره (عنتبا الله الحسيني).

**

29. فهرست املاك سركار، عظمت مدار، مقرب الخاقان شرف الملك - دام اجلاله - مطالب وموافق قيالجات مفصله وموضوعه مهوره ومختلفه وموشجه بخط ومر حكام شريعت مظهره نبويه، موافقه لما في الواقع، وما لها من دافع. حره الااقل (عبدالله). (محمد رضا...).

**

113
20. فهست املاك سرکار، شوکت مدار، کثر الاقدداز، امیر الامراء العظام،
على إكر خان، شرف الملك، دام اقاليه، مطابق ومؤقتق نوشتجات وبنجابات
معتبر ومحكوم بها است، كه در حضور اهال شيكات مطهره بقانون
وميظان شرع اعتقال قذيرته، حره الداعي الجاني في شهر ذي القعدة
سنة 1293 (لا الله الا الله الملك الحق المبين، عبده مهدى).

21. فهست قبالة جات املاك سرکار، عظمت مدار، مقرب الخاقان، على اكر
خان، شرف الملك، نائب الحكومه كرستستان، دام مجدده العالي، صحيح
وعتبر ومطابق ومؤقت سجلات وسبحالج حكام شرع مطاع است، حره
الداعي الجاني (عبده الراچي محمد امين).

22. فهست املاك سرکار، باعز وقاهر، عظمت مدار، کثر الاقدداز، امیر
الامراء العظام، زبيدة الولاة فخان، مقرب الخاقان، شرف الملك نائب
الحكومه ولايت كرستستان، دام مجدده العالي، مطابق ومؤقت با اصل
 سبيلات، معتبره مهوره بمير حكم شرع مطاع قديم وجديد است. وانا
الداعي الاقل (عبده محمد) حفيد مرحم ملا محمد.

23. فهست املاك سرکار، شوکت مدار، مقرب الخاقان، على اكر خان، شرف
الملك، نائب الحكومه كرستستان، مطابق اصل سبيلات وصحيح ومعتبر
است. (لا الله الا الله الحق المبين عبده محمد رضا).

24. فهست املاكات سرکار، مقرب الخاقان، بندگان عالي شرف الملك، مد
ظله العالي، موافق ومطابق با اصل سبيلات وصحيح ومعتبر است. الحقدر
(حبيب الله ابن عباسقلی).
25. فهرست إملاك سركار، نتيجة الولاية العظمى، أمير الأسراء الفخام، مقرب الخاقان، سركار بندگان عالي، شرف الملك - دام إقلاعه التعالى - مطابق وموافقة با Enumeration معتبرة، صحيح ومعتبر است. (حسن على ابن خان احمد).

***

27. هذه فهرس الاملاك والبقاع والقرى والضياع، والمزارع والمولات والخانات والعمارات وغيرها... أمير الامراء العظام، مقرب الخاقان، مؤتمن السلطان، شرف الملك - امام الله الرحمن - مجملا من مفصل سجلات وصكوك لا تعطيرها السرات والشكوكن. حرره الفقيه الراجي (محمد صالح بن محمد مهدي).

***

28. فهرست إملاك مقرب الخاقان، شرف الملك، معتبر است، (يا من هو من رجاه كريم).

***

29. فهرست إملاك سركار عظمت مدار، نبذة الامراء العظام، مقرب الخاقان، على اكبر خان، شرف الملك، ونائب الحكومة كردستان - دام مجد - صحيح ومعتبر، وبا إقلاعه وصكوك وسجلات اصل بطريق اجمال وتفصيل موافق ومطابق است، وكثيراً من معاملات ومبيعات مسطرة بإطلاع داعي دوام دولت فاهره ووجيهان يافته. بقيهم هم بر وفق نوشتج حكام واهالي شريعت مقدسه گن شته. حرره الداعي الجاني في ذي القعدة الحرام سنة 1292 (افوض امری الاله عبده لطف الله).
20. فهرست املاک مقرب الخاقان علی اکبر خان شرف الملل مجهور بمهور علماء واشراف معتبر است. الداعی (محمّد بن امان الله).

21. فهرست قبائله‌ها املاک سرکار، مقرب الخاقان، علی اکبر خان، شرف الملل، صحیح و موافق قبائله‌جات معتبر است. در شهر ذی حجة الکرام. ۱۳۹۳ (حسن قلی ابن امان الله).

* * *

پیرامون:

1) بروانه: گوگُفاری (رامّان) زماره (۱۱۷). همراه با بوژاندن‌هودی می‌روی زنایبی کورده ولی ریگه‌ای دست‌خویانت‌هانه‌ودی، به‌رگی هشته‌مو، درگرای ناراس، هولندر، ۲۰۰۸، ل: ۲۲۶.

2) بروانه: گنجینه اسناد، فصلنامه تحقیقات تاریخی؛ سال پانزدهم. دفتر اول، بچا ۱۳۸۴. شماره ۵۷.

3) موارنی: گوگُفاری گلوپی‌زی عمرده وی، گوگُفاری سلیمی و گوگُفاری رامان.

4) بروانه: تالیف فاضل شهر حضرت آیت الله شیخ محمد مردوخ کردستانی. تهران، نشر کارنگ، ۱۳۷۹، ل: ۴۲۴، ۴۲۳، ۴۲۱، ۴۲۰، ۴۱۹، ۴۱۸.

5) نم ناوان‌م له ماموستا سهیب باهری هاشمی و مرگرته له سافکرندنه‌وه و خویینده‌وه دومه‌کدی پارمته دام.

6) دریزی‌یکی سی ممتر زیاتر، به‌لام نزیک‌هی سی ممتری نووسراوی تیادیه، نومه‌که‌هی دی به جوگمله جوگملیه و به سپیتی هیئراوته‌وه، له‌واننه‌ی به‌هوای نومه بووبیت نمو به‌سه‌یش به قمباله و سنه‌ام کریش‌مولک بر پا کناته‌وه.
(۷) نام زمراه از رابطه‌ی زمراهی ناول به‌هنجاره‌ی کلمه‌ی، وات‌ه ده و نووسیتنی (۷) قلم‌آلمه، دوا دیو سیم، بواردوه و هاتوموهته سفر (۲۰۰ هم).

(۸) موواساخان کوری مجیم محدد صادق خانی تمه‌دلان بودو، واته برای عمل نامکبر خانی (شرف الک) بودو.

(۹) فه‌ره‌حولال (شبیخ فه‌ره‌حولال خان) کوری مجیم محدد صادق خانی تمه‌دلان، لبهر نهود رپر به‌دین و خودا ناس بوعو پی‌بیان وتوهو (شبیخ فه‌ره‌حولال خان).

(۱۰) لبناو ته‌ه ده‌دها جه‌ند جار ناوا مامبوود هاتووه به‌کیکیان مامبوود خانی کوری عمل نامکبر خانی (شرف الک) بودو.

(۱۱) جه‌ند مامبوودیش ناواان هاتووه، به‌کیکیان خانگی باوه و له ممتعینه‌یکی باوه بودو، لبناو نهو ممتعینباناندا زانا و کوپخا و دم‌چرموهو همبووه. له‌م دوایی‌دا بهره‌می (حماجی صادقی یاپی‌می ممتعی)دوزیهوه (پروانه به‌زندن‌ه‌وه می‌زوهوی زانا‌یانی کورد له ریگه‌ه دستخشه‌گانانه‌وه بیرگ‌ه حمومه‌ت ل: (۲۴۲).

(۱۲) مامبوود رضا‌ه خان کوری مامبوود صادق خانی تمه‌دلان بودو.

(۱۳) شبیخ عبه‌دولومینی دوروهم کوری شبیخ چه‌مالمسینی یه‌کمه، زانا‌یه‌کی به‌وتارا له زانسته‌کانی سره‌دیمی خوییدا، به‌تایپی‌تی له گمردوونانسی و همین‌ها و هم‌نوشده‌دا بودوه بیاوی‌کی له‌خوا ترس و به‌بارب‌یر بودوه، جه‌ند دان‌راشی‌ه هم‌بووه، له‌وانه (الدر اللفی) هره‌روا، نهم ماموستا گوکوه‌رهوه و نوش‌مرودوه کشکولی شبیخ عبه‌دولومی‌نه که ماموستا نموندری سولنی‌ینی به لیکوله‌وهوه ساله ۱۹۹۸ له‌م‌ندن جابی کردووه. ماموستا شبیخ عبه‌دولومینی ساله ۱۲۳۲ له‌داه‌یر بودوه، ساله ۱۳۱۱ له جه‌بان ده‌دروه.

(۱۴) مامبوود جه‌عفر خانی‌کی کوری مامبوود صادق خانی تمه‌دلان بودو.

(۱۵) عبه‌دولوه‌یزی حوسینی، له‌وانه‌ی عبه‌دولوه‌یزی کوری سامی‌ید عبه‌دولوه‌ه‌یدی (ناظم السادات) شبیخ‌نلیسی‌لی سنه بیئت. که بیاوی‌کی زانا
و بهوتانه و لیهاتوو بووه. لای ماموستا مهلا عهبدولالی موفتینی دشه خویدنی تمواو کردووه. سمحه اته لشماری سنده به نیممامت و تمدیس و دواتر به شیخوشیمسلامی خبریک بووه. شاعر و تمدپیش بووه، به زمانهکانی فارسی و عصری شیعه ناسکی گوتووه. سالی ۱۳۸۱ هاتووهته دنیا و سالی ۳۷۳ کوهی دوایی کردووه. (مهمه کرد ۲/۲۴).

(۱۷) مهمه دوئی کوری نیماهدهی زاناپاتی گهوره و پایه بلند و شاعر و تهبدی بووه، کوری نیماهدهی زانا ناونداری شاری سته بووه. شیعه ناسک و جوانی به فارسی و کوریدی بووه. نازناوا شیعه حجیران بووه، به فهمروهولیکا ناسراوه. سالی ۱۳۹۹ بهبیبی نوه و منبد سهرب ناوندهو و ماننواهیکه جهبان کردووه.

(برواوه: شاعرین کرد پارسی گوئیب، عبداللهیغم حیرت سجادی ل:۲۵).

(۱۸) مهمه نتیجه دوئی شیخوشیمسلام کوری مهلا فهمروهولی زاپی کوردی مهلا نیبراهیمی کوری مهلا حسینی فاژی، ناسراوترین و بهوتانه ترین که‌سی خانواده‌ی فاژی و ولیه‌نکانی شاری سنه بووه. زیاد لبه‌باری زانستی بیاوه‌کی کوهیلاهیتی تافنه‌ی جمرخی خوهو بووه، شاعریش بووه، زیاد لحوه‌ی که زاناپاتی سنده به پرس و را نوه جوکولنوه‌هه، شای فاجیری پی ناگاداری نوه دستکاری دانه و لابدنه فهرماندکانی ناوجوه نچکره‌دووه. سالی ۱۳۵۱ هاتووهته جهبان، سالی ۱۳۵۵ کوهی دوایی کردووه.

(مهمه کرد ۲/۵۷).

۱۱۸
ویّنه و بهتگنامه‌کان

امان الله خان

۱۱۹
علي اکبر

۱۲۰
رشته‌ی فهرمان‌هواپیمانی نهردالان

۱۲۱
خلاصة البحث

محمد علي القرداغي

العضو العامل في الأكاديمية الكوردية - أربيل

برز في ولاية إرلاند رجل متثنى وذو سلطان وهو علي أكبر خان (شرف الملك) لفترة من الزمن 1391 هـ - 1394 هـ / 1873 م / 1390 هـ - 1391 هـ.

ويبدو أن هذا الرجل مع سعيه في إدارة المناطق التي تناطق به ادارتها وعمله على استثمار الأموال في المناطق التي يتوافد فيها، ورد العدوان والمخاطر عنها. كان - من الجانب الآخر - يسعى لتوسيع املاكه وعقاراته وضياعه، وليست لذلك عددًا غير قليل من القرى والأراضي والطواحين وغيرها من الأموال غير المنقولة، هذا عدا الزراعي والتجاري والفسطاط والبيت الفاخرة والنادرة.

وحرصا على هذه الأماكن والعقارات، والاحتفاظ بها وعدم التفريط بشيئ منها، كتب واجرى عقودًا شرعية وقانونية لها، وعندما كثرت العقود وتعددت الحجج وخشى على ضياع بعض منها، جمعها في وثيقة كبيرة.

وأظهر عليها الكثير من العلماء والقضاة ورجال الاعتنا والفسطاط والتجار.

ومما كان حرصه عليها شديدًا فإنه قد تركها وقسمت بين الورثة وذهب إلى هذا وذاك، ولا يهمنا شيء من ذلك عدا الدرس البليغ الذي يؤخذ منه: إن الإنسان مهما جمع من الأموال ومهما اشتهى حرصه على الاقتناع والأسكاد فإنه لا بد أنه تاركه يوما من الأيام طال أم قصر.

كما يهمنا عدد عدد هذا من هذه الوثيقة أنه اشترك عليها - كما نقول - عددًا غير قليل من العلماء والوجهاء، وإن تاريخ كثير منهم غير معرف، أو ليس لهم ذكر في المصادر التي يجوز لنا، وهذه الوثيقة تحتفظ بتواريخ وسماء وعناوين الوظائف وأماكن التواريخ لكثير من الأشخاص الذين وردت اسماؤهم في الوثيقة. فتكون هذه الوثيقة - من هذا الجانب - مصدرًا كبيرًا وموثوقة يساعد مع الصادرين الأخرى على معرفة تواريخ أولئك الأعلام.
دیكارت و نهفلسفه‌هایت

م. رئیبگر حمهم  نهمین حسمن سیویلی

به یاد فلسفا، کولویزی ندیده‌باین، زانکوی سلادمن، هملنر

(به‌شیوه‌ی که م)

پیش‌مرک

سال‌های ۲۰۰۵ بود که ماجراجوی سرنوشت رئیبگری دیكارت، و گرایش‌های و ژمانی که بودی و سه‌میشو به رووداپی‌کی فلسفی گزارگی ناو زمان و رهبران اینکه کودمیان داده‌هار (۱) نام بوده‌انه برای این، راهنما می‌کند که یکی‌که‌گان ۱۳۱۴، یک‌یکی‌که‌گان به‌دریافت‌های مکاره‌نامی پاسیبی زیر و که یکی‌که‌گان به آن زمانی (۱۳۱۴) لیک‌اردینه‌های نک‌داری به‌دریافت‌های مکاره‌نامی پاسیبی نامه‌بی‌هانه جهک لیک‌اردینه‌های نک‌داری به‌دریافت‌های مکاره‌نامی پاسیبی نامه‌بی‌هانه جهک لیک‌اردینه‌ها نویسی‌های به‌دریافت‌های مکاره‌نامی پاسیبی نامه‌بی‌هانه جهک لیک‌اردینه‌ها نویسی‌های به‌دریافت‌های مکاره‌نامی پاسیبی نامه‌بی‌هانه جهک لیک‌اردینه‌ها نویسی‌های به‌دریافت‌های مکاره‌نامی پاسیبی نامه‌بی‌هانه جهک لیک‌اردینه‌ها نویسی‌های به‌دریافت‌های مکاره‌نامی پاسیبی نامه‌بی‌هانه جهک لیک‌اردینه‌ها نویسی‌های به‌دریافت‌های مکاره‌نامی پاسیبی نامه‌بی‌هانه جهک لیک‌اردینه‌ها نویسی‌های به‌دریافت‌های مکاره‌نامی پاسیبی نامه‌بی‌هانه جهک لیک‌اردینه‌ها نویسی‌های به‌دریافت‌های مکاره‌نامی پاسیبی نامه‌بی‌هانه جهک لیک‌اردینه‌ها نویسی‌های به‌دریافت‌های مکاره‌نامی پاسیبی نامه‌بی‌هانه جهک لیک‌اردینه‌ها نویسی‌های به‌دریافت‌های مکاره‌نامی پاسیبی نامه‌بی‌هانه جهک لیک‌اردینه‌ها نویسی‌های به‌دریافت‌های مکاره‌نامی پاسیبی نامه‌بی‌هانه جهک لیک‌اردینه‌ها نویسی‌های به‌دریافت‌های مکاره‌نامی پاسیبی نامه‌بی‌هانه جهک لیک‌اردینه‌ها نویسی‌های به‌دریافت‌های مکاره‌نامی پاسیبی نامه‌بی‌هانه جهک لیک‌اردینه‌ها نویسی‌های به‌دریافت‌های مکاره‌نامی پاسیبی نامه‌بی‌هانه جهک لیک‌اردینه‌ها نویسی‌های به‌دریافت‌های مکاره‌نامی پاسیبی نامه‌بی‌هانه جهک لیک‌اردینه‌ها نویسی‌های به‌دریافت‌های مکاره‌نامی پاسیبی نامه‌بی‌هانه جهک لیک‌اردینه‌ها نویسی‌های به‌دریافت‌های مکاره‌نامی پاسیبی نامه‌بی‌هانه جهک لیک‌اردینه‌ها نویسی‌های به‌دریافت‌های مکاره‌نامی پاسیبی نامه‌بی‌هانه جهک لیک‌اردینه‌ها نویسی‌های به‌دریافت‌های مکاره‌نامی پاسیبی نامه‌بی‌هانه جهک لیک‌اردینه‌ها نویسی‌های به‌دریافت‌های مکاره‌نامی پاسیبی نامه‌بی‌هانه جهک لیک‌اردینه‌ها نویسی‌های به‌دریافت‌های مکاره‌نامی پاسیبی نامه‌بی‌هانه جهک لیک‌اردینه‌ها نویسی‌های به‌دریافت‌های مکاره‌نامی پاسیبی نامه‌بی‌هانه جهک لیک‌اردینه‌ها نویسی‌های به‌دریافت‌های مکاره‌نامی پاسیبی نامه‌بی‌هانه جهک لیک‌اردینه‌ها نویسی‌های به‌دریافت‌های مکاره‌نامی پاسیبی

۱۲۷
ناشناکردنه‌ها، فلسفه‌ها و مروج به‌یهم‌گر و هم‌کوشش‌های بپرچسب‌کردنی
هری فلسفی به زمانی نمی‌زیادند، خواهخدوم‌هولیکی دیکتریمتیه و
روزهاییکه به ناو زمانی نمی‌دویمیمیا.
نام لیک‌لی‌نیوهیهی لیبرالا پی‌شکش دهگری، دمی‌هو سمرتایه‌گی
هیمانه بیت بو جوهرود سری هم‌دنی لاینی‌ی برای دیکارد و هنادانی
خویشه‌ ان و هوتاییان بیت بو گامرانه‌ه سری دفی بنرپه‌ئی دیکارت.
نعمش لهو روانگ‌بینه، که گامرانه‌ه بو ده‌هکانی دیکارت و
خویشه‌ه‌مان به زمانی دایک، بو خواه‌شنان لمسر بیرکدنه‌وده
فلسفه‌ی و زیادکردنی هستی رده‌ه کاریانه له نستی زیانی رؤانه‌دا،
کومهکی زورمان دکاته، که تاکو نستیا نلایین زیمین و تیگمیشنی
رپمه‌کیه‌وه بو شوشی‌مه‌کی سیکار، نیدرال دهکرد.

میتود و کیوهی باس:
کیوهی سمرکیه نه نوسراته، برتیه‌ه له خسته‌ن پو ته هن‌دنی
لاینی فلسفه‌ه نقاتنی دیکارت و قوناییتی بیرکدنه‌وده دیکارت له
جوئره‌ی زمانی کوردنی و به‌گامرانه‌ه بو سمرچاو سمردکیهکانی
دیکارت‌ه خوئی، گامرانه‌ه نمود کراوه، به‌گامرانه‌وه بو به‌مرمنه فلسفه‌ی
گزرمگانی دیکارت، دختوان‌د له جخوبیتی بیرکدنه‌همکاتی به‌په‌ی
شیامکی و توانای زمانی خونان تیپ‌بگینه.
نهمگر نه‌ن درم‌یبه‌ه راست
پیت‌نگهبو همه‌ن زمانی نت‌هو چونم خومن‌ن خسروت‌ه به‌مردم
تافیک‌دنه‌وده‌یهی فلسفه‌فیانه و همه‌ن کم‌کاینی چینی‌کشی له جخونیتی
برکدنه‌وده دیکارت جوهرینته‌پیش، که نووش دسته‌کات‌ن‌تشه و بو
توپو‌ن مه‌کانی باشی سوده‌ه هنیه.

جوئره‌ی مپیئی‌ده نه‌ن باسه، به‌هجیانه‌ه که‌هنه و له روه‌تی باسه‌کادا
که‌ن گورانی به‌سردا دیت. لمه‌ه‌یه‌ک مدا، پشت به هن‌دنی جهمکی
بوارای مرافع‌نی زمان و مرافع‌نی فلسفه‌ه و کمال‌وری دیم‌ستنی،
توووش له‌لاه‌کوه، له پیت‌ناوی دست‌نشی‌کردنی نهو پی‌پوندت‌هی له

128
پیش‌سازی‌کردنی. هم‌ساوی‌های نهایی‌گری که به کارگیری و بازگرداندن که چنین نمک‌پذیره‌ها و هم‌سازی
کوئیدوما به نیوکاتینی دیکارت به چنین نمک‌پذیره‌ها و هم‌سازی
نیمی‌های دیکارت‌های گردن که در راه‌های مصرف می‌شوند و به کار گرفته است.

ویرای هم‌موازی نه‌مانش پی‌پی‌پی‌که بی‌گونتره، چنی باش به جهه لوهی
خوژگی‌های دروایندیک و خوژگی‌های می‌گردد، گستن نیت بی‌پی‌پی‌های و بیرنه
گردنگی‌های هزینه چنین نمک‌پذیره‌ها و پی‌پی‌های به‌کارگیری‌های هم‌سازی گو
شیای لوزی‌پی‌هایه، نهم نه‌موموه به‌کارگیری‌های نهم نووی‌سپه‌نیا لاونه
پی‌ور‌رده‌گردنی‌های بابته‌که به‌می‌گردد نمک‌هوا و خو‌ه به‌تازه‌گردنی
مسلمه‌های به‌دوره‌گری‌های می‌رسیش به‌هنجاری‌های ورد و
شناخته‌های هاواپی‌هایی نه‌خوی‌نم و فوت‌انه به‌نیت، چنی به‌بنا‌وازی
لعت‌بازی دیکارت‌هوا شارژ‌زا نین.

شوبارموت به‌هوی به‌چنی باسی لی‌مانه‌گی که در شی‌که کارگیری دیکارت‌های و
بی‌پی‌های نماتیک و فیزیک‌های، نمک‌دودو، ده‌گری‌نهاوه به‌بینه‌دوبودومن به
دوهبه به‌کاردای کراواتی‌ها دیکارت‌ها، که عویشته سمرجاوی‌های سیرگی‌های نیمه
و نامه‌های به‌گرنی‌چه‌های باسه‌که‌ها، که فلسفه‌همه به‌جی‌های شوی، همه‌روه‌ها
سمرچاوی‌ها بی‌موردتی نیمه به‌بدودادووون و بی‌کرتش‌کردووید نه‌مو
بری‌یا فلسفه‌خانه‌های دیکارت‌ها، که همو سیسی‌نیه به‌کاره‌گراویدا
نووی‌سپه‌ها، کنتینه‌های گردن‌که‌هاها به‌هناوی (نادری‌مه‌ته‌های و ولسمه‌های)
نه‌کتینه‌های دیکارت‌گردن‌گی‌ها زؤری به‌باشه‌که نیمه‌نیمه‌ها، جوی‌که
دیکارت‌های به‌بیده‌می‌نید و ولامی کؤه نه‌رو مخن‌نی‌های داوته‌نوه که
های‌چرخ‌هایکه نه‌خوی نارا‌سته‌ی بری‌پاراگیان کردووید و زور بای‌بیتی
گردنگی‌های خسته‌نوه سمر بری‌راهکی‌بتی‌شتی.

له به‌کارگیری‌های سمرچاوی‌هایی تردی، هم‌ماندودا به‌نیم‌هایی لین
هم‌بنی‌سین که جی‌ره‌های متسانه و له روانه‌ی نایپی‌ولوژی‌وه به‌بای‌بیتی
نایج و سپاسیت‌که‌یکه‌های فلسنه‌هی‌که‌ها و توپ‌زین‌وه‌هاچرخه‌که‌ها

130
پشتیبان پیدا نمی‌ماند. همروها نشان می‌دهند زور خویشان به‌مانندی‌های
سرواف این بگم، که دمجمه‌خانه "می‌خواهیم فلسفه" ی روشن، جنگه
می‌توانید شیکاری‌خوانی که بگرامان فیکیا، رهگ‌های نمی‌ماند بی‌پاسازت.
سربدارت به جوئل‌نی‌مآم‌لدرند له‌گال دقف و ورگنپردازکانی
دیکارت پرو هرسی زمانی کوردی، فارسی و ترکیه‌ای و سواد تجاریان با
بروسی خودنی‌وی خویشان، بپیوسته لریدا روان‌رایدودویه‌ک
بدردی:
هم‌هستی‌کنی دیکارت‌و رسته و دست‌ها‌وی‌منک راده‌گویند، پشت به
زیاد له و ورگنپردازک دمجمه‌ستی، به‌لام سمرجاوی سمرکمی و ورگنپردازه کوردی,
فارسی و ترکیه‌وی‌کانه، که له شوی‌خویی‌ده‌زمان‌ی‌پیدا‌ه‌. می‌بستیم له
نامزمان‌دان به‌زیاد له و ورگنپردازک همان‌ه‌م‌قف‌دیریکارت، نزیک‌شنتویی‌
هم‌رده‌زی‌تری خویشان له‌می‌ده‌دیکارت‌بیری‌لی‌کردن‌تو. نام‌درنی‌هنه‌
هم‌للداه‌ی‌کی‌ماندووی‌کره، به‌لام شیواسته، جنگه‌تی‌ش‌ده‌زمان‌ی‌که و ورگنپرداز
پروردگی‌کی ناسان‌نی‌ه و گمی‌شنتی‌ی‌مان‌ی‌بهم‌رچ‌وی‌ورگنپردازه‌.
شی‌ش‌کی رژی‌م‌ی‌ه و هی‌ه و ورگنپردازک و هنیشه زادی‌ی‌کی می‌بست‌ناتوان‌ی‌به‌تنه‌
مانی‌بهم‌رچ‌تو که‌ی‌که‌زمان‌کانه‌سروش‌
دنبرین‌تی‌مپا‌ب‌خوی‌حی‌ه و ورگنپردازی و‌ه‌ری‌ش‌تو‌یر پروردگی‌ی‌
زاستی‌ی‌ه، ناواش‌پی‌می‌ست‌ه‌ب‌ه‌ست‌رج‌وی‌کو و شناخت‌ی‌تاب‌م‌ی‌
ورگنپرداز. بپه‌کاتی‌ک‌ه‌مان‌دق‌ی‌دخ‌شوی‌ه‌ه‌ک‌له‌لاآ‌هن‌
ورگنپرداز‌بی‌پو‌ح‌ه‌م‌زمان‌جی‌بایا‌ی‌پائ‌ه‌نه‌ه‌م‌زمان‌ت‌م‌رجم‌ه‌ک‌رای،
نوم‌ربرسم‌مان‌بی‌ت‌ورگنپردازک‌که‌هم‌یک‌ه‌له‌سروش‌‌زمان‌بایا‌‌و
سملی‌گ‌جی‌بایا‌ی‌ورگنپردازک و‌زمن‌ی‌ورگنپردازکشی‌،‌شون‌دستی‌
خویشان به‌ده‌ه و ورگنپردازوم‌ه،‌جه‌ی‌شنوی‌ه.
هم‌روها سبارت به‌ورگرتن و‌نامزمان‌دان به‌سمرجاوی‌کان،
به‌تاحی‌ته‌ک‌ده‌قه‌فلسفی‌کان‌دیکارت‌، می‌بست‌م‌ب‌وه مورز‌چن‌
نامزمان‌پی‌بد‌م‌و‌له‌زمان‌خویش‌وه‌خویشن‌ه‌له‌نوم‌رگ‌ی‌نه‌لوم‌ان‌ه‌.

131
باستی یهکم

به‌گاه‌ترین‌مانکانی جمهکی زیری و نعلزل لغ زمانی کوردیدا:
نمک نمک بریان بیت لغو جواری‌یومیه تیبگن‌ی که دیکارت (1596-1650).
فلیسوسکی هسته‌سری، بریز تیز دگردوه، اجاقک نو برافه بناسین که
به براف (راشیونالیزم) بیان‌ها و لغزمانی عادی و
فارسی‌نی به (عقلانی و عقلانیت و العقلانیه) ناسراوه و دمکری نیمه‌ش
عقلانی‌یه، زیرپی‌سندید، یان زیرباوردوی یبو به‌گاه به‌هینه.

ناایا بمراست باوره‌یان به زیر، جیاوازی جیبیه لغ برواه‌یان به
نهفانه، لغ برواویان به نایین و لغ جادوییه نمک بریوندی‌یه‌که
لمسر بنهما (باوره‌یانوهو) بیت، ناایا نیدی جیاوازی جیبیه لغودی
باوم) به چی دهه‌ین؟ جیاوازی جیبیه لغ نیوان نمودی که شیوازی
برکردنوهو دیکارت به (عفاک‌باومی) و زیری‌سندی، ناو دلیده و
نهمش دیکرت دکتاه (باوکی فلسفه‌ی مدویرن)، لمنک نمودی
شیوازی بیرکردنوهو سیاست‌هاداری‌کی تاکدو، به (سته‌ماری)
ناویمی‌ن و نهمش سیاست‌هادکی دی‌پی‌کرکه تؤتالیتاردیست، چیبه؟

132
له‌جایی‌تی نمونه و نگاه‌ی نهم پریرسانه به‌دمینه‌وه، نمگ‌مرحی ری‌گای
جوونه ناو جهانی دیکارتین پو خوشکردن، وای به‌بیش ده‌شنین
لی‌سندرتاو بزانتین زیر یان (ناقل) جیهی و جی پی‌ده‌کرت، نموجا
بزانتین پو وک بایدرک، یان ری‌چکه‌یهک له‌لای دیکارت و یک‌پرره‌کارانی
درده‌که‌ویت و برای بی‌ده‌هنه‌ریت؟

له می‌زروی فلسفه‌ها و له‌زمانه جیاوازاکان‌دا، نمو شتی‌ه نی‌مه بی‌ی
ده‌شنین زیر، یان ناقل پی‌شین‌یهگی دورووردیری‌ههبه. وک له
فمل‌هنگ‌کانی فلسفه‌ها به‌مان‌دهره‌کوهی، "له‌یوناتی کوندا به
ناوبرآه، له‌زمانه لاتین‌دا به‌وته، (nous) و (logos)، (dianioa)
پی‌یان (intellectus)، (intelligencia) (Reason) و له‌نه‌لبندی‌دا به‌وته، (Vernunft)
کراوه‌ته (Vernunft) و له‌نه‌لبندی‌دا به‌وته، (Vernunft)
راوه‌ته (Vernunft) و له‌نه‌لبندی‌دا به‌وته، (Vernunft)
گه‌نه‌ی عقل، یان زیر، به‌ج‌مان‌‌یه‌گه و کاتین کورده‌زا‌مان‌‌کان نمو
وشه‌به‌گه ده‌گه‌ه، جی‌ه‌نی‌ت‌ی‌ده‌گه؟

پو جیون‌ه ناو نهم بایسه، مین‌ژودی نمو تو‌ژرنه‌وه فلسفه‌ی
نمن‌ژروپژیانه‌ی قسه له په‌یون‌دی نیویان زمان و واقعی، دمکن‌زور
سوود‌م‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌ن‌
تهوا و کمری یکدیگر و بی‌گمونه مانای برای درد خشن. هموو نهمهش، بی‌پیشنهاده به‌هوا به‌کاره‌بانیه‌کریان له چ ج بوارینگیا و له کاتی به‌کاره‌بانیه‌کریان له کامه مانای بارگاوی درکاری و قسم‌کریان، یای یی‌نارم له چ بی‌گمونه کوم‌لایه‌تی، سیاسی، کلتوربریوه فسان دکات و به‌هویهو ده‌هویه‌چ به‌هیامک به‌گویگ، یای ومرگر به‌گه‌پریم‌نیت.

لله کنار نام سردته‌با دا پیویسته نه‌وهش به بیر یی‌پنتریته‌وه، گه له کوردنته‌دا هره‌گریز زمانی‌کی ستانداردی نامتو نوه‌وه، گه له کاریگنه‌ی زمان و کلتوربریکانی تر به‌مدور پوبویت (نه‌مهش بی ره‌زینه‌ی زمان‌گنه‌کانی تریش راسته). به‌هویه هلگوتوتی جوگراییایی ولاته‌که و چاوی حکمرانانی دراوسن له‌سمار خاک‌گه، هره‌میشه زمانی کورده کوه‌ونه‌ر زه‌ر کاریگنه‌ی سره‌دسته‌ی زمانی‌کانی تره‌دو. یای‌رشوه‌وه، همه‌نیک له‌هو ده‌لالتنه‌هی شهوی نه‌فل و عفلاننی‌هت له‌زمانی‌کان‌هدا به‌خویانه‌وه گروتووه، گه‌پنتری‌وه به‌پی‌شینه‌ی کاریگنه‌ی زمانی سره‌دسته‌ی بیگانه‌ه، چا نه‌وه زمانی عسره‌به مسولمان‌گهان پوبویتی، یای‌زمانی‌کانوکه عこساانلی‌یه‌گان پووبین، یافوخت‌زمانی‌فارسی، له‌سمار زمانی پرژانه‌ی کوردنه‌کان.

لی‌رده‌دا هموول ده‌دمه‌ین هنمای‌ه‌ی له‌زمانی‌ه‌ه له جوگرچی‌یوه‌کی چاکم‌سازنه‌ی روه‌نذا دا بهسر بکینه‌وه، گه بی‌گمونه بیرکرده‌وه و کاردرنه‌ی زبان‌آی دوه‌ی و یی‌هیه بی‌پیویسته به‌ده‌کاری‌یوه‌کی وردنه بکات‌بی‌شهوه‌ی مانای به‌کاره‌بانی‌کانی وشهه نه‌فل وده‌ره‌که، یای زیره‌ی له‌زمان‌گنه‌کاندا، بطر روه‌ن بکری‌نه‌وه.

به‌ه مانایه‌نه‌وه‌ی نوه‌وه‌دا لل‌ده‌ریته‌ره روه، یاین پی‌شیناریکه بیر کاردنی‌نه له‌زماروییه‌ی له‌زمان‌گنه‌کاندا، بطرکو یارامتی‌ه‌سمان باده‌ی بی‌پیش‌تشتننی‌ی برای‌ه‌ته‌نه‌کی‌نازارت له‌زمان‌گنه‌کانه فلسفه‌یه‌کانی و ههم‌وها ناشنمن‌ه بکات‌بیر‌روه‌نازارت‌نازارت بکه‌ه ره‌ریگن‌هنا، بی‌زمان‌گنه‌کانه‌که، گه ناهی‌نل له‌زمان‌گنه‌فلسفه‌یه‌کانه ویدنگ، ودک خوی‌تی‌پی‌شگن‌ه. جونکه به‌کاره‌بانی‌نی وشمیک، یای زماروییه‌که له‌زمان‌گنه‌کی

134
تاپیه‌تا، که له کمالتوپریکی تایپه‌ته‌وه خوؤرگ وردمرگ‌ئ و مانای دیاریکرواى خؤى له روواگه‌ى رهگر، (نیئر و مین‌، یان نامهن: مندال و بیپر)، یان رهچلەک: (ئیئمیه و نئیوهان) یاسیر زماندا دنسپنئن، یؤیه ریگر بئ له هب‌هردم فروانیوبونی زمانه‌كه به مانای تر و بهچاره‌یئنی له بوارى تردا. بهتالیمیتش که زؤر توپژیژنوهی فلسفه‌ى هیپنیسیستی ناشکراپان کردىوه، که زمانى زؤرینه‌ى هیپلیسوسون‌کە فەوەییئان. ومانىییک ستوووردار و رگدزمئنەده و نەوهانیش له بهگاره‌یئنی زاراو و وشهکانى وەک: "کس/شخص"، "مروفة/انسان" و تەنانەت "زئر/عقل" و "زیرپاومە/ئەئلالییەمت" دا. نیزانه بیربان کردوئوه و روویه قەسپیان تەمئیا له پیاوان بووی. 1)

لەلایەگی کردوه، وا پیویسته توپژرەی بوارى هەم لەفیکی زانستی، ناگداپاری نەو سنورورانه بێت کە زمانى هەرەمەکی و پۆژانە حیا دەکاتوه له زمانى پسۆرانەی زانستی. بەبین نەم چیاکەرجیه بهەستەئیئانی نەمەچەگان و خستنەرووی بێشینار و رەسەرەکان. کورت دەگەین و بۆی هەمیهی له هەڵەمەدا بێین.

جا لهەڕئنوهەی نەم کێشیەگی زمان له کمالتوپریکی تایپه‌تا دووجاری دەمب، له هەڵان کەئیشدا کێشەئ زمانی بێرکردەوە و کێشەگی کیشە له بێرکردنویدە فەسەفەی خۆیە، نەوە گۆرگه سەرەنی بزانین بۆ توپژیژنوه و بێرکردنویدە فەسەفەی لەوەی زمانیکە وەک زمانی کوردیکە چ رنگریک بژوە جەمکە فەسەفەیکەنئی وۆک زێر. یان نەتڵ دەرژەنبەیت؟ بهەوەی نەمویوی توپژیژنەوەی بێشتریش لەم بارەیەوە. توپژرەوە ناچارە سەرەتیا بەت بە تێبینەردن و داتا کۆکردنویە. لەمەوی که له نیستای زمانی کەماندا بەکار دەهەنرئ و گۆژەبگرئ، بەستیمن. له نەمەچەگی وردەوەوە و بێرکردنویەوە لەم بارەوەخانەیهی کە تیایدا کورەکان. وەشەی زێر، نەتڵ و عەفڵە و عەفڵانی، بەکارداهەئیت، تووانراوی
پیش دوختی به‌کاره‌یان دستنشان بکرین و بهم جوهری که لی‌ردهدا
دخاری‌نی رو، لی‌کتر جوودا بکرین‌ه‌وه:

۱. نسیم‌‌شهیدی‌م رگ‌زم‌ماندگان:

نهمه‌نهم به‌کاره‌یانه‌ی که بن‌چینه‌که پس‌سر بنه‌ما
به‌جسته‌کردنی رگ‌مزی بکری به‌نده و نهمش که به‌ماری ده‌هی‌نی
نی‌رینه‌یه. به‌مان‌ای‌که دیکه، ده‌نوی‌تری بگوئری که سروش‌تی کومه‌نگا
نی‌رسال‌رکن نه دس‌سلاه‌ن ده‌داده نی‌رینه‌، تاکو بدن‌شان‌‌ناو بود‌کرده و
ردم‌نا و فن‌اپاری "نومانی‌ت" داننی. که دمکونه زری دسه‌سلاهی خوی‌ه‌وه.
لهم روانگمی‌شه‌وه، و‌شی "نیزقل"، یان زیره‌ل زمان‌دا بی‌لایم و بی‌هرگه‌ز
نی‌یه و نهم و‌شی‌هیه له بنه‌مادا نام‌راثی‌که له خزمنه‌ب‌هم‌سته‌کردنی
نی‌رینه‌یبدا(۱). بؤد‌نمونه: هم‌نرکتی می‌یی‌نیه، یان‌می‌ندال کردوم‌یی‌که، یان
قسم‌ه‌یه‌ک دمکات، یک لق‌ته‌م‌‌ن و رگ‌زه‌ی نهو ناوم‌سی‌ته‌وه و زیاتر
همگ‌کش‌نیک و چاولی‌که‌ی‌ینیک تی‌یا‌ی‌ی به‌مرو ردم‌نا و کرداری
گمور‌سال‌ان نی‌رینه‌، مهو سی‌ه و کرداری مندال‌که و می‌یی‌نیه‌که
کردوم‌یی‌که و گوت‌وی‌یانه، دی‌گن‌تری: "کارن‌ک و قسم‌ه‌یه‌کی ناقل‌انه"، یان
"زیرانپان" کردوم‌، بؤد‌نمونه، می‌رده به زنی خؤ‌ی دهلی‌تی: (ب‌سرست.
نهم قسم‌ه‌یت ناقل‌انه بعو)، که پی‌ن‌ی‌ه‌یت‌‌ناوم‌رکنی نهم دردیر‌ب‌ینه‌نوه
بگم‌نیه، یک زن‌ه‌که‌ له ناست. یان شوینگ‌ه‌ی زری‌بری‌نین، یان بی‌اوا‌ قس‌سی
کردوم‌، جونکه‌ب‌بنیپ لخؤتی‌گمش‌شنتی کومه‌ل‌باکس‌سال‌رکن. تنینی
نیری، یان می‌رده و بی‌او. خاونی زری‌بری کامل‌ی. ب‌هم جوئش‌ه‌می‌ه‌ه ل‌م
به‌کاره‌یان‌ه‌ده‌، و‌شی‌ن‌هم‌قل‌شنتی‌که‌ رگ‌زی‌م‌ن‌‌ه و بی‌یوست‌شی‌ه به
قانون‌یکی دی‌ری‌کوا تام‌من‌نوه. ناقل‌انه‌کان، یهم‌نیرن و ه‌هم بنت‌همه‌ن.
ناقل‌انی که تام‌من و می‌یی‌نیه‌ه‌می‌‌ه‌ه به‌گوم‌ه‌وه تام‌شاپ‌ن دگری.
بؤید‌ن‌‌ه‌گر بعنوان‌ه‌ی بؤ‌سات‌یک به‌ حجمکه‌کانی مرنف‌سی‌که‌ بکتوی‌ری
بیر به‌که‌ین‌وه و بؤ‌هم‌ب‌ست‌ه‌که‌ خوی‌م‌ان‌، که جوئنی‌تی به‌کاره‌یان‌نی
زاراوی‌ن‌‌ن‌قله‌ل له‌ زمان‌کی‌کوردیدا، سودودی لی و ده‌پرگردین. ده‌نوی‌نیه-بگم‌نیه
نهوئی بخش‌هایی: نهم تیم‌پیش‌نته‌نه رنگا و شهی نه‌قل، پیشینه‌هایه که هم‌اکنون از مکان‌هایی که گوش‌هایه نه‌قل و زیر، و پیش‌گه، مانندیه‌ها را بپذیره و خیاله‌ها بپذیره عه‌یره‌ها و خیال‌ه‌‌ها تر، گردنی به‌سرما ادت. (۸)

هم‌روها به‌کاره‌یانی نم و شمایی ناشکرکارکری "پیگه" (position) و "دست‌های" (power) و مرئی‌سایی که‌توپری و به‌تاپری مرئی‌سایی زمان‌یا، گرگی بی‌ده‌ردیت. جونکه به‌بپیری روان‌گه‌کانی نم‌ترپرولوزیا گه‌توپری، هم‌ه "پینگه" کوه‌م‌ایتمی و هم‌ه جدا‌ازیی ره‌گریزمی (نی‌ر/م‌ی)، کارگیری‌پیکمی زوری‌بان همی‌ه لمسر به‌کاره‌یانی زمان. "هماران و دیوول‌هندیکان، خویدرکور و تلموی‌دوپورکار، گه به‌زاردی و لبه‌دی جیا‌واری‌فسان دگ‌هکم"(۹)، و گردو یمک‌ز بیر ناک‌ن‌فه‌دو. نم‌مه جگه به‌نوهی نهو جیا‌وی‌زی به‌ره‌گریزیه که که‌توپری لی نی‌وان نی‌ر و می‌دا دروسیت دم‌که، دم‌سپیتی‌ه‌ه‌وی دست‌تنشان‌کردنی بودنی‌اد به‌کاره‌یانی زمان لیل‌هی هم‌ردودو گه‌ر. (۹)

بئی‌وه نوک نهم خیال و عه‌یره‌نه هاوی‌هی‌ن‌که‌نیا، به‌ماک نیرین‌‌ه و گم‌ورسال‌انیش، به‌پیری جیا‌وی‌زی ره‌گریزی و بپیری کوه‌م‌ایتمی و ته‌منی خویان و پم‌بو‌نپدی‌یان لیغ‌ه‌یاندا، نه‌وان‌تی به "نافل"، "زیر"، "سی‌لر" و "خانه‌دان"، ناو دوبن‌ن و دوزمن و نه‌یاردگان‌یانی به "نرم‌ام" و "بن نه‌فل" و "بن نه‌س‌ل و فسل" و هن‌د. لی زمانی کوردنی‌ک‌ی درست‌ه‌وازی (بی‌پای و‌زمن‌ک‌ک‌ش‌ی عاقل‌ی بیدار هم‌ر خویش‌ه)، نام‌زه به‌نو مان‌اپی‌یه نه‌فل و زیری دم‌که، که نه‌هم شمایی له زمان‌ه‌که‌ن‌میا همه‌‌یی‌تی. هم‌روه‌ها کاتنی دم‌گه‌تری: (بی‌پای ظه‌دن ناخن‌ه‌ه دم‌سی ره‌گریزه‌هو) واته بی‌پای و هادی‌می‌م‌ی‌یی‌ش‌ دادن‌ه، جونکه بی‌پای نه‌فل و زمی‌یه‌ه که‌م نه‌فله، لی‌ری‌ش‌دو نه‌فل و ناه‌ل‌ سنو‌ری‌گه‌بً جو‌خ‌ج‌ی‌ارک‌د‌نه‌ده‌وه و فم‌زل‌ی (نهم‌یی‌ی خاومی‌پیگه و دست‌ه‌ایت‌د‌ده‌د بس‌سر (نه‌وان‌تی‌ی) بی‌پ‌یگه و دست‌ه‌ل‌ون‌ل‌(۹). لی‌هم‌ه‌ن کاتن‌ش‌دا درست‌شان‌ش‌ه‌نو‌ه‌د‌ک‌ه‌دک‌که
توانی‌ویانه و دک (گویی‌سانان) و (نی‌رینه) ناقله‌ه خاومین پی‌گه و به‌دست‌آمده‌است. خویان بنویسن و نامه‌ام بواری‌ه مهده بو ره‌سندوبن تاکو له گوگردنی وشیا (نفل) دا، پداسکن و سراست به‌شو کسانه بنی‌رن، که له پی‌گه و دسه‌اکتا له خویان نزمتی. وک به ناقل‌نداوندنی خاومین زدوى بو جوزبیار، ناغا به‌دست‌هبیوند، باوک بو مندلن، مبزرد بو زن و مهلا بو فهمقی و هنده.

1- تیگی‌شتی‌نی بالاخوانه‌ن

لهم تیگی‌شتی‌ندا، به‌پلی‌ه بپکم ناقل: مروفری داناوه و بپچوه‌انکه‌ن

شیت، یان نازدیک لو ملایی‌وشیش (کمر)، نمگمر شیت‌بوو، نموه بهمزی‌نی به‌نارادی‌نه، جونکه مروفری ناقل له ناست ناهل نقوستا‌ندا، به‌زمی‌نی‌نفری‌ن. نمگمر نازدیک‌له بوو، نموه به‌پارود له نارادی‌نه. له کمتو‌وری گشتی کوئمگای نتی‌منا، نامه تیگی‌شتی‌نی‌کی سوکاپی‌نیتی بپکرنه‌یه به ناقل و زیر: جونکه له دیو ناقل و عمق‌وه‌نه، ناعاقل نیی‌به، باملگو شیت‌یه و حیموپی‌نی‌په‌ه، هنی‌به و ج شیت و ج نازدیک‌نه نزمتی له مروفری دانا. به‌لهم نام تیگی‌شتی‌نها له هنمان کاتدا تیگی‌شتی‌نی بالاخوانه‌نه له تاکه مروفر، جونکه کم‌ی ناقل، شیت و نزلن‌نیبه و به دنبای‌یشه‌وه (کمر) نییبه.

نام رئس‌یه ودک ریزی‌هوپیک (استثناء) للاهین (نال)‌ی شاعیر‌وه هم‌لاهوشی‌نی‌وه (٩٨). نام له زمان کم‌ریکوه‌که به "روبانی‌حال" (٩٩) پی‌تیگی‌تووه: "نام نال، من و تو همردوب حیموپین، وهلن تو گویی‌نها کورتن و من گویی‌نها کم‌ریز. (جمن‌ده به‌پی خوو بوو زوبانی حلای دموت، نالیا/ همردوب حیموپین، نمتو گویی کورت و نامنیش گویی کم‌ریز)" (٨٠). به‌لام نام به‌گریگی‌ه مروفانمه‌ی نال له جووه‌ری حیموپین‌یه، ودک خالی‌ه هوبی‌شی نئویا گویدریز و مروف، هره‌رگی کارگردنی‌گشتی له‌نارا زمان و کمتو‌وری باشتری کورده‌کندا، به‌خویی‌وه ناشدی‌نه و نابی‌وه بو: گویدریز، همر به (کمر) دم‌بی‌نی‌وه. نام تیگی‌شتی‌نی‌ه رگی‌کی‌له ناپین‌دای‌جه‌ن‌که زمان‌ی ناپین‌ی مروف ودک

۱۳۸
خبازکرکاویک له وینه‌ی خواهد پیاپاسه دکات. "مرؤوف باشترین خباءکرکاویک"، له کاتیکا نازدن، نافهريپیده‌که بی‌خزمه تکراندنی مرؤوف.
به‌شیکی دیکه‌ی نهو تیگمبیستنی پی‌شو، رهگ‌که‌ی نهو میتا لوه نامزوه‌های ای ده دوکانه ناو هی‌جویی کوه‌لاهیته بوونوه‌رمی نافل و زیره‌وه. جونکه به کیک له ریگکانی شاردنی‌وه نامزی، که مکدنی‌وه و سوگاهی‌ته‌یکنره به بهله‌ی کم‌سایی‌تی و بیکه‌ی نه‌وانی‌ته، له ریگکه‌ی ناوه‌ته‌ن و هی‌نانه‌خواردوه‌یان بؤ ناستی‌نه‌تی‌که. که له زمانی تی‌ده‌دا به‌ده‌گویت‌دی گیندریز، یان کمر. دانا نهو کس‌سه‌یه، همه‌گیز ره‌بان‌یک نامنی‌نه‌ن، یان گونی‌مه‌یی له زار نمی‌نه‌د ندردومه، یه‌ی بواری باهرواردنی‌نه‌وه به کمر ذه‌ست‌بی‌مر بکات. هره‌گو جوئن نای‌بی‌شی‌نانه‌ه‌ی هسه‌سوگاه‌وت بکات. جونکه نامه‌هی‌نانه‌خواردوه‌یه له بلده‌ی خؤی.

3. تیگمیتستی جوان‌یامن‌دانه:
به‌صورت‌کردنی تیگمیتستی جوان‌یامن‌دانه‌ه له زمان، له لای می‌لی‌ملتن و هؤوه مرؤیه‌ی‌کان، له‌ی پی‌پی‌دنی‌ه‌ی تای‌یم‌ته‌وه هانتوه‌وه که دکلی‌ته‌ه‌ی هیج‌ی میلیم و کم‌لوریکی‌نه‌ن‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌ن‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌ن
وته و همان‌پژردان و جوهره و همان‌ماه‌گردیدا بهم‌شور دکمه‌ی(۱۴) کم‌وانه به‌پسی‌هم تیگ‌هیش‌شته نورت‌ و گفته‌ار بیکوه شتیک تنوو دکمه‌ی، که دکره‌ی به جوکان بنیهاس بکریت. بهم نورخ‌هبرونه جوون نمقل له به‌کاره‌هینان رژه‌نامه زمانی کوردیدا، سیف‌هتی لازس و مرده‌گیرید، ناواش سیف‌نام جوپان و مرده‌گیرید. نمقل جوان له‌لای کورده‌کان و دیب‌رخ‌هردوه و رپ‌فیتاری جوان‌نی و رپ‌فیتاری جوان‌یش به‌مرهمی بی‌کرک‌دروهی زیران‌هیه.

تیگ‌هیش‌شته به‌مادارانه:

نهو شته‌ی بؤ نانوئر‌ مافوول و قابلی‌تیگ‌هیش‌شته نورت، "عافلانه‌یه" و به‌ها و نرخ‌هی تایب‌نه تخوی همیه. نام‌مره‌ز وه ناست نمآه‌نیه له تخوی دستکورت‌تن، یان بی‌دله‌س‌لات‌تن، باخود توند‌توئز‌لن رپ‌فیتار و همان‌ه‌ستی بی‌چه‌وانت‌هی همان‌پژردان و لگه‌یانه‌د سه‌ماوکم‌نده‌نیه.

سنک‌فراون و لوبووودووانت، جووه بی‌شوه، به‌ها رپ‌فیتار‌که‌ی له زمانی کوردیدا به "رپ‌فیتاریکی عافلانه‌ی و زیرانه" و طس‌ف دمک‌ر. لی‌بردا زاراوی (عافلانه‌ی و زیرانه)، به‌ها و سنی‌کش‌ره‌نیکه له‌ام‌ن نانوئر‌نوه، ودک

نرخ‌که‌ی مین‌نوی به رپ‌فیتار و گفته‌ار و همان‌ه‌ستیک داد‌نری؛ که

سرم‌مه‌سه‌ز بؤ دودوب‌دارک‌دروه و جنولی‌ک‌دن و بردر راگو‌ر.

تیگ‌هیش‌شته به‌مادارانه له نمقل و زبری، به‌مان‌نو رو به‌ده‌هی، که کسسی زیر و عافی. له همان کاتیخ‌نا کاک‌سیکی دادیه‌یوم‌وه و له خوادی‌تیس و عافی‌په‌زاس و تن‌مات له نه‌مان‌سیه، جوکه‌زیری و نمقل له دادی‌ه‌رودی، خوادی‌تیس و ثیمان بی‌هوی مروئف جیناک‌ریته‌وه. به‌ها رپ‌فیتاری نلافانه‌وه، له‌ویوه دیت، که رپ‌فیتار یان گفته‌ار بک‌ر سِرم‌بی‌انه نمو蜗ه و له راستگوییوه ودک‌وه.

۲. تیگ‌هیش‌شته سمرزم‌نفتارانه:

نه‌ه‌نهو به‌کاره‌هینانی جمه‌که نمقل و زبر له زمانه‌ی نیم‌ده‌ا، که به‌هوی‌نهوه نمووه دگ‌تیس، پی‌چ‌ه‌وانت‌نکه‌ی مه‌رسته‌نیه. نه‌هم به‌کاره‌هینان له دؤخان‌دیه که تیای‌دا کاک‌سی شتیک دن‌ه و دمک‌ن، یان نی‌زایی نم‌ناو‌دانی.
همهی، که نابیت بگوئید، یان بکرئ و نه چندان بدرئ. نه مسکه لی‌هردا به (عاقل) ناو دبیرئ و زیاتریش جهت لمس مرگ‌کردن و شهرت دمکریتیه، به جوزئ مانای نهوم به گیمه‌ن مکه بکر، (ناعاقلیه) هاواته‌ گو و (ناییرانه) رفخاری نواندوه.

پژ نماینده، له مکاتیکا گومارش، شتیک فی‌ری مندالان دکمن، که
مندالان به لاری‌دا دبایات (جونکه به بمبی په‌نده کوردیه: "گومور ناو دمکریتیت و بجوکه بیتی لین دوخت.") بان گومورسالان شتی دمین. که
نامی‌ماهک‌ی خرای و نامه‌سند، یا‌خود دمیانه‌یش شتین که
به‌رسپاریبیه عورسی به‌دوامه و هند. له بارودخانمدا نهو کمه
به‌لومفوه، به ریتمیکی دهگی تایپته‌وه، به (عاقل) ناو دبیرئ (به
خوا، عاقلیت) و به‌مس نهوی بیرده‌خریتیه‌وه که بین‌فانه، یان
ناعاقلیه دبی‌فی و رفخاری کردوه. لی‌بشهو، سمرندنشت دمکرئ و
ناگادار دمکریتیه‌وه لماره‌ده ناموه دمین و دیکات، جونکه فیبووئی ناکرئ
و پژ نمبل به‌سند نیمه و کمس پشتگیرین لئ ناکات و ودک خسلامئی
مرفوت ناقل و زیر بؤی نانوسیر.

بهم جوهر به‌یومن‌ناشکرا دعیتی، که له زمانی کورسدیا وشهی ناقل،
عاقل یان نماقل و زیرئ، له بارودوئی‌ی جیاوازی زیانی کوئ‌لایبیتی و
قوتانگ میوزویی ناجوونیکا، مانای تایپه و جیاوازی همئه. همروها
نه وشمبه، رگ‌زمه‌نده و ناشکراکره بیگیه‌ن نبیر و گومورسالانه له
نامست میپینه و کهم تهمهن و ته‌نامه‌ی بیگانه و ثروانیپرشدا. ثعوه
باسته که ثمقل زور‌جرار له زمانی نی‌مذاا نامارمه‌به به جالاکیه‌کی
هوشگک و درمنی به‌لای زور‌جیاریس بؤ و وسفکردئی رفخاری تاکه‌کس و
جالاکیه جه‌ستمیگاکان به‌جک ده‌نزینی‌ت. نهمش‌واپکروه‌ن تاکمه‌که‌
له بیگیه‌تایبته‌خویدا بتونی‌هدمیش به‌هؤنی‌رفخاری تایپته‌وه
یان هم‌ارسکومولن تایبته‌ن‌دوم‌ره راده‌ده زانایی بیر و هؤشی‐خؤی
بشاریتیه‌وه. یان ناشرکای بکات.
نهوئی به گاره‌هیانی کوردی‌مانه به وشیعی‌عمقل و زیر به نهم‌می‌گوزی
دمت‌بی‌تیم‌هواه، نهم‌هی با نهم دوب زارومی‌هم‌هی‌شی به‌نهم‌مین‌ه‌رودوی
زمین‌پی‌چی (نبر‌دیده) و (خومنه) و (به‌هم‌من‌کانه)، به‌نهم‌مرام‌یار
(مندال) و (بی‌گانه) و (می‌بینه‌دا). هؤکاری ثامنه نهم‌هی‌که به‌هری
بیرک‌رودوه، که به‌هم‌مان‌کاتی‌شیا دمسه‌لائی ناولی‌نیان و ناول‌سنده‌نوه و
به‌هایه‌خشین، نرغاندن و سهرزنشکردنی شت و کس‌کانی هم‌هی،
نپرینه‌ی به‌هم‌من‌هی.

هم‌ملیک لثم به‌گاره‌هیان‌مانه وشیعی‌عمقل، لثم زمانی کوردی‌دا. لثم‌ملی
نهو شیک‌ردن‌هواه‌ی لثم فهم‌ه‌رنه‌گه فسه‌می‌ه‌کاند‌با نه‌زیر و نه‌مل‌کراون،
نؤک‌نی‌نین، به‌لام‌گرنگه نهم‌هی بمبی به‌نبر‌دیده‌هواه، که به‌گاره‌ه‌یانی وشیعی
زیر و نهم‌مل لثم‌زمانی رؤذان‌دا و لثم سباقی به‌هی‌جوت‌دیده‌کو‌می‌ای‌تی و
نی‌وین‌مرؤی‌ه‌ی‌کاند‌دا، جی‌باز‌ه‌ی لثم به‌گاره‌ه‌یان‌هی فسه‌می‌ه‌کانی. جاک‌ره
لهم‌عباری‌ه‌و به‌هایاکردی‌ه‌ک‌بک‌من و به‌هی‌جوره‌بخشن‌ه‌ررو، لثم زمانی
رؤذان‌دا کور‌دی‌دا باوم‌یو‌نون به‌کار و برپیار و ساته‌و‌شیت‌نهم‌فلانی ی‌ه‌یه.
نهم بروایه لسم‌سرسود‌م‌نی‌دی‌نهم‌ئ‌ذک‌که‌هم‌سیدم‌نی‌دی‌ا لثم‌مان‌که‌هم‌سیدم‌دی‌د
در‌ه‌ی نهم‌فلانی‌ی‌هم‌ی، داس‌ی‌ند، جو‌گاه‌ه‌ی‌نهم‌ئ‌کار‌ت‌پا‌شت‌ر، کم‌سی‌نادات،
کم‌سی‌که‌ه‌ لثم‌ساده‌خ‌ه‌ست‌یار و ناسک‌کاند‌دا، ه ولم‌ر‌ه‌چ‌کان به‌باشی
درک‌‌دماک‌و به‌پیازی پی‌پی‌یست و‌گوان‌جا‌یان لب‌م‌بار‌دودن‌و‌دماک‌ی. کم‌سی‌نادات،
لهم‌که‌م‌م‌تر‌سید‌ردا زور‌سوور‌نی‌هم‌لسم‌بپ‌ری‌آکانی‌خویدی، توان‌ای
خو‌شی‌بی‌و به‌خشندی‌ه‌ی‌ه‌یه، کم‌سی‌چ‌ک‌هو‌‌زی‌دان‌ه‌ی و لثم‌باردود‌خی
تاب‌ب‌تی‌ش‌دی‌پپ‌ه‌ی‌ب‌پ‌ی‌یست و به‌س‌م‌ند‌د‌ما‌خت‌ه‌روو.

ل‌م‌در‌زی‌ه‌ی‌نهم‌ش‌دی‌ا، پ‌پ‌ی‌یست‌ه‌ی‌نا‌ر‌ه‌ی به‌مو‌ن‌تس‌ه‌ی‌ک‌ه‌ی با‌ک‌م‌ن‌ه‌ی
نهم‌زیر و زیر و عفقالان‌دا، لثم‌زیر‌گاری‌‌ری‌ک‌ه‌م‌تر‌وری‌سمر‌‌س‌د‌س‌ی‌دا، (ک‌ه‌‌ن‌رد‌د
م‌ب‌م‌ش‌ت‌م‌ک‌ه‌م‌تر‌وری‌ب‌پ‌ک‌س‌ا‌ر‌ی‌ا و ن‌ت‌ر‌س‌ر‌م‌ر‌ی‌ه‌ی و ن‌ت‌م‌ه‌م‌تر‌وری‌ش‌ی
ف‌و‌ل‌ل‌ی‌ه‌ی‌ک‌ه‌م‌تر‌ی‌ن‌ی‌م‌ر‌ک‌ه‌ی‌ر‌ه‌ی‌دی‌ک‌ر‌و‌پ‌ک‌ا‌ری‌دو‌ک‌تا‌و‌د‌ه، ب‌م‌پ‌ی‌ب‌ار‌دود‌خ‌ی
به‌گاره‌ه‌ی‌ان‌ی‌ه‌ی لزیان‌رآ‌ز‌ن‌ه‌ی‌دا، دم‌گ‌رد‌ی‌ن‌. لثم‌هم‌ن‌‌ن‌‌ب‌ار‌دود‌ی‌دا به‌گاره‌ه‌ی‌ان‌
برگزمانندانه پسمر مرانی وشی ژیر و نمکا زاله، له کاتی تردنا مانای جوانیاسه و له یاردوخیکی تردنا مانای بهدارانه و له دؤخی دیکاشنا مانای سمرزمیشکارانه.

بؤیه همامو هم بمگاهیانه وشی ژیر و نمکا لمناو زمانی کوردیدا، بسکاریت دیالکتی سوآرانتیا، یابهندن به بمگاهیانه پژانغمیکی درو و لهندی زمانی یهمکیدا، نهک پابهند بن به زمانی زانستی و له نهستی فلسفه‌یکی میکا. هسر بویهشه حیاکرده‌ی نه دوم ناسه له‌یکت گردنگی تایه‌تی خوی همویه و هسر لموشی‌نبطه تی‌ده‌گهی، که چونیتی بمگاهیانه وشی و زاراویه‌ک له زمانیکی تایه‌تیا، بوخؤی دهوتا ریگر بن لبه‌رمش تی‌گه‌یشنتی فلسفه‌ییانه له همانه وشی و زاراویه. جونکه هم زمانی‌ی له ددربرین و هزرینی فلسفه‌یا هم‌زاز بیت، ریگری لبه‌رمش به‌هرهم‌مین‌یانه‌ی فلسفه‌ییانه‌ی وشی و زاراوه‌کاندا دروستدکات و نه‌هس‌شه‌ی لف‌هش‌ی درها که پیویسته توی‌زدرا بواری فلسفه‌ه فوردگی‌ی به‌هرهم‌ه فلسفه‌یی‌کان، یاگاداری بن. بو تیوویه‌ه‌ه هسر یکه له وشکانی وک: (من) و (نیم‌ه)، (خوئی)، و (باشانتی)، (نامی‌بیتی)، (بووون) و (هم‌بیوو)، (نیجی)، (گومن)، (گوتار)، له بمگاهیانه رژانه‌دا ماناوهیکیان هم‌هی و له ده‌یی هزویه و فلسفه‌یا ماناوهیکی جیوازا.

به کورنی: وشی نمکا له زمانی کوردیدا، وک وشیه‌ی (عقل) له زمانی عمرمی و وشیه‌ی (عقل و خرد) له زمانی فارسیا، وشیمکی ستندار و هامگیر نهیه و زور وشیه‌ی دیکه‌ی وک (زیر، زانا، دانا، هنامبند، عال فامیده) و هنده، له‌کانی جیواز و بوؤنی جیوازا اهمان مانای وشیه‌ی نمکا و زیر دوغبه‌یمن. بویه له‌م باسدا و ناوه‌ناو، ونریا به‌هرهم‌یانه‌ی هنره‌یک له وشکانی وک: نمکا و عقل، وشیه‌ی (زیر) و (زیری) لبه‌یکه (مگاهیانه‌ی هم‌رودک جوئه له جیاچی عفان‌هیمی و رشنالیزم، زیرباواسی و
با منویدم

نقطه و زیری له بکاره‌ی‌نه‌نه فلسفه‌ی‌کنیا‌دا!

همکم‌: مان‌اکنی زارتودی نه‌قل‌: لیره به‌دواوود، گفو ری‌پاونینه نه‌نز‌وی‌ژی‌نمینه بی‌بی‌کاره‌ی‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌
فیلیس‌سوسو، موسولمان‌کانی و هدف‌های مکانی، کنده، نیای نظرشن و کسانی
تربیت،(۸) که لیبرالیست‌های باسکردنی‌های نیمه‌ها

۱- نمایی گردوییان (زیرپی میتافیزیکی)، بریتیشی، هم پرانتسیپ و
بنهرده گردوون‌های که واقعیت ده‌خشيته گردوون، بان مانا
به جهان ده‌خشی و بونایدی ناساپی و ریکستنی بؤ دسته‌بره دها.
به‌بین نم تیگه بهیشته له ناقل، گردوون بمبی پرانتسیپ و مهبهم‌یک
باب‌تینانه، که لگوشه (Logos)، به‌ریوه دمکی و له‌بمر نموش‌ه
همان پرانتسیپ له مرفیشدا همیه، نم‌وه مرهو دمکیت‌بات به
نام‌تیک له تیگه بهیشته معرفی‌به لسمر جهیان.

کشت‌رضا‌نی‌نامه‌ها میتافیزیکی‌های‌ده‌گرام‌و پنتاوه‌نامه‌دو
دیدگاه‌به: نم‌وه نام زینانی مرف‌ایتی دابر دکات و جوارجیومیک
سدره‌خؤ و دمره‌سروشی، بان میتافیزیکی‌پی دیده‌خشیت. که له
بهم‌داده نیبطی. جون‌نکه به‌نام نام فیلیس‌سوسو. نمه نام‌تینانین جیهان
وه ندوش‌که همیه، واته سرم‌به‌خؤ له ول‌گمی‌بک‌مری ناسکر، دمک
بک‌من. و "وینک‌ردنی‌نایدی‌نام‌نفل، سرچ‌جاده، گشت وهمه
میتافیزیکی‌گه‌کان له‌خؤ دمگریت"(۸). بهم مانا‌نکه "نفلن‌بمردم‌نام له
همولو‌نام‌دادیه، وهم لای‌نیت‌گوتیوی. له نای‌یپا‌ره‌وه‌وه‌تامشای
جهیان باکت(۸).

له‌ن‌هی‌های‌ن‌ای‌ی‌بی‌لی‌بسته‌کان‌نه‌آسماه، له‌وانده‌هی‌هی‌گل، به‌مر‌بچی‌کانست
ددم‌دلته. هی‌گل‌لای‌واه‌به‌شنه‌له‌ژری‌گردوونی (رخئی‌جهیان) نه
مینا‌ن‌روس‌بی‌م‌یزودا‌گمش‌ده‌کات و نامانی‌کو‌تایی‌م‌یزودوش برم‌تینن
له‌گمدش‌پی‌ده‌به‌نم‌ی‌ره‌ؤت. بهم‌جه‌رمش‌مرهو‌بؤ‌روون‌دم‌بی‌دم‌نهوه
که‌نم‌ی‌ره‌ب‌اکه‌ک‌سبناته‌نه، به‌شبه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌نه‌ن

۱۴۵
۲. عمایل تیؤری: به‌شیوه‌هایی گشتی و له رموی می‌زندی هزارد نهورودی، عمایل تیؤری به توخابریک زانیاردیکه لاله‌های مرتفع دهم‌یکه قلغم که به‌نام بی‌خشنی و زانیاردیکه مقربنیه تیؤریه(۱۷). واته توخابریک که شوناس دکت و مقربنیه لمسن جهان زدیده دخات و زانیاردی مرتد به زیان، زیاد دهکات.

به‌نام زؤریه فهمه‌هایه دبراونار، عمایل تیؤری (ساتوهومتیکه، یانئانیکه) له عمایل‌ه که‌دوونی. له‌رنهه مانی و شبهه دموه: "نهو توخابریکه عمایل، که مقربنیه‌یکه سمالبرامان لمسن شته‌کان دهدانت، که ناکرزکه لگمان باومه‌یشان، هم‌بی‌رپاهاهک شمو کانه عمایل‌دهیه، که خاونم‌بی‌رپاها به‌توخان شمو بگیشانه‌یه له‌دی‌بی‌رپاکان‌ه بخانه‌ه روه، ناماهمش به‌له سپشم‌ه شمو گنگوک و بگیشانه‌ه له‌دی‌دهریه‌ه روه. بـسپریه‌ی له‌خوث دکت و سـشرله‌نیا بی‌رپاکان‌ه خوئی هلمزمیگنیتیه‌ه(۱۷). بـمالانیکه تر، عمایل تیؤری، هم‌اقاتی خوئین و ریفلیکسیه و توخان به‌باث‌دردنی خوئی همیه‌کا تاکو خوئی له‌هوه و که‌مودیه‌یان بی‌رپاکه‌یه که بی‌بیه‌ه که‌تووه، یان بؤی همیه‌ه بی‌ینان بکمویت.

۳. عمایل پراکتیکه: به‌توخابریکه دگوتیه‌که له‌لایمن مسرف‌هه به‌کار دام‌نیزیت بؤو راپراین‌تیکردن و بی‌پاردان لمسن نیراده، بوهی نمرکی عمایل پراکتیکه نهمیه به‌دوی "پنکشتنیکه زینای پراکتیکانیه مرسفتا عمودیان بیت و نمو باش‌ن‌دخلاقیه کشتبانیه‌یان دابدازه که بؤ زینای رؤذانمان بی‌پورستیمان بیتیه(۱۷) به‌مالانیکه تر: "عمایل پراکتیکه بريشه‌ه به‌توخان به‌روی‌بردن و پنکشتنی‌ئیش و کارمان لمسن به‌نامه‌ی زیارمهمه."(۱۷)

له‌میر ندومه‌ی زینای پراکتیکه و نیراده‌مندانه‌ی مرسفت پی‌پورست‌ه به پنکشتن و تگبیری ورد و به‌گه‌دار هم‌ه، له‌میر ندومه‌ی هسته‌ومودی و مهیه و تارم‌وودکان سه‌رجالی‌گه‌بیشتن به‌معرایفه‌ی راسته‌مینه نین.
نهو دمتوانی بیشتر، کرده‌ی زیرانه له ذیانی پراکتیکی و رؤزانه
مرفعتا به‌اندیه به هزار و بیکردن‌تروه عقلالنیانه‌موه.

4. عقلال نامراظگرا: نام جمه‌مو به‌هی‌مند هنده‌مانه قوتی‌بانه‌ی
فرانکفرته و هرنه‌موکه له (هوژکه‌یاها، نادورنو) به‌کاریان
هی‌ناینه و باشتر هابرسام هموانی خوانتوتوه و بحری پی‌دایه (1).
به‌شیوه‌هی‌که گشته معلمی‌تان له عقلال نامراظگرا، همو نه‌قائمی‌ه‌مو
به‌هیج چدرجی، جهان له به‌ردید داگیرکاری و دست‌ه‌سماگرتی
tگنوژیدا ودک (بابته‌یک دمبین و هیه جوزه حوره‌یکی بؤ
سیره خروی و یاسکانی سروست و جهان نییه‌به. همه‌مه به‌هؤی
نه‌خشه‌هکوه، که تیاگا (نامانج و نامراظگرا) نمو دست‌ه‌سماگرتی‌نهم.
دست‌نیشن کراون و نیز گؤه به‌هیج شتیکی نر نادری جه چهوی
به‌هؤی نمو نامراظگرا به‌گنم‌نه نمو "بابته‌هان"د ودک "نامانج" له‌لاینم
خاوندرانی تمکن‌له‌ژیا و سرمایه‌مو، دست‌نیشن کراون.

لیریدو، فرانکین‌تیکانی ودک نم‌ردؤنو و هوژکه‌یاها بپی‌بایه‌ی،
"فلسفته دمته‌ه رخنه له عقلال نامراظگرا"، وانه رخنه‌ه ل شتیکی
کوئنرک‌ه و دست‌ره‌شتوه به‌سمیر مودیرنی‌نهم، که تیاگا "عقلال له‌گام
شهكا، ودک دیکتائو له‌گام مرفعت‌گان ره‌فرت ده‌کان (2).

به‌گوت‌ه (هابمساص)، خولیان سفرمکی و میمبستی به‌نام‌بای عقلال
نامراظگرا نسویه (واقعی) داگیر بونک و همدرم‌نما شاونو دو به
پرسندی نازانی‌ت نه‌ه ژوره‌ه تقفله ببیت‌ه بناغه‌ه زان‌سته
کوئما له‌ییکی‌نان، جوونک عقلال‌که له خزمت‌نام‌نامراظگرا، نه‌که
له خزمت‌ن نمو نامانج‌مه معرفی‌نین که هم‌مولی باشتر کردنه کوئما‌نا
ده‌دمند (3).

دوووم: زیربآوری، یانن شفلانی‌هه‌یت:
نیستا باش‌نه‌مه جوار مان‌ه باوی وش‌ه عقلال و زیری، له نم‌رینتی
هز و فلسفه‌نه نما رپیدا دست‌نیشن کران، دم‌نیشن‌ه پزان‌ن ناراسته

147
و دوکترین عمقلانیه، که ریچکمه‌گی ناو همان می‌تواند فلسفه‌بری به‌نام و پارسی‌گیکانی چنین. نه می‌شود لیبرال نمود دیگر دیکارت به‌خواه سمر به روپزه‌یه و ناسینی روپزه‌کرده‌ه متفاوت‌که تر به بازپرورتوه و به‌یوند به‌کرک و حمل‌دار فلسفه‌کرده‌ه.

له فلسفه‌فدا، زیربارداری، یک زیربانسپانی، به نمیرتته معرفی‌ه
تیپری دگوتوه. که به‌بی‌حواهی نه می‌تواند فلسفکانی پری نه و
"به‌سندری سمرجاو د مفسنگیکری ناسین و معرفی‌ه، زیر و
فعقله"،(۲) هم‌رودها به‌بی‌نهم نارسانه‌ه، شیام به‌تنمی به‌هم‌های
به‌کاره‌یانی عقله‌وه، داوید به‌لمبارد واقعه‌وه بکری، نه می‌شود لیبرر
نمو برو و متمانه بتموهی پمی‌پورکارانی نهم رپوته فلسفه‌یه به‌زیر و
فعقله، لته توانایی به‌ناسین و در مرکردنی واقع، حمل‌های. لته‌یامگی فردود,
زیربارداری پریتی‌ه "نمو جوهر تیگمانستنی که دعا دمکت ری‌چکه
تابینی‌کرک مشی‌میکری زیرانه و عمقلونی بسملی‌نرین و لیرش‌وه
به‌بمرچی همر باومن‌پک دهداموه که له دمرونه توانایی تیگمانستنی
مرکف‌دا پیت"،(۳) خسافت‌ه همره سمرکدری زیربارمگیکان نه‌محمه، لته
"بهدسته‌ی‌نای زانست و معرفی‌ه‌دا رول‌سمرگی دهمه‌ل مه‌ل و زیر
دمکنه پیوم په‌گیشن به‌ه‌پیستی، نهم هم‌ستکان و نم‌زمردن"،(۴)
ری‌شی‌نی میزوروبی زیربارداری دگم‌پرتهو به‌فلسفه‌ی کلاسیکی بیونان و
دکرتن، و دوک همان گوتووهنی‌تی (نفلاتونی) مفرشته فیلسوفیک‌شی به
"سمرکدری زیربارمگان" داکرتن‌(۵). هملوی‌نی‌نی‌نی‌دی‌نی‌دوه به
نامت رنکردن‌وی هسه‌نگانیا و جه‌خکردن‌وی‌ه لمسر معرفی‌ه
عمقلانی، ری‌گه دم‌ند نبه بی‌گیم به‌په نفلاتون‌ن له‌می‌په‌سی‌بکری
جنون‌ه نه‌به‌باوم‌ردا به‌ب "زیر دم‌وان‌کوی نامه‌شانی ده‌دن‌وه
لمسر جی‌های و ناگز بیانزینی، په‌بهم‌نه لاهکرکا کمات".(۶)
نفلاتون‌ن له کخت‌ی تک‌مادا، کاتی بی‌پکه‌نه‌روهی‌رو ممره‌به‌سمر سین
به‌شدا دابن‌ش دمکت، زیر دمکنه پیوم و کون‌زونگ‌کرک رنه‌نی‌م‌میل و

۱۴۸
پرههندی تووردی(۱۲). بهوای نهفلاتونه و "نملن ولگ کامرازیک وایه که به هؤیوه مرؤف به معرفیه راستمانه، واته به ونیه نمگژمران، یان به جیهیه شتهان دمکات"(۱۳)بهم جوهری به کهمن کاری لەدیواری معرفیه تناسیا، نهفلاتون وکردنی، برتی بوده له دروستکردنی جیاکاریبیک له نیوان (زانست) و (باوهریا). نهو دهیگوت: "زانست بهبودنهیی همه به حفظیه‌نیوه، نهگمر کمسی بڵه; (منشین دژانم)، نهو نهو شته (حفظیه‌نیته) همیه. ونان بؤی همیه باوهر درژنانه و همئه بیت. تمنانه باوهریکی راستمانه به پئویست نایبیته معرفیه. جونگه معرفیه همرون بهو ناییته دمئت که ثیمه خاونده باوهریکی راستبین بهگئی پئویسته تواناشنان همبین بههؤی بهگئی نهفلاتینه و بهسلمیانین"(۱۴). باوهری نهفلاتون به زیری و بهگئی نهفلانی گشتنیوه نهو شوینیدی به لسمر زاری سوکرانه، به راشفای پرسیار باکت و بیتی: "کایا داومره و بریاندنی راستمانه بههؤی گفتوگو و بهگئی نهفلاتینهوه بدمست ناییمه؟" باشان هم سوکرات ودلام دمئانوه و دلئیت: "بهگئی زیرانه بهنهما بیپزین نامازی مرؤفی زانا و زانستخوازه"(۱۵).\[
\]
فهیله‌سووف و زانیانی سه‌دی حمیدیم، له زیار کاریگریی شورخی زانستدا، بریاویان بهو زیریه‌سه‌نیه‌هی‌هی‌هو، که لسمر میتوئده شیکاریبکانی ماتماتیک و زانست برژیه‌تیا و له هم‌موز جیهاندا شیاوکی کردنیی و به‌کارهی‌ینیه‌هی‌هوی. به‌های نهوانه، "معرفیه شتکه به رونده و بههؤی ذمییوه دمار دکری، پان بههؤی به‌کارهی‌ینیه‌هی‌ماتماتیک‌هو شیاوی پی‌ووه و بههؤی نهزموندرنیشووه شیاوی سماندنه. کاییک گاییا دهیگوت: بهین ماتماتیک ناکرک تنانه بهک وشه لکتیبه گموره کایینات حالت بین، مه‌بستی هه‌مان شت‌بوو(۱۶)."
به‌علاه نمودارهای و کماسیاتی‌های اپیرکانی نمو سردم‌موهوم (سده‌می)
به‌ویژه برایی و زمین‌پروری‌های بسیار اخلاقی‌های کامی‌های سوناس بکن. به‌پای نشان‌دهنده، "مرجعیت به‌ویژه به‌زندان‌ها در است. نمایشگاه و میراث‌های به‌شیتایی که نمایشگاه‌های خودایی بی‌پرهیزی‌های خودی که خویش‌نامه‌های کتیبه‌گیری گمشده‌زبان‌ها، که
دهشته‌پیش‌گوگوشتی: بن‌نما گشتی‌مکانی جوانی‌تی خلاء‌کردنی
گردیده.

به‌همراه نمایش‌های توانایی بی‌پرهیز و چه یک مرز. مرکزگاهی به‌بی‌پرهیز و نمونه‌های گام‌گامنی یا هم‌اکنون به‌پی‌شتر به‌بی‌پرهیز سوکراتی نمودارهای به‌پی‌شتر. ده‌وتنان، نگم‌گرم بی‌پرهیز، رژئینی‌ریکش زانستی و براکتیک‌سکانی خویشان جاری‌سپهر بکن و لمسیر بنهم و
به‌پرهیزگیری زیرانه، زبانی خویشان ریکشسن. "مرجعیت به سرشویش خویش نمودارهای همی بتوانی به‌پهلوه مدی‌تر مرسنگیری، دش‌وسیری روز‌زاوت بکن و قارگرمو بکن‌یه سمر بور‌رای یک‌هکر. دش‌وسیری به‌بی‌پرهیز
مطلق‌تک‌و تیپنجه‌های زانستی‌ها تیبگش و به‌رناهنی به‌په خویشان

دبیرپژن.

لهم‌شیت‌ه‌موه نمای شیوازاهنی بی‌پرهیز وروده، بای‌پراکین پی‌تو و
مطلق‌ته‌ها که توام به‌پرهیز و زمین‌زودی، نام‌دی‌می، وات‌ه به وی‌تشیای
نام‌زئی به‌بای‌شا به راستی همر شش‌ویک و به‌دره‌شده‌موه‌هی لمسیر راز و
نه‌دینی‌گکای همر بام‌شتنا زانستی، ناییمی، نه‌خلادی و هر شش‌تک‌دی‌که
به‌شاوی‌ناویان و نام‌زئی پی‌تو. به‌پک‌کنه‌ن‌هو فهیلم‌سهوفان‌هی به‌که
جورچی‌ی‌که نام‌شته‌ه فهیم‌بی‌فی‌دیا بی‌پر ِمک‌دروکه‌ه و باشرت به‌پرمؤوی
فهیم‌فدها و گراپ‌نی‌کی‌تاپی‌ه‌ت ناسارا، فهیم‌سهووی فهیم‌کفی‌پی، پی‌وی‌ه
دبیرپژن.
پیشنهاد دیکارتر (Descartes) (1596-1650):

کورتهای زبان و هفطالسانگاندنیک:
نیمه لام با پیشتهدا نامانه‌های میژورویی زبانی دیکارت به پی‌پی می‌پذیرد میژوروگراپی، بنوسینه‌ها. نوه میتودی نیمه کاری بپیدا می‌کنند. (ویدو نه
سمه‌تارا و گوتوه، میتودیکی شیکاری ره‌خورشیدیکه تیپیدا ره‌جو رهوی
فون‌شکی میژورویی زبانی دیکارت ناکام‌های نه‌نده‌هی نه‌نوه‌هی
دمان‌هایش به‌سمه نمو وی‌بستگی گرنتانه‌هی زبانی بکه‌های، که به
فملسه‌که‌بایه‌خردان و یارم‌تیم‌ان دمهم لع شیکردن‌هومو به‌رهکه و
ناوررکرک فسلسفنی‌که‌ی برد‌به‌هکانی نه‌م فیلبلسموفه‌ها.

میژوروی هزر به‌شیمی‌کی گشتی و هززی فسلسفنی به‌شیمی‌کی
تایبی‌تی، لع نموی‌وا و خوره‌لی‌تادا، بین کیش‌هه‌نبو و زورن نمو
فیلبلسوف و بیرمه‌نادی‌هی رقی دم‌گا نابی‌که‌ی‌که و دمس‌لی‌تیان
له‌خویان هست‌نادی‌هودو و بدر شالدو و په‌لهم‌ردان که‌توه‌نا. جی‌ورکرک
ن‌نوان‌های بشر نمو شالدو، که‌توتودو و باشن‌ههم سبیش‌کارو و هسم
بون‌نه‌تی‌شون‌دی‌شان‌هزی کورم‌گاه‌گه‌نی‌خویان و مروراپی‌تی، جی‌ورکی‌که
دورو‌ردی‌ژه. ...

دیکارتر نمودنی نم‌فوی‌لی‌سوسوف و نه‌کادین‌مانی‌هی که بسر نمو شالدو
که‌توتوودو. نمو روزگاری‌ک ناجاب‌ییو ولاته‌که‌ی خوی بی‌خپی‌لی‌تی و زوریش
کون‌رژول دکرا و روزگاری‌پک بی‌سی‌خالی‌ی بی‌م‌هوا لع زاک‌کوبدما ناوا به‌نی‌تر. نمو‌هی
له‌دیکارت‌نا به‌لی‌ه‌ی به‌که‌س مسرن جشدکی‌شن، نمو هم‌دادان و دان
به‌خودگرتن‌ه روزورمی‌تی، که لع زیان‌دا بی‌خ دوگری و برده‌رچان‌دوه
نه‌م‌رکانی، خسته‌کار، باشر‌ین به‌لگه‌سه‌هس نمو فسی‌سی و سم‌لی‌دو
هم‌دادان و ورده‌و دان‌بی‌خود‌گرتن‌دیکارت، له ناهست بی‌جوخون و رخنه‌ی
رخدگری‌ن و نه‌م‌رکان‌دا، نمو و‌لالم‌مان‌هی‌تی که له‌ب‌ره‌رگر‌ان‌دوه‌ودی

151
ردخته‌کنندگان نووسيویته‌ی و نهمش بیوته بامی‌تی شاکاره گرنگ‌کهی
بی‌مناوتی (ناراژ‌باشقیمکان و ولامه‌کان) (١٠)، که له خنده شوینیته‌ی نهم
لیکولینه‌ی‌یاد بیوته سمرچاومه‌گی گرنگ‌گ و دست‌ئی به‌که‌منی
باشکه‌مان (١١).

لیکش‌هو ه‌ت، دیکارت مروفیتسکی زور سهرنجزاکیتش و فهیله‌سووفیکی
tایبانی‌نه‌ند. یمک‌که له خسه‌نیتفه‌ی له بیرکردن‌ه‌ودی نمو فهیله‌سووففدا
ستایش ددرکی، برتی‌نه‌ی به سنگ‌گراونی و لی‌پورودی‌دن و به‌پوروستردنی
نهمانه به‌زیان رؤز‌انه و فهیله‌سووفه‌ه‌وه. دیکارت "نمی‌ده‌نه‌فه‌فانهذانه.
بی‌انگو "فلس‌فه‌نه‌که‌ی خؤئی دزی‌نا" و نهم‌نه‌ش خاپه‌هو هاپه‌نشته نی‌وان
دیکارت و ه‌موو حکیم‌ه‌ گمورکانه، که برماهان واینیه "فلس‌فه‌ه
شیوازی‌که‌ی ژیانکرم‌نه" به‌ره‌ودی ه‌همر شتی‌کی دیکه‌پیت. راسته نی‌مه
سهمان‌ه به باردوخه رؤحی‌ه‌کانی نهو، شتی‌کی نه‌توتو نازانین، به‌لام
دماوند که دیکارت له سمردمی‌کی بر ناشوه‌وب به‌شوکان و گرژیدا;
"خوازیاری‌ناشتو و تسبابی بیوو نمک شمیر و مملانی" (١٠). کاتن دیکارت
له سمرتاب (گوتاری دره‌ست ميكی‌نه‌تانی نه‌قز) (١٠)، دننوسی;
"لنونیان مروفیکا نه‌قلن له همه شتی باشر دابه‌که‌ گراوه (١٠)،
رتناپیمان دهاک‌ت به‌ئ نه‌وئی النه‌قلن خوؤمان به‌شدویه‌کی دره‌ست و
رام‌نه‌نه‌ینه به‌خنیه‌که کار و به‌هیج شیوه‌یک مبه‌ستی نهو نی‌ی‌ی‌لین نهو
ووکو فهیله‌سووفیک له همووان دناتن و زی‌تره، به‌نگو راست‌هو‌خ
به‌هاوی نه‌وده دننوسی;
"من به‌می‌به‌حال خؤئم هیج کاتیک به‌بخی‌مدا
نه‌تروون نه‌فسی‌ی من له بازکره‌ه‌ه، له هی زؤری‌می‌
خماگی‌ت تر نمواوت‌ پیئ، راسته من زؤرجار به‌دناوه‌ه
بی‌یوم ووه کسی‌گنه تر توانای بیرکردن‌ه‌وی خیرا و
دست‌بَرده، خشای‌ی روهون و روهان، پادیکی سمرتازاگ‌گر و
هم‌می‌ه به‌مرده‌هم‌ هیبن. من هیج جؤره سیفی‌تیک‌ی

١٥٢
تر، که بیشتر مایه‌کاملی و تمواوحتی نمفس، لوحانه
به‌ولاوه شک نایم...

له فسادها شهفاضیته هزاری فلسفیه مودیرن و خواستی

(Communicative) به‌ووند خوایان‌های به‌شداریکدهن له روونکره‌هدن بارودوخته‌کاگی مروق و دوزینه‌هود
جارماری نمکانی، بدی دمکیرن. "دیگارت بپاواه برو بمهره تویان
فلسفة‌هنوی دوزی‌هوه و بیروراهکانی له بواری هنیزا و سروشنتانسی

و نامتیرا، کاریکرتی نریمان درستکرد "(۳۷). هم دیگردووهه
کهسایگی دیگارت به دامه‌ریی‌هروی بن‌جنیه‌ری فلسفیه مودیرن
داده‌ند (۳۸) و دیگارت‌ش له لوطتزه بیرکنه‌هو فلسفیه‌گی که‌یلیا
کاهن دمی‌توی ریکاه رسته‌هنیه به‌کاره‌هنانی عمقل روون بیاته‌هو، بیو
به‌دی خانه‌ربیوه و دیت‌ه گوخ دخ و نمی‌به پی‌خ‌نیک رهم‌کیدا دیبنی
و بگره خوژگه به زمین‌رونو و خمیال توکمن‌بیان دخ‌وهازی. لو، له
سنگفروانی فیکری و له بروی‌تا وااوی به بی‌وودمان لیکن‌پس‌اوی
فلسفة‌ه و زیانی‌ناسایی، بمرده‌دلم دمین و دهن‌وسی:

"من نیازه‌ته همله‌که‌ه نیوه به‌برخ مه‌بکه‌ه
پاره‌می‌پیان دهدات به راست و دروتسی می‌شکین به‌کار
به‌یه‌ن، به‌گوی ته‌رونه دامنه‌نه‌ی ابسم، جوئن من
همول داوه‌ی‌ه‌بی‌کم به‌کاره‌بی‌نام، لو، کم‌سی‌بی‌به‌ود
داموزگاری درگاه‌دهی‌ل‌لوانه‌زیر‌مکر به‌که
داموزگار‌به‌کم‌پیان دمکت نهم‌گرم بجوویگردین هلمی‌شی
کرد مه‌روای‌سی‌گزنده و سمرز‌لنت دمی‌تی. به‌برن
نه‌وهی من دامویه لو، نوم‌نه‌یها و مه‌ی رای‌زترک‌ی بایخود
نهم‌گرم بتموئ بانیه... و مه‌ی ج‌ره‌وترک بی‌خمه‌ه
بمرده‌ست، داور نیوه جه‌ند دموزنه‌جمه‌که‌نه‌توی
تیادابی شایانی جاونلکرونه‌بن و شتی تریش که‌مرؤذ

۱۵۳
دهتوانی بهره‌وریان نهگات، هنر‌جوئنیک بی‌شREW

هیواه‌م زیانی کم‌سئی لی‌نه‌که‌وی‌هود و سیب‌ایی

۱۸۸۵

ره‌نه‌نی‌کی دی‌که‌ی به‌جه‌سته‌تر و نو‌رسری‌ه‌نی‌ه‌ف‌س‌پاس‌نی‌ی خاووی

کسای‌ه‌تی‌ه‌که‌ی ساده و ناسان‌گر و خوش‌مشرج بوده، که خوی‌ه‌له‌ه‌ک به‌س

به‌عاف‌ق‌ره‌ نه‌زانتی‌ه‌ود. نم‌م‌ش‌ه‌م‌و‌ن‌ه‌م‌ر

فه‌وی‌س‌و‌و‌ف‌ه‌ی‌ر‌است‌گ‌و‌ه‌ی‌که‌ ی‌ش‌ای‌ان‌س‌ت‌ا‌س‌ا‌ و جا‌و‌ل‌ی‌ک‌ر‌د‌ن‌ و

پی‌تی‌گ‌ه‌ی‌ه‌ش‌ت‌ه‌ن‌ه‌.

می‌شک‌ی‌ دی‌کارت، ولک‌ب‌بر‌ترن‌د‌ر‌ه‌ا‌اس‌ گنو‌ت‌و‌ه‌ی‌ه‌ت‌ه‌.: "تنمایی‌ ل‌ه‌ه‌ن‌گ‌ه‌م‌ی

گو‌ر‌م‌د‌ا‌ کاری‌ دم‌ک‌ر‌ "۱۸۸۵. تَم‌نَری‌ جَس‌تی‌ دی‌کارت‌ زُور‌ کورْت‌ز بَو‌ ل‌ه

ته‌م‌ه‌نی‌ فَل‌س‌م‌فی‌ و هَزِری‌ب‌ی‌ شِو‌. ل‌ه‌زِی‌ان‌ کُو‌م‌ه‌ا‌ی‌م‌تی‌ دی‌کارت‌د‌ا، هَی‌ج

سَدِرا‌سِم‌ی‌ه‌ی‌ی‌که‌ نَو‌تو‌ نَب‌ی‌نری‌ه‌ی‌ه‌ه‌و‌، "هن‌رگِر‌ ها‌و‌س‌ر‌ه‌ی‌ نَم‌گ‌ت‌و‌ه‌ود‌، به‌ل‌ا‌م

ک‌چ‌ی‌ک‌ه‌ل‌ه‌د‌م‌ر‌م‌و‌ه‌ی‌ه‌و‌س‌ر‌گ‌ر‌ی‌ه‌م‌ب‌و‌ه‌ود‌که‌ ل‌ه‌ تَم‌م‌ن‌ی‌ پَی‌ن‌ج‌ سَل‌ان‌د‌ا

کَوْج‌ی‌ دِو‌اِی‌ دِک‌ا‌ت‌ و‌ نَم‌م‌ش‌ دِبِین‌ی‌ه‌گ‌م‌و‌هِرْن‌ر‌ی‌ خَم‌ی‌ نْا‌و‌ زِی‌ان‌۱

دی‌کارت‌. نَم‌ کُم‌ی‌ خو‌ی‌نْذَت‌م‌ه‌ود‌، کُم‌ نَم‌وُزیر‌ب۱ و‌ زِوَرِش‌ب‌خزَی‌ مِان‌دْو

نَم‌گَر‌دود‌ه‌. "۱۸۸۵، کَجَی‌ فَل‌س‌م‌فی‌هْکَی‌، هَم‌ کَری‌گ‌ری‌هْکَی‌ زَوْرِ کَرْدْه سَمَر

پُرْتْی‌ بِرِک‌رْدْمُهْدی‌ پَاش‌ خُوی‌ و‌ هَم‌ سُرْرُبهِری‌ نَارَاسْتْه

فَل‌س‌م‌فی‌هْکَانی دِوْاَی‌ خُوْی‌ سَر‌سْم‌ کَرْد‌.

دی‌کارت‌ نَم‌ فَم‌ل‌سْووْه‌ه‌ بَو‌ که‌ لِعَمْدَای‌ وْلَام‌مَانْدَم‌وْه‌ی‌ پِرْسِی‌ر

فَلسلَفْهْی‌کَانی‌ شَازَن‌ی‌ سویّیدی‌، (کَری‌ستِین‌دی‌)ا، هَم‌ نَم‌سَوی‌ب‌ی‌جِه‌بْی‌شْتْ و

پُرْوْی‌ کَرْدْه‌ ی‌باَکوْری‌ نَعُورُوْی‌ تاکو‌ لِتِی‌گ‌م‌ان‌دْنی‌ فَل‌سْمِفْه‌کَهْدی‌ یَارِم‌تی‌شْازِن‌ بِدات‌)۲. بَاکوْری‌ نَعُورُوْی‌ سَارْدَه‌ وَ شَازِن‌شْوی‌ وْی‌سَوْوْهْی‌دی‌ دِی‌کَارْت‌ هَم‌ مُوْ رْؤْزْی‌ لِه‌ کاَتْزْمِرِ پَی‌نْجِی‌ بِهْبی‌نْان‌دْا وْنْهُ‌ی‌ پَی‌بْلِّی‌ئْم‌ه‌و‌، جُوْنْه‌که‌شْازَن‌ "لَه‌ نَم‌وُشَدْا زِمْهْنِی‌ پَی‌ نِک‌ارآ‌ بَوْه‌. "۲۳. لِه‌گَنْ نَمْوُشْدآ کَه‌ دِی‌کَارَت‌ب‌هْوُئ‌ لِواَزِی‌ جِسْتِم‌هْوَه‌ زَوْرَ نَاغَاي‌ لِه‌خُوی‌ بَوْه‌، بِهْلَام‌ سَرْمَای‌.
نماهنگ‌های کاری خویش دهکده و دیگر به‌رسی‌های همه‌واگذاری و
سرمایه‌ای نمای امله‌نده ناگریزت و هنر سالی‌ن۱۴۱۱، کوتایی به زبانی
دیت (۵۸). 

و او پیشتر نامزدی بی‌پدر، دیگر به دام‌زینه‌رفت به‌مانکانی
فصل‌هایی نوی دادرسی و هنری‌کیش به "باوک پاستوریزهای
فصل‌هایی نوی" یافته‌های مداوی (۵۸)، نمی‌گرچی نمای ناوتانه‌های سبادت به
به‌ویام باوکوزانه‌ای مزدی‌نتی‌ته و درداکاری تبدیل نپیچه به‌لام دیگریت ج
وک دام‌زینه‌رفت، یافته‌بارک"ی فصل‌هایی نوی، ناوتانه یک‌ز، ناوتانه نهم
قسمتی و نمایه‌ی لیکدریت‌ته، که همان سه‌سومی دیگریت، فصل‌هایی گذرانی
به‌سمرداره‌های و شیک نوعی نمایوه‌های سمر. به‌ویام پیب‌ی دیگریت‌های به
هست‌تاریب‌هایی قووته به‌م‌زآن و مرکرت دکوت‌های تسهو نمای‌نش
بابته‌گمی‌که سهام‌گی‌تو نین و هم‌ردیت له‌گری‌ن‌ده، نمای فصل‌های
به‌سمردوام قسمتی عسیه‌گرهاهگان کردوه و خوی نوعی کردوه‌ن‌مه. نمای
دیگریت دکاته‌ده‌های دام‌زینه‌رفت فصل‌هایی نوی، وک به‌سمردرانی راسل
دمنوشی، نمودنی که: "دیگریت هم‌خوانی توافک‌های فصل‌هایی مبرعه و
همه جهان‌سی‌ویه‌ک‌ش به‌هوشی لحیزدیر آرگره‌ی هزارد و
تمستی‌ت‌نه‌اسی نوی‌دایه". راسته دیگریت به‌شک‌ی دژر لی فصل‌های
سکوت‌ت‌سک‌ی‌که سردک‌ن‌ده‌ن‌ون‌ا ناوتان‌راه‌ست. لی هزردی خویوده‌گل‌دات‌ره‌وه. به‌لام
"نحو ناوتانه به‌سمندن ناکات که پیش‌نت‌مه‌گانی دیگریت‌تو، به‌کو
ده‌یوست‌نامه‌های‌که فصل‌هایی فصل‌هایی نوی درست‌بکت" (۵۷). و‌برای نم
دست‌نی‌ش‌ن‌ک‌درنه‌ه‌گن‌گ‌ن‌رال‌د، نسوانین له پشت گرنگ‌گی دیگریت‌تو بیه
فصل‌هایی نوی، سی‌ه‌ی‌کاری دیگری به‌شک‌ه‌پی‌بین‌ته‌وه.

یهم‌ه: دیگریت زمان‌ک‌ه‌که فصل‌هایی شفافی هم‌بوه و شارداری همه‌ی‌دو
derبریی به‌وه و دیار‌ه‌ه‌که‌ی‌ک به‌رون‌‌یه‌ه‌ش‌ه‌بوه: "دگ‌روئی
دیگریت‌که فصل‌های‌م‌و‌ف‌ه‌م‌و‌نو‌ه‌م‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌ه‌h
ستنوری‌های ندگردنی زاراوهکانی (رامانکاه) و (گوتاری) به‌کارهاین‌انی دروستی نمک‌ک، دگاهان نزو به‌ما‌ب‌ما‌ه‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ма‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ма‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌ما‌ب‌م
بهشی سيologie

میثود و چمکه گرگانکانه فلسفه‌می دیکارت:

نَه به‌سهی تَریزینه و گِیمان تَرم‌خانگردوده بو قسمتردن لمسر نمو
لاینامی بیره دیکارت که بحر جستگوکردن زمان زمان‌نیپتیک که نمو
فیلیسه‌جویان. بو روزنگردنوده نام لاینامه گرگانهش له هزار دیکارتشا
بی‌یونسی سرم‌گردنی میثودکاره بناسه که بوخوؤی ناونه "میثودی
ماتماتیکی‌یانه" (١٢). پاشان هه لَهدمین للسی لاینامه گرگانی فلسفه‌می
دیکارت به‌سپاریه‌وه: بوکرکه زُمکاهکان، بِردکه بونی خودا و دوایزم
جویته له نَنْجامی تَیگه‌یشتن لهم چمکه گرگاناهویه درگرایجه‌ا وَلله
رویه هزری دیکارتشا دمکری‌تیوه.

یهمک؛ گومانکاری (١٣):

گومان و گومانکاردن له نابویه‌نمئنی‌ه سرَشَلی‌سیکانه مورفوئی (١٣) و له
نامتستی زنای رَازانه‌ها، می‌زیویه‌ان‌ه‌ندی‌ه می‌زیویه‌ریزپیاری مورفوئی
بارودخوکان ناره زنایی خؤای دیرینه‌یه. مورفوئی له نه‌نجمان و لهکانی
سره‌ندنی نمو چناری‌یه‌وه گومان له شتیک و گونمه‌ک و رهناپتیک
دهکات که بو نِمقل شِبفاوی دمکاردن نیپه. لیرمشوه گومان به‌گه‌ی
ه‌ه‌ه‌نورنی چناری‌یه و مه نوریفی‌ه (١٣). گومانکاردن له سمار بن‌مهای
دودلی‌یه‌وه به‌نیته و کاتان میروفیش دادرس‌دن دبیه هُکاره‌ی رؤ در رپگی
جوؤاچوؤی دربرپینی به‌مطه‌مون. دودلی‌ه له نامتستی زنایی رَزانه‌ها،
وایه، دِنْنیان‌بیون لهو شتیه که دمو‌تَرک و دمکری و گویمان نَیدمِشیت.

١٥٧
که کار و گوته‌هایک راست بین. ثبیت دهتنواین گومن بکه بن به‌فهرستی کامه
سعیدی قه‌کوش، یان سیستمی به‌روزرسانی‌های ولت‌کادانه، دهتنواین گومن بکه بن به‌فهرستی کامه روندیکه‌بوده، یان دکتری به دوستی دست‌شیانی نه خوش‌بینی که بکه و هاوی‌کارانه نمگلاندا بکه و راسگر بن و ثبیت عمده گومن له هنیز
مسمی‌های به‌خلقتی و فک ناگهان دروازه‌های کاریکی نارا‌سته ناگهان به‌پاسیت
نیش‌هیم‌ناتدوستی فرهنگی‌ته وان نا بکه‌بین.

می‌زیویه فلسفه‌های جهان‌دن روت و نارا‌سته گومان‌کارن و گومان‌کارانی
به‌خوی‌هوه بی‌بینوه (۱۳) به‌لام گومان‌کاری ودک ره‌روتیک لمانو می‌زیویه
فلسفه‌ها، جیاوازته‌هنه گومانی ناسایی برفاهه. مرسد له‌جو کاه‌هوه
گومان دهک، مه‌رنه نیبه گومان‌کار بیت و نیبه، جونه‌گومن‌کاری
بهرزگنده‌هوجه گومان و دودلیبیه له ناسی وی‌دانتی و دودرونوی‌هوجه به‌ناستی هزیری و رامانی فلسفه‌ی و هس‌ههمی. رنهگه خالیکی هابمه‌له
نیویه گومانی خالاتی ناسایی و گومان‌کاری فلسفوی گومندی لیه‌دیه‌ان له‌ودا بیت،
"به کسیک دالی‌ن گومانکار چه‌که چه‌که نما که‌ده بانگ‌هانه رازی‌کرده
نک‌فلته‌به‌هرده‌تی بی‌بی‌بله بی‌شه‌مهم‌هیک بی‌که‌هفته‌رکار بکه،
(نامو نمو کوه‌سمه) لع‌باریه هنرین مسیمه، باوری و تیزبی‌هیه،
دوودلیه
به‌بی‌توش، گومان‌کاری هم‌قاوم‌ته و جیاکی و ثبیتی‌نه‌فقال‌ته و
له فلسفه‌ها ته‌نامهت "گومان له شن‌اغیر دم‌کریته، که هیه کمسیک
ناسبی‌یا و دهلی‌یی گومان‌هیا لی‌هاگاه، ودک گومان‌کاردی له هم‌بوونی جهای‌ی
واقعی و ناموی که ناگهان برسی‌ته هستمه و نمو زمین‌هیا له‌سره
وسی‌دازی، هم‌دهی (۱۳).

له فلسفه‌ها گوته‌های گومان‌کاری، واته ب進め‌نودنوه و عیدوالی به‌دیوه
دوزینه‌وه‌ی راست‌ه‌نیشنال ب‌ه‌ؤیه‌سن‌لدنه‌ی زیرانوه، جونه‌گری‌مانه‌ی
doزینه‌وه‌ی راست‌ه‌نیشنال کاریکی هم‌قاوم‌دنه‌ه و عقل‌الانیه‌ی، په‌ل‌موهی

١٥٨
سوزدaranه و دروازه بیت (۲۰)؛ "له فهمسه‌ه‌دا، گومانکردن نامرازیکی
gرگن و خاوس نامانیچی بیرکردن‌نیوه له خویه بررسی بیبرکردن‌نوه. پژوه‌های پرهمندی گومانکردن دوز فراوانت دمب، تمانیهت نم سائتش.

گومانکردن له دمکریت که هیچ کم‌یکی تر گومانکردن لین ناکات" (۱۷).

دیکارت هم دوک مروقاتی ناسایی و نمبو پی‌شینه به‌مورد‌دهی‌یه‌ی له قوتای‌انه‌ی بیسوسی‌ه‌یانه‌یانه کاندا له ناوج‌ه‌ی لاه‌لاش، بی‌بی‌دا تیپ‌ریوه دوودلومو و گومانی خوی هیمه و هیمه نم دودومه‌ی و گومان‌شاه به‌رس دمکات‌نوه بؤ ناسیه فلسفی و دمکاته‌ه گومان‌کاری و همو‌پیوستیکی زیرانه بؤ گومیش‌ن به دل‌نابایی. برسیاری سهنکی له فیئن‌ناغه‌نا بؤ دیکارت‌نوه بووه.

ناوا چؤش متشیویه‌کی رده‌دای‌نابی‌ت له زانینه‌کانی خوی و نایا به جی‌بی‌ا‌ا برانیت، نمبو فئری بووه راسته و همله نیبه‌ی نایا به نامازکردن بؤ گوته‌ه فیلسوف‌ه‌کان، که ب‌یدن‌جیت‌ب‌ری‌ن له ناکوک‌ی، به راستی دمگین‌ی: یان به برودوردن به هم‌سته‌کان، که به هملما ندین‌ی؟ یاخود نایا به په‌نابرد بؤ لوزیک‌ک، که بؤی همیه همله به‌بیت و به‌هوه‌ی لوزیک زیات‌نوه کون‌تروژ بکریت، یاخود نایا ناهیان و دیاردکانی، نهم‌گر دلنیابوونی له‌مودی زیان بوخوی خمونیک نیبه‌ی، بوخوین متنامه‌ی راسته‌مان لهلا دروفست‌ده‌نک. یان نا؟ بهم جباره "گومانکاری له‌ی دیکارت پیگایی کو بو بو گومیش‌ن به دل‌نابایی" (۲۰). ده‌توانین و اک سم‌تارا بی‌لین: گومان‌کاری له‌ی دیکارات‌زیاتار شیواز و ستوی‌لک‌ی بیرک‌دن‌کرده‌یه که تیای‌دا به‌مرودی له پاسه‌ی‌ه کی نمگو نکه‌انه‌ی بی‌زیب‌وی بیرک‌دن‌کردن به برودار پی‌شینه‌نوه و گومیش‌ن به ناهیان‌کان، تینیا لفی‌ه‌گی زیروبه، جونکه به‌یلا دیکارت‌نوه نم‌به‌دلنیابی‌یه به‌های‌زیروبه به‌تی دمک‌شین‌ه، به‌مودی هست‌تفاه‌نوه نایگه‌نیه‌ی.

به‌مانایی‌ک له ماناکان، ده‌توان‌ری بگوئری‌، دیکارت‌گومان له همه‌مو شتئ دمکات‌چ بؤ نم‌ه‌ی زیر بکاته پی‌روم و بیرادوم به رپاوی‌ن‌نوه‌کان‌یا به

۱۵۹
راسته‌هایی همراه شتی. نهم، فیلپسویف لهو بروایدایه مروف دمتوانیت
یگات به زانینی رده و دلتنیا لئصرف شتیکان، لهگه هاتو بستی به
زانستی نویس سروشت و ماتماتیک و بیرونیه‌کانی بهست. نهم له
شونینیکادا، کاتن باس لهو بایه خدانی خوی به ماتماتیک دمکات. دملن:
"ماتماتیک جمنهین داهنی نمودره‌ی ورده میدایه،
هست و نمستی شت زانین پرلی و تعقیبی ناسان و
باری سه‌اخسانی مروف سووک دهکدن" (۷۷).
هم‌ره‌ها له شونینیکی تیردنا نه‌م‌بوجوونون پر رونه دمکاتوه تاکو
برواز خوی به دیسبیلیمه ماتماتیکیه‌کان به‌شهوای راگهیمن‌ن و
دیموسن: "بی‌امن‌تری دیسبیلیمه‌کان ماتماتیک لعیمر نه‌مو بی‌موی و
دلیابی و ورده‌کاری و روونی‌هنه به‌لهگهکانی‌هنا، بملاموه به‌مسند
بوون" (۷۸). هم‌بوی‌وه‌هنه دیکارت له کتینی (ناروزباهمیه‌کان و وداله‌کمان) دا
دموته خستن‌هندرویی فیلسوفه‌که‌ به میت‌دیکی ماتماتیکی‌کانه و بو
یه‌کد جار برپا‌سی‌هکان ماتماتیک دمکات به‌من‌ای‌زانتس. (۷۹).
پی‌شهن‌ره‌کینی نه‌م‌وه‌هنه که دستیان به‌زانتی دلتنیا بگات ناهوبه، له‌سمر
نوم به‌لهگه‌ی دیستنیه‌کاربکی‌سی. که به‌کره‌ی راستی‌که‌که نکسل‌لی‌نه‌کراومان
دمنین، هم‌ره‌دوکوه نه‌مو راستی‌هی که له نه‌نچام‌که‌کرده‌مو ۵۰۴ به
دستمگان دمگات و نمعل دمکی دمکات. ناگرت لرودیوه لوزیکوه‌گ‌و"گم‌
به‌ین‌نه‌ر به‌لهگه‌ی نه‌حوه و نمهر‌گم‌مان لی‌کرد. نه‌مو دم‌وجری
ناکوهی‌که‌گی لوزیکی دمبی. بوش‌هوی دیکارت خوی له ناکوهی‌ش‌موتو
بم‌دور و دره‌تی و بگات به‌مه‌شرف‌ی راسته‌هنه و دلمیا، له کتینی
(رامان‌کنان) دا. میت‌ده به‌من‌اهان‌گه‌که‌خوی که به میت‌دیک‌گون‌گه‌کاری
ناوی‌ب‌دمرگرودوه. دمگاته کار.
به‌گویی، نه‌م‌میت‌ده‌ده‌تیوه به‌شیومه‌کی سیسته‌ماتیکی (منظوم،
له‌وه به‌کولی‌توود. ناخو له‌رو‌ی لوزیکی‌دوه‌ی همی‌نه‌ه‌گومان له‌هم‌ه‌و
نوم‌شات‌نه‌که‌کام. که‌ه‌هم‌یم‌وه‌ وه (رامست) فقوم‌رکون‌گردوون؟‌سه‌رمتا.
همیشه ده‌توانی گونمان لو به‌گانه بکمین به‌هوی همسته‌کانه و له
میانه‌ای نظم‌مون‌کردن، و مرمانگن‌تون:
"همو‌مو له شانه‌ی دانستا به‌هوی‌ی راست دانابون،
لله همسته‌کانه‌وه یا‌خود به‌هوی‌ه‌ه همسته‌کانه‌وه بپیم
گمیشتوون، به‌لام من بی‌وم ساغ پیچومه، همندی‌ه‌ه جار
همسته‌کانه‌ه‌ها‌نی‌هن‌رن. زیرینی لمو‌داهی ببماتواوتی
لمو‌نی‌ه‌ه دانی‌ه نم‌بین، که نم‌گن‌ تمام‌ه‌ت جاری‌پی‌شی‌
هالمی‌ان‌ه‌ت‌ان‌ه‌دن. لمو‌نی‌ه‌ وابی‌ن، نم‌گن‌ری‌ه‌ همسته‌کان
لله شتی‌زور ورود و بجهوک و شتی‌دورو‌ده‌ست‌همن‌دی‌
جار هلم‌ان دهم‌طلی‌تین‌ن، له همان‌کان‌دی‌شتش‌تر‌ه‌می‌ه،
لله همان‌سمر‌جا‌ن‌هو به‌موادون‌، که‌چی‌ناتوان‌ری‌
گومن‌کی نم‌توان‌ی‌ن لب بکری‌ن. پوتوت‌ن و هد نم‌هوی
ئی‌ستا من دجر‌دن، جلی‌زستان‌م لمه‌رداهی‌، له‌گن‌ه‌شته‌کی‌
تری و هد نم‌مان‌ه‌ن."

همسته‌کان جاوی‌ه‌ست‌مان‌ دکهن و به‌گاه‌ه‌ ناراستی‌ نه‌توت‌مان‌ له‌لا
دروست‌ دکهن، که بمرگ‌ه‌ نظم‌مون‌کاری‌ ناگ‌ن. پو نم‌نونه‌؛ قلال‌ه‌ه‌هولی‌
له دودورود شیومی‌ه‌کی‌ بازنه‌ی‌ همه‌ه، به‌لام‌ له‌و‌نی‌میدا که‌ له‌ ناسان‌نود
گیوآوه، زیاتر‌ له‌ شیومی‌ک‌ لاکی‌شنه‌ی‌کی‌ جرچ و لوه و لاه‌کاداوه، نک
شیومی‌ب‌ بازنه‌ی‌. به‌سی‌ دیکار‌توه‌ ندم‌ به‌گه‌هم‌ به‌گهل‌‌گه‌کی‌
(جاوه‌ست‌ان‌ه‌) و مرقو‌ ده‌توانی‌ گونمان نم‌به‌گاه‌ه‌ بکات و ناهم‌می‌بینن
له‌ره‌ که‌ نظم‌مون‌‌کان‌ همسته‌دری‌ بمانگ‌‌ی‌م‌ن به‌ مه‌ری‌ه‌دی‌ه‌
راس‌ته‌فی‌ه‌ن.

"ای‌ داده‌تین‌ نی‌مه‌ خمو ده‌شین‌ن. همو‌مو نم‌ همان‌ه،
جاوه‌له‌شن‌، سمر‌ باد‌ان، دست‌ پانکردن‌ن‌، راست
نین. با‌ ای‌ داده‌تین‌ نه‌ دست‌ و نه‌ نم‌ حو‌ره‌ لشم‌مان
همه‌ی‌."

121
لهبیاش نهمه دیکارت باس لهوه دهکت، بیو همیه هموو نهو شته گشتیانه وک حیسته، جاهداران، سهر، دهسته و شتی له بابته؛ خمیالی بین، لهگه نمودشا دمبی به ناجاری ددان بهودا بیتیه که لانی کم شتی دیکی همدرسیان سادتر و گشتیز ههمن، که راسته‌قینه و بیونیان همیه. بیوتوننه سروشی حیستمی ثبیمه و دریپزبوننهوه و نمادازه و همبارکه که بههویهوه شوین داگیر دهکت. شیوهی شته خاوین همبارکان، حیفاپیتی و رهیه شتگان، زماره و نهو شوینه که لی‌ن دندرون و تهمانه نهو کاته‌ی بههویهوه بهرده‌میبان بیونه دهکری. لهگه نهوشنده هیستیا ناتوانین گومان له بیونی راسته‌قینه ههموو نهمانه نکمیه.

نهو سببنت به شته گشتی و بیکاتونه‌گونان، بهلام ناها دهکتین گومان له رسته ماتماتیکی‌کاتی وهلک (2+4=6) بکین؟ دیکارت لهمسرناتو دهیوهی نعنایتی رئی تیناجن جونهه: 'من بهم‌دیا بی فاخود نوستویوم هم‌میشه ۲۰۳ نمکاته پیچ، جوارگوشه هم‌گیز له جوار لا پیزی نیبهه' (۱۱۳)

لهبیاش نهمه، دیکارت زرو دهکتیته باسکردی بروای خوئی به رهپیکی دسلاتدار که ههم نهوی نمفرندووه و ههم دهکتی نهمرو شتیکی دیکه بکات که بههوی. لتروه دیکارت برپوری دهکات و دوئن من له کوتیه بزانت که نهو رهپی بهنویستوه، که هیچ زدی و ناساپن، هیچ لمشیکی همباردار، هیچ شیوه و فورمیک، هیچ رهیه و شوینی، بیونیان نمپیت و لهگه نهوشدا من هستم به ههموو نهوانه همین و ههموو نهو شتگه بیچه لهجو‌وری که دیجبنیم له بیباپیما بیونیان نهمی؟ نهمر هرژیکی لهجو‌وری دسلاتدار له دهدومی ثیرادی خوئونه فهمان به بههستکاتان بکاتی و مانی نهویه که نهو هیچه دهشتوانی له کورکدنوهی دوو و سیدا به هله‌ملدا بیرئ.
"من لمو باومردم کسایی تر همین لمو شتامدا که وا
نمزانن دهیانزین، دمکونه هملوموه، دمکری به همان
شیوه نمگرم من دوو لومگان سین کوز قومه‌هایم باخود
لایکانی جوارگوشه بزمیرم باخود بیر له شتی ساکار
بکمومه بکمومه هملوه". (43)

بهم جوهرش له کوتایی پرامانی یمکه‌ما دمکوهیت‌ه خسته‌روی نمو
به‌گروهی که دمکری به بملگی شمیتانی ناوبردی جونکه تیایدا دملی
ئیمکانی نمو گومانکردن‌ه له شاراها همیه، نهموه به‌هو گوئوه که
dدگونه‌نکه نک برم، که چاکه‌ى همره به‌مره، یمکه (هیزیکی شرپایی، یان
شیتان)یلک همبین، هموئدات نیمه به‌نیتیه سمر نمو فناعه‌تى که به
نموربه؛ رسته ماماتیکیه‌کان راستن و نیمیش نرمان پیکرپیش، له
کاتیکا به‌واقعی و به راستی نمو رستانه هملوان و کوئی سن و دوو
نهمکه پی‌نچ، یمیه نم‌جوره به‌گروهی که شمیتانی ناوی برا، نمو
به‌گروهی که تیایدا بمکاریک، یان شه‌رخازیک، شتی باخته زمینموموه که
له واقعدا پی‌چمزه‌انه بیزه؛

"گمروها دموموه واى دابینیم، نک خوا که نموبری جالک و
سرچراوه راستی و حمیفته، یمککو گیانکی‌ی بدکار که
نومه‌ی به‌هیز و به‌مدفسات و تمدریپ و همله‌مخست‌ندره،
هموو بلمیمه‌ی بیک‌ماندی من
بمکاردینی، دموموه واى دابینیم ناسمان، همووا، زدوگ،
وی‌ه و روپخسماک، دمه‌کمک و شته درکیمکمان له
گمی‌ه همه‌هنم‌ه‌تیم‌ه‌ر خمون بولوهاهن که نمو بلمیمه‌ه
وهک داویک بوز خو‌شیپاردوی من‌ناتیمه‌ه. دموموه خوؤم وا
دابینیم، نک دست و له‌گوئی نو گوئیده و نو خوین و له هیج
هستیکم همین یمکو به‌ملکه بروام کردووه من نه‌مانه‌ه
هم" (43)
له دری‌وزی رامانه‌گانیدا، دیکارت دهگاه‌های نو و پرواپسی که تمامی بهکار بردنی‌های، نمایش نو و بیرکردنی‌های، که گومن دهگاه‌ها دیکارت نوتنوان گومن لغو (خود‌ه) بکات، که گومن‌داره و بؤی هنیه لمالیم‌ه هستته‌کان و شهیانه‌وه هرکل‌مان‌ترابیتی. به‌لام نمو خوید بهونی هنیه جونکه بی‌مانی‌ه به‌روی لوژ‌کیپی‌وه بتوانی‌گومن بکات و هم‌مان کات‌کا‌دا به خشته برابیت و هرکل‌مان‌ترابیتی. هری هنی‌کی شهیانی نوتنوان خودی‌کی گومن‌کار به خشته بیتی، که بروای بهبودی‌ی خوئی هنیتی: کاوه‌اته من نه همسته‌کان هن و نهج‌نسته‌م. باشان براو به‌وه هنی‌کا به جی‌مان‌دا هری جن‌نی بی‌ونی نی‌بهی، نه ناسمان‌نی، نه زموتی، نه زمین و هنیش و نه جسته‌نی. به‌لام نای‌ی من بوخوستم بوونی نی‌بی‌ه؟ نه‌خیر دلی‌ی‌ت من بوونی‌ه هنی‌بی‌نی. ته‌مان‌ه ن‌گنر شهیانی‌کی فی‌لی‌ا و به‌دس‌سال‌ت به‌دوی‌هی خری‌کی‌ه فردودانی‌‌ن من بنی، هری‌شاتک‌ش (من؟) هنیه‌که گومن دهگاه‌های کاوه‌اته لی‌گه‌ری باه‌د لبه‌خشته بیتی.

"نیستا نگه‌نر نمو به‌فیرایم بره‌ریت نوا گومن‌ی تیبادا نییه که من هنیم. نمو ن‌وضع‌دهی‌ لدمست‌بیت هن‌ل‌بی

ده‌هل‌مل‌تن‌نی. به‌لام هنی کات‌کی‌ک نوتنوان بگاته نمو راده‌می من بگات به‌هنی هام‌مل من بیر دهگم‌وه که من شتک‌کم. نیز من دی‌مه سمر نموستی، باش ن‌موستی پَریه‌ی له پی‌یست‌له هنمو شتگان‌و رود و هنرُ بوونی‌وه. ند نرسته‌ی هنر کات‌کی‌ک ناوم هن‌یا، با‌خود به‌بیری‌داهات: (من هنیم، من بوون‌وهارم)"

"بی‌بان‌ج‌ع‌لب‌ی‌ پاسته "(۶۵)

نیسته دیکارت ده‌زان که هنیه، جونکه بیر دمکته‌وه و تا نمو کات‌های

بیر برکدنوه بوونی هنیه و لعل‌اه وصی‌نانی لته برکدنوه، بوونی‌ی‌بی ده‌ستی، بوون‌ی هنیه‌وه دبی‌ن لبه‌برکدنوه به‌دوی‌هی بن و هنر نمو (خود‌م)‌ه‌ش که ده‌زان هنیه، له‌وه ده‌گوئی‌ته‌وه که نمو حی‌بیه؟ نایا با‌رِست (خود‌) جنیب‌یه؟ دیکارت ده‌دانی: نمو
شتهیه که بیر دمکاتوه نه‌ی (Res Cogitans) به‌لام نه‌ی شتهی بیر دمکاتوه چیه؟

دیکارات دنیووسن شتی بیرکردهوه بریتهیه له: "جهوهرهیک، گومان دمکات، تیمچگات، شت پمسند دمکات، ناکات، دخوازی، نایموه.

وینماسا(۷۶) بو شت دمگی و هم‌ست دمکات

برکردهوه به‌یاسیه هنواویمک نییه، نگمر نه‌ی هنبووه له هنون کاتدا گومانکار نه‌ی، بویه بی‌بودی یه‌کهم دیکارات دمبیته: (من گومان دمکم، کم‌وانته هم‌هه). بیرکردهوه له‌لای دیکارات برروسیه‌که، ردوتی بوونه، به‌لام لنوا نه‌ی رودی‌دا کردی‌ههک و جالاکی‌ههک هنوه‌هه که گومانکردنه. گومانکردنه به‌گه و نیشانه‌ی بیرکردهوه، که خویوه وک کرده و جالاکی‌ههک جهوهرهیانه‌ی بکره‌ی بیرکردهوه، به‌حرم‌سته‌ده دمکات. بکاره‌ی بیرکردهوه بوییسته له بیرکردهوه گهیدا گومانکارنه بیر بکاتوه.

تاکو بیرکردهوه گهیده بی‌بیته به‌ماه و نیشانه‌ی هسن‌ر بوونمه‌که:

"گومانکردنه به‌گه دیکاراتوه، جووهرهیک ساکاری هزرینه
که رستم‌خو بی‌بیته‌ی هنبووه دمکات: به‌هم جوهرش گوتئی
من بیردکم‌هه" یان "من گومان دمکم", خویهمهو "من هم‌هه به دمگی دگری" (۷۸)

له رستمه‌که تیره به‌ناماوانگا، که دیکارات له (میتوودا داییرشتووه، ماتای رسته‌ی یه‌که بهم جنوهیه: "Cogito, ergo sum) من بیر دمکم‌هه، که‌واوهوه من هم‌هه). نه‌ی (خود) آی که سیده ناتوانین گومانکاره به‌بونمی هنوه، بی‌گومان کسی‌ک نییه له جستم‌هه‌که فیزیکیا به‌ماه تئمیا (شته‌یک بیرکردهوه) (res cogitans) پان جهوهرهیک بیرکردهوه. گرت‌گروف تایپ‌هه‌دندی نه‌ی جوموه‌هه بیرکردهوه گهیه. ناگایه به‌بوننی خویوه و نهم‌هه به‌ناماهکی دا۷ناریگره بیر گهیشن به‌ه مه‌رفه‌ی راستم‌هه‌بشه. جونکه نه‌ی (من)‌هه‌ی گومان دمکات، هوشیاره به‌گومانکردنی خویه.
جومکی بیروتکه:

دووه: بیروتکه زمگامکه‌ان.

(Thought) (Cogitatio) (یان) (هزر، بیروتکه، یان)

فیکر به‌کاردِه‌نی و له پی‌سانه‌کردنی‌دا دهن‌ووسیت:

"هزر و شمیکه، همر شتنه دمگی‌توهه وا له زمینی

نی‌مداهن و بمب‌هؤگاه له نامی‌تیا هو‌سیارین" (h) (4)

له هبرامی‌ره، نام‌سنا زاراوهی (idea) (بیروتکه بیکاردِه‌نی و ووک)

فورمری هم‌هزریک (form of any thought) (دهناسیتیه:) مسمی‌ستی من له بیروتکه، فورمری هم‌هزریک، وانه لهو

فورمری که به‌هوی تی‌گام‌هشتنی بن واسیتهوه، من لی‌به

غاک، به‌جوری که ناتوین هیچ‌شته بای‌م و به زمان‌دا بیت،

می‌گیر له زمینی خومنی بیروتکه‌همک لمسر معدل‌ناهوا

وانه‌هی‌بیت" (h) (4)

به‌هم‌ماینه و له یوچچونی‌دوکارتهوه، "بیروتکه بریتی‌به له ناگایی

یمکینی‌یانه‌ی مرور لمسر خوئی" (h) (4)

بروس‌هی هزرین تا نمکاته‌ی له

زمینی بیکرده‌ودیا، یو‌خوی هیچ‌جوره‌ی فورمری‌کی تی‌درکی‌گام‌یان‌نه نیانه‌ی به‌هام کانن نهم برودی‌ره فورمری‌کی تایم‌تی ووم‌درگری، دیکارت به‌هم‌فور‌مه

دی‌نی‌بیروتکه، یان نای‌دیا" (h) (4)

لوی‌شهوه که‌دیکارته بی‌یمی‌شتن به

نامانچه‌کانی‌خوئی جگه‌ه‌ی له بی‌گردنه‌ودو و هرزین‌هی‌چی‌تی‌ئر‌نه‌ی و

رودنگانه‌ودی‌هزریش‌ه‌هل‌زمینی‌مرورفدا له نسی‌وه‌بیروتکه‌دا بی‌جره‌سته

دومبیت، نسی‌وه‌گرگنگی‌ه‌جومکی‌بیروتکه‌ه‌له فل‌سفق‌ه‌ی دیکارته‌دا

درد‌بیروتکه‌ها" (h) (4)

له‌ه‌هم‌مان‌شوی‌ندا دیکارته نسوه نا‌شکرا دمکات، که

به‌گاه‌هشتن‌ناه‌یوه‌بیروتکه‌زؤر فراوته و دهن‌ووسی:

"به‌هم‌جوره، تعمی‌ناه‌ی‌هم‌شور‌حی‌مرفوم‌خیال‌یانه‌ی‌له

خمی‌اندا به‌جرخم‌ه‌ده‌بن، به‌بیروتکه‌ناو نا‌بایع و تمانی‌هت

لی‌زی‌دا نسی و‌بی‌نانش‌له‌بمر‌نس‌وه‌ی‌وه‌ی‌ناو‌خمی‌ان‌دائی

166
مادین، واته له بخشئ له میشکدان، به‌همه‌ی شیومیهک به
پیروگه ناواهد ناکهی. به‌گو له‌پر نَوهه به پیروگه ناواهان
دبهم له‌پر نَوهه کاتئ زمین له بو به‌سَابی میشک به‌ماناگیه،
پیروگه‌کان به‌دنهه فرمل زمین خوئٌ(۶۳)

به‌ماناگی تر، کاتئ به کِک ه له‌هسته‌کانه دیهمه‌له‌ه‌ه‌یش‌ه شتیکی
ددرکیه، بَو تَمْوَنی‌ دَروپاریکه‌، دَم‌روی‌ین و نَه‌م به‌زَواَهش له ژِگه‌ی
زنجری‌ی دَم‌درکانه‌ه دَم‌گاته‌ه میشک و کارئ تی‌دکات، یان وله دیکارت
دلیت‌ه؛ له "خُمیالماکی مادی" دا وَی‌نمیه‌ک له‌مسر دَروپارمکه درَوَت‌دَمَبیت،
نَوهو زدین، یان نَفَس به‌رو تو نَوه شته، یان نَه‌م وَی‌نمیه‌ک ناراسته‌دهی و له
نِف‌نَگامی نَوه‌شه‌ه، فوِرمیکی دَم‌درک‌راو له زِن‌دینا درَوَت‌دَمَبیت، گه بَتی
دَم‌گون‌تم پی‌پَر‌گه، یان نَابی‌با و نَه‌م پی‌پَر‌گه‌ه‌ش به‌لَای دیکارت‌وه
پی‌پَر‌گه‌کی زَغ‌ماکه و به‌گاری دَده‌یی بَو سَستاندنه‌ی بوونی‌خوَدَه.

بوونی خوَدَه،

دیکارت له پَر ان نِی‌تافی‌زی‌کی‌کان‌یا و له پَر نَان‌سَی‌ه‌ی‌مدا(۶۳)، به‌دوای
دارشتنی رَسته‌ی؛ (من پَر برَه‌م‌ه‌وه، که‌وا‌یوو من‌ن هَم‌ه،) رَسته وَخُو،
ده‌کوه‌ی‌ه سَستاندنه‌ه‌ه بوونی‌خوَداییکه کامل، خوایی‌ه به‌دست‌ه‌لَات،
ه‌می‌شَمی‌ه و خوایی‌ه هَم‌مَوو شتی، هَم‌ه‌ره‌ه‌ها له کتَبیبی (یَرَزَماَتشی و
وَلامِکانه) به‌شی‌وم‌ی‌یک رَوو بَیِن‌نَس‌ه‌ی خوَدا دَکات و دَلیت‌ت:
"نَوو جَوه‌ه‌مره‌ی به کامل و پَره‌ی دَزَن‌ان و له‌ودا
به‌همه‌ی شِی‌وی‌ه‌ک شتئ نابَین‌نَه‌ه‌وه که نَی‌شَن‌انی
کْم‌مَکُوری و سنوو‌درَاب‌ی نَوو بِیَت، بَیِبَه‌گوِرُئی
خوَدَه"(۶۳).

نَگ‌گَر مِرف‌د به‌توننی بوونی‌خوِداییکه ناواها بُسَلینه‌ه، نَوه‌ه دَش‌توانه‌ن
له‌ه دَن‌یابی‌کاتئ به رَوَنی‌ دَروپارکه‌وه، هَیْج هَبزه‌ی نَی‌بی به‌توننی له
خَشتی‌ی بَرَه‌ی. هَئوی نَوه‌دی که مِروف‌گوَمَنی له هَبزه به‌دَکاره‌کان دَم‌کرَد،
نَوه‌ه بوو، نَکا نَوه شتَان‌ه به‌خَمیالی‌دا دَه‌نات له هَبزه‌ی‌کی شمَرانی‌ی‌ه‌وه

۱۶۷
هاتین. ودلی نمگر بیروکمی و ییپارکدن به و شهراویه‌گان، له
خوداییاکی کاملاههاتین، نمگه مرؤف دمتوانی دلتنیا بین لهودی که راستن.
همره‌ها نمومش ذی سروشی خوداییاکی کاملا دمبوری، گم هرتا و نمو
خواهای مرؤفی به جوهر دروستکردا؛ که همیشه به‌هؤی هس‌تهکانی
خویمه به‌کمویه هله‌همهه.

حالی سرزمینی دیگارت بِه سما‌نندی بووتی خودا نیوهیه که ددلیت،
نحو بوخوئ ونک (جهوهمه‌ریکی بیرکهمره‌دیه)، خاوندن و ییپارکدن، بان
بیروکمیکه له‌سمر خودا ونک بوییکی کاملا. نه‌م بیروکمیه له سروشی
مرؤفدا ههیه و پئوهی لدماهک دبیت، وانه بیروکمیکه‌گامه‌ه. دیگارت
لک گوئایی رامانی سئیه‌مدیا سمبارت به بوویی بیروکمی خودا له خودای
خویده، نووسیوه‌تی:

"من نهمه به خمیال دروست نمگردووه جونکه من
ناتوانش شتی تری بغمه سمر باخود شتی له کام
بکمهد. بوعه لهو به‌مولاوه (شتی) نامینتهموه بوترئ
که نمو بوخوجونه ونک نمو بوخوجونهای دمباره خوهم،
زگماکه له مندنا\(^{(36)}\).

همره‌ها له کتیبی (نارنژرامتی و ولامه‌گان) دا جنده‌داریک دیته‌ه
سفر نهم باسه و به‌گرمیله له همبودیتی بیروکمیکه له‌سمر خودا دمکات و
دللی:

"نمو بیروکمیکه بیروکمیکی زگماکه له مندنا" و "نمگر
دروستکؤای خودا نمده‌بووم، مس‌هال بووه بتوانه
بیروکمیکی نموئیه له مندنا بووهی همین
نامه‌ش به‌مانای نه‌هه نییه که چه‌مک خویدای کامل، بین گوئتا
All (Independent)، به‌هئه‌مو شت توانا
(All Knowing)، له (من)‌وه
سم‌جاوه‌گترین، جونکه (من) بون خوئی کامل نییه و نام‌همان له‌هودا

۱۶۸
پژوهشگر و هیئت دانشگاه (گومن) بیان و هیئت دانشگاه نیزه (من) دم‌توانی جمهوری (خوارزمشاهی کامل) بی‌پردازه‌گی، تمامی دبیری‌های نماد را به‌طور کامل هنرمندانه و نماد سه‌بعدی خود با خویشته و ناکری شریکی تر بین دیکارت دهنویسی؛

"گاتیک سمنانی خویه نامه‌م، تمامی نامه‌م بژ
درنامه‌وئی که من شریکی دانه‌واوم، بشت به
جهوهمبریک تر دوسته و همیشه دژه‌در نشینهٔ من
بشتی بپرره‌دهسته همیوه لیه شته مزنانهٔ گه من
همون‌غی بژ نامه‌م و لمناخ خویه‌یا بعودونین
لیه‌بارره‌دهسته، نمک وک شریکی شیاول‌می به‌گو
وک شریکی راستخیه‌ی کردکی بن کؤتایی تیادیه،
نیل‌یش خویه‌یه. هرزی نهم بملگه لیه زانینداته، بمهیی
سرشیتی تایبیهٔ من که بوعوینیکم درباره‌ه خوا له
ناخداه‌ه، بمب بیونی راستخیه‌ی خوا ناکری من
هم‌پویم"(''١٧٠).

به شیویجیه ناگآپپ نیمه، یاخود جه‌وهوره بیرگ‌همراهی نیکسکی همیه
زنجبیرهمه وی‌ناسی نه‌بیت که پهیان‌دهگویندهر (بروهک رزگامکان) و
نه‌مانه به‌هوه‌ی نژام‌ویک‌کنسوره درست نهم‌بون، بملگه رهگز و
سدرچاومکیان دجیتاه‌ه سدر خودا و به‌سیده‌یه‌ی خوُرسک لی مروف‌دیا
همه.

نه‌ومه که دم‌دانه؛ نه‌م بیروک‌هته رزگامک، پیان خویرسکن، به‌مانانه نامه‌ی
نیمه‌ه نیروه‌همه‌ه شویبرای و ناگابیوهان دیوه و ناشکاریا. مزدانیه‌یه هیج
بروهک‌ه‌یکه لمسر (خویرایه‌ی کامل) نیمه‌یه. به‌تلک به‌مانه‌ه نهم‌نیمه که
نهم‌پل‌نتیم‌ه لی میانه‌ه گمشه‌درد و بی‌پردازتم خویدا و به‌هوه‌ی
کارگ‌ه‌م‌ه‌یه‌ی به فاک‌ه‌دره درشه‌پیوه‌کاوه، دم‌توانی‌ت‌نه‌م بیروک‌ه
وزمگانه دانیه. هیوز ره‌مهم ده‌گری‌پی‌خته به رو آمده که نیمه ودک (شکی‌که بیرگردودو) وات و دک بایوی ناهلالیه لی وی‌نه‌ش خواستت بیون. نهم مه‌مان بی‌نوعی نیمه‌ش به‌شمان همیه لی نه‌فل و زمینی خورای‌دها، هنر به‌یمیشه له سب‌دکانی ناوب‌راما گوتراوه: "خودا که مورفی درستکدووه به‌شی لزیری و رجبانی خوشی‌تیدا سمن‌گرج کردووه." (۱۴۰۱)  

کسی‌های زانی‌ینه مروذ دوو سرچاوهی بوتوستی خوی همیه‌ه، یک‌که‌مان لی ریگ‌هی همست‌کانودوه، دووه‌میشانی: نه بویرکه زمگاکبیانه‌ه که همه‌گری بشنی به خس‌سال‌هکانی عمق‌لی (کمال)ی خود‌بایند و لمویر کاریگ‌ره نم‌مومونکانه دوستت نهپوویی. تیگ‌شتی لی دوو سرم‌چاوه مه‌عريفیه دما‌ناته سمر ریگ‌ای بیرکردنه‌وهی زانی‌تی، جونکه‌زا ناست وانتا به‌کاری‌ینانی لای‌ن‌نه زیر و ناوب‌زون‌نده‌کانی مه‌عريف‌ه، به‌بی‌ین میتودیکی درستت بوتیگ‌شتی له سرم‌جاوهی نم‌مومونکراوه.  

پان به‌مان‌ای‌مکی دی: زانی‌تی‌یاوه هلالس‌گاندنی نهو زانی‌رایانه‌ی لی ریگ‌هی همست‌کانودوه نم‌مومونکان کردوون. به‌مؤی مه‌عريفی‌ه نم‌ماژ‌ی‌وه‌ه، مه‌عريف‌ه و زانی‌ن به شی‌وجی‌گیه‌گشتی و مه‌عريف‌ه نم‌ماژ‌ی‌وه‌ه‌ی روان‌گه‌ی دیکارت‌وه، زانی‌ن و مه‌عريف‌ه به بوونی خودا. بوونی به‌فین‌ی و دنی‌ای‌ن‌ی‌ه‌ی خودا بوی‌ششره‌جه برو خیش‌شتی به‌زانی‌ن: "نامی‌نی مه‌عريفی‌د لدرگ‌اکمان به‌هیج شتی‌که‌هین، لگمیر" (۱۴۰۱)  

لسمر‌مراوه نم‌مزین‌نی خودا همیه‌ی بویه دیکارت میتودیک و مؤیدلیکی تی‌نشیردن پی‌شمردن دوک‌کات، که له ریگ‌هیوه ده‌توان زانی‌نی راست‌شی‌نعیه به‌دم‌ست به‌یئین. نه‌م مؤیدل‌هش خوی‌ی لی جوار برا‌ناسب و بنه‌ما‌د دبی‌نی‌تنوه، که نهم‌مان: 

بنام‌یا رای‌هم: "هیج جابریک شتی‌ک به راست دان‌هن‌یم ثمگ‌ه دل‌نیا نم‌بم‌ه‌وه که راسته‌ها. وانه، خوی‌ه له بیری‌اری‌خیرا و پی‌شی‌کی‌بیه‌ای به‌بوی‌رن. درباره‌ه‌ی هیج شتی‌ک بیری‌ار ن‌ده‌ده نه‌گم‌ه‌وه‌ش‌ته به‌روون و
نارسکرایه‌ی که نوتوتن که وی‌نیته به برم و نمایان که در هنیه‌ی هیج گومان تیکردنی‌ی نادات

بنم‌ما دوروهم: "هم‌ره‌ی کیک لمو کیشانه‌ی دهموک لیئانی بکلوشه، بهپی توانا و بهپی پیویست به جنند بهشیکدو دابشی بکهم بو
نیوهی چارسمرکردن‌هگه‌ی ناسان بیت".

بنم‌ما سپیهم: "به‌جوزتی ریکوپیک و گونجاو بیر بکهموه، واته، به ساده و ناسان‌تین شنتیک گه له تومنادیه براتری دستت بیت بکهم بیو نیوهی، ورده ورده، پله ناسا، به وانه بگم له جهنید شنتیکی بیکهاتو له‌ی‌ک دراو، ینیجا ریکوپیکی بخمه ناو شهو شتنه‌ی سروش‌ه ناسا به‌دواي یه‌کرتیدا نایین".

بنم‌ما جوارهم: "له هامو شوئین و باریکدا سه‌رزمی‌ربعیه‌هی ته‌واموئی و بیادجوجونه وی‌هی سمرتایاغر که‌کم بو سیوهی دنیایی‌هی هیج شنتیکم

لمری نهجوهو"(1)

نه‌م جوار برانسیبه، پینماهکانی‌ی دیکارتن بو تودی‌ینوهی له هاموه

بابی‌تیک‌ی دیاریکارو، وک ناسکرایه، دیکارت به هؤیانوه هیج جوهرمانا و ناوی‌رکی‌کی تابیه‌ت ناسه‌پیتن، به‌گو تنمیا شیوه‌ی گیشتن به‌نمجنی لوزیکی دخاته‌ی رهو. شیوه‌ی دیکارت به‌هوی نهم برنسیبانوه دمیخته‌ی رهو، بره‌بی‌یه له جهان‌بخی‌هه‌ی ته‌وا دنیایی‌هی سپارن‌ت بی دیاردگان و مسالمه‌کانی زیانی‌ی مرئی‌ی بو زانایان و بیرمندان. بدل‌ام‌زماره‌ی‌ک مدو‌زان و فیله‌سوسوه و بیرمندانه ته‌فسیری هؤه‌هیان بو به‌مه‌سهمتکانی

دیکارتن کرد و کم‌توت رده‌ندیگرتن و تشه‌برلیدانی و نوه‌می‌دیکارتی ناجاکرد به وردی و هلاملیان بدناموه و نیوهی بی‌پتر له کتی‌ه فن‌سیفی‌ه‌کانی‌د سپارن‌ت به بیرپارانی‌هنین‌سیبووه، له ودلاملین‌دا بیننوسی و مبه‌ستکانی خوی رونتر بیكاتوه.(2) له‌گعل نمومشدا، نام فن‌سیفووه روه‌ی‌رووه‌ی سانسوری هؤم‌حور کرایوه و هضر له‌مهم‌نه‌وه ورش‌بو که لمو روزگار‌دو کتی‌ه‌ی (گوتار) له‌لاین‌که‌نیسمه‌ی کاتولیکی‌وه به

171
کتبیکی دژه نایینی له چهل‌نمرا و نامتش دیگران ناجار کرد همان بؤ
هؤلاء.

Dualism: ستیه م: دوالیزم
دالیزم، جوز و شیوایکه له بیرکدرنهو که لمسمر نمو بروایه کار
deکات، که بوون دوو جممسر، یان سمرچاویه همه. دوالیزم ودک
شیوایکی بؤ بیرکدرنهو و تفسیری بوون. نه نایینه به فلسفه و نه
به فلسفه دیک خورناوا بمقشته. نهم بیرورایه هم له نایینه‌کان و هم له
فلسفه‌کانی خوره‌رات و خورناوا‌دا ناسراوه.
له هیندستانی کودنا، نمو راسته که نایینی فیدانتا (Vedanta)
نایینیکی (مینیستیک)، واته تاکباورانمیه، بلام یمکن له فلسفه و
نایینه هم‌ره کون و گرگه‌کانی هیندستان، که فلسفه‌ی (سانکهیا،
پهای، بروای به دوالیزمس‌ ماده، یان سروست‌ و روا حمیه‌ی. (1))
به‌رهها هم‌رهه‌ک له فلسفه‌ی جینی و نایینی زدروستیش لمسمر
بنهمای بروابوون به دوایزمسو دامسزوون. ییک‌مینان بروای به یانگ
و دوومشیان بروای به رووناگی و نایینی همیه (Yang)
وک دوو به‌رما و سمرچاوه و هئیزی سره‌کی بوون (1).
له نموربیاوا، می‌ژووا زاوری دوالیزم، یان بیرکدرنهوی (جوووت
جممسری) هئید و می‌ژووا هزه و فلسفه نموروپی خؤو کؤنه. به
زانانه نموپی‌کاندا، رهگی وشکه برتین‌به له وشی (dualis)
و نامش وشی‌کی لتینیه‌ی و بهمان‌ی (هم‌گری دوو جممسر) هئاووه.
زاوریکه بؤ نمو تیره‌ی میتافیزیکیانه به‌کار ده‌ئینرئ‌ که یان:

* باوریان وا بونه بوون دوو جمونیه همیه، یاخود.
* بروایان بنومیه هم‌مه بووبیک له بی‌مادا له دوو جوز به‌کن‌توونه، یان
دهین له سمر به‌ماهی دوو بی‌کنه‌انه جیاواژوهو لیکبی‌تیه‌و. (1) نموونه‌ی
نمو دوایزمش برتین له دوایزمی پیتاگوریمیکان وک (سننوندار و
بن سننور، تاک و کؤ، یمک و فره، راست و جمب، نیی و مین، وستاو و

172
جوهرالو، تیره و جهیزه، روونکی و تاریکی، جوکرگشته و لاکیشته و باش و خراب) و هند، (۱۳) یا دوایبزی می ته حالاتونی له نیوین نمض و جامه، یان دوایبزی دیکارتیگان له نیوین زمین و ماده و خود و بابه، (۱۳)، یاخود دوایبزی کانتینهنه له نیوین جهیزه دیاردیکان وک نهودی له خوئیندا هسن و جهیزه واقعی وک نهودی بو ناگاگی مروف خوئی دهنوین. (۱۳)

دوایبزی دیکارتیگان:

له میِزووی فلسفة های مبندندا، دوایبزی دیکارتی (نهفس و جامه)، له هموو جوهرکانی ترى دوایبز بهنواپانگریزه، بهبی نه بیرکرده دیه هموو جوهردریک، یان نهودتا جوهردریک (نهفس و نامهترپالییسه)، یاخود نهودتا جوهردریک (مترپالییسه)، بو نهودی لمه تیپگیهن، بویسته بهان دیکارته جوئن زاراوي جوهر پیناسه دهکات.

نهو له باریهوه نوویسیته:

"به شتیک دبلپی جوهر (substance) که همگیریک که لیب تیدهگی، واته همر تابعته، جوئنیته، همر خمسالیته، که بیرکرمه که وایلیمان لمبارجهوه همیه، به شیوهکی بن واسیته (له خوئی جوهرمرکمدا)، همبیت - به همهان شیوه که له گیریمینه کما همیه، یان به هجوهیوه بوییها همبیت.

تیمبا بیرکرم تک، بهمانه وردی شوم وشمه له مسر خوئی جوهرمرهمانی، نهودی که جوهرمر شتیکه تهیاندا، نهو شتیه له پیگای همستیگانوه دنکری دمکه، واته میکن لهونهی له ونگادرده کانی نیمدا بمشیوهکی زمینی (توچیجهکینگ) بووینان همیه، به همهان شیوه یان به جوهرمریگانی بهتر له خوئی جوهرمرکمدا بوونی همبیت. جوونکه بههوری نوویری

۱۷۳
زیگماکوه ده‌دانین که محالهٔ خسای‌می‌کی واقعی،
خسای‌می‌کی شتیکی لتاوووجو بیت "(این)".

له روان‌هه‌ی دیکارت‌هه، جوه‌هه‌ی زنس و جهسته، پی‌که‌ه
کونایهنوه، جونکه هره‌یکمیان خسای‌می‌کی دز بهوی تریانی همه‌ه و دمبی
به حیا لذان تیگه‌نهن (این). دیکارت یه‌گه یار نهم چیوازییه‌ه له (رامانی
دووم) دا خسته‌ه روه:

"نمنس جی‌یه‌ی؟ نگمگی‌ی: یان مشورویی ده‌ومه
نه‌خواردنوه به‌زاته، پاپسیده نمگمر هلاقت‌سته کردین
پنلوهی به‌زاته، له‌وا وی‌نه‌هیکی‌ه ناوه‌م لماربهموه به
می‌کسانه‌ه نه‌خشنودوه و مک ده‌ومه‌ه با، ناگر، پاپسیده
نمنی‌ی (کرز‌بی‌گه‌ی فینک) وایه‌ه که بسانوی نماده‌ه
درشکانی لمشدا بمارته دمکان "(این)".

هموه‌ه‌ها له ههمان شویدنا، س‌ه‌بارته به لمش نووسی‌یمیتی:
"من وا له لمش ده‌گه‌هم همووه نمو شتیم‌ه له‌ایم وینه
و روخساری‌که‌وه ستووری به‌دزره‌وه، شتیک بمبی‌ه
جبگا دمکری‌ه به‌نام‌ه بکریت و به‌جوز‌یک شویدنیک
دمگری‌ه و پ‌ر دمکانوه که جی‌نه‌هیج‌شتیکی تری تی‌دا
نامی‌ئی. شتیک به‌هیوی هست، دین، بیستن، جی‌شیتن،
پاپسیده بناک‌نرده‌ه به‌دی‌ی‌هری‌ه و هم‌تی بی‌ده‌رگی‌ه
هموه‌ه‌ها به‌جوز‌یگری چی‌واز دمکری به‌جودول‌تی‌ه‌وه، نمک
نه‌خویوه‌ه به‌گه‌هو لفلاهین‌شتیک‌ی تروه‌ه که بمری
ده‌گه‌وه" ((این))

باشان له چنده شونینکی کتیبی (تارنژ‌گه‌تی‌یه‌کان و ولاده‌کان‌ه).

وردترا و رونترا نهم چیوازییانه دست‌نشیان دمکات و دم‌نوسی:
"له پنگی‌ه‌ه به‌یرک‌نرده‌ه‌م‌وه که بی‌هرمئی جهسته
درز‌بی‌نرده‌م‌وه، شیو‌ه‌ه هم‌ه، دم‌وان‌بی‌جعولی و شتی

174
لهم جوهر و همروها له پیگشی سمندنیه و هرنشتئ
که بهیومه‌ته به جهیمتی نشفسه و به شیومه‌ک
تیواه تیبگه، که جهسته جهیمه (وایه جهسته و عک
شیگیگی کامل و پناه دمکم)، هرروها به پیچه‌انهشوه:
نهمگر جاوه لهوه پوهشیم که هرنشتئ له پیرگشی
جهسته‌دها هاتوه، بهیومه‌ته به نشفسه‌وه، دیسانهامه
هم تیبگه به نشف شیگیگی کاملته که گومن دمکا،
دهزائی، خوژیاره و شتی لهو جوهر. نهمه (وایه
تیبگهشته له نشف و جهسته به شیومه‌ک تیواه
سرسم‌خو، ودک هم‌بودی کامل و تیواه جیباوژ له
یمکرت)، شیومگی نیپه، نهمگر جیابایزیمه‌کی واقعیی له
نیوان نشف و جهسته‌دها نمپیتی(و)
برگین، جوهرمرگ‌پایی کمکمک‌نزن، ودلی نهمک‌همر
یمکیان به تنمای به‌خیمه برگنابه، کاملن. جونکه
به‌نام شیوه که در‌چپونه‌وهمه، پاره‌برچه بودن،
فؤ‌مادار و شتی به‌هم جوهر، وینه ایان خسالماگیانک
که له ریگماونه جوهرمرک به‌نیاوه‌ی لام دناسم,
به‌نام شیوه شامیدمی، دودلی، نیروه و شتی به‌هم
جوهره، نام‌فؤ‌مان‌نن که له ریگماونه جوهرمرک
دناسم به‌نیاوه‌ی نفس و دژ‌نام که به‌نامان‌نن‌نام‌نکه
که جوهرمری در‌پژوه، بوتوکی کاملن، ناواش
جوهرمری به‌کام‌نک، بوتویی تمواوه«۱۶۸».

به‌عیسی به‌ئورای دیکارت، هرودیگ له پیشاندی گوتمان، خالی
سمره‌ساتی معروف بی‌پری‌تیه له (من) ی نزم‌نیوگنره و به‌کام‌نک. نهم
جوهرمره به‌کام‌نک‌دیکارتی که جوهر‌مرک‌نکم‌نیفس‌نی، دموت‌نن‌نی‌لی‌س
در‌کومه‌ی مان‌نی‌یال، یا‌خود واقعی‌فی‌رویکی، به‌هؤی‌ی پاپا میکانیک‌یه‌کان‌نک،
بکات. دیکارت له پی‌نن‌نک‌نی نفس‌دا، نووسیوئیتی:

"نمو جوهرمرک که هنز ب‌شیوه‌کی بن‌نیوان (بن‌
واسیته)، تیایدا نامادی‌جی، ناو دننیم نفس" تیرده‌دی من‌وشه
نفس‌‌له جی‌گام روح به‌مکار ده‌نینم. جونکه وشه روح
نعمت‌تزوم‌وی‌ه و زؤرچار نؤ‌‌شته جسم‌تی‌ه‌ی‌گان به‌مکار
ده‌نینه‌ری ا"»۱۶۸.

بهم‌سدا دیاردِ دیکارت به پی‌نن‌نک‌نی پی‌شوتوری‌دا به‌ننف‌س‌که له
کتیبی رامان‌گان‌دا کردی‌وه‌، دچ‌ی‌ی‌ته‌ه، که تیایدا گوت‌بی‌وی
نفوی‌ی با، ناگر، یا‌خود نمتر (کرم‌ای‌کسی‌قنک) واپ‌ه که به‌نن‌نی‌ندرد
در‌شته‌کان‌ی‌ل‌سم‌ها‌په‌رته‌ده‌کات"۱۶۸. ب‌هم‌ه‌د به‌نین‌گه‌م‌ن‌که (من)‌ی
بیر‌کام‌نک‌جه‌و‌روی‌وی‌ک‌ما‌م‌یرالی‌پی‌ه‌، ودلی‌‌دم‌تاپن‌شون‌نی‌سی‌شته
ماته‌ری‌ال‌ی‌ه‌ک‌ا‌ندن‌و‌ب‌دیر‌ری‌خ‌ؤ‌ب‌ک‌ات‌. ب‌هم‌پی‌هم‌ش "خش‌سن‌تی

۱۷۶
بنهمایی جهوه‌ماری نمایی بریتیبه له برگردن‌ده‌وه، له گاتیک‌دا خمس‌لیتی
سدرک‌کی جهوه‌ماری ماتره‌ری براتیبه له دریژبوفونوه
دیکارت له برؤایادا جهه له هوشیاری مرؤف، جهه له جهوه‌ره
نمس، نامه‌هو واقع ودک دیارده‌موله‌کی خوژبیوی و نژتوماتیکی
واهی، که پیکیابووه له ضمیمه و مادده‌ده دریژده به‌وه ماتره‌ریالی، که
به‌درویم له بزوونهدان و بی‌سنتگری له یه‌کتر دکمه‌ن.

نهو به دریژایی به‌شی پی‌تیجه‌نه له کتیبه (میتوود) (دوی)، باش لهو
جهانیه میکانیکی‌به دمکات و جهند جاری دووبیان‌ی دمکات‌وه، که
زینده‌درک‌مان، دیسانه‌وه پی‌چیه‌نه له مرؤف، همه‌موین و هک مانشین و
دروگای خوژ بزوین (نژتوماتیک) و هن‌ه و هشیج جالاکی‌کی‌ه هوشه‌که و
نه‌سینی‌نه نه‌نه. لهم روهوم، دیکارت هیج‌گومان‌یکی له‌وه نیبه‌نه که تمنیا
مرؤفه، یان نامن‌ره مرؤفه که هنند جالاکی‌ده دروون‌نه همه‌نه. هره‌جن
ژامیل‌کان، ودک نامی‌ریکی خوژ بزوین و بی‌نه‌مسن و تمانان‌ه هست به
هشیج نازار و دووه‌ره‌نه‌نه (دویی). بیوه تمانان‌ه نازا‌ل‌کان‌ی‌که ناتوان‌
معنی‌ه‌ی‌گیان له مباری‌ده‌نه‌ده دوروب‌ه‌زی خوژان‌ه‌نه هموت. ناث‌ه
جهوه‌ری‌کی بیک‌مره‌وه (دنی) بیک‌مره‌وه مرؤفه، که نه‌ویش
جهوه‌ری‌کی گهم‌ره‌ه‌ده‌ی به‌ده‌ی و له شویندا جیگره‌نه‌نووه و نابیننری‌یت و
به‌جره‌سته‌نه‌کاری. ته‌نیا جهستی مرؤفه‌نه‌نه که مادی‌نه و
ده‌رژبوفونوه‌ی له شوین‌داه و وله هه‌ه‌ه‌گیان‌دزی‌کی‌دیک‌
نژتوماتیک‌ی‌کنانه‌نه (دویی).

دیکارت، دان به‌ودا ده‌هن‌نه‌دنیا ده‌وروه همه‌نه، جهانی‌کی ماتره‌ریالی
و له شوین‌دا جیگره‌بو همه‌نه، که دن‌ره‌نه‌نس وصرف بک‌هین و به‌هوی
زاس‌نه سروش‌تی‌نه‌کایوه لکی به‌ده‌میوه، به‌لام‌نه جهان‌ه‌ده درک‌هیه
هشیج هیژ‌کی خویان‌سه و هشیج هوچاری‌کی‌ه نیبه‌نه به‌به‌وه‌نه‌نه.
له‌رهوه بپریک‌ده‌وه دیکارت له‌نم‌نه بی‌مدایه‌کی دوایستو و جووت
جمه‌سری‌ی‌نه‌ده‌ده‌رداه، چون‌که نوه به‌ره‌وه‌ه‌ه‌یه واقع له دوو
جهوهدار به‌مانی پیگاهاتووه: به‌کلیکیان نفی‌سی و نهویزی‌شیان
ماته‌رائه‌یی: "کوی هموئی‌ی نفی‌سی بیرکره‌ارومیه و کوی هموئی‌ی
جهسته‌ش بریتی‌ه لە دریزبیووهورو و لە نیوین‌ه ژیزین و دریزبیووهورشدا
هیچ خسائستی‌کی هاویش لە مکارادا نییه" (183) و نەم دوووهانه تەوائ لیکدی
جیاوژن. بۆ بتر رونکردن‌ەوەی میمیسته‌کەی دیکارتیش نەم خشته‌یه
ده‌کرتنە پیش جاوا، کە بۆ نەم مەبهسته ناماده‌مان کردووه:

دوو جۆر جیوهەم

<table>
<thead>
<tr>
<th>جیوه‌هەری ماددی</th>
<th>جیوه‌هەری نفی‌سی</th>
</tr>
</thead>
<tbody>
<tr>
<td>دریزبیووهوروه (امتداد)ه‌ی هوشیاری په‌تیبیه</td>
<td>هوشیاری په‌تیبیه</td>
</tr>
<tr>
<td>له شو١ین (مکان)دا حیگیه</td>
<td>له شو١ین (مکان)دا نییه</td>
</tr>
<tr>
<td>ناگاپی نییه تا بتوانی شوناسی بکات</td>
<td>ده‌توانی شوناسی شته‌کان بکات</td>
</tr>
<tr>
<td>پارچه‌ه بارچه ده‌کرتنە</td>
<td>پارچه‌ه بارچه ناکرتنە</td>
</tr>
</tbody>
</table>

هل‌سانگاندن و بی‌شنبه‌ار:
همرموکو له سەرماتی نەم لێکۆلیمیه‌یەوە نووسیمیان: تەمەنی هەزێڕ و
فەسلەفی دیکارت له تەمەنی جەستیمی نەو دوور و دریزتر بەو. نەم‌ەرۆ
و له داهاتوووشدا، کاتی ناوار له دیکارت و فەسلەفەکی دەدیریمەنیە، ناساپی
له‌کانی‌دا هاواردا یاخودو دزی بین، به‌لام گرنگ‌ه نەم ەوارایە و دربۆنەه
لەسەر بەنەما و لهیاش تۆ‌ژیییەوەوە لە بابەتە سەمرکیدی‌کانی بەری
دیکارتووه‌هاین‌بەنی‌ی. بۆیه به‌بان تۆ‌ژیی‌نەوه‌و له میتەوی گۆمەکان‌نەی
دیکارتو، نەقلاووبەکی دیکارتو، دوایلزم و بزوکە زه‌گاکەن و هەند.
ناتوانی دیکارتو وەک فەیڵەسۆویک بەناسن و بژ ناسین و تێگەشتنیکی
سەرچەمەگژێریش له بەروارکانی دیکارتو، هەم تەنیا سی کتیپەکی (میتۆد، رامانە میتافیزیکیه‌کان و بەرژەم‌کانی فەسلەفە)، بەس نین و

178
گردنگه تویگرز به ورودی کتیبی (نادرضاپیان و ولادمیریان) یکی خوبیدبی‌نیواده.

ناسیسی دیکارت بو نیمی کورد، لامدرودی نهوندی لمسیری نووسرایه،

گردنگی‌ی تایب‌هاتی خوی همیه، ج وک شمومی بشیکهکه له روپیکی
دووروده‌بری فلسفه‌ی خورناوا و ج وک نهودی بارمته‌تیدودنی که بو
پیکرینیا نبرکردن‌موهیکی نهالنیانه و می‌تواندیک، که بهبینی به‌یوست
به کوردی لمسیری ننووسراوه.

دیکارت بیرکردن‌هوه ناراسته دمکات بو بیرکردن‌هوه له زیان و شتة
ناسبایهک‌ان له شنامه‌نویشور بهرو بو خویم‌ی وروده‌سر دردمسین‌ی تاکو مشق
لمسیر بیرکردن‌هوه بکات و نهودی بری لی دکات‌نویس، بهجویه له زدینی
خویدا به‌خلیفی‌نی که بجیه‌نوبی‌نیؤؤی لیت تیب‌گنیت و ببیتی (منیکی
برکردن‌هوه). لمهنر تیشک نه تیروانی‌نوه نیمی جیسند تهنجامیک که له
تویژنی‌میه‌دیا به‌دهسته مین‌یاوه، ددخیمه به‌یش جاو.

یمکه‌ی: نیم‌ه تویژن‌‌نویس‌مان به‌زمانی کوردیبه و لو جواری‌چویه‌دا

که نه‌من زمان‌ه نیمکانی بیرکردن‌هوه‌مان بی‌دیده‌هسته‌نمی‌ی، فس‌مان له چومک
و زاراوه و فلسفه‌ی دیکارت کرد. گریمانه‌ی شهومن خست‌بوه پیش
جاو، که به‌گی‌مان‌هوه بو بمره‌مه فلسفه‌ی‌هی‌گردنگه‌کانی دیکارت,
دختوانری له جه‌نی‌یتی بیرکردن‌هوکی به‌یشی شیاوامگی و تواناای‌زمانی
خومن، تیب‌گنی. یمکه‌ی لمو زاراوانه‌ی گریمانگه‌مان به‌یش پی‌ید‌هدی‌ست.
زاراوه‌ی نه‌قل، یان زیر بوو، ته‌نامی تویژن‌‌موه‌که شهوی درخست، که
ننی‌چه‌ه‌ه‌ه‌مو به¬كاره‌ی‌نانه‌کانی وشهی زیر و نه‌قل له‌نوا ازمانی کوردی‌دا،
به‌تاب‌کی‌ی دیالیک‌تی‌سپارانیا، بابدنی‌ن به به کاره‌ی‌نانه‌‌روزانه‌ی‌هی‌گه‌ی‌مان
لمناسی‌زمانی رهمه‌گی، نکه‌ی‌یاه‌ن‌دن‌ه به‌به‌زمانی زانستی‌له‌ن‌سته
فلسفه‌ه‌گه‌ک‌دا. به‌هم جه‌ودش‌زمانی رژانه‌ه‌ه‌ه‌موهیش‌ی‌گه‌رئانه‌‌نه‌یی
به‌جره‌سته‌کردنی‌مینا‌ی‌زانستی‌و فلسفه‌فیانه‌ی‌ه‌مو و‌شاهن‌ه‌لبه‌وه‌زمان‌‌دا
به‌کاره‌یده‌ن‌ن‌ی. نه‌من مه‌سال‌نه به‌هم‌هن‌یا به‌یوست‌نی‌ه‌به‌به‌بوو‌دیا

179
zmān-hūh, bāngū bā-yūstistēshēh bē-hēm-būōni kēltōwūr w nērētī zanāstī w fēlsēshfēiyōh lēnāwāüh nēwē zmān-hūhā. nēmgūr nēw kēltōwūr w nērētīh lēnāwāüh zmān-hūhā nē-de bō w-phē-kēhēni wēshē w zāwōlkān-lēh dēmānēh dēmānēh bō-yē gu-zērēm tēyēshēnti fēlsēshfēiyōhā lī hēmān wēshē w zāwōlēh hōnūkēh nēwē zmānēh lē dēr-bērēmēn hē hē-rēnī fēlsēshfēyōhā hēmān-zāwōlēh dēmānēh bō-yē hēmān-hēmēn-hēmēn-hēmēn-hēmēn kēlōsēshfēiyōhā wēshē w zāwōlēhā kēlōsēshfēiyōhā dēr-bērēmēnēhā fēlsēshfēiyōhā kēlōsēshfēiyōhā bō-yē fēlsēshfēiyōhē nā-gādārīn bē-

nēmāgūr zmānēh kōrdrī wēr-bērēmēnēh w hēmānēhēnti shēyōmōrayē sērānān, kēh lē hō-chā shēyōmōrayēkānēh tēnē zmānēhēn kānā, zō-tērēnēh bēr-hērhēmi shēyōh fēlsēshfēiyōhā w fēlsēshfēiyōhē tēnē pō-nōsōrāwāh w bō w dēr-gēnōmēnāwē, nēwē hēmēr zō-wē tēyēshēntēn, kē hēshē kērōzēmēni-kānēh dēmānēh w shēyōmārēhēn, bē hēmān shēyōh kērōzēh dēmēnēh kērēn-sēshēntē dēr-bērēmēnēhē fēmēśēntē fēlsēshfēiyōhē. hōkārēhē hē-mer kēlōsēshfēiyōhā bō-kēlōsēshfēiyōhē lālōdēntē rēnē-zēnēmdē w bētēhēh xōwē, kē hō kōn-zōlī zmānēh w bēr-bērēmēnēhē dēshēntē hēmēn-hēmēnēhēnē bētēhēnēh kēdēwōhē w hēmānāzēdē bēr-bērēmēnēhē dēkādēnēhēnē hō kōn-zōlī zmānēhēhēnē dēshēntē hēmēn hēmēnēhēnēhēnē bētēhēnēh kēdēwōhē w hēmānāzēdē bēr-bērēmēnēhē dēkādēnēhēnē hō kōn-zōlī zmānēhēhēnē dēshēntē hēmēn hēmēnēhēnēhēnē bētēhēnēh kēdēwōhē w hēmānāzēdē bēr-bērēmēnēhē dēkādēnēhēnē hō kōn-zōlī zmānēhēhēnē dēshēntē hēmēn hēmēnēhēnēhēnē bētēhēnēh kēdēwōhē w hēmānāzēdē bēr-bērēmēnēhē dēkādēnēhēnē hō kōn-zōlī zmānēhēhēnē dēshēntē hēmēn hēmēnēhēnēhēnē bētēhēnēh kēdēwōhē w hēmānāzēdē bēr-bērēmēnēhē dēkādēnēhēnē hō kōn-zōlī zmānēhēhēnē dēshēntē hēmēn hēmēnēhēnēhēnē bētēhēnēh kēdēwōhē...
دووم: وشه و زاراتونکان ودک نهقل، نفلانینهت و زیربانومی، له میزرویی کهئتور و هرینی فلسفه‌بانه‌ی خوئتاوایبدا، نهگمیچی ستاندارد و هاوآ تنین، به‌لل میشینه‌یگی دیرینمیان همیه، مانی گشتی و مانی فلسفه‌بانه‌ی نه زاراونه له میزروییو دیکرکتو ایکس پلاسته دیکت‌جو دا کراوتونه و سنووریان بؤ دیداری کراوه. هی‌دروهاه خوابانه‌ی فلسفه‌هیه‌گان و فعالیسروفه جیاوامدان، کاریان لهسمر قو الطلابیونهی مانی نه زاراونه کردووه و تایباکنیم‌دنی خویان بئ به‌خشیون، که لمانوایندا (نهقلی گه‌دروونی، نهقل تیؤری، نهفل براکنیکی و نهقل نامرازگی) دیازنین شیوه‌کانی به‌كارهینان زاراتوی نهفلن. گرنگزین تایبه‌تمندنی کهئتور و هزاری نوروبایی، له هاده‌نیستیدا بکرامپر به نهقل، نهوقیه که نهقل ودک ریمات و پچ‌که‌یکی بیرکشردبوه فلسفپنی زین و فلسفپنی بیپدینه‌ی. بابوده‌یان به نهقلت، که خوئی له ریمات فلسفیپه‌ی، یان (راسیونالیزم) دا به‌دور دادهات و له سامیه حفظ‌ده‌یما به‌جریه‌ه‌ت دنبیت، لمسمر نه‌و به‌مانیهو به‌ندهه که نهقل دمانگمی‌نه به مه‌می‌رهی راستفیته‌نه و دنیاهنا. نهمه جگابنه‌وهی نهقلت، به‌خشیکی یه‌دینی‌نه و نیشانی‌گه‌یك خواییه‌له مرؤفا که توانای بیرکشرده‌وهی ددنه‌ت ناکو کیشه‌کانی خوئی به‌هنه‌وه جارسمر بکات.
سیبمن: بهو یپیم‌نه‌ینیم‌سه‌دومن له دقفه فلسفیفی و بینیره‌تی‌گی‌کانی دیکارت و ودگردووه و تئانئه‌تو بهو یپیم‌نه‌ی‌گیک‌نه سومی‌کانه‌نه به‌ردوووه‌نه له زاراتو و بینیسی‌گان سودومان‌لی و ودگردووه‌نه، پیشتر له هیچ سمر‌جاویمه‌گی‌که‌تو بئ به‌زامنه‌که‌مان.
به‌کار‌ن‌ه‌اتووو (۱۷۵۷)، دم‌توان‌رِت بِگ‌وتَرِت؛ دی‌کارت لِه خَستَن‌رُووی
مم‌ب‌ستَکُانِیدا رَووْنَه وَشَه و زَارَاوْدی گَونَجوُوی پِیویست بِمَکار ده‌هینیت
و بَوُر هَر زَاراوهِک۷، یان وَشَه‌یِک پِی‌نَاسِسِیِک و جَه‌نَین لی‌کَدَانْوْه‌دِه
دَدخَتَه رَوو هَمَروُه‌ه‌ا لِه سِمارِجاوِمیِک‌یِاه‌ه پِی‌یمکی‌ک‌ی تَر نَم پِی‌نَاسِه و
لی‌کَدَانْوُه‌ک‌ی کِم‌زَین نَاکُؤکِیک‌یا لِه نَیوُان‌دایه و هَم‌موُو نَه‌م‌ه‌ش بِلَگَن لِه‌سِمر رَووْنَی بِرِکرِدن‌وُه‌دِه دی‌کَرَت و نَم‌بِوُونِی نَاْلَوْزِی و نَاکُؤکی لِه هَزَری
تَهْوُدِا. دی‌کَرَت هَمْر پِک لِه زَاراوه‌کانِی وَلُک خَوُد، بِیرْوَکه زَگ‌ماک‌هْکان،
نَمَقَل، مِیِتْوُد، جَهوُه‌ر، دوُاْیِزم (جَمْسَتَه، نَم‌فسَس) به رَووْنَی پِی‌نَاسِه
دَدخَتَه و دِم‌ی‌ان‌خَتَه رَوو، بِلَـلام وَدَگو پِیویست نَایان سَملِیِنی.
پَو دَموُونْه‌ه دی‌کَرَت هَمْ لِه کِتْنَی مِیِتْوُد و هَمْ لِه کِتْنَی پِرَامَنْه‌کانِیا،
تَیْوَر هُمْ مَعَرْفَی‌یِک‌ی خَوْی‌ لِه جَوْار بِنَه‌مادا خَسْتَه‌ه‌ن رَوو، کَه
بِبه‌هیان‌وُه، شَیْوُه‌گِمی‌شْتَن به نَه‌نِئَم‌یِ لَؤُزِیکی پِی‌شَنْیار دَم‌کَت، بِلَـلام
نَیْم‌ه‌ن لِه هَجِی کَم‌ی لِه دَوُو کِتْنِی‌ه و لِه هَجی سِمارِجاوِمی‌کی دِی‌کَت‌دَا، به‌گَه‌ی پِیویست و وَرَدْمَان پَوُ سَملَان‌نِی به‌نَه‌م‌اک نَدَم‌زَیِی‌یوُه
بِبِگَوِمان هَنَدَئ لِه نَه‌م‌بِآی‌نِه رَسَت، بِلَـلام دی‌کَرَت نَایِان سَملِینِی، به‌لَگو
تَمِین‌ی دِم‌ی‌ان‌خَتَه رَوو. لِه کَتَکیک‌ی‌ک‌یا خُرَی‌ن‌ه مَه‌وِش بَک‌مین، کَه هَم‌موُو
نَه نَه‌م‌بِآی‌نْه‌ک‌ی دی‌کَرَت پَو بِده‌سِت‌هی‌ن‌ینی نَه‌نِئَم‌یِ لَؤُزِیکی دِم‌ی‌ان‌خَتَه رَوو،
رَسَت بَن، نَه‌م‌وُو پَوُ هَنَدَئ بِآرَوِدْخ و هَمْلِوُی‌س نَاْگُنْوْجِی، بِرِسِی‌رَه
نَیْتَی‌کی و مَؤْرَال‌یِک‌یان هَم‌مِیِش‌ه‌نِاجِی زَرْبَارِی وَلَام‌مَان‌وُه وَلَؤُزِیکی و
رَسَت‌هُن‌یْه‌و و نَاْتَوَنِری بَه‌هْوُئ هَنو به‌نَه‌ما مَاتَم‌ی‌کِی‌ی‌ک‌یان دی‌کَرَت
دِم‌ی‌ان‌خَتَه رَوو، بِرِپَرِیِان لِه‌سِمر بِدرَئ و بِسَم‌لِی‌نِری. نَم‌مَه‌ن نَم‌هْم
تَنِمْیا سَم‌بَرَئ به مَسِه لِه مَؤْرَال و نَیْتَی‌کی‌ک‌یان، به‌لَگو سَم‌بَرَئ به
هَم‌موُو نَوَ نَشَتَنْه‌ی نَاو زَیَانی مَرْوَبیش رَسَت، کَه تَآیَعْم‌تَن‌دِنِی‌م‌کی
جِی‌وَازْرِی‌نی هَمْی‌ه و نَاْکْرَئ مَاتَم‌ی‌کِی‌ی‌ک‌یان لِیِان تَن‌ی‌گُن‌ه‌ی.
جُهْوُرُه‌م سَم‌بَرَئ به جُهوُی‌تی سَملَان‌نی بِوَوَن‌ی خُود‌ش دَم‌کَری نَهْم
سَرْنِجْه دِرْبِ پِرِردَئ. دی‌کَرَت نَه به‌لَگِه‌ی به شَیْو‌یِکی لَؤُزِیکی بَین‌ا

۱۸۲
دهکات، به‌المان‌نشده‌که‌ی لوازه‌که گذشته بیرکردنهوه له شتیکی کامل،
بؤخؤی بیرکردنهوهی کامل‌انه‌یه. مادام بیرکردنهوه مرؤفه و هیج
به‌گرمی‌هک، له‌نسور که‌مألی مرؤفه له نارا نیبه، چیون ده‌نیفره
بیرکردنهوهی نه‌و‌له پیران‌دن به بیرکردنهوهی کامل داینرئی؟ ههتا
خالی دست‌بئین‌گردنه دیکارت مرؤفه سمن‌نردان به‌نته، دمکرئی بیرسین؛ چیون
مرؤفه که بؤخؤی کامل نیبه، ده‌نیفره بیر له کامل بکان‌وه، لکه‌کینکا
دمکرئی نه‌و به‌کمال سنور‌وداره و له جورچیویتی نیکه‌یشتنی نه‌وه، وک
بیرکردنهوهیک تیپه‌ر ناکات؟

پی‌نه‌هم: چیاکردنهوهی جووه‌ری رو‌حی له جووه‌ری مادی و
چیاکردنهوهی جهسته له رو‌ح له‌لک دیکرتی، چیاکردنهیکی ره‌یاه و نه‌وه دووهنه
یمکر ناکردنوه، جوکه وک له نه‌خشه‌دها بینیمان هره‌یکمان خس‌له‌ئی
سره‌یه خوی‌انیاهمه‌هیه. لیرشه‌وه دوالیzemی بیری دیکرتی وک کی‌شمة‌ک
خوی‌ناشکرا دهکات، جونکه بواره هیج بی‌پیونده‌یک له نییوان شهو دوو جوؤر
جووه‌ردنا ناهیتیوئه‌ه. نیمه له چکاتیکا نهم‌گر به‌نهم‌وه رونکردنهوه له‌سس
نیمکانی ممکه‌یه و همه‌کردنهک به‌نینه‌ره، پی‌بویستی‌ه به‌چرنه‌که‌ه
به‌بوینی‌ه همه‌یه له نییوان‌نیا، واته پی‌بویسته‌یه بی‌پیونده‌یک له نییوان نه‌فس و
شته‌مادی‌هکا‌ها همبیتی به‌نهوی بتوانین باس له شوناسکردنی ممکه‌یی‌بیانه
بکمین. دیکرت‌بواره‌نیمه‌یه بی‌پیونده‌یی ناهیتیوئه‌وه و کاتکیشی به‌سیه
به‌بوینی‌یه‌کی نهم‌وه دهکات، نهاو روه‌نیبه‌یه
بلاهم نام‌جمه‌ه له روان‌نیبه‌یه;
والیبستی‌کی خوی‌وه‌هکه نمکا شب‌ه کاریگیری‌یه به‌کمین، دمینین: دیکرت
کموتوته‌ناکوکی‌یه به‌نمک هلری خویدا. چیون دمکرئی شتیکی ممکه‌یالی بیبیت‌ه
هوی کاریگیری‌یک خستن‌سم‌کیره‌یشئی به‌هنری نام‌تریالی و بیپچه‌واه‌نهوئه؛ به
مامایی‌که‌یه دی: چیون شتی که به‌شیاری‌یه پنه‌یبه و له شونین‌نا چیگیر نیبه،
ده‌نیفره کاریکاته سمر شتین که جوی‌رئه و به‌زمیس‌ته و دیپاره و هیج
هوشیاری‌یه‌کی نیبه؟ نه‌نه‌ناکوکی‌یه‌یه وا برکروو دیکرت له‌سس‌رده‌ی زیایی
خوی‌یدا رخ‌نه‌ی لی‌بگزیت و هه‌کماتی دم‌ست‌ئی‌شان به‌کرین.
شکمش: دیکارت فیلمسووفی نقل و یکی‌گیه باوپرداران به نمثّی

مرؤیئی. دیکارت له زمینه‌ی‌های فیلسوفی و گوگمه‌ای‌های و کم‌توریبی

داخراوی دؤگما‌تی‌کانه‌دا بیری له سمرت‌ی‌هایی، نقوئ ب‌مؤ رؤف دوکردگوه.

هزری نهو، که به گومنکردن له هم‌مراری‌تی پیش‌ینه و هم‌هار بربیارکی

نموریت‌ی‌سه‌ند دسمتی یبتکرد و گنگی توانای عمقّینی مروؤفی هینایی‌وه

پیش. مزده‌ین‌هنه‌ره‌ی لهدایک‌بودنی زدینی‌ی‌تی‌کی نغو ب‌هار دیکارت

ب‌هیدپی‌ن‌دیری زدینی‌ی‌تی‌کی نویی‌سه‌ه‌ه که خصّملته جموه‌ه‌ه‌که‌

بیرکردن‌هو و گومنکاری‌وه و نمّه‌سه خالی جیابوونه‌وه نهو مروؤفه

مؤّدیرنه‌ی‌ه له ثینتی‌مای بوم‌اوی‌تی و گویارانه‌ی ب‌هار بار‌ب‌هار. له‌گه‌ل

توزانی‌انی دیکارت‌دا بؤ مروؤف، تاکه‌که‌سی ساربه‌ه‌جو له‌داک‌ک دینه‌ه، که

پیّمايه‌ی‌هی‌دروست‌کانی عضّین‌ه دکات‌مه‌سی‌مش‌ی‌که‌‌ه، تا خوؤه‌ه له‌ه‌ه

هم‌ه‌ی‌که مهنتی‌ی‌تی‌کی باربی‌زه.
ناجار دمکات مشق به بیر و میشکی خوای بکات. رنگه‌یه لی جیهانی،
نه‌رفسدا که مقتل‌نه‌یه دهسته‌واوی بوز زیاني مرتفه‌یتی همیشه
خوش و به‌سروه نمی‌بوه، جیهغه‌ی رخنه‌ی روزر بیت، وطنی لیه واقعی
ئین‌مدا که واقعی‌یکی بارگاوی بروو به حجومه‌ی نمیره‌یه و سدهمی
دووباره مکردنهمیان، باوده‌یه دن به رزپازی مقتل‌نه‌یه‌ی دیکارت، له‌ناوا
کومایلک باووی دیکاها، دشنه هم‌براردنمیکی مقتل‌نه‌یه شیت.
سمرتئای ۲۰۰۸

پمراوپزه‌گیان

(۱) نهم کتبیانه‌یه لی بسگیکدا و به‌ناونیشنمی (جمهند وردیووه‌یه‌یه‌که لی باره‌ی
میتافیزیکه‌یه) باودوکانه‌یه، که نمهم تایپهم‌یه‌یه‌کانی‌میته؛
- رینی دیگرات. جمهند وردیووه‌یه‌هک لی باره‌ی میتافیزیکه‌هک، ومرگیزه‌یه لی
نلامبیه‌یه، د. حسین‌یه مشیریز، ومراتی رژنیریه، به‌پوجه‌یه‌یه‌کی خنامی
ومرگیزه‌یه، سلیمانیه. ۲۰۰۵

(۲) دسته‌وازمی (فسلسه‌یه نویی) یان (Modern philosophy)
به‌ناگره‌یانی نمهم‌دا جمهند لیکانه‌یه و ممبیستیکه له‌خی ددری؛
یمکحه؛ به‌موتای نمو فسلسه‌هیه که حیاباوه لی فسله‌یه کلاسیکی یوئنی، که
نمه‌یه نتیی بروو لی فؤاغی بیش‌یه سوکراتی، فؤاغی سوکرات، فؤاغین و
نمرستو و فؤاغی هیلوینیستی.
دومؤه؛ به‌مانی نمو فسلسه‌هیه که حیاباوه لی لاهووتی مسیحییه لی سدیکانی
ناوره‌یه نورونیا، که تیایه تسلفه له‌زیر رکییه تیوئلؤژیا، باخود یم‌ذرانسانسیدا
بورو.

سپیه؛ به‌مانی نمو فسلسه‌هیه که زیاتر به زمانی ناته‌یمی نووسراوه، نمک
زمانی‌ایتانه‌یه که برک‌یه گواسنته‌یه میرام‌یه یوئنی و به‌موتاه بروو و دواج‌ار
شارستاپمیه نموروبی دروسکردر.
Poul Lubcke (Redigeret): Politikens filosofi leksikon, Politikens Forlag, Copenhagen, 1996, s. 136

(1) Poul Lubcke (Redigeret): Politikens filosofi leksikon, Politikens Forlag, Copenhagen, 1996, s. 136


(7) Sembarzht Be Chirundrao o Ronggemendin o Weshi Tnefla o Beqarkhaneni Tme o Shemeg Le Felsfene XorLaada, Bemaitbenti Le Nehaltawoone Tako Heilg, Be Tbiqeren o Bebijkon, Fieloan, Takoqisten, Nekopes, Dikart, Rosou o Kiant, da, Brawoone Tme Smechajowie.
۰۱۴ ۱۴۲

۱۴۲

۱۴۲

۱۴۲

۱۴۲

۱۴۲

۱۴۲
(4) دیوانی نال، لیکویینهودی مهلا عبدالکریمی مدرس و مقدمی ملاکریم، بغداد: ۱۲۳۱، تهران.

(۱۵) ماکیل کلی: دعاره المعرف زیبایی شناسی، سوربراستار; مشیت علی‌ی، تهران: مؤسسه فرهنگی گسترش هنر، ت: گروهی از مترجمین، ص: ۲۰۰.

(۱۶) د. عبدالنامه الحنفی، المعمم الشامل، المصلحت الفلاسفیه، ط: الثامنة، مکتبه الدبیلی، الکهربة، ۲۰۰۸، ص: ۵۳.

(۱۷) د. جميل صلیبا: المعمم الفلاسفی، المصدر السبق، ص: ۸۴.

(۱۸) لحم باریی، د. جميل صلیبا: المعمم الفلاسفی، ص: ۸۲۸ و بدردو دو و د.

عبدالنامه الحنفی، المعمم الشامل للمصلحت الفلاسفیه، ص: ۴۵۶۲۸.

(۱۹) اسفراین راجر: کانت، ت. علی پاپایا، تهران: طرح نو، ۲۰۰۴، ص: ۸۸۷.

(۲۰) اسفراین راجر: کانت، همان سمرقند، ص: ۸۹.

(۲۱) گ. و. عدل: عقل در تاریخ، ت: دکتر حمید علی‌ی، تهران: انتشارات شفیعی، ۲۰۰۸، ص: ۱۵۰.

(۲۲) د. عبدالنامه الحنفی، المعمم الشامل للمصلحت الفلاسفیه، ص: ۴۴.

(۲۳) حسینعلی نورزی، پژوهشی هابرامس، درامدی بر اراو، انديسها و نظريه های پورگون هابرامس، تهران: نشر چشم، ۱۳۸۱، ص: ۳۷۶.

(Lubcke: Filosofileksikon: Ibíd: ۱۳۷)

(۲۵) نورزی، همان سمرقند، ص: ۱۲۰.

(۲۶) نورزی، پژوهشی هابرامس، ص: ۱۲۸.

(۲۷) ابو کوصسه و استیفن ایه، و اوگان مکتب هرمانکورت، ت. افینک جهانیدهد، تهران: نشر نی، ۱۳۸۰، ص: ۵۷۰.


(۲۸) همراهها بروانه: ۱۳۷.

ق. حسینعلی نورزی، پژوهشی هابرامس (۲) ۲۰۲۰، ص: ۱۸۸۸.

(۲۹) ت. ز. لایون: از سفیرت تا سارتر. ت. بروریز پاپایا، مؤسسه انتشارات نگاه، تهران: ۱۳۸۴، ص: ۵۷۸.

(۳۰) P. Lubcke: Filosofileksikon: Ibíd op: ۱۳۶

(33) (33) (33) (33) (33)

(34) (34) (34) (34) (34)

(35) (35) (35) (35) (35)

(36) (36) (36) (36) (36)

(37) (37) (37) (37) (37)

(38) (38) (38) (38) (38)

(39) (39) (39) (39) (39)
GOOD sense is, of all things among men, the most equally "
Rene Descartes: (1637) DISCOURSE ON THE ",distributed
METHOD OF RIGHTLY CONDUCTING THE REASON,
AND SEEKING TRUTH IN THE SCIENCES. Translated
by John Veitch, LL.D. Electronically Enhanced Text (c)
Copyright 1993 World Library, Inc.


(42) دکتر علي اصغر حلبی: تاریخ سیم فلسفه در اوروپا، از دوره پیش سقراطی تا
بابیان عصر روشنگری. 3، تهران: نشر قطره، 1382(2003)، ص: 324
(43) علی زمانی کوردا، دوو و مدرکپایی راکسکانی دیکارتمان همیه، که یککمیان
نیمودی به‌مریز ریپین رسول نیساینل و نیمودی دیکارتمان و مدرکپایان کانی د. حمید
عمرزی‌ها. من بپمایه هم‌رو و مدرکپایی باید خویان همیه که تایپینه‌ندیبی
همدرو کتیبه‌که بهم جورده‌یم:

- رین دی‌کارتمان میتاپایی‌که‌ی‌ه ل میستینکهجی‌‌ی‌هکریم، و. لع ورهمپیوهود;
- ریپین رسول‌کن نیساینل. همدوهلر، دزگای جاب و به‌خشی ریپین. 2007
- رین دی‌کارتمان، حمید و رودرونه‌دامیک ل‌مویه‌که میتاپایی‌که‌ی‌هکریم، و لغ. لغ،ل‌میته‌ی‌هکریم، د.
- حمید عمرزی ل: 109، "نهقل (ژیر)، نمو شتمه به‌میاسحتین شیو هم جهانیه‌دا دا به
- کراوه".

(45) دکارت: کنتاری دیرباره بکار بردن درست عقل، و مدرکپایی‌ه ل فوردنسبی‌هود;

محمدرضا فروغی، ص: 195

"من ل‌مویه‌که خویانه‌هم‌رو هم‌روکه‌ه بی‌روودن نم‌یووم که زهینه‌همه‌ه بی‌رویه‌که‌ه
باشتر بله لزهینه‌همه‌ه، به‌گتو زوژاران نارزودن نمو به‌روه خویانه‌همه‌ه و‌کی و‌کیه‌هندی
کمس‌به‌ر بوم توودن و خویانه‌ه رون و نا‌شنکارا و بایودومیم فروان و خب‌رو بهوایه،
جو‌که بی‌چگه‌ه له خویانه‌ه شتی‌که تن‌نادن که بی‌که‌ه‌مایه‌ه رهین بی‌پیه‌یست بیه‌ه.

(46) دکارت: لکاپایه‌میکه دیرباره‌ه به‌گارنه‌نیاپ‌ه پستی زیر و توپینه‌میه
زالتی، و. د. حمید عمرزی، ل: 109

بروانه‌محمدرضا فروغی: دکارت، روکه، ص: 191

190
“For myself, I have never fancied my mind to be in any respect more perfect than those of the generality; on the contrary, I have often wished that I were equal to some others in promptitude of thought, or in clearness and distinctness of imagination, or in fullness and readiness of memory. And besides these, I know of no other qualities that contribute to the perfection of the mind”. Descartes, op cit. p5
solely to describe the way in which I have endeavored to conduct my own. They who set themselves to give precepts must of course regard themselves as possessed of greater skill than those to whom they prescribe; and if they err in the slightest particular, they subject themselves to censure. But as this tract is put forth merely as a history, or, if you will, as a tale, in which, amid some examples worthy of imitation, there will be found, perhaps, as many more which it were advisable not to follow, I hope it will prove useful to some without being hurtful to any, and that my openness op. cit. p. 7. will find some favor with all”


(59) Rønne Dørset: Eutropiaer og Byskifter. 2007, Teg. 2188.


(69) Rønne Dørset: Eutropiaer og Byskifter. 2007, Teg. 2188.
(۴۸) دکتره راهیه عبدالنام عباس، دیگارت و الفلسفه الحديثة. (اساطین الفلسفة
الحديثة و العاصرة)، ۱۳۹۱، ص: ۱۳۷.

(۴۹) ایس. گریلینگ، اسکات استرجن و ام. جی. مارتن: معرفت شناسی. ت، امیر
مژیار، تهران؛ مؤسسه نشر جهاد، ۱۳۸۰، ص: ۲۲.

(۵۰) ام مورتون؛ فلسفه در عمل (مدخلی بر پرسش‌های عمد). ت، فریبرز
مجیدی، تهران؛ انتشارات مازیار، ج۳، ۱۳۸۰، ص: ۴۷.

(۵۱) یحیی مهدوی: شکاکان یونان. تهران؛ شرکت انتشارات خوارزمی. ۱۳۷۱، ص: ۱۰.

(۵۲) ام مورتون؛ فلسفه در عمل (مدخلی بر پرسش‌های عمد). ص: ۱۲۳.

(۵۳) لمباردی، زیانی دیکارت و نهی هم‌سالی‌هایه فتوتاسبانیه به‌سوی‌گاندا
خوئیدی، بروانه؛ دکتره راهیه عبدالنام عباس، دیگارت و الفلسفه الحديثه.

سهرچاوی پیشور، ص: ۴۴۴.

(۵۴) ام مورتون؛ فلسفه در عمل (مدخلی بر پرسش‌های عمد). ص: ۱۵۵.

(۵۵) ریتی دیکارت: چند وردیبوهوویهکا لمباردی میتافیزیککوه. و. له
نامدانیه. و. د. حمید علیزاده، وزارتی رئیس‌پردازی، برمجومه‌برایی خانه
و مرکز ایرانی ۲۰۰۵، "نیتر نمرور برو برای هنگام هم‌مراف و
خویسیگیری‌دنیک درگار کرد، نامورهپسی‌که دولت‌بهرکراوم به گوش‌هپیکا دنیابی
گوش‌گیریا به جنگ هننیاود. نیتر به مشک و دندرنی‌کا تسودا و مهتفاوخت.
بـه هولویوکانیه و هم‌مراف اتکیتی پیشور به گشتش خنادک دم". ل: ۳۵.

(۵۶) دیکارت له الزور یویی نوسیسنگانیا جنیا لوس‌مرن گرگنیهی زیره بؤ
گیتشن به دنشای کردکوه، بؤ نمونه پورانه.
. رنه دکارت؛ اعتراضات و وضعخا. ترجمه و توضیح از: ع. م. افست. تهران؛ شرکت
انتشارات علی‌و فرهنگی. ۱۳۸۵، صص: ۴۸۴-۲۰۰۵.

(۵۷) دیکارت؛ نیکوبلیومیکا دمبرارشی مکاگره‌یاکا راستی زیر و توپژنومی
زانتیا. له "چند وردیبوهوویهکا لمباردی میتافیزیککوه". و. له نامدانیه. و.
حمید علیزاده، وزارتی رئیس‌پردازی، برمجومه‌برایی خانهی و مرکز ایرانی، سلیمانی
۱۳۸۵، ل: ۱۳۲.
All that I have, up to this moment, accepted as possessed of the highest truth and certainty, I received either from or through the senses. I observed, however, that these sometimes misled us; and it is the part of prudence not to
place absolute confidence in that by which we have even once been deceived.

But it may be said, perhaps, that, although the senses occasionally mislead us respecting minute objects, and such as are so far removed from us as to be beyond the reach of close observation, there are yet many other of their information’s (presentations), of the truth of which it is manifestly impossible to doubt; as for example, that I am in this place, seated by the fire, clothed in a winter dressing-gown, that I hold in my hands this piece of paper, with other intimations of the same nature”

-Rene Descartes: *MEDITATIONS ON THE FIRST PHILOSOPHY*. translated by John Veitch, LL.D.

Electronically Enhanced Text (c) Copyright 1993 World Library, Inc. p: 22

"Let us suppose, then, that we are dreaming, and that all these particulars namely, the opening of the eyes, the motion of the head, the forth-putting of the hands- are merely illusions; and even that we really possess neither an entire body nor hands such as we see ". op cit. 23
for whether I am awake or dreaming, it remains true that "two and three make five, and that a square has but four sides", Rene Descartes, op cit. p. 25

"And further, as I sometimes think that others are in error respecting matters of which they believe themselves to possess a perfect knowledge, how do I know that I am not also deceived each time I add together two and three, or number the sides of a square, or form some judgment still more simple, if more simple indeed can be imagined?"
I will suppose, then, not that Deity, who is sovereignly good and the fountain of truth, but that some malignant demon, who is at once exceedingly potent and deceitful, has employed all his artifice to deceive me; I will suppose that the sky, the air, the earth, colours, figures, sounds, and all external things, are nothing better than the illusions of dreams, by means of which this being has laid snares for my credulity; I will consider myself as without hands, eyes, flesh, blood, or any of the senses, and as falsely believing that I am possessed of these.  

Rene Descartes: *Meditations on the First Philosophy*, p. 27

Doubtless, then, I exist, since I am deceived; and, let him deceive me as he may, he can never bring it about that I am nothing, so long as I shall be conscious that I am something.
So that it must, in fine, be maintained, all things being maturely and carefully considered, that this proposition I am, I exist, is necessarily true each time it is expressed by me, or conceived in my mind. Descartes, op cit. p. 30

"It is a thing that doubts, understands [conceives], affirms, denies, wills, refuses, that imagines also, and perceives". Descartes, op cit. p. 34

(41) Rørne Døker, Autismat og Pæsken. Sermarjong, 1985. 188 s.


(43) Rørne Døker, Autismat og Pæsken. Sermarjong, 1985. 188 s.


(45) Rørne Døker, Autismat og Pæsken. Sermarjong, 1985. 188 s.


The first was never to accept anything for true which I did not clearly know to be such; that is to say, carefully to avoid precipitancy and prejudice, and to comprise nothing more in my judgment than what was presented to my mind so clearly and distinctly as to exclude all ground of doubt.

The second, to divide each of the difficulties under examination into as many parts as possible, and as might be necessary for its adequate solution. The third, to conduct my thoughts in such order that, by commencing with objects the simplest and easiest to know, I might ascend by little and little, and, as it were, step by step,
to the knowledge of the more complex; assigning in thought a certain order even to those objects which in their own nature do not stand in a relation of antecedence and sequence.

And the last, in every case to make enumerations so complete, and reviews so general, that I might be assured

21. Descartes, op cit. p"that nothing was omitted
پول لوبک (سستربرشتیار): فرهنگ تاریخ اندیشه‌ها. مطالعاتی درباره گزیده‌ای از اندیشه‌های اساسی. ۲جلد. ت: گروه متجمان، تهران، انتشارات سعاد. ۱۳۸۶. مatlابیته و پوئ نام پاها، جلد دوم، ص: ۱۲۸ (۱۰۸)

(۱۰۹) نمی‌سخت‌الیس: میتافیزیک. و. مجمهده کمال، دمگاه چاب و بهخیپ
سردم. ۲۰۰۸. ل: ۲۸۰ همراهی سبب یافته به زاراوی دیالیزم له هزری فلسفه‌یی
خورناها بروانه: ۱۳۹۸.

(۱۱۰) واپنر (سستربرشتیار): فرهنگ تاریخ اندیشه‌ها. سه‌جلد، پیشه‌ور، ۲۰۰۶. جلد
دوه، ص: ۱۳۷۶.

(۱۱۱) دایانه کالینسون: ۵۰ فیلسوف بزرگ، از تالیس تا سارتر. ت: محمد رفیع
مهرابادی، تهران، مؤسسه انتشارات عطایی، ۲۰۰۱، ص: ۳۱۱
(۱۱۲) رنه دکارت: اعتراضات و پاسخ. ترجمه و توضیح از: علی م. افاضل. تهران:
شرکت انتشارات علمی و فرهنگی. ۲۰۰۲، صص: ۱۴۹.

(۱۱۳) ادم مورتون: فلسفه در عمل. مدخلی بر پرسش‌های عمده. ت: فریریز مجدی،

. پول لوبک (سستربرشتیار): Politekens filosofi leksikon, op
cit. p. 95

(۱۱۴) رین دیکارت: چندر وردیونومیهاک له باره میتافیزیک‌هه. و. له
نامانی‌هاه: د. حمید عمیری، سلیمان، به‌پرده‌بی‌تی خانه و هدرگران. ۲۰۰۱، ل:
۳۲۵.

(۱۱۵) رین دیکارت: چندر وردیونومیهاک له باره میتافیزیک‌هه. همان
سمرجاه، ل: ۳۲.

(۱۱۶) رنه دکارت: اعتراضات و پاسخ. ترجمه و توضیح از: علی م. افاضل. تهران:
شرکت انتشارات علمی و فرهنگی. ۲۰۰۷، صص: ۱۳۲.

(۱۱۷) رنه دکارت: اعتراضات و پاسخ. سه‌جلد، پیشه‌ور، ص: ۲۰۰۳.
(۱۸) رنگ دکارت: اعتراضات و پاسخها. همان سمرجاوه، ص: ۲۸۱

(۱۹) رنگ دکارت: اعتراضات و پاسخها. ترجمه و توضیح از: علی م. افضلی. تهران:
شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۲۰۰۷. ص: ۱۹۳.

(۲۰) رین دیکارت: چندن وردوبونومیکه ل بهاری میتافیزیکیه. و. له
نامانیه: د. حمید عمزی، سلمانی، بهریوه‌رتن خانمی و درگیران، ۲۰۰۵، ل:
۲۵ و ۲۶

(۲۱) رین دیکارت: چندن وردوبونومیکه ل بهاری میتافیزیکیه. همان
سرماژوه، ل: ۲۵ و ۳۱. همودرا بهروانه ل: ۳۱ و ۳۲. حانم سمرجاوه.

(۲۲) رین دیکارت: چندن وردوبونومیکه ل بهاری میتافیزیکیه. همان
سرماژوه، پیشیم، ل: ۱۲۲-۱۲۷. تریدا پُیویسه نوه به بری خویش بهینه‌یه.

(۲۳) رین دیکارت: چندن وردوبونومیکه ل بهاری میتافیزیکیه. سمرجاوهی
پُیویسه: "پُیویسه معلل نوبه و سروش لودا بمبی پیکیتالی لندامگانی کار
دمک مه‌موقع جنو ل کاتژمندا درمه‌موقع که له بنومن و پیچکه دروست
کره و له همود رزمگی و زرنگی نوبه پیکویکر و جاکر کاتئیکنه دهند." ل:
۱۷۹

(۲۴) ت. ز. لاوی: از سیاقی تا سارتر، ت. برودی باشی، تهران: موسمه انتشارات
نگاه، ۲۰۰۵. ص: ۱۴۴.

(۲۵) رنگ دکارت: اعتراضات و پاسخها. ترجمه و توضیح از: علی م. افضلی. تهران:
شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۲۰۰۷. ص: ۴۴۲.

(۲۶) نمی‌خور کنی: (ناراژ انیشیته‌کان و ولادمیکا) ه، که سمرجاوهیمکی دکمگیون و
سمرجاوهیمکی بوهو و لهزوره‌یا باراستونیه. رنگ دکارت: اعتراضات و پاسخها.

۲۰۴
ترجمه و توضیح از: علی م. افاضلی. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی 2000

(137) بیو تدوین دیکارت له کتیبه نابرگزاریم و ولادی و (کپرسیلیه) چه بررسیاری لیکردو می‌گذارد، نهگیر نمایی مادي یپه، جوئن دیوتوئی جسته بخته جویه؟ نوویبرایمیتی "من هیچ‌یک نخوریم‌اومه سفر نمزم مکملی" و "نمگیر جهیزی هرودو جوهورئ نمزم و جسته‌نه له پاکر جیاوازی‌نه به‌نامه بنگره لهور لومنه کارگری بیکنه سفر پاکر" برانه؛ رنه دیکارت؛ اعراضات و پاسخ‌ها. ترجمه و توضیح از: علی م. افاضلی. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی 2000. ص: 335

(138) بیو تدوینه بروانه نامه‌که (ب. گاسنی) بیو دیکارت. که له لایره: 331 بیو 430 کتیبه اعراضات و پاسخ‌ها. (نابریزه‌یتیمکان و ولادی) دا بلاو کراومینه‌وه.

سفرجاومکان:

یکم: بهره‌همه فلسفه‌یکانی دیکارت:

(تیبیدن، وک خویش‌نده بهینه ثابتی بیشتر به یمک سفرجاوم و یمک ورکرگیان دنیه دیکارت نیم‌پیما هم. بوی هرهی سوودمان له جهند ورکرگینی هنمان دنک بو همان زمان ورگرتین و نمهمامشان لهو بیوجوونه‌وه به بسانند زانیوه. که له سمرداری ساسکه‌وه و له بشی میتوک دا روپوجن کردوموه)

- دیکارت. دو: جهند وردیویومه‌وه له بیاره میناوازیکومه. بهره‌همکانی فلسفه‌وه و لیکوئیدیومه‌وه درباره‌ی بکاره‌ینه‌ی رسی دز و توزیع‌یوه زانستی و ورکرگینی له نمهمامی‌وه د. حمید عمری‌وه و مهربمان‌وه رؤشنبری‌ی به‌پرویه‌یه‌یان خانده و ورگرگنی. سالرانه 2005.

- دیکارت. سه: تیبا به میناوازیکومه له فلسفه‌یه یکمک. و له عومری‌وه:

Descartes, Rene: **MEDITATIONS ON THE FIRST PHILOSOPHY**. Translated by: John Veitch L. L. D. Electronically Enhanced Text (c) Copyright 1993 World Library, Inc.

Descartes, Rene (1637): **Discourse On The Method Of Rightly Conducting the Reason, and Seeking the truth in the Sciences.** Translated by John Veitch, LL.D. Electronically Enhanced Text (c) Copyright 1993 World Library, Inc.


- Akbar, Sasan: *Zan az Dideh-e Falsafa*، سیاسی گربه. ترجمه و تالیف: م. نوری، زاده، تهران: فصیحة سرا، 2004

- حسنی، د. عبدالنور: *المتمبلك: المصطلحات الفلسفية*، ت: مختصر، مطبعة المدبولی، القاهرة، 2000

- لوى، زنده: *علق مذكّر (نامه‌نگاری و زنانی در فلسفه غرب)*، ت: محبوبة، مهاجر، 1382 (2003)

- ریویوی، کلود: *دراماتی بر انسان شناسی*، ت: ناصر فکوهی، تهران: نشر نی، 2000

206
- بیتیس، دانیل، انسان شناسی فرهنگی، ت، محسن ثلاثی، تهران، انتشارات علمی، (۱۳۸۵)
- سیوحلی، ریتا، پانتئاپیکانی دیه‌گاه: "پاسکی تپری"، در سیمپوزیوم بین‌المللی تیپ گلوکوزیکانی
- نیروان (حکومت، محله، شار و خیابان) له کومه‌گاه کوروید "ه. ل. کوهاری، سمنته‌ری
- براپوئیت، زمراه (۲۰۰۲)
- سیوحلی، ریتا: کتاب نال، درگاه جاب و بلوقردنی‌های موکرایی، هولین، بهشتی

سپیم "له ستایش کمرا" به نیسانکاردنی جمعیه له جهانی‌پی‌ناه نال دا، ۲۰۰۱
- مدرس، مه‌لا عبدالکریم و محمدی مه‌لاکریم، دیه‌گاه نال، لیکولینه‌ود، بیماری، ۱۷۷۳
- کلی، ماپک: دایره المعارف زیبا و شناسی، سرویس‌سازار، مشیت علایی، تهران:
- مؤسسه فرهنگی گسترش هنر، ت، گروهی از مترجمین، (۱۳۸۲)
- اسکوئرت، راجر: کتاب، ت، طرح نو، ۲۰۰۴
- هگل، گ. و: عقل در تاریخ، ت، دکتر حسین علی‌نیا، تهران: شفیعی، ۲۰۰۶
- نوذری، حسینعلی: بازخوانی هابرماس، درامدی بر ارائه انديشتها و نظریه‌ها
- بورگن‌لی‌هابرماس، تهران: نشر خسروی، (۱۳۸۱)
- ابو کوشه، و استیفن، اب: وآگان مکتب فرانکفورت، ت، افشین هیانا، تهران:
- نشر رز، ۲۰۰۵
- لاتون، ت. ز. از سیرینت تا سارتر، ت، برویز پاپایی، مؤسسه انتشارات نگاه، تهران:
- (۱۳۸۴)

- کانت، ایمانول، سنجش خرد ناب، ت، دکتر میرشمس الدين ادبی سلطانی، تهران:
- موسسه انتشارات امیر کبیر، (۱۳۸۴)
- مورتن، ادم: فلسفه در عمل، در مدلی بر پرسش های عمده، ت، فروریز مجدید،
- تهران: انتشارات مازیار، (۱۳۸۴)
- افلاقون، جمهور، دوره کامل اثر، ت، محمد حسن حسن‌نژاد، انتشارات خوارزمی،
- تهران (۱۳۸۰)

۲۰۷
سپیه، هفته‌نگار و تایپگری‌بیداران:

- Poul Lubcke (Redigeret): Politekens filosofi leksikon, Politikens Forlag, Copenhagen, 1996

- عمیدونالی‌پور، همیشه: فهرست‌های همیشه، ب: ۱۲۰۰ (نام‌دارکردن و ویرگرپن)، دورگاه توزیع‌نامه و بلاوک‌درندومی موقرینی، هولنر، ۲۰۰۸.

- دلی، لئو: دکترت. ت. محمد یقانی (ماکان)، تهران، سازمان جامع و انتشارات اتحاد، ۱۳۸۳ (۲۰۰۴).

- کرم، یوسف: تاریخ الفلسفة الحديثه، بیروت/لبنان، دار الکارابی.

- Schacht, Richard: Classical Modern Philosophers (Descartes to Kant), Rutledge, London and New York, 2003
ملخص البحث

ديكارت والعقلانية

ريفوار حمّة أمين حسن سيوهلي
قسم الفلسفة- كلية الآداب- جامعة صلاح الدين- أربيل

هذه الدراسة محاولة لفهم فلسفة ديكارت، من خلال قراءة نقدية لأهم مفاهيمه الفلسافية، مثل: (العقل، العقلانية، الشك، ثنائية الروح والجسد، الله). وتوضح للقارئ أهمية، ومكانة، فلسفة ديكارت، ضمن التراث الفلسفي الأوربي.

كما يمكن عن هذه الدراسة، محاولة لتقديم مساهمة فلسفية باللغة الكردية، حول المفاهيم النقدية لدى ديكارت كخطوة أولية، ولكن أساسية، لترسيخ المفاهيم الفلسفية في اللغة الكردية، كاستثلال لمشروع تنموي، مستقبلي، لكتابة الفلسفة بلغتنا.

وبعدها لذلك فإن هذه الدراسة تتمدّى محاولة الفهم الشكلي لديكارت، الكيفية فهم فلسفيته بإمكانات وقوامات اللغة الكردية على التعبير، بأعتبارها لغة تقليدية ذات مفاهيم و مفردات بسيطة، بعيدة كل البعد عن اللغة الفلسفية العاصرة، لأن الباحث يعتقد أن كل محاولة لفهم فلسفة ديكارت ينبغي أن تكون من خلال رصد مدى إستجابة اللغة الكردية لفهم هذه الفلسفة، والتعبير عنها.
Abstract

Descartes and Rationalism

(Rebwar Hama Amin Hassan)
Salahaddin University- Erbil
College of Arts
Philosophy Department

This paper is an attempt to answer some controversial questions related to how understand Descartes philosophy through a critical reading to his usage of few concepts, especially such as "reason", "Rationalism", "Doubt" "dualism" and "God".
Beside that, the paper elaborate and improve for the reader the importance of Descartes method in the philosophical tradition and which position he takes place in it.
In this philosophical approach, the author introduce a new reading for Descartes text in the Kurdish language and the possibility of interpreting ant translating his many use of concepts and some philosophical problems. The question is: how to implement Descartes work in the Kurdish language as intellectual project?
The mane question for researcher is: Is the Kurdish language potentiality able to explain and produce similar concepts to Descartes use?
القسم العربي
عالم الحيل ابن الرزاز الجزري

162 هـ / 1265 م
(دراسة عن حياته وسيرته العلمية)

د. أخو برهان محمد
قسم التاريخ / جامعة كويت - كلية العلوم الاجتماعية

المقدمة

تعد الدراسات التاريخية في مجال النشاط العلمي من الدراسات المهمة حيث تلقي الضوء على جانب مهم من جوانب تاريخ الحضارة الإنسانية والبحث في هذا المجال تكشف النقاب عن الوجه الحقيقي لتأريخ الحضارة الإسلامية وأبرزها، ومنذ فجر البشرية كان الإنسان ميالاً بالفطرة للبحث عن سبيل جديدة تجعل حياته أسهل وأكثر إنتاجية، وكان هذا المسعى يوصل الإنسان مراراً لابتكار أدوات جديدة تقلل من حاجته للجهد البدني في حياته اليومية ومعيشته، ومرور الزمن وتراكم الخبرة أخذ الإنسان يوظف قدرته الإبداعية للبحث عن طرق تجعل هذه الأدوات تعمل من تلقاء نفسها، وهذه الرغبة هي التي كانت وراء تطور الآلة ذاتية الحركة.

ومن حملة هذه الجهود الدور الذي اضطلع به ابن الرزاز الجزري في خدمة الحضارة الإنسانية، فقد كانت له اليد الطويل في إدراك الحركة العلمية وآفاق من العرفة، وكان يجمع بين العمل العلم وفضله للآلات وصف مهندس مبتكر مبدع عالم بالعلوم النظرية والعلمية، لكن على الرغم من أنه يعد من المخترعين الميكانيكيين، إلا أن المعلومات عن حياته تكاد تكون مقتضبة، وقد قضى حياته في مدن إقليم ديار بكر في كردستان وحظي
برعاية امرائها، وهناك تخصص في ابتكارات الهندسة الميكانيكية التي ان
اصبح من كبار مهندسي علم الحيل في البلاط الاميري.

ان مثل هذه الدراسات لم تنل اهتمام المؤرخين والدارسين لفترات
طويلة، ولسنا ان الباحثين قد تركزوا جهودهم نحو دراسة النشاطات
السياسية والعسكرية هتوفرت فيها مادة تكاد تكون غزيرة وواسعة تكفي
دراسةها، لكن الجانب العلمي لم تنل نصيباً واضحاً من الدراسة ولذا
ستدرسها وتحاول إلى إبراز هذا الجانب المشرق من التاريخ الكردي في العصر
الوسيط. ولذا كانت الحاجة ماسة لدراسةها ضمن بحث أكاديمي، بالإضافة
الرغبة في دراسة وضافة اسهامات العلماء في كردستان خلال مدة معينة
من التاريخ الإسلامي وتقديم صورة واضحة عن تاريخ العلم والعلماء في
المنطقة.

افتضحت الدراسة تقسيم البحث الى محاور عدة بدءاً بمفهوم علم الحيل
ومن ثم اسمه ونسبه وبعدها التطرق الى عصره ونشأته ثم علاقته
بالأمراء المحليين والحريطيين به مع دراسة منهجه العلمي والطرق التي اتبعت
واضاء نماذج من محاولات البحث، واخيراً لابد من عرض أهم
نتائج البحث المتمثلة بالاستنتاجات، وقد اعتمد البحث على مصادر
ومراجع ومن أهمها مخطوطة (الجامع بين العلم والعمل النافع في صناعة
الحيل) لابن الرزاز الجزري.

علم الحيل (الميكانيك):-

فقال الخلق في تفاصيل البحث لابد من الاشارة الى مفهوم علم
الحيل أو الميكانيك وتحديد معانيها المعرفية، وقد كانت تسمى في العصر
العثماني 1758-49/1931-1958 الميلادي بعلم الآلات الروحانية أيضاً وذلك في سبيل
ارتفاع النفس بغمض تلك الآلات (1)، التي تعالج كثيراً من الظواهر الطبيعية
المرتبطة بطبيعة المواد والصوت والحركة والضوء والغناصيس وغيرها
والهدف منها خدمة الإنسان في حياته الخاصة (2)، وقد قسم البحث بشكل

216
عام إلى قسمين احدهما يخص بالبحث في الآت الحركات وصناعاتها العجيبة، وثانيهما يتناول في جر وسحب ورفع الانطلاق بالقوة اليسرة. وكذلك الاستعانة إلى دراسة هذا العلم من حيث حركاتها الفيزيائية، فضلا عن القيام في سبيلها بدراسات حيوية ذات بعد نظري وعملي في أن واحد وذلک في إطار علم الحيل والذي نعني به عمل آلات متحركه بنفسها أو بالجهد البسيط.

ويقول الباحثون أن لحركة الترجمة كان دورها في انتشار هذا العلم في العصر العباسي والاستفادة من المؤلفات القديمة، ولاسما ما توصل اليه اليونانيون من ابتكرات وترجمة بعضها إلى اللغة العربية، ثم عكفوا على تمحيص وتدقيق ما كتبه السابقون في هذا المضمار، واستكمال ما شرعوا فيه من التجارب والبحوث واكتشاف مالم يبتكرن وما يتوصلوا ليه غيرهم من نتائج، وبذلك خلقوا وابدعوا في علم الحيل وجعلوا علما متكاملاً، ذاته مستندة على ركائز وأسس علمية تطبيقية وليس من فروع نظرية وأهمام غير علمية عن كيفية خروج الياه من الاعمال التي لعلو والبحث في الجاذبية وعن العلاقة بين سرعة الجسم والبعض الذي يستغرقه وحركة الدوافع والآت الرفع البينية على قواعد ميكانيكية علمية ثابتة من حركان الاعتدال بقوة بسيطة وكذلك استعمال موادتين دقيقة للغاية ومعرفة أنواع المواد وعملها، ويرتبذ بذلك بحثهم في الروافع والأنوية وبالتيها وعمليا ومنظورها واستخدامها في رفع اتقال ضخمة بجهد ضئيل ، بالإضافة إلى حركة الأجسام الصوتية وغيرها.

إسمه نسيئه.

هو أبو العز يبو بكر اسماعيل بن الرزاز الجزائري، المعروف بديع الزمان اما عن سنة ولادته فلا تدمنا المصادر التاريخية والبرامج بمعلومات كثيرة عنها غير أنه ولد في جزيرة ابن عمر (بوتان الحالية) في سنة 1215 هـ / 1800، ولذا نسيئه بالجزرية (بوتان الحالية). أما أصل بيئته واجهاده فلا تدمنا أيضا المصادر بمعلومات عنها. واجمع المؤرخون بأنه قد عاش أيضا في أقيمن ديار بكر

317
متنقلة في روعها ومدنها منها مدن حصن كيفا (حبيه نكيف) (4)، وأمّد (ديار بكر) (5)، وماردین (6)، والمتتبع للتاريخ هذا البلد يرى بأنها كردية الأصل حيث ذكر المؤرخ الروسي (فلاديمير مينورسكي) يكون جزيرة ابن عمر الوطن الأم للشعب الكردي، وفي العصور الإسلامية كانت تعرف بـ(جزيرة الكردي) (7)، أما مدينة أمّد التي تعد قاعدة لإقليم دياربكر، فقد كانت ولازال تعد من أهم المدن الكردية، وكذلك الحال بالنسبة لمدينة حصن كيفا ويصددها يشير المستشرق (ميجر سون) بأنها سكانها وعلى مدى التاريخ كانوا من الكرد (8)، ويقول المؤرخ ابن شداد أن مدينة ماردين مدينة عريقة وكانت معظم سكانها من الكرد (9).

ولم تشر الروايات التاريخية ولا في مخطوطة ابن الجزيري بكونه قد غادر إقليم دياربكر (10)، وجاء إلى العراق أو إية منطقة أخرى، كما ذكر أحد الباحثين المحدثين الذي يرجع إصله إلى الفنسر العربي وعِيشه في الجنوب العراقي دون انسداد أو دليل واضح، وهذا نابع عن التحصيب القومي من خذل الباحث، ومن حيث ارفاع العلماء في النسب العربي ولاسيما فإن أشتهار هذا العالم الميكانيكي في العصور الوسطى من خلال مابدعه من الابتكارات والإبداعات في المجالات الميكانيكية والهندسية فاقت تصورات ذلك الزمان في هذا المجال.

لم يتوقف نشاط الجزيري بل تابع بعزم أفقاً لمعرفة وظيفته العلمي النثري ومنفعته للأخرين إلا أن وفاته الأهل عندما كان متواجداً في إقليم ديالبكر وكذلك مابين جمادى الآخرة وشعبان سنة 2005 هـ / كانون ونينسان سنة 2005م (11)، ووري جثمانه في مدينة حصن كيفا ابن عمر في مسجد (النبي نوح عليه السلام) وقد كتب على فهره هذا ما نصه: ((رئيس الأعمال بديع الزمان اسماعيل بن الرسول الجزيري) (12).

عصره ونشأته:

لاعتمدنا المصادر التاريخية الإسلامية اية معلومة أو حتى إضاءة أو إشارة عن الجزيري وكتابه، حيث لم يقوموا بمتابعة سيرته ولا يوجد له ذكر حتى

٣١٨
في كتب التراجم والطبقات وسير الرجال أو حتى من خلال كتب التواريخ العامة أو تواريخ المدن ويعزى ذلك لما لعدم وصول اخباره إلى مسامعهم أو لتركز المؤرخين على الناحية السياسية أكثر من غيرها، ولذا السبب نجد عن دراسة حياته القليل من الباحثين المعاصرين ممن عنوا به لذا يمكن القول ولا تتردد بأن اخبارها يسودها نوع من الإهاب والغموض.

لقد عاش العالم الميكانكي في النصف الثاني من القرن السادس الهجري(1)، وذاع صيته بين أفرائه في إقليم دياربكر، ومن خلال المخطوطة التي كتبه في دياربكر ولاسيما المقدمة التي نجد فيه بعض المعلومات عنه بكونه لم يترك هذا الإقليم بل كان في تردد دائم بين مدنا ، والراجح أنه تعلم و تثقف على يد كبار علمائنا و مفكرينا كما نجد عند كل طالب علم.

قد نشأ نشأة علمية في هذا الإقليم الذي غذ عريقة في الحضارة والدينية ، وهناك شواهد بارزة على الدور المهم الذي نهض به هذا الإقليم في مسيرة الحياة الإنسانية ولاسيما في القرنين الخامس والسادس الهجريين / الحادي عشر والثاني عشر الميلاديين والساحة العلمية في النهضة العلمية و الثقافية في ذلك العصر ، وترجع بدايات هذه النهضة إلى الامارة المروانية الكردية (372-389 هـ / 983-990م) التي كانت عاصمتها مدينة ميافارفين (2).

وقد نشأ الجزيء في ظل الامارات الارتقية (3) المتواجدة في ديار بكر واقليم الجزيرة كان لها دورها في إقامة العديد من المشاريع العمرانية والحضارية في المنطقة أيضا، بفرعه الأول الذي سمى بالطبيق السكنانية أو فرع أماد و حصن كيفا (350-340 هـ / 960-970م) والثاني سمى بالجماعة الايلغازي أو فرع ماردين وميافارفين (880 هـ / 1475م) (4)، وقد ادركت الامارات الارتقية بالإقليم الجزيرة ان فئة الدولة وعزة توقف على سعادة افرادها ورضاه، لذا عكفت على فرض الأمن والاستقرار في مناطقهم ، فهذا هو الامير قطب الدين ايلغازي بن نجم الدين القي الذي حكم ما بين سنوات (598-574 هـ / 1192-1176م) شرع في إقامة المشاريع العمرانية والاقتصادية والاجتماعية فضلا عن الرغبة المستمرة لديه في

216
الثواب والحسنت حتى صارت بلاده مزدهرة(16). وعلى سبيل المثال أيضا
نجد الملك الصالح ناصر الدين أبي الفتح محمود بن محمد بن قرا ارسلان
صاحب آند وحصن كيفا الذي حكم لسنوات ( 1167- 1220 هـ/ 1754- 1793 م).

حيث كانت الوضع السياسة في عصره ذات هدوء تام وطمأنينة
مستمرة(17)، وما استفاد منه عالمنا ابن الجزيري من رعاية وتسهيلات(18).

وتعت المدة التي عاش بها ابن الرزاز فترة هدوء ورخاء حيث استقرت
الوضع السياسي في عصره و مما كان له الأمر الواضح على نشأته
وتكوينه، وكذلك ساءت الهدوء والطمأنينة داربكر مما انعكس بشكل
ايجابي على النواحي العلمية والفكرية وفضلًا عن تقديم النواحي
الاجتماعية والاقتصادية التي شهدتها عصره.

علاقته بالأمراء:
كان العلماء يحظون باهتمام ورعاية السلطات السياسية ولهم مكانتهم
المميزة لدى الأمراء الذين يشجيعهم للعلماء يزيدهم محبة لدى المجتمع,
ونظراً لنزلة ومكانة العلماء في قلوب الناس، فكان لهم بالثرثرة في هذا
المجال رعايتهم وأكرارهم للعلماء واحترامهم لهم، فقد نال العلماء
ابن الرزاز الجزيري من العناية الكريمة من لدن الأمراء داربكر وحظي من
عندهم واتهاموا به مقدمين له جميع التسهيلات اللازمة وشجعوا عليه
مهنته كمخزّع للآلات البغداوية(19).

وانتت للاستماتة الامبراطورية في داربكر أيضاً دورها في تشجيع السيرة
العلمية في المنطقة، فتوج أرمانها نحو خدمة الثقافة من خلال رعايتهم
ومساندتهم العلماء فيها وأصبحت مناطقهم منتدى لعلماء الأدب، فالمنس
العلماء في مختلف مناطق العالم الإسلامي الرغبة فيها ونالوا فضائل من
العانية فيها(20)، ولذا أن سياسة كهذه دفع العلماء في الدخول إلى خدمة
الأمراء وهم بدورهم قد وراء بعضهم مناصب أدارية مهمة فيهم(21).

وهكذا نجد أن أقليم داربكر قد تمتعت في ذلك الوقت بمكانة كبيرة كمركز
للثقافة والعلوم سواء الطبيعية منها أو التقنية(22)، نرى قيام الأمراء

270
بتكرير هؤلاء العلماء وما قاموا به وقدموا من تشجيع وتطوير السيرة العلمية في ذلك العصر (30)، ولم يقتصر الأمر على هذا الحد بل اتجه نحو تأسيس المؤسسات العلمية كالدارس والخدمات العامة (31)، وليس غريباً إذا قالنا أن الامراء قد أتفقوا اموال طائلة في سبيل النهوض العلمي في المنطقة (32). لذا قدم العلماء ومضمنهم ابن الجزيزي مؤلفاتهم العلمية لأمراء دياربكر فكوفنها على إثر ذلك بهبات كثيرة، وصلت دايمة غير مقطوعة لدن الامراء فالتمس العلماء في كل مكان الرغبة ففالوا إليها، وبما أن عالينا ابن الجزيزي قد عاش في تلك المنطقة ولاسيما أنه قد قضى جزءًا من حياته ومسيرته التعليمية في مدينة حصن كييفا أنه كان مقربًا إلى حكامها وبالأخير من السكنان الذين عدنوا به عائدة فائقة حتى أصبح يتقلد منصب رئيس المهندسين فيها (33).

ونظراً لما تميز به شخصيته من ملامح بارزة الأمر الذي عرف عنه بهذه الصفات من امراء زمانه اذكى من فضله ومنزلته ومتابعته التقنية والمعمارية الفذة منهم الامير نور الدين محمد بن قرا ارسلان بن داود صاحب أسد وحصن كييفا الذي حكم بين أعوام (570-585 هـ / 1174-1189 م) (34)، إذ وصفه المؤرخ الطبيب ابن أبي اصبيعة بكونه محا للعلماء والأطباء وكريماً وسخياً لا يبخل بإعطاء الاموال والهبات والارزاق لهم (35)، وقد كان الجزيزي ترتبط علاقات وطيدة بهذا الأمير وصار تحت رعايته وتشجيعه وتقدير كل الاحترام والتقدير من لدن هذا الأمير ومتابعة مشاركته ومنجزاته من الهندسة الميكانيكية عن كثب (36).

وكان للجزيزي علاقات وطيدة بالملك الدين سليمان بن قرا ارسلان بن داود أيضاً الذي حكم لسنوات (585 هـ / 1191 م - 615 هـ / 1219 م) وصار يلوح الملك ال وطليقة ودوره في صنع الاملاك من ادوات الري والزراعة والات التسلية وغيرها (37) كذلك الحال كون علاقات طيبة مع الملك الصالح ناصر الدين ابفت محمود بن محمد بن قرا ارسلان صاحب أمد وحصن كييفا الذي حكم بين أعوام (579-589 هـ / 1232-1242 م) الذي وصف بكون دولته
ترعى وتحتضن عدداً غير قليل من العلماء والفضلاء ومحسناً اليهم مما انعكس بشكل إيجابي على الازدهار العلمي والثقافي في ربع بلاده، حتى وصف بأنه كان ((شجاعاً عادلاً محباً للعلماء))، بالإضافة إلى إطلاق رعايته وتشجيعه المهندسين ذوي القدرة والكفاءة، أمثال عاننا الميكانيكي الجزري الذي حظى عندنا بالعناية والاهتمام، وقد اعجب الملك الصالح ناصر الدين بمخرجاته الجليلة الأمر الذي كلفه بتأليف كتاب عن أهم منجزاته وأبحاثه الميكانيكية.

ومما دفع بالملك لتكليفه هذا الأمر الشهرة التي نالها الجزري كونه مختبراً ومهندساً فائق التوقعات، واستغرب الناس ببعض إلهامه وكتاباته العلمية، فكان رده على طلب الملك إيجابياً ولقي ذلك فور تلقية الأمر، ويقول الجنري إنه كان قبل ذلك في خدمة كل من والد هذا الملك واخيه، وان خدمته لهؤلاء بذات منذ عام 670هـ/ 1271م وانه قضى مدة عشرين السنين في خدمته ذاركه بأنه قد أطلع واستفاد من كتب القداميين ومن الآت الحيل الأخرى التي سبقته وشتي الأجسام والحركات والتامل فيها ومن ثم المباشرة بتابع هذه الصناعة والعمل الدؤوب وال التواصل والمثابرة والاستدامة لهذا العمل الشاق ردحاً من الزمن، واستمر في القول انه كان في ذات يوم قد عرض على الملك الصالح ناصر الدين أحد مخرجاته الأمر الذي اعجب به الملك أيضاً إعجاب ثم طلب منه ان يضيف كتاباً شاملاً عن شتى مخرجهات و منجزاته الميكانيكية والحيل الهندسية وبشكل دقيق وشرح تفصيلي، وهكذا لبي الجزري طلبه بعد تسليمه الأمر، ومنه لا شك فيه أن دافع التشجيع والعناية والعون كان من الاسباب الكافية لما قام به من انجاز كتابه الذي كلف به، واسمه بـ ((الجامع بين العلم والعمل النافع في صناعة الحيل)), وقد أُخرج سنة 1012 هـ/ 1604م (17) ومنه يلاحظ فيه براعة المؤلف في الصناعات الميكانيكية والحيل الهندسية، هذا وقد توهم أحد الباحثين يكون هذا الكتاب من تأليف شرف الدين اسماعيل بن احمد الامدي الموفى سنة 708 هـ. (18)
الجدير بالذكر هنا أنه قد دخل في خدمة امراء المنطقة وكون معهم علاقات وطيدة بدأ من عام 1970 هـ/1389 م إلى أواخر عمره أي ما يقارب من خمسة وعشرين عامًا(3)، وهكذا نجد مدى اهتمام السلطات السياسية بهذا العالم الجليل وما قدموه له من الاحترام وتشجيعه على ممارسة مهنته بالكفاءة العلمية.

منهجية علمية:

النهايات الجزيرة أصلب درسه على اساس المنهج التجريبي، إذ أن التجربة تصدرت واحتلت منهجه العلمي في عمله(4)، لذا أنكر على دراسة علم الجيل وهذا المصطلح كما اسلفنا من قبل بأنها تعني بالأساس للدلالات على الآلات الروحانية والأجهزة الآلية من خلال عمل تلك الآلات بنفسها أو بالجهد اليسير(5)، لم يخل في هذا المجال فقد ابتكر العديد من الآلات وتوصيلات إلى ما لم يتوصّل إليه آخرون من نتائج، وإدخالها وتثبيتها في مصنوعاته وجعلها يستند إلى ركائز واسع علمية تجريبية الامر الذي أدت بهذا العلم بان تكون له مكانة خاصة من بين العلوم الأخرى(6).

لقد برهن الجزيرة على اظهار مقدرة وامكانياته الفائقة وعظيته التكنولوجية المتطورة في هذا المجال، حيث تناول مواضيعه بالبحث والتدقيق والعمل اليدوي الدؤوب، وقدم العديد من الاختراعات العملية لتسهيل أمور الناس تخص العوام والخواص وكذلك الألعاب الليكانيكية المهذبة والآلات التي تحت صوتها موسيقية مدهشة وكذلك مضخات والات مائية معقدة لفرز الماء إلى الأعلى، هذا ولا ننسى براعته في صناعة الساعات وما تمسى في المصادر القديمة في ذلك الوقت بالبنكمات(7).

وكونه قد ذاع صيته في إقليم دياربكر لما قدمه من الإنجازات العلمية ولاسيما كانت وظيفته بالأساس من صنع الآلات والمكانن الليكانيكية والغرض منها خاصة اهل بلاده(8)، الأمر الذي أثار أعجاب الملك الساحل ناصر الدين ابن الفتح محمود صاحب امد وحصن كيفا السالف الذكر الذي كلفه بكتابة كتاب عنها(9)، ويتشفى لنا من خلال اطلاعنا على

٢٢٣
المخطوطة نجد بأن الجريزي قد جمع بين كل من علم الحيل النظرية التي كانت معروفة اذاك وبين النواحي التطبيقية العملية وثلك يمكن اعتبار كتابه يحمل ذات وجهين نظري وعملي في في واحد، و كان رأسخ القدم في فنه و ملما بكل الفنون الميكانية و يلاحظ في مخطوته كذلك براعة المؤلف في في كل من الرسم الصناعي والهندسي معا، و ابتكاره لكثر من الآلات ذات تفاصيل تطول شرحها، و باسلوب عملي و فني بين عمل كل آلة من تلك الآلات أو مخترعاته، كما أمتاز اسلوبه في تصوير مخترعاته التي تزين المخطوطة بأنها لا تبعد عن تأثيرات الفنون البيزنطية و المسيحية في العصور الوسطى عليها.

وهنا تجد الاشاره إلى ان هذا العالم قد ادرك طبيعة العلاقة بين العلم والتكنولوجيا من التجريبي الاستقرائي، فمنذ الولادة الأولى صرح أن علم الحيل لايمكن ان تزدهر أبدا بمطلع من البحث العلمي، و يتم بدوره على تقديم العلوم الأساسية بشقيها النظري و التطبيقي، و كان طبيعيا لا بد منه ان يتوج الدقة دائما في نتائج استخاذ طرائق واساليب جديد مثمرة، واحكام من اجل الوصول إلى الحقيقة العلمية و الإفادة منها عن طريق النهجية التجريبية المتميزة في البحث العلمي، إلى جانب ذلك لا يخف كابه من الشروقات والرسوم التوضيحية المفصلة يعبر عنه الجريزي بأنها عملا بالغ الأهمية من وجهة نظر عملية وعملية بإعتبار أن مؤلفه كان فعلا مهندسا ميكانيكيا و خبيرا، و قد قدم شروحات بطرقه تجعلها شديدة الوضوح لقرائه، فليس هناك مجال للتخمين من جانب القارئ حيث يشرح النص بوضوح كل تصميم حتى ادق التفاصيل.

و عن كتابه فقد أشار به المستشرقون وعدوا من أروع ما كتب في العصور الوسطى، حيث قال عنه المستشرق (ماكس ماهروف) هذا نصه: ((قد أنشى كتابه عظيم التنافك في الميكانكا وال$s$اعات من افلا ما عرف في العالم الإسلامي))، أما المستشرق (هيل) فذكر قائلا: ((لم تكن بين اديتنا حتى العصور الحديثة اي وثيقة من اية حضارة أخرى في العالم فيها.

٢٧٤
ما يضاهي ماني كتاب الجزي里的 من غنى في التصميم وفي الشروحات الهندسية المتعلقة بطرق الصنع وتسريح الآلات (أولك غانبر) بين ابن الرزاز الجزيري تعد من أبرز صانعي الآلات الميكانيكية البديعة (26)، وقال عنه المستشرق (بول غليونجي): ((وهذه من الكتب الفريدة في موضوعها في العربية وفي العالٍن القدم وأدبيتهم، ووضيعاً، والتي لم تكن وفقاً للقرن الثاني من القرن الحالي - يقصد به القرن العشرين (25).، وأشار كذلك بان البحوث والموروث الإيطالي (ويندر) قد اعجب به كثيراً وتموقع في دراسته مبيناً فيها أن الجزيري سبق المخرّجين الإيطاليين في تصاميمه الهندسية بقرون بل واستفاد منه المخرّجين الإيطاليين كل الاستفاده (26)، واما المستشرق (جورج سارتون) فقد عده من أروع الكتب الميكانيكية التي ظهرت حتى الآن وأرزعة الانجاز في الحضارة الإسلامية (27)، كما اشاد به البروفيسور (لين وايت) واعجب بما اخترعه من تصاميم حول الساعات لم تعرف عنها اوروبا ذلك من قبل (28)، كذلك الطريقة الفرنسي (رينيه ناطون) الذي عده من المخرّجين البارزين ولاسيما في مجال صناعة الساعات (29).

ولاح جزم إذا كان قد استهر كتاب الجزيري في الغرب وترجمت فصول كثيرة منها في الرابع الأول من القرن العشرين إلى اللغة الألمانية وقام بها كل من (فيغمان) و (هاوسر)، كما ترجم إلى الإنجليزية وقام بها (دودال هيل) أحد البحرين المختصين بتاريخ التكنولوجيا. وفي البحرين الذي عند بريطانيا سنة 1973 عرض نماذج لالة رفع الميا صنعت حسب ارشادات الجزيري معتمداً على كتابه المذكور، وكذلك عرضت له في البحرين نفسه آلة لقياس كمية الدم التي تؤخذ من المريض، ومن الاختراقات التي أشاد به الجمهور والمعتبرين لبناجته العلمية له الساعات الدقيقة وهي مائة تحدد الوقت وتقدم اشارات وأشكال هندسية وتكنولوجيا بارعة (30).

وتجرد الأشارة هنا أن الجزيري قد اعترف بشكل صريح بأنه قد استفاد من السابقين ومن المعاصرين له (31)، لكنه لم يشر إلى الذين درسوا عليه علم الخيل
ولم يذكر اسم العمين به ماعدا يوسف الاسترلاحي وكان ينتقد أعمال
الليكانيكيين السابقين له أيضاً، وقد أصبح كتابه منهجاً فيما يقتدى به
اللاحقون من ذوي المهتمين بهذا العلم وكانت افكاره الليكانيكية موضوع اهتمام
علماء من بعيد وعلى سبيل المثال لا الحصر عالم الجيل (البيجوري) الذي عاش
في القرن التاسع الهجري / الخامس عشر الميلادي وغيره.

أطلال الليكانيكية:

ابتكر الجزري عدة أطلات لليكانيكية متعددة على التجربة والشاهد.
ويرجع في الرسم الصناعي الهندسي وابتكاراته من أطلات تدل على تمكنه من
هذه الصناعة الهندسية، وإن ما قام به تعد من أكثر الأعمال تفصيلاً من
نوعه ويمكن اعتباره ذروة الوصول في هذا المجال، والتغوص المخطوفة
يرى بأنها تشمل أطلات مختلفة من ساعات مائية وساعات تتحرك بعجلة
الغراني، وأطلات احتيل وأطلات قباس ونافورات وأطلات موسيقية ذاتية ومكانيك
لرفع المياه، وقد اردها في ستة أنواع:

النوع الأول: تشمل عمل البنکماتق – الساعات – وبشكل هندسي
مختلفة.

النوع الثاني: تشمل الأوانى العجيبة.

النوع الثالث: في عمل ابزار وطارات للوضوء.

النوع الرابع: في عمل آلات في برك تتحرك.

النوع الخامس: في عمل آلات رفع المياه من الإمكان المميتة والانهار الجارية.

النوع السادس: تشمل صناعة أشياء أخرى متنوعة ومختلفة.

بالنسبة لساعات، فيمكن تقسيمها إلى نوعين، النوع الأول وتشمل
الساعات المسطحة التي تقوم بقياس اليوم مقسم إلى أربع وعشرين ساعة
تقسيماً متساوية، وهي الساعات التي نستخدمها الآن، أما النوع الثاني فهي
تشمل الساعات الزمنية التي تقيس اليوم مقسمه إلى فئات كل قسم باثنTY
عشر ساعة مهما طال النهار أو قصر، وكان الغرض من تلك الساعات

226
لاجل تحديد الأوقات ومواعيد الصلاة والاعمال الفلكية وغيرها، ومن
ابرز ساعات المحسوب الجزيئي تلك ساعة الكبيرة الحجم ذات أجزاء تقنية
اللي دقيقة في شكلها الخارجي والداخلي، وكانت هذه الساعة هذه بالأساس قد
صنعت من قبل المهندس (يوسف الأسطرلابي) في ديار بكر ولقد فقد
تعطلت لمدة من الزمن الأمر الذي دفع الجزيئ إلى إصلاحها من قبله مع
تغير محتواها، وكانت الساعة مكونة من غرفة مزدوجة لأكثر من ثلاثة
امارات (م)، ويفسر في الوجه الخارجي منها صورة عالم الجوبي المتحرك إلى
جانب طائرين آلين يقومان بتحرك الكرات التي تحدث أصواتا ذات
آفاقات موسيقية إلى جانب وجود إشكال هيئته الإنسان عازفين على
آلات موسيقية مختلفة، وفي الاعلى دائرة الروج الاثنين عشر التي تدور
ببطء بحيث يختفي كل برج منها في نهاية الشهر لان كل برج عبارة عن
شهر من شهر السنة، ويلاحظ في الأسفل توجد فلك الشمس وتحت هذا
تلك الشمس ويأتي بعدها اثنين عشر بابا فعندهم كل ساعة ينفتح باب
ويخرج منه رجل اتى ككلاقالة أو إشارة لأكمل الساعة وكذلك نجد اثنا عشر
شفة مغطاة بالزجاج العنيف بعرفة ساعات الليل، من خلال اظهار الضوء
عليها تدريجيا كدليلة على اتمام الساعة، وهذا يعني أن ساعات الليل قد
تميزت بوجود الإضاءة فيها، كما يظهر في الشكل رقم واحد.
وقصد قام الجزيئي بصناعة ساعة الزوارات التي تعد دروة ما صنعه هذا
العالم اليوناني وهي تعتبر من السنوات المستوية، وأما من حيث الشكل
فهي نموذج جميل لزورق كبير، تتكون جزئياتها من الآلات والخيوط
والأعمدة والماء والأنابيب والبكرات والكرات وغيرها من الأدوات، كما يظهر
في الشكل رقم اثنين.
ويظهر من خلال الخطوط نيله بشرح صناعة وعمل ساعه أخرى
أيضا وهي ساعة الفيل بحيث فقد صممه معتدما على تجريب اجزاء الأجهزة
dاخليه لها وفيها يؤشر على مضي ساعات بثلاث طرق متباينة فمن
الباحة العملية يمكن قراءة الوقت أولا من ميزان تشير اليه صورة شخص

٢٥٧
دارة في أعلى الفيل وثانياً من فرصة كبير على قمة هيكل يشبه القلعة قائم على ظهر الفيل، حيث تتخلو من الفتحات السوداء الواحدة تلو الأخرى إلى فتحات بيضاء بعد مضي كل ساعة.

الغرض من الطريقة الثالثة يكمن في قيمته التهوية والواضح ان هذا الغرض هو اساس الاختراق لهذه الساعة الفيلى النادرة الطراز والشكل، ففي كل نصف ساعة يضفر الطائر الواقف في أعلى القبة و يستدير في الوقت الذي يضرب فيه سائق الفيل نفسه، ويحدث صوت دقه بمضرب الطبل. 

وبالإضافة إلى ذلك يحرك الرجل الصغير الذي يبدو عليه وكأنه يحتل من نافذة في جهة اليسار العليا ذراعيه وساقيه ليحمل النسر في الجهة السفلى على اطلاق بندقية. وعندما تتحرك هذه البندقة إلى أسفل تجعل التنين يستدير إلى ان تهبط بصفة نهائية في الزهرية على ظهر الفيل، ومن هنا تسقط في جوف الحيوان لتصبح نافوساً من النحاس ومن ثم تستقر خيراً في طاسة صغيرة. وبذلك يستطيع المشاهد للجبلة ان يحسى انصاف الساعات التي مضت وذلك باحتمال عدد الكرات الصغرى التي تجمعها في الطاسة، كما يظهر في كل من الشكل رقم ثلاثية ورقم أربعة.

ومن الساعات الأخرى الرائعة التي قام بصنعها هي ساعة الطوايس، كما يظهر في الشكل رقم خمسة، هذا إلى جانب صناعته لساعات مائية، منها كما يظهر في الشكل رقم ستة، ومنها كذلك ساعته المائية الذي اثار اعجاب ودهشة المشاهدين الذين شاهدواها من خلال عرض تموج منها في لندن في السبعينات من القرن العشرين والتي كانت تحدد الوقت وتقدم اشارات وتقوم بها دمي لدوران دائرة البروج، وتعاقب الشمس والقمر في فلكها الذي لا ي أغضاء له ولا انتهاء.

ومن الأنواع الميكانيكية الأخرى التي قام بصنعها الجزيزة آلات لرفع المياه من غيرها أو بئر أو نهر جار حيث اعطانا أشكال متعددة لرفع المياه وكلا مبنية على فوائد وأسس ميكانيكية، وقد استخدم في بعض أشكال الدواب من خلال عملية آلية هندسية بحيث أجاد فيها كثيرا، حيث شرع في صناعته نتيجة
لحاجة أهل بلاده لمياه الينابيع والأبار، ويظهر اعتماده على الدابة التي تقوم بدوران السنن الذي يدير مستانًا آخر تقوم بتجريك أربعة أشكال من السن والذي يقوم كل واحد منها بالضغط على اللولب التي تقع تحته وتكسب إلى مستوى الأرض، كما يظهر في الشكل رقم سبعة 

(56)

ومن المختراقات الأخرى التي برع فيها المخافة والتي ابتكرها لضخ الماء للسقي والري، منها أثنتين لضخ المياه كانتا مطورتين من الشادوف، التصميم عبارة عن أثاث يخرج به الماء من السواقى محتوًا في قناة داخل النزاع الذي ينتهي بمصب فوق قناة الري. وعادة كانت الحيوانات تستخدم لتشغيل هذه الالات وضخ المياه في السواقى، كما يظهر في الشكل رقم ثمانية 

(57)

ولابن الرزاز الجزيز أيضا اختراقات أخرى بعضها بقصد التسلية وبعضها للمنافع وجميعها تعمل تلقائياً وبنظام بديع، منها قيامه بصناعة الدمى والتمثال الآلية المتحركة بغرض التسلية، منها ما أظهره بصورة غلام جلال ممول من النحاس ومسك بيديه ادوات التجارة فتتحرك النراعين بالالادات وعلى المكس من البعض من خلال تحريك النقالة التي ربط بالذراعين، كما يظهر في الشكل رقم تسع 

(58)

وهناك أجهزة خاصة بالشراب تم تصميمها وصناعتها من قبل الجزيز بغرض اشاعة السحر والبهجة بين الناس في مجالس الشرب والانس والتراب والغناة، إذ تؤدي بعض اجزائها حركات خاصة، وما تحدث صواتها أو عرفها موسيقاً، كما أنها من حيث الشكل الخارجي تثير البناء صانعاً في الاحتراع نادر في أيامه، حيث تجلس عليها امراء فوق مربع ويديها فَّنَّتِهَا عازفة للفقد والدف والزمار ثم يعلوها باباناً وقبينة وفيها اربعة عازفات للعود والالله والذمار ثم يعلوها ببابان وقبينته، ووفق كلها فارس وبيديه رمح وتشمل اجزائها الداخلية على العديد من الأجهزة والألات المتصلة منها دولاب ماء وخبوع ونابيب وكرات وصولاً إلى لوته موسيقية واشياء أخرى، كما يظهر في الشكل رقم عشرة 

(59)

ومنها حوض متحرك ينسكب عند امتلائه الى حوض أكبر منه حجماً ثم ال كفات دولاب (مضخة) فيه قرص مسندة عند دورانه يدير قرصاً مسنناً
موازيا الافق له محور يرتزق في أعلاه جديد ينفذ عبر الكنوب الذي تنزلق عليه الوعامة ويخرقه الشراب النازل ليصب في الكأس، كما يظهر في الشكل رقم إحدى عشر \(^{(6)}\)، وصنع آلات أخرى لنفس الغرض ولكن بتصاميم مختلفة، كما يظهر في الشكل رقم اثنا عشر \(^{(4)}\). ومن الاختراعات الأخرى الدرس الذي استخدم فيه أدوات الحديد والنحاس وقرص كبير ذات مسامير، كما يظهر في الشكل رقم تانى عشر \(^{(5)}\).

في جانب الاختراقات التي قمنا بعرضها وبشكل مقتضب نجد في مخطوطة الجزري العديد من الاشكال والاختراعات الأخرى اليميكيكية وباستخدامه المعدن المتنوعة ومشتملا على رسوم توضيحية لالات مختلفة وما يتصل بتركيبها وبشكل بارع وكأنه رسام في صور أدمية وحيوانية وطبوغرافيا.

الاستنتاجات

تمتغش هذا البحث من خلال دراسة عالم الجيل ابن الرزاز الجزري دراسة عن حياته وسيرته العلمية عن نتائج متعددة واستقررتنا إهبا فيها بما يلي:

1- تبين لنا من خلال الدراسة اسهام الأمير في ازدهار الحياة العلمية وذلك بتشجيع السيرة العلمية ورعاية العلماء واعانتهم وتشجيعهم مما هيا ظروف ملائمة للعالم ابن الرزاز الجزري بالاشتغال النظري والعملي في صناعاته الميكانيكية.

2- من خلال اطلاعنا على المخطوطة نجد بأن الجزري قد جمع بين علم الحيل النظرية التي كانت معرفة اذاك وبين النواحي التطبيقية العملية وبذلك يعد كتاب نظري وعملي في أن واحد وأنه كان راشف القدم بكل الفنون وبالرسم الهندسي والصناعي.

3- لقد برهن الجزري على مقدرة الكرد الفائقة في هذا المجال، فتناول موضوعاته بالبحث والتفهيم والعمل الفني الدائب، فقد كانت لديه مخيلة مبدعة وقدم العديد من الاختراعات العلمية والاعجوبة الميكانيكية منها.
لفرض دفع الاماء إلى الاعلى وتشكيله بهذه الصور المتعددة، وأنواع الساعات (البنكامات) والات النسلية والشراب وغيرها.

4. لقد كشف البحث مدى اهتمام المستشرقين والمورخين الأوروبين بهذا العالم، وكيفما أشاروا به ونخذرته وتناولوها في ثانيا كتاباتهم باللهجة والإعجاب.
5. تبين لنا أن هذا العالم اتبع النهج العلمي الرصين من خلال اسلوبه ودروسه على أساس النهج التجربي، إذ ان التجربة قد حضرت منهجه العلمي، الأمر الذي أدى بعلم الجيل بأن يكون له مكانة مميزة من بين العلوم.

هوامش

(1) طاش كرية زادة: مفتاح السعادة ومصباح السعادة في موضوعات العلم، مراجعة وتحقيق كامل بكري وعبدالوهاب أبو النور، دار الكتب الحديثة، الطبعة الأولى، (القاهرة: د.ت، ج.1، ص.379).
(2) سعيد عبدالله عاشور وأخرون: دراسات في تاريخ الحضارة الإسلامية العربية، منشورات ذات الصلة للطباعة والنشر والتوزيع، الطبعة الثانية، (القاهرة: د.ت، ج.4، ص.27).
(3) محمد الخطيب: تاريخ الحضارة العربية، منشورات دار علاء الدين، الطبعة الأولى، (دمشق: 1977، ص.2).
(4) ابن أبي الصيعة: عيون الأنباء في طبقات الاطباء، شرح وتحقيق نزار رضا، منشورات دار مكتبة الحياة، (بيروت: د.ت، ص.738؛ اليونان: ذيل مرأة الزمان، مطبعة مجلس دائرة المعارف العثمانية، الطبعة الأولى، (حيدر أباد - المكن: 1945)، ص.59؛ اسمايل باشا محمد امين البغدادي: هديه العارفين في اسماء المؤلفين وأثار المصنفين، منشورات مكتبة المثنى، الطبعة الأولى، (بغداد: 1957)، ج.1، ص.105.
(6) جزيرة ابن عمر: مدينة تقع على نهر دجلة وتعد من المدن الهامة لإقليم الجزيرة وسميت بهذا الاسم لأن النهر يحيط بها من ثلاث جوانب. ابن بطوطس رحلة ابن بطوطة (تحفة الناظر في غزائب الأمازيغ وعجائب الأسفار)، تحقيق عبد الباقي التازي، (الرياض: 1999م)، ص.2، ص.348؛ يراجع سلام حسن طه: جزيرة ابن عمر في القرنين
السادس والسبع الهجريين/الثاني عشر والثالث عشر الميلاديين، رسالة ماجستير غير

(7) بول غليونجي: موسوعة العلوم الإسلامية والعلماء المسلمين، مكتبة المعارف، الطبعة

الأولى، (بيروت: د.ت، ج2)، ص 35.

(8) حسن كفاف، بلدة وقلعة كبيرة وعامة مشرفة على نهر دجلة بين أم دو وجزيرة

ابن عمر في القليم دووبر. ياقتون الحموي: معجم البلدان، دار أحياء التراث العربي

(بيروت: د.ت)، ج1، ص 3.35.

(9) أم دو: مدينة كبيرة في القليم الجزيرة وتعد قاعدة لإقليم دووبر، وتقع على

الجانب الغربي لنهر دجلة. نفس المصدر، مجموع، ج1، ص 57.

(10) ماردين: مدينة عامة ومنتشرة في القليم الجزيرة، حضينة ومنشآت مبني

بالأساس على قمة جبل شافق. ابن حوسر، صورة الأرض، دار مكتبة الحياة، الطبعة

الثانية، (بيروت: 1984م)، ص 2-29.

(11) الأكراد ملاحظات وانطباعات ترحيمه وقلق عليه وقدم له. مروف خزندار،

مطبعة النجوم، (بغداد: 1968م)، ص 4.

(12) ابن شداد: الأعلام الخطرة في ذكر أمراء الشام والجزيرة. حققه يحيى عبادة،

منشورات وزارة الثقافة والأرشاد القومي، الطبعة الثانية، (دمشق: 1986م)، ج1، ص 31.

(13) رحلة متنكر إلى بلاد ماردين والهرم وكردستان، نوره إلى المدينة، وحققه وقدم له

وعلق عليه فؤاد جميل، مطبوعي الجمهورية، الطبعة الأولى، (بغداد: 1980م)، ج1، ص 10.

(14) الأعلام، ج1، ص 147.

(15) ابن البراز الجزيري، مخطوطة جامع في العلم والمعرفة النافع في صناعة الحب،

نسخة مصورة في مكتبة الباحث عبد الرضوان يوسف في السليمانية- العراق، عن

النسخة الأصلية الموجودة في مكتبة أبا صوفيا بأستنبول. رقم (316-1)؛ زهير حميدان;

اعلام الحضارة العربية الإسلامية في العلوم العلمية والتطبيقية، منشورات وزارة

الثقافة، (دمشق: 1994م)، ج1، ص 123؛ محمد عبد الرحمن مرحبان: الجامع في تاريخ

العلوم عند العرب، منشورات عويدات، الطبعة الثانية، (بيروت: 1988م)، ص 37-33; عبد

الرحيم يوسف: الدولة الدوستوف في كردستان الوسطى – القسم الحضاري، دار نارس

للطباعة والنشر، الطبعة الثانية، (اربيل: 2001م)، ج2، ص 232.
الчив:

(17) يراجع: ماجد عبد الله الشمسم: الجزيي رائد الميكانيك التطبيقي العربي،

الوسوعة الصغرى، منشورات دار الجاحظ (بغداد: 1982)، ص. 10.

(18) زهير حميدان: المرجع السابق، مجلة 136، ص. 31، مصطفى محمود سليمان: تاريخ

العلوم والتكنولوجيا، الهيئة المصرية العامة للكتب (القاهرة: 1995)، ص. 34.

(19) عبد الرؤج يوسف: الدولة الدوسنستي، ج. 2، ص. 23.

(20) زهير حميدان: المرجع السابق، مجلة 136، ص. 12.

(21) الأمارة الرومانية: مؤسسا أبو عبد الله حسين بن دوستكت واللقب بـ (باد، باد،

باد، يعني صفر شاهين) وعندما أصبح ابن شقيقه الدايم أبو علي بن مروان على دولة

الأمارة كلف جهوده للسيطرة على الدين والطاعون، وحكمت الأمارة مناطق واسعة من

إقليم الجزيرة. فشلت مدن أميد ومياكارفين ودارين وجزيرة ابن عمر ونصيبين

وغيرها. ينظر الفارقي: تاريخ الفارقي، حققه وقدم له يدين عبد الله الطييف، عوض

الهيئة العامة لشؤون المعالم الأولية (القاهرة: 1959)، محمد سليمان زكي: تاريخ الدول

والامارات الكردية، عربه وراجبه محمد علي عوني، مطبعة السعادة (القاهرة: 1986،

م، ص. 18) وبعدها: محمد ياسين الكثيري، الأمارة الرومانية في دياركر والجزيرة.


(22) الأمارات الايرانية: تنسب هذه الأمارات إلى أتراك من أركاديني

الدائمين خليل: الأمارات الايرانية في الجزيرة والشام، 138-213ه/ 1073 - 1406م،

مؤسسة الرسالة، الطبعة الأولى، بيروت: 1980، ص. 37 وما بعدًا.

(23) حسن شمسياني: مدينة مارددين من الفتح العربي إلى سنة 931ه/ 1525م، عالم

الكتب، الطبعة الأولى، بيروت: 1980، ص. 37 وما بعدًا.

423
(32) المارديني: مخطوطات تاريخ ماردين المسني ام العبر، نسخة مصورة عن النسخة
الأصلية الموجودة في مكتبة السليمانية باستنبول، ورقة 10 ومايدها.
(34) ابن كثير: البداية والنهاية، دار ابن كثير، (القاهرة: د.ت، ج.3، ص.92) ابن تغري
بري: الوجه الزاهد في ملك مصر والقاهرة، دار الكتب المصرية، الطبعة الأولى
(القاهرة: 1953)، ج.2، ص.205.
(35) محمد عبد الرحمان مرحب: المرجع السابق، ص.373.
(36) بول غليونجي: المرجع السابق، ج.2، ص.127.
(37) عباس العراوي: تاريخ علم الفلك في العراق وعلاقته بالاقطاف الإسلامية
والعربية، مطبعة الجمع العلمي العراقي، (بغداد: 1958م)، ص.27.
(38) اليونيني: المصدر السابق، ج.1، ص ص.92، ص.95.
(40) المارديني، المخطوطة. ورقة 72007.
(41) Cahen: Artukids, The Encyclopedia of Islam,
(42) ابن شداد: المصدر السابق، ج.2، ص.542.
(43) زهير حميدان: المرجع السابق، محك.2، ص.12.
(44) لقد التبشير على الباحث عباس العراوي حينما ذكر أن الأمير نور الدين محمد كان
امبرلار ماردين فضلا عن ذلك قد ورد سوء كما اشترع بداية حكمه إلى سنة
326/1136م. راجع مقالته تحت عنوان (الخط العربي في تركيا)، مجلة سومر، (بغداد:
1971م)، محك.2، ص.529.
(45) عيون الأنباء، ص.50.
(46) حسن الباشا: التصوير الإسلامي في العصور الوسطى، مطبعة لجنة البيان العربي,
(47) حاجي خليفة: كشف الفلنون عن اسماء الكتب والفنون، منشورات مكتبة المثنى,
(بغداد: د.ت)، ج.2، ص.95.
(48) بول غليونجي: المرجع السابق، ج.2، ص.95.
234

(41) بول غليونجي: المرجع السابق, ج.2, ص.9.

(42) ابن الرزاز الجزري: المخطوطة, ورقة 1.

(43) حسن الباشا: المرجع السابق, ص.9.

(44) حاجي خليفة: المرجع السابق, ج.2, ص.1395. باقر أمين الورد: مجمع العلماء

العرب, الطبعة الأولى, (بغداد: 1982), ص.5.

(45) اسماعيل باشا محمد أمين البغدادي, المرجع السابق, ج.3, ص.211.

(46) محمد عبد الرحمان مرحب: المرجع السابق, ص.37.

(47) محمد حسين جوادي: الفن العربي الإسلامي, دار السيرة للنشر والتوزيع


(48) طاش كيرى زادة: المرجع السابق, ج.1, ص.279؛ عمر فروخ: تاريخ العلوم عند العرب,


(50) البنكادات, مفردة البنكاد وهي كلمة فارسية معرفة أصلها (بنكاد) التي تعني الساعات

التي صممت من الآلات لعرض أوقات الزمان. واتصل على الساعات بانواعها منها الرملية

والمائية والدورية أي التي تعمل بالدواليب تبديل بعضها ببعض وتمستندة على الصور والأشكال

المتنوعة في حركات مخصصة في اجسام آلات هندسية. للزيد بن مطرز: حاجي خليفة:

المرجع السابق, ج.2, ص.1395؛ صليح حسن القدنيجي: أجمل العلوم الوشي الرقوم في بيان احوال

العلوم, دار الكتب العلمية, الطبعة الأولى, (بيروت: د.ت.), ج.2, ص.131.


(52) ابن الرزاز الجزري: المخطوطة, ورقة 1-2؛ بول غليونجي: المرجع السابق, ج.3, ص.9.

(53) ينظر ابن الرزاز الجزري: المخطوطة.

(54) أبو الحمد محمود الفرخلي: التصوير الإسلامي نشأته وموقف الإسلام منه واصوله

ومدارسه, الناشر الدار المصرية اللبنانية للطباعة والتوزيع, الطبعة الثانية, (القاهرة:

3002 م), ص.104.
(55) سير توماس ارنولد: العلوم والطلب ضمن كتاب (تراث الإسلام)، عربه وعلق حواسية جرخيس فتح الله، الطبعة الثانية، (اربيل: 2002 م)، ج2، ص.494.
(56) زهير حميدان: المرجع السابق، ص32.
(57) The formation of Islamic Art , Yale University press ,
(58) موسوعة العلوم الإسلامية، ج2، ص.96.
(61) ينظر، تاريخ العلوم العالم – العالم القديم والوسطى من البداية حتى سنة 1450، ترجمة علي مقبل، المؤسسة الجامعية للدراسات والنشر والتوزيع، الطبعة الأولى، بيروت: د.ت، م، ص.464.
(62) محمد عبد الرحمن مرحب: المرجع السابق، ص327.
(63) المخطوطة، ورقة 2.
(64) عبد الرقيب يوسف: الساعات في كوردستان في القرون الوسطى، مجلة مه تين، دهوك: 1999م، العدد 25، ص ص.100.
(65) لطف الله قاري: الإنجازات العلمية للعرب والمسلمين في القرن التأخرة، الدار العربية للمؤسوسات، الطبعة الأولى، (دم: 1999م)، ص.231.
(66) ينظر، المخطوطة: حاجي خليفه: المصدر السابق، ج2، ص.135.
(67) لطف الله قاري، المرجع السابق، ص223.
(68) محمد عبد الله الشمس: المرجع السابق، ص28.
(69) مصطفى محمود سليمان: المرجع السابق، ص244.
(70) عبد الرقيب يوسف: الساعات في كوردستان، ص 100.
(71) محمد عبد الرحمن مرحب: المرجع السابق، ص42.
(72) عبد الرقيب يوسف: الساعات، ص210: ينظر اللحق، الشكل رقم (1).
(73) ابن الرزاز الجردي: المخطوطة، ورقة 154: زهير حميدان، المرجع السابق، ص139: ينظر: اللحق، الشكل رقم (2).
(74) ابن الرزاز الجزري: المخطوطة، ورقة 159/57؛ ينظر الملحق، الشكل رقم (3) جزء من ساعة الفيل. وتوجد رسم كامل لساعة الفيل أكثر دقة ووضوحًا على الموقع الإلكتروني www.zuhlool.org.

(75) ابن الرزاز الجزري: المخطوطة، ورقة 182؛ ينظر الملحق، الشكل رقم (5).

(76) زهير حميدان، المرجع السابق، ص 142؛ ينظر الملحق، الشكل رقم (1).

(77) راجع محمد عبدالرحمن مرحبا: المرجع السابق، ص 247.

(78) نفس المرجع، ص 324؛ ينظر الملحق، الشكل رقم (7).


(80) ابن الرزاز الجزري: المخطوطة، ورقة 159؛ ينظر الملحق، الشكل رقم (9).

(81) Oleg Garber: The formation of Islamic Art, p241 (8).

قائمة المصادر

أولا: المخطوطات:

ابن الرزاز الجزري: بديع الزمان اسمايل، (ت 1020هـ/610م).

1. مخطوطة الجامع في العلم والعمل النافع في صناعة الحيل، نسخة مصورة في مكتبة الباحث عبدالرحمن يوسف في السليمانية كردستان العراق، عن النسخة الأصلية الموجودة في مكتبة إيطاليا ببايرويت. رقم (2071).

الماردينی: عبدالسلام السرائي ابن المهدوب (ت 1359هـ/1942م).

2. مخطوطة تاريخ ماردین السرائي ام العبر، نسخة مصورة عن النسخة الأصلية الموجودة في مكتبة السليمانية ببايرويت.

ثانيا: المصادر:
ابن أبي أصيبة: موفق الدين أبو العباس أحمد بن القاسم (ت 688/1388).
2. عيون الأنباء في طبقات الأطباء، شرح وتحقيق، نزار رضا، منشورات دار مكتبة الحياة. (بيروت: د.ت).

ابن بطوطة: أبو عبد الله محمد بن عبد الله اللواتي الطنجي (ت 779/1377).
4. رحلة ابن بطوطة (تحفة النظر في غرائب الأمصار وعجائب الأسفار)، تحقيق عبد الهادي التازي، (الرباط: 1999).

ابن تغري بردي: جمال الدين أبي الحسن يوسف (ت 824/1420).
5. النجوم الزاهرة في ملوك مصر والقاهرة، مكتبة دار الكتب المصرية، الطبعة الأولى، (القاهرة: 1932).

 حاجي خليفة: مصطفى بن محمد (ت 1061/1651).
7. كتب الطنون عن اسماء الكتب والفنون، منشورات مكتبة المنى. (بغداد: د.ت).

ابن حوافل: أبو القاسم محمد بن علي النصيبي (ت 677/1278).

ابن شداد: عزالدين محمد بن علي بن إبراهيم (ت 786/1385).


طاش كريز زادة: علي الدين أبو الفضل أحمد بن مصلح (ت 988/1578).
9. مفتاح السعادة ومصالح السيادة في موضوعات العلوم مراجعة وتحقيق كامل بكري وعبدالوهاب أبو النور، دار الكتب الحديثة، الطبعة الأولى، (القاهرة، د.ت).

الفارقي، أحمد بن يوسف بن علي بن الأزرق (ت 977/1668).
10. تاريخ الفاروق، حقيقة وقدم له يديو عبد اللطيف عوض، الهيئة العامة لشؤون المطبوعات الأميرية، (القاهرة: 1959).

ابن كثير: عاد الدين أبي الفداء اسماعيل بن عمر (ت 779/1379).
11. البداية والنهاية، دار ابن كثير، (القاهرة: د.ت).

يافوق الجموي: شهاب الدين بن عبد الله الرومي (ت 779/1379).
12. معجم البلدان، دار أحياء التراث العربي، (بيروت: د.ت).

اليوناني: قطب الدين أبو الفتح موسى بن محمد (ت 779/1379).
13.
3- ذيل مرأة الزمان، مطبعة مجلس دائرة المعارف العثمانية، الطبعة الأولى (حيدر آباد، الدكن: 1954).

ثالث: المراجع:

بالعربية:

اسماعيل باشا محمد أمين البغدادي:
14- هديه المعارف في اسماء المؤلفين وآثار المصنفين، منشورات مكتبة المثنى، الطبعة الأولى، (بغداد: 1985).

15- معجم العلماء العرب، الطبعة الأولى، (بغداد: 1982).

بولد محمد فرغلي:
16- التصور الإسلامي نشأته ووقوف الإسلام من به واصوله ومدارسه، الناشر الدار المصيرية اللبنانية للطباعة والنشر، الطبعة الثانية، (القاهرة: 2000).

بول غليوالي:
17- موسوعة العلوم الإسلامية والعلماء المسلمين، مكتبة المعارف، الطبعة الأولى، (بيروت: د. ت).

حسن الباشا:
18- التصور الإسلامي في العصور الوسطى، مطبعة لجنة البيان العربي، (القاهرة: 1959).

حسن شمساني:
19- مدينة ماردين من الفتح العربي الى سنة 931 هـ/1525م، عالم الكتب، الطبعة الأولى، (بيروت: د. ت).

حنوت نجيب عبد الرحمن:

خسرو الهاددي وآخرون:
21- دراسات في تاريخ الحضارة العربية، مطبعة افاضيل الحديثي، (بغداد: 1979).

رينيه تاتون:

239
22: تاريخ العلوم العام – العالم القديم والوسط من البداية حتى سنة 1450، ترجمة
علي مقلد، المؤسسة الجامعية للدراسات والنشر والتوزيع، الطبعة الأولى، (بيروت: د.ت).

زهر حميدان:
23: اعلام الحضارة العربية الإسلامية في العلوم الأساسية والتطبيقية، منشورات
وزارة الثقافة، (دمشق: 1997م).

سعيد عبد الفتاح عاشور وآخرون:
24: دراسات في تاريخ الحضارة الإسلامية العربية، منشورات دار السلاسل للطباعة
والنشر والتوزيع، الطبعة الثانية، (الكويت: 1987م).

سير توماس ارنولد:
25: سلام حسن طه: جزيرة ابن عمر في القرنين السادس والسابع الهجريين/الثاني
عشر والثالث عشر الميلاديين، رسالة ماجستير غير منشورة، جامعة صلاح الدين، كلية

صديق حسن القنوجي:
26: تراث الإسلام، عربي وعلمي وحواري، جبرس فتح الله، الطبعة الثانية،
(أربيل: 2000م).

عباس العزاوي:
27: تاريخ العلوم الوعوي المرجوم في بيان احوال العلم، دار الكتب العلمية، الطبعة الأولى،
(بيروت: د.ت).

عبد الرقيب يوسف:
28: الدولة الدوستكية في كردستان الوسطى – القسم الحضاري، دار ناراس للطباعة
والنشر، الدولة الدوستكية، الطبعة الثانية، (أربيل: 2001م).

عماد الدين خليل:
29: الإمارات الأردنية في الجزيرة والعشام 162-8هـ/1162-94م، مؤسسة الرسالة،
الطبعة الأولى، (بيروت: 1980م).

30:
عمر فروخ:


22 - الأفكار ملاحظات وانطباعات، ترجمه وعلق عليه وقدم له معروف خزنه دار، مطبعة النجوم (بغداد: 1980).

لطف الله قاري:

23 - الإنجازات العلمية للعرب والمسلمين في القرون المتاخرة، الدار العربية للموسوعات، الطبعة الأولى، (دمشق: 2006).

ماجد عبد الله الشمسي:

24 - الجزئي رائد الميكانيك التطبيقى العربي، الموسوعة الصغيرة، دار النجوم، (بغداد: 1982).

محمد أمين زكي:


محمد حسين جودي:

26 - الفن العربي الإسلامي، دار المعرفة للنشر والتوزيع والطباعة، الطبعة الأولى، (عمان: 1998).

محمد الخطيب:

27 - تاريخ الحضارة العربية، دار علاء الدين، الطبعة الأولى، (دمشق: 2007).

د. محمد عبد الرحمن مرحب:


محمود ياسبين التكريتي:

29 - الإدارة المروانية في ديار بك الجزيرة، رسالة ماجستير غير منشورة، جامعة بغداد، كلية الآداب، (بغداد: 1976).

مصطفي محمود سليمان:

30 - تاريخ العلوم والتكنولوجيا، الهيئة المصرية العامة للكتاب، (القاهرة: 1955).


المجلات والدوريات:

عباس الغزاوي:

عبد الرقيب يوسف:
43. الساعات في كردستان في العصور الوسطى، مجلة مه تين، العدد 75، (دلهوك: 1993).

كلود كاهن:
44. مادة بلوارت، دائرة المعارف الإسلامية، ج.3، ائتمان من المستشرقين في العالم، النسخة العربية من اعداد إبراهيم زكي خورشيد وآخرون، (القاهرة: 1936).

المواقع الإلكترونية:
49. www.alshindagah.com
50. www.antya7la.com.vb

242
الشكل رقم (1)
الأجزاء الخارجية للساعة الكبيرة
243
الشكل رقم (2)
ساعة الزورق
244
الشكل رقم (3)
جزء من ساعة الفيل

الشكل رقم (4)
ساعة الفيل بالكامل

277

450
الشكل رقم (5)
ساعة الطاويس

242
الشكل رقم (1)
ساعة مائية

247
الشكل رقم (8)
مصفحة ماء
الشكل رقم (11)
جهاز مضخة خاص بالشراب
الشكل رقم (١٢)
الة أخرى مختصة بالشراب

الشكل رقم (١٢)
الة الجرس
بوخته

میکانیک‌دان نهایی رزمایی جهشیری
۱۳۵۱ - ۱۳۵۸/۱۳۶۵ - ۱۳۷۲
لیکوئیدومیمک لمسر زیان و زیننامه زانتست

د. داکور برهران مهندس/بهشی میزو/زناکوی کوچ/کوپی زانتست کومنطقه‌یهایمک

نام لیکوئیدومیمک تمرین کرده به، بی‌میزویوبون و توتیزنهوم لمسر کومنتیمک ناوادار
کورینتان لمسردمی نبیلاحتنا نسیوه میزوی جهشیری ۱۳۵۱/۱۳۵۸، لیکوئیدومیمک به توتیزنهوم لمسراری ناچیزی آنتی‌کرگه نیازدارد. لیکوئیدومیمک لمسر جهوره و یافتنیا لمستری توتیزنهوم میزویوبونیکا تنی نشات و باید خوی
گرتنگه همبه، جونکه لودا بواری میزو میزویو اوانتیک دیته بی‌میزویوبون.

نام روئته، که نام کماسانیسته بیینویشیش لی هرمیتیه یی هر هر هر هر هر هر
سنوری بیوه، جونکه نستیکی باال همبووده لی наиوندری زانتست و گم‌خستگی نزانتست
میکانیک‌دان، هیولی تکوایی داهو که هم‌ماهیته، بکت لمنوهان هموود، لیمیتی نتیریپای
برکدرکینا، به کهی باس لی نایل و دوستکردکاتی خوی وکو نیواندیزی دهمک.
به‌ماه جنی‌داخه که لیگینات لفود، زناکیکی ناودار بیوه بهلام زناکیکی به‌میهی، نیومک
سره‌جاوه رسمشکاک لیپیز و روده، نام‌فی که زیانی پاری‌میکی‌دهیکا بیوهی بیوه‌یوردې بندهوی
لیگینات همانیه، دیابره‌گردا که هم‌هیله‌ه هانیه داوه و پارم‌میکی‌دهی داهو به هم‌هوو
جادیکه لی کارمکیما.

سرینیشی لیکوئیدومیمک که خرواهته روه که جنده‌یه توموره له‌خود به‌گرئت
لیکوئیدومیمک نهایی رزمایی جهشیری و سهرده‌مکه و بی‌میزوی‌مکا که وی‌میزوی‌مکا و ری‌میزی
لیکوئیدومیمکا ود خویندنه‌میمکا رتمار دیابنته نام‌یره‌گیپا که ودکو نیومنه‌افت
له‌بی‌کرگن‌دا خراووه‌ته روه، له کوتایی باسکه‌که‌شا گرگن‌زه نهو درن‌میانه‌بی
توپ‌ه‌ز بیپینی میشتووه به کوتی و به بوخته خراوته‌ته روه.
Abstract

The Machinist Ibn Alrazaz Aljazree
(561-602A.H/1165-1205A.D)

Dr. Ako Burhan Muhammad
History Department/University of Koya

This study is devoted to a well-known Kurdish personality during the Islamic era. He was name Ibn Alrazaz Aljazree. The study brings out his scientific activities and his relations with the princes.

A study of such kind is significant since it more broadly visualizes historical perspectives in stead of the wars and political changes. One feels that the era witnessed strong activities in the scientific and intellectual fields hardly found in other eras.

Ibn Alrazaz Aljazree was strongly interested in architecture and contributing to science and knowledge as a prominent characteristic of the Islamic civilization. The nature of the study is divided into same chapters; treat the role of Aljazree about the sciences. Finally I hope that I have been successful in this study, and completeness is just for Allah.
دراسات عن الكورد وكوردستان باللغة الروسية (1880-1900) (عرض بيليفغرافيك)

أ.د. حيار قادر
عضو عامل في الأكاديمية الكردية - أربيل

القدمة

تزخر المكتبة الروسية بكم كبير من الدراسات والبحوث والمقالات كتبت باللغة الروسية أو ترجمت إليها من اللغات الأخرى عن الكورد وكوردستان. وقام بإعداد تلك الدراسات جهود كبيرة من الروس وغيرهم من المهنيين والباحثين في القضية الكردية وتاريخ الكورد ودورهم في تاريخ وحضارة منطقة الشرق الادنى.

وبعد سبب هذا الاهتمام إلى اعتبارات عديدة معرفية منها متاخمة الحدود الجنوبية للأمبراطورية الروسية المتزامنة الأطراف لكوردستان، وكذلك أهمية كوردستان في المخططات التوسعية لروسيا القبصية على حساب الأميراتdob التي تتكون من الأمهرات أو السلافية وفارسية، فضلا عن دخول جزء من الشعب الكردي ضمن الأمهرات أو السلافية. واحتكاك الروس بالكردى عبر علاقاتهم المستمرة مع أيران وتركيا في أوقات السلام والحرب. هكذا ظهرت النتائج من القتال ومومياء البحر والرحلة ومذكرات التجار تقارير الخضاع والدراسات التي حولت بمرور الزمن إلى مصادر مهمة لدراسة تاريخ وثقافة الشعب الكردى.

رغم كون بعض هذه الكتابات ملاحظات شخصية وأحيانا سطحية كتبت من قبل أئمة غير مختصين لم يقضوا فترة طويلة في كوردستان، إلا أن القسم الأكبر منها يحوي على معلومات قيمة تشكل بمجموعها مادة تأريخية تساعد المتصدين للبحث في التاريخ الكردى.

٢٥٤
تتوزع هذه الكتاتب على مواضيع شتى تتناول تاريخ الكورد وجغرافية كوردستان واللغة الكردية فضلا عن نصوص من الأدب الشفاهي الكوردي ومعلومات عن العادات والتقاليد والديانات والمعتقدات السائدة بين الكورد في مواطنهم المختلفة. كما أنها تحوي احتراما ومعلومات وتحليلات عن سياسات الحكومتين العثمانية والأيرانية تجاه الأكراد والعشائر الكردية وغير ذلك من جوانب الحياة الكردية.

إن هذا العرض البیبلیوغرافیة المرتب حسب التسلسل الزمني يهدف إلى إطلاع القراء فضلا عن الباحثين والمطربين بالدراسات الكردية على أسماء مؤلفي هذه الكتاتب وعناوينها والجهات الناشيرة لها بالإضافة إلى نبذة مفيدة عنها. يجد القارئ اسم المؤلف في بداية كل فقرة من فقرات هذا العرض بأستثناء المقاطع التي نشرت أصلا دون ذكر اسم المؤلف. في هذه الحالة يتصدر عنوان المقالة الفظيرة المخصصة لها في العرض البیبلیوغرافی.

أن المصدر الرئیسي الذي اعتمدا عليه في تقديم هذا العرض البیبلیوغرافی هو كتاب (بیبلیوغرافیا الدراسات الكردية) الذي ألفته الباحثة الأرمنیة ز. س. موسائیسیان بالشراک العالمی کوردی المروف قناتی کوردود (کوردوبیف) والطبعو في موسكو سنة 1934. يتضمن الكتب (280) عنوانًا لكتاب وبحث ومقالة عن الكورد وكوردستان كتبث بالأصل باللغات الروسية، الانگلیزیة، الفرنسیة، الألمانیة، الإيطالیة، الأرمنیة، الجورجیة، والمذابیجیة، قامت المؤلفة بتوزيّعها على أئنی عشر قسمًا هي: الجغرافیة، الاقتصاد، التاريخ والثنوغرافیا، سياسة الحكومات تجاه الكورد، التغيیر الاجتماعي، الوضع الحالي للكورد خارج الاتحاد السوفيتي (السابق)، كورد الاتحاد السوفيتي، علم اللغة، الأدب والفلکور، الدين، الدراسات الكردية في روسیا والاتحاد السوفيتي، البیبلیوغرافیا، فضلا عن مقدمة بظلم (قناتی کوردو) وفهرست أسماء المؤلفین وواضعی التقاریر والترجمین والمراجعین وملحق يحتوي على (79) عملاً من الأعمال الأساسية المنشورة باللغة الروسیة عن الدراسات الكردية خلال السنوات 1931 – 1963.
عمر هذه الترجمة التي تنشر لأول مرة أكثر من ربع قرن، فقد بعثتها عام 1944 إلى مجلة كاروان التي كانت تصدر في إربيل بيد الاستاذ عبد الغني علي يحيى، لكن يبدو أن المجلة لم تتمكن من نشرها أنشأها للاسباب المعروفة لدى الجميع رغم الرغبة الحقيقية للمخلصين من العاملين فيها لنشرها.

لقد احتفظ بها مشكورة كل هذه السنوات الاستاذ علي زيد رشيد الرحبري

واعادها لي في نهاية عام 2005 فله متنى جزيل الشكر.

يتناول هذا العرض البيلوبغرافي الفترة المتدة من 1780 وحتى 1900 كونها الفترة التي شهدت ظهور وترسيخ أسس الكوردولوجيا في روسيا القيصرية التي تحوّلت بمرور الزمن إلى الوطن الأصلي لهذا الحقل المعرفي. مما يعفي له ان الكوردولوجيا الروسية تعاني اليوم من تراجع كبير وخاصة بعد غياب الامام الكبار منها خلال العقود الماضية.

البحوث والدراسات المنشورة خلال الفترة (1900-1965)

1. د. اله بير، سائح للمعالم كله أو تعرف بالعمالين القديم والجديد، أو وصف لكل الأراضي في جهات العالم الأربع المعروفة حتى الآن. يشتمل على تأريخ مختصر لكل بلد ورد ذكره مع موقعه والمدن والأنهار والجبال، الأدلة، القوانين، القوة العسكرية، المواد، عقدية السكان وعاداتهم وتقاليدهم، العلوم، الفنون، الحرف اليدوية، التجارة، الملابس والأزياء، السلوك، الرقصات الشعبية وغيرها.

الأجزاء (3-4)، الطبعة الثانية، سان بطرسبورغ 1781-1782، مترجم من الفرنسية.

الجزء الأول، 1780 في (282) صفحة.

وصف الحياة بصورة عامة في تركيا ومع معلومات عن كوردستان وحياة الكرد في الصفحات (245-248).

2. بالاس، بر. لت. المعاجم المقارنة لكل اللغات واللهجات، الجزئين (1-2).

سان بطرسبورغ 1787. الجزء الأول في (411) ص. الجزء الثاني في (419) ص.

256
يورد المؤلف (273) كلمة ومرادفاتها في (200) لغة أوربية وشرقية من بينها اللغة الكردية.

2. فولنت، رحلة فولنت إلى سوريا ومصر التي جرت في الأعوام 1832 و1834 و1845، مترجمة إلى الروسية من اللغة الألبانية، اصل الرحلة باللغة الفرنسية.

الجزء الأول، موسكو، 1791، (118) ص. الجزء الثاني، موسكو، 1792، (182) ص. عن الكلود أنظر الجزء الأول الصفحات (442-479)، كما يتضمن الجزء الثاني بعض المعلومات المبعثرة عن الكلود.

4. بورناشيف، س. د. وصف مناطق الأذربيجانيين في أيران وأحواضهم، كورسك، 1793، في 77 صفحة.

يتضمن الكتب معلومات أثنيوغرافية عن الكلود وقراعهم وتمط حياتهم.

5. غيلدنشتيدت، إ. أ. وصف جغرافى وأحصائي لجورجيا والقفقاس (من رحلة غيلدنشتيدت عبر روسيا وجبال القفقاس في الأعوام 1772-1773)، موسكو، 1809، في (284) صفحة.

أورد المؤلف بعض المعلومات عن كورد القفقاس أو القوقاز وتمط حياتهم ومناطق تواجدهم.

6. أوليفر، رحلة إلى إيران وأسيا الصغرى عام 1796، (مجلة الرحلات المعاصرة)، موسكو، 1809، نشرت الرحلة في الأعداد الأول والثاني (الصفحات 99-100) والثالث (الصفحات 174-242).

(288)

تتضمن الأعداد الثلاثة بعض المعلومات الأثنيوغرافية عن كورد إيران وطراز معيشتهم ومناطق انتشارهم.

7. دانيييغوف، ر. رحلة إلى الهند، مترجمة عن الجورجية، موسكو، 1816، (الرحلة في 51 صفحة).

يعطي الرحلة وصفًا للعديد من المدن في كوردستان الشمالية كأراض رو وموش ودياربكر وغيرها من المدن الكردية.

257
8. زوبیر. آ. کوردستان – الأرشيف الشمالي - العدد ۱۴، سان بطرسبورگ، ۱۳۸۲. خصصت الصفحات ۶۳-۶۵ من هذا العدد للحديث عن کوردستان والکورد مع بعض المعلومات عن العشائر الكردية المعروفة.

۹. دروفیل. گ، رحلة الى ایران خلال عامي ۱۸۱۲ و۱۸۳۲. مترجمة من الفرنسية، حائران، موسکو ۱۸۳۵.

الجزء الأول في صفحة ۷۰۶. والجزء الثاني في صفحة ۷۱۷.

في الرحلة معلومات كثيرة عن أصل الكرد وبلاذهم ومعتقداتهم، كما أنها زاخرة بالمعلومات الأثنوغرافية عن نمط حياة الكرد والأسلحة المستخدمة من قبلهم فضلاً عن الأزياء الكردية ومكانة المرأة في المجتمع الكردي.

ينظر الصفحات ۴۴، ۴۵، ۴۶، ۴۷، ۴۸، ۴۹، ۵۰، ۵۱، ۵۲، ۵۳، ۵۴، ۵۵، ۵۶، ۵۷، ۵۸، ۵۹ في الجزء الثاني من الرحلة.

۱۰. عن کورد ایران وتركیا (مجلة الأخباري الروسي) العدد ۸، ۱۳۸۲.

خصص المجلة الصفحات ۲۰۳-۲۰۴ للحديث عن الكرد في كل من ایران وتركیا.

۱۱. وصف طوبوغرافی للطريق من أرضروم الى طرابزون مع عرض تاريخي واحصائی لأهم المدن والواقع على هذا الطريق، موسکو ۱۸۲۸. الوصف الطوبوغرافی في صفحة ۲۲.

عن کوردستان ينظر الصفحات ۴۴، ۴۵، ۴۶، ۴۷، ۴۸، ۴۹.

۱۲. کافتریف. د، اخبار ومعلومات تاريخیة وجغرافیة واحصائیة عن ایران، سان بطرسبورگ ۱۸۲۹. الكتب في صفحة ۲۵.

عن کورد ایران ومواطنيهم وعاداتهم في کوردستان الايرانية ينظر الصفحات ۴۴، ۴۵، ۴۶، ۴۷، ۴۸، ۴۹، ۵۰، ۵۱، ۵۲، ۵۳، ۵۴، ۵۵، ۵۶، ۵۷، ۵۸، ۵۹.

۱۳. آ. ر، وصف تفصيلي لایران ودول كابل، سیدستان، سنند، بلخ، بلوجستان، خراسان وجورجیا والمقاطعات الأیرانیة الملحقة بروسیا، مع ملحق يتناول وصف حملة ایران ضد روسیا خلال الاعوام ۱۸۲۷ و ۱۸۳۸.

۲۵۸
ثلاثية أجزاء (201)، موسكو، 1879.

عن كوردستان إيران وكوردها وعاداتهم وتفاهمهم وطراك معيشتهم ينظر

الصفحات 18، 47، 75 و 82 في الجزء الأول.

14. الامبراطورية التركية بوضعها القديمة والحديث، أو وصف لمختلف الشعوب
القاطنة في تركيا، عاداتهم وتفاهمهم، دياناتهم، الإدارة الحكومية، الدخل
الحكومي، المدن، عدد السكان والحيوان، وأوضاعهم المالية وغير ذلك، موسكو،
1879. الكتاب في 17 صفحة.

هناك معلومات قليلة عن الكرد في الصفحة 105.

15. ك. أ. ش، نزهة في آرارات (مقتطفات من يوميات مسافر) - الكشوف
tلفلية – الأعداد 1، 3 و 6. 1830.

في الصفحات 2-3 معلومات مركزة عن كورد آرارات (أكير داغ) ومساكنهم
وازيانهم وعاداتهم.

16. رحلة إلى خراهب مدينة گارنی الأرمنية القديمة ودير كيگار -
koshef التلفلية – الأعداد 14 و 6، 1830.

حول الكرد ينظر الصفحات 4-2.

17. وصف باشوية أرضروم - الكشوف التلفلية – الأعداد 6، 1830.

عن كورد أرضروم والهن التي يزاولونها ينظر الصفحات 4-2.

18. أرگاتي القديمة، خراهب مدينة أورگوف، مضارب الآيزيدين - الكشوف
tلفلية – الأعداد 4 و 6، 1830. يتضمن عدد بعض المعلومات عن الآيزيدين
الصفحات 4-3.

19. مقتطفات من رحلة عبر مقاطعات ما وراء القفقاس، (مقاطعة يريفان)
- الكشوف التلفلية – الأعداد 27 – 6، 1831. الصفحات 205 و الأعداد
22-3. 1830.

فيها معلومات عن كورد مقاطعة يريفان ونمط حياتهم.

20. رسالة من تلفيلس الى سان بطرسبرغ - الكشوف التلفلية – الأعداد
1829–1831.
出国留学

معلومات انتروغرافية عن الكورد في الصفحات 230-232.

1. معلومات إحصائية عن مقاطعة يريفان - الكشوف التفليسية - الأعداد 7-6.

2. معلومات إحصائية عن مقاطعة نخجوان - الكشوف التفليسية - الأعداد 8-8 في العدد 8 والصفحات 8-8 في الأعداد 9، 10.


5. معلومات إحصائية عن مقاطعة نخجوان، موضوع من قبل (ف.ت) ومطبوع بسماح من المقامات العليا، سان بطرسبورغ، 1833، الدراسة في صفحة وعرض مختصر لها في - مجلة الشؤون الداخلية - الجزء 11 لعام 1824، الصفحات 105-125.

6. مناطق تركية الآسيوية المتاخمة للمملكة الروسية في ماوارة القفقاس (عرض إحصائي)، سان بطرسبورغ، 1834، المجلد (18)، العدد (23)، الصفحات 327-359 والعدد (22)، الصفحات 327-337.

7. يجد القارئ في العرض الإحصائي المنشور في المدن المذكورتين وصفاً للمناطق الكوردية المتاخمة للمملكة الروسية في ما وراء القفقاس.

8. كلاهيروت. غ. وصف أرمينيا الروسية - مجلة مكتبية للمطالعة - المجلد 4، سان بطرسبورغ، 1834، الصفحات 200-1.

9. الكورد - مجلة وزارة الشؤون الداخلية - الجزء (15)، العدد (2)، الصفحات 234-261.

10. و 22 نيسان، العدد (91)، الصفحات 373-387.

11. و 22 نيسان، العدد (91)، الصفحات 373-387.
يتضمن العددان معلومات عن الكورد ومعاطفهم مع نبذة مختصرة عن حياتهم وعاداتهم وتقاليدهم.

29. استعراض الممتلكات الروسية في ما وراء القفقاس، معلومات إحصائية وأثنوغرافية وطبوغرافية ومالية. مؤلف ومطبوع بسماء الممامات العليا. الإجزاء (41)، سان بطرسبرغ، 1836.

يتضمن الجزءان 3-4 معلومات متفرقة عن السكان الكورد في المناطق المشار إليها في العرض.

29. أوساكوف: إ.، تاريخ العمليات العسكرية في تركيا الأسيوية في الأعوام 1828 و1829. الكتاب في جزئين، سان بطرسبرغ، 1836.

يقع الجزء الأول في الصفحة 42، بينما الجزء الثاني في 26 صفحة. وذلك طبعة ثانية للكتاب في وارسو عام 1843.

يجدد القارئ في الصفحات 120-139 من الجزء الأول معلومات مهمة عن مشاركة المقاتلين الكورد في العمليات العسكرية التي جرت خلال العامين المذكورين فضلاً عن معلومات متفرقة عن الكورد بصورة عامة في العديد من الصحف في الجزنين.


وفي عباره عن رحلة الشاعر الروسي الشهير بوشكين إلى أرضروم وطعت فيما بعد ضمن مؤلفاته الكاملة وقام الاستاذ الدكتور مورف هندرز بتجميتها إل الكوردية.

31. نيفيديف. ن، نظرية على بعض المناطق في ما وراء القفقاس الروسية - مجلة وزارة الشؤون الداخلية، 1828، الجزء (30)، العدد (10) الصفحات 121.

32. الكورد - الكشف الموسكوفية - 1838، حجيران، العدد (48).

261
يتضمن العدد دراسة تاريخية وأثنوغرافية مركزية عن الكرد في الصفحات 285-288.

32. نيفيديف، ن. نظرًا عن المنطقة الأرمنية، من يوميات سائح، سان بطرسبورغ 1839. اليوميات في 44 صفحة. عن الكرد في المناطق التي يعتبرها السائح الأرمنية ينظر الصفحات 114.

34. سمالسكي، أفتونوموف، ك. الصعود إلى ارارات أو رحلة من تفليس إلى قمة أرايات، موسكو 1829. الرحلة في 101 صفحة. عن الكرد في مناطق الرحلة ينظر الصفحات 72، 84، 95 و 105.

35. عادات ومعتقدات الكرد والآبيزيديين - النشرة الوطنية - سان بطرسبورغ 1829، المجلد (1)، القسم (8)، الصفحات 100.

من رسالة الرحلة الفرنسية بابتيستين بوزول الذي قام برحلة في سيا الصغرى جاب خلالها بعض المناطق الكردية أيضا وأثار الآبيزيديون اهتمامه بعاداتهم وطقوسهم الدينية.

31. فرومتشينكو، استعراض أحوال آسيا الصغرى في وضعها الراهن، من كتاب المركز الطبوغرافي العسكري الغربي، الجزء (4)، سان بطرسبورغ 1840، في 368 صفحة.

يتمتعرض العرض نبذة أثنوغرافية عن الكرد في الصفحات 267-272. ونشرت مجله - العواق الروسية - في العدد 5 من المجلد 2 عام 1839 في الصفحات 94-93. عرضا لهذا الكتاب.

37. شروبين، إ. لحات اقتصادية عن وادي آراس - ايمرتين القسم الواقع في مقاطعة جورجيا، سان بطرسبورغ 1843. المجلات في 135 صفحة.

تتضمن الدراسة بعض المعلومات عن سكان المنطقة من الرجال والمستقرين مع توزيعهم الثقافي وكذلك القوميات التي ينتمون إليها مثل الكرد والأرمن والتر وغيرهم.

38. مورافيف، ن. رسائل روسي في إيران، في جزئين، سان بطرسبورغ 1844.

٢٦٢
عن الكورد عموماً وكورد إيران على وجه الخصوص ينظر الجزء الثاني
الرسالة 73. 29.
29. بربريزن ، مستقل من تقرير بربريزن - مجلة وزارة التعليم الشعبي أو
العام 1842، الجزء (4)، الاقسم (4)، رحلة الى الموصل وجبال كوردستان
والقرى الآيزيديية، الصفحات 38-19.
يتضمن المحتوى معلومات مغلقة عن الكورد وبخاصة الآيزيديين منهم في
مناطق الموصل وكوردستان.
40. سباسكي - أفتونوف. ك، الزيارة الثنائية لأوليات، من يوميات مسافر،
سان بطرسبورغ 1845، المجلد (43)، الصفحات 15-12.
تتضمن الرحلة بعض المعلومات عن كورد آرايات والمناطق الواقعة على
الطريق المؤدي الىها.
41. الآيزيديون قرب بحيرة غوكجي في قضاء بيريفان الحالي، مجموعة جريدة
القفطاس 1846، الصفحات 172-73.
انظر أيضاً: جريدة القفاقس، تفليس، 17 تشرين الأول، 1846، العدد (42)،
الصفحات 172-73.
42. بوغومولوف. إن، الكورد، جريدة القفاقس، تفليس 1847، 9 آب، العدد 32.
الصفحات 23-27.
انظر كذلك:
مجموعة جريدة القفاقس، تفليس، 1848، الصفحات 49-42.
43. غاغاميستر، يو. أ، لاتح حديثة عن موارد القفاقس - مجلة وزارة الشؤون
الداخلية - عام 1842، الجزء 20.
عن كورد موارد القفاقس والمنه التي يزاولونها ينظر الصفحات 44-45.
173-23.
44. ديتيل، ف، عرض لرحلة عبر الشرق استمرت ثلاث سنوات، مجلة وزارة
التعليم الشعبي، الجزء الأول، الاقسم، 4، 1847.
تتضمن الرحلة معلومات عن الكورد في الصفحات 13، 5، 8-10، 20 و 15.
263
45. دليل التعريف بالقفقاس، الكتاب (1) في بطرسبورغ. الكتاب الأول في 193 صفحة في الكتاب الثاني في 304 صفحة.

يتضمن الكتاب بجزئيه الأول والثاني معلومات انتخابية متفرقة عن الكورد.

46. Максимов، أ. مغامرات سائح روسي في آسيا - المخبر الفلندي - عدد اب، ب. سان بطرسبورغ 746 الصفحات 2006.

47. ن. ب. لحمة من يوميات مسافر، التنقيب عن الكوري في جبال ألكا، وتسلق قممها، مجموعة جريدة القفقاس، النصف الثاني من سنة 1847، تفليس 1848.

رحلة إلى كورد جبال آلكا في أرمينيا الصفحات 89-85.

48. أبو فياين، خ. الكورد، القفقاس، تفليس 1848-1849، الصفحة 30، شرين الثاني، العدد (41) الصفحات 38-38، شرين الثاني، العدد (41) الصفحات 4، كانون الأول، العدد (41) الصفحات 11، كانون الأول، العدد (50) الصفحات 4، كانون الأول، العدد (51) الصفحات 4، كانون الأول، العدد (52) الصفحات 4.

49. أنظر كذلك: القفقاس، تفليس، النصف الثاني لسنة 1848 الصفحات 196.

50. يتحدث الكاتب الأرمني المشهور أبو فياين عن الشعب الكوري وتأريخه مضارب الكورد ولغة الكوردية والفلكلور والهين والحرف اليدوية لدى الكورد، موضوع آخرية واسعة.

51. إنطباعات وذكرى بعيدة، مكتبة المطالعة، سان بطرسبورغ 1848، الجزء (83)، الصفحات 58، مجلد (78)، العدد (51) الصفحات 4، مجلد (61)، الصفحات 31.

52. موغربية، أ. ن. جورجيا وأرمينيا، الأجزاء (1-2)، سان بطرسبورغ 1848.

53. أنظر أيضًا:
- جريدة القفقاس، تفلیس، ۱۸۴۸، الصفحات ۸۰-۱۸۸.

لجنة تاريخية أنتوغرافية عن الكورد مع التركيز على الكورد الإيزيديين الذين كانوا يشكلون نسبة مهمة من كورد موارء القفقاس فضلا عن أثارهم لاهتمام الرحالة والكتاب الأجانب الذين مروا بمواطنيهم بعاداتهم وطقوسهم الدينية.

۵۲. ديتيل، ق. لحة من رحلة الى الشرق في الأعوام ۱۸۴۲-۱۸۴۵، الكتبة للمطالعة، سان بطرسبرغ، ۱۸۴۸، الجزء (۹۵)، القسم الأول.

وصف للمناطق الكورستانية التي مر بها الكاتب مع معلومات عن الكورد ودياناتهم ونمط حياتهم في الصفحات ۴۱-۱۹.

۵۳. بوروس. أ. رحلة الى بخارى، الأجزاء (۱-۲)، موسكو، ۱۸۴۳-۱۸۴۶.

في الرحلة اخبار عن كورد خراسان والاغاني الشعبية الكورية السائدة بينهم الصفحات ۱۷۰-۱۷۱، ۱۷۵.

۵۴. ساليكهف. أ. د. رحلة الى ايران، رسائل الأمير سالتيكوف، موسكو ۱۸۴۹.

في ۷ صفحة.

عن كورد ايران ينظر الصفحات ۱۹۹-۲۰۰ من الرحلة.

۵۵. خرافات الإيزيديين، القفقاس، تفلیس، ۱۵ نيسان، ۱۸۵۰، العدد (۱۲۰)، ص۱.

بعض المعلومات عن عادات ومعتقدات الإيزيديين.

۵۶. خانیکوف. ن. ف. رحلة الى كوردستان ایران عام ۱۸۵۲، مجلة الجمعية الجغرافية الامبراطورية الروسية، الجزء (۲۸) القسم (۵)، الصفحات ۱-۱۸.

انظر كذلك - القفقاس، تفلیس، ۲۵ آذر، ۱۸۵۳، العدد (۱۲) الصفحات ۹۸-۹۹.

۶۸ و۸۸ آذار، العدد (۲۳) الصفحات ۹۱-۹۸.

۶۹ وصف باشوية أرضروم، القفقاس، تفلیس، ۱۸۵۲، ۱۸۵۳، ۲۵ تشرين الأول، العدد (۲۳۷) الصفحات ۲۷۳ و۲۱ تشرين الأول، العدد (۱۷) الصفحة ۲۷۷.

معلومات عن السكان الكورد القاطنين في باشوية ارضروم.

۲۷۶
68. بيريزين. أي، رحلة عبر شمال إيران، فازان 1852، في 10 صفحة.

69. معلومات أثريّة عن الكورد في إيران.

70. سكايير. أ. كوردستان إيران، نشرة فرع القفص للجمعية الجغرافية

الأمبراطورية الروسية 1852، الكتاب الأول. ملاحظات عن كورد سنه (سندرج).

71. معلومات إحصائية عن المناطق الآسيوية للأمبراطورية التركية، القفص، تقييم 32 كانون الأول، 1853، العدد (95).

عن كوردستان ينظر الصفحة 411.

72. بلاربيرك. إ. ف، عرض إحصائي عن إيران مؤلف عام 1841، نشرة

الجمعية الجغرافية والأمبراطورية الروسية 1852، الكتاب (2) في 358 صفحة.

73. عرض إحصائي عسكري عن الأمبراطورية الروسية - مقاطعة بريفان، وفق الدراسات والمعلومات المجمعة في المنطقة والمنطقة من قبل نقيب

الراكين العام أوسلار، سان بطرسبرغ 1853. في 200 صفحة.

74. ديتيل. ف. الكرد، من يوميات غير منشورة كتبها مسافر في سنة 1867 - مكتبة للمطالعة - سان بطرسبرغ 1853، المجلد (19)، القسم (7).

عن أصل الكرد واللغة الكردية ولهجاتها المختلفة ينظر الصفحات 178-180.
56. رايمون، ك. الكورد والبلاد التي يسكنونها، القفقاس، تفليس، 1853، 35.

57. مايس العدد (28)، و27 مايس، العدد (39).

بعض المعلومات الطبوغرافية والأنثروبوفاغية عن كوردستان والكورد.

56. من يوميات مواطن قفقاسي قديم، القفقاس، تفليس، 1853، العدد (51).

عن عادات الكورد وتقاليدهم ينظر الصفحات 327-334.

57. ر. ع. عن القوة العسكرية التركية، القفقاس، تفليس، 1853، العدد (71).

عن الكورد وقواتهم المقاتلة والأسلحة التي يجوزتهم ينظر الصفحات 270-277.

58. معلومات ومعطيات إحصائية عن مدينة تفليس وبريشان، تقويم القفقاس لعام 1855 - تفليس، 1856، الصفحات 284-327.

يتضمن التقويم بعض المعلومات العامة عن الكورد في جورجيا وأرمينيا، وبخاصة عاصمتي القاطعتين.

59. بوذي. ك. يوميات رحلة المستشار المدني للبارون ك. بوذي عضو الجمعية الجغرافية الأميرسورية، السكرتير الأول للبعثة الأميرسورية الروسية في طهران سابقاً. من اصفهان إلى همدان. من همدان إلى طهران وجبال ألونت، العلي الهمداني - مكتبة للمطالعة - سان بطرسبورج 1855، الجلد (132) القسم (2).

تتضمن اليوميات معلومات عن الكورد الموكرين في الصفحات 33 و 45-46.

60. الكورد، المجلة الخاصة بالمؤسسات التعليمية التربوية العسكرية، سان بطرسبورج، 1854، العام (18)، المجلد (10)، العدد (43).

لائحة تاريخية وأنثروبوفاغية عن الكورد في الصفحات 120 و 202.

61. الكورد، القفقاس، تفليس، 1854، العدد (5)، الصفحات 46-48.

62. انظر كذلك: الكشوف الطربيك - 7، اذار، 1854، العدد (53).

الصفحة 267.
لمحة تاريخية أثنيوغرافية عن الكورد وبلادهم ونمط حياتهم والهن التي يزاولونها.

71. بيريزين، إ.، المسيحية في ميسوبوتامية وسوريا - مجلة الموسکوفي - 1984، المجلد (4)، القسم (2)، الصفحات 129 - 156 والمجلد (5) القسم (2)، الصفحات 182 - 281.

يتضمن المقال بعض المعلومات عن العلاقات الكردية النسجية .

72. قصيدة ضابط بالقرب من كاديلا، القفقاس، تفليس (1) كانون الثاني.

1884، العدد (1) الصفحات 12-21 كانون الثاني، العدد (2) الصفحات 17-26.

يروي الضابط الروسي في قصصه هذه الأحداث التي حرت له ومصادمات قواته مع المقاتلين الكرد عشية حرب القرم بين الدولة العثمانية وروسيا.

73. بيريزين، إ.، الايزيديون، مجلة مكتبة علوم الأرض والرحلات، موسكو 1884، المجلد (2) الصفحات 238-428.

حول رحلة بيريزين الى الموصل ولقائه بالأيزيديين عام 1844.

75. بيريزين، إ، الموصل (من رحلة عبر الشرق) - مكتبة المطالعة - سان بطرسبرغ 1885، المجلد (1) القسم (1) الصفحات 120-176.

عن الكورد في الموصل وتوابعها ينظر الصفحات 172، 173، 174، 175، 176 و178.

71. ميكيلي، الكرد في مقاطعة سمولينسك - النحلة الشمالية - 1885، كانون الأول، العدد (283).

ملاحظات عامة عن الكرد وتقاليدهم في الصفحات 1-8.

77. أخبار من تركيا الآسية (رسالة مندوب جريدة القفقاس)، القفقاس، تفليس 1875، الأعداد (49) في 27 حزيران و (51) في تموز والعدد (58) في 27 تموز من عام 1875. تنتمي بعض المعلومات عن الكرد في كوردستان الشمالية.

78. كونيكن، أ، حول تأثيرات القبائل الإيرانية على مصادر الشعوب السامية، احول لتطبيق المفاهيم والنظريات الأثنولوجية في وضع التاريخ القديم.

388
يتضمن المقال بعض المعلومات عن أصل الكورد من خلال العطيات الأثارية.

79. الأمير الكوردي (قصة الأميرة بيلتوبوزو) - المخبر الروسي - موسكو 1856.

الجلد (2)، الكتاب (1) لشهر نيسان في الصفحات 235-236، والجلد (2)،
الكتاب (1) لشهر مايو، الصفحات 126-127، 128.

80. بيتر لبرخ، دراسة عن الكورد الإيرانيين وأجدادهم الخالديين الشماليين، الكتاب (1-2)، سان بطرسبورغ 1856.

الكتاب الأول صدر عام 1856 في 12 صفحة، أما الكتاب الثاني فقد صدر عام 1857 في 12 صفحة وصدر الكتاب الثالث عام 1858 في 13 صفحة.

الفصل الأول: إحصائية مفصلة عن القبائل الكوردية الصفحات 57-131.

توطئة الصفحات 12-21.

أ. الكورد القاطنين في تركيا الصفحات 22-121.

ب. الكورد القاطنين في المملكة الروسية الصفحات 91-128.

ج. الكورد القاطنين في إيران الصفحات 121-119.

الكتاب الثاني: نصوص من البحوث الكوردية الدراسات والترجمات الي الروسية الصفحات 122-219.

نصوص كوردية من أضروروم وترمز الصفحات 219-139.

الكتاب الثالث:

أ. مجمع لهجة الكرمانجية الصفحات 41-84.

ب. مجمع لهجة الزرا صفحات 108-85.

81. وسوارن. اقليم مأواره القفقاس، ملاحظات عن الحياة العائلية والاجتماعية وعلاقتنا العائلية بين المجيدين السين وبسماجهم، الجزاء (1-2)، سان بطرسبورغ 1857.
عن الحياة العائلية والاجتماعية لدى الكرد وعلاقتهم بالشعوب المجاورة
ينظر الجزء الأول الصفحات 238-240.
22. زيديلينس. ن. رحلة إلى منطقة بحيرة أورمية - مجلة الجمعية الجغرافية
الأمبراطورية الروسية، 1858، الجزء (22)، العدد (3)، الصفحات 60-69.

تنظر الجزء الأول الصفحات 238-240.
22. زيديلينس. ن. رحلة إلى منطقة بحيرة أورمية - مجلة الجمعية الجغرافية
الأمبراطورية الروسية، 1858، الجزء (22)، العدد (3)، الصفحات 60-69.

48. خدوباشيف. أ. استعراض أحوال أرمينيا من النواحي الجغرافية والتاريخية والثقافية، سان بطرسبرغ، 1859، في 54 صفحة.
48. للكرد وكردستان ينظر الصفحات 62-68.

49. جابورين. أ. مشاهد في الصحراء في كاروان سراي - المخرب الروسي، 1860.
49. للكرد وكردستان ينظر الصفحات 62-68.

74. مايسوروف. م. وصف القبائل القاطنة في يريفان - القفص - تفليس،
4 أيلول 1860، العدد (19) الصفحات 74.

75. يتضمن المقال اشارات إلى القبائل الكردية في مقاطعة يريفان.
75. للكرد وكردستان ينظر الصفحات 74.

27. ن. غ. غازسوف، من النسق في الخليج، من يوميات بعض تخطيط
الحدود بين تركيا وإيران خلال أربع سنوات - الأزمة - سان بطرسبرغ
1871، المجلد (2)، العدد (3) الصفحات 238-240 والمجلد (4)، العدد (8)، الصفحات
1873 والمجلد (5)، العدد (9) الصفحات 148-150 والمجلد (6)، العدد (11)
الصفحات 120-125.

يتضمن يوميات معلومات غنية عن الكرد على طول الحدود الإيرانية
العثمانية وتشكل مصدرًا مهمًا لدراسة تاريخ المنطقة في منتصف القرن
التاسع عشر.

270
88. بازيلي، ك. سوريا وفلسطين تحت الحكم التركي من الناحيتين التاريخية والسياسية، الأجزاء (2)، أوديسا 1882.

89. عن الكورد ينظر الجزء (2) الصفحات 124.125.

90. كورد درسيم - رسالة من طرابزون - نشرة الجمعية الجغرافية الإمبراطورية الروسية، 1863، الكتاب (2) الصفحات 125.

لعبة تأريخية أنتوير بطريقة عن الكورد العلويين الزارا في ولاية درسيم.

90. ليختن، م. الروس في تركيا الأسلوبية في عامي 1854 و 1855 - من يوميات فرقة بريفان حول العمليات الحربية، بطرسبرغ 1862.

91. نشرة فرع القفص للجمعية الجغرافية الإمبراطورية الروسية، 1874، الكتاب (2).

92. عن الكورد في جنوب كورزون ينظر الصفحات 11-22.

93. حول تجارة كورستان تركيا، مجموعة الأخبار والمعطيات حسب دوائر وزارة المالية، بطرسبرغ 1875، المجلد (2)، العدد (2) الصفحات 32.33.

Journal de Constantinople

94. مترجم عن مجلة القسطنطينية)، معلومات عن العلاقات التجارية بين كورستان تركيا والعالم الخارجي.

95. الكورد، في كتاب (المعجم الجغرافي الإحصائي للأمبراطورية الروسية)، المجلد (2)، بطرسبرغ 1875. معلومات مركزية عن الكورد في الصفحة 32.33.

96. الأيزيديون، في كتاب (المعجم الجغرافي الإحصائي للأمبراطورية الروسية)، المجلد (2)، بطرسبرغ 1875. معلومات عن الأيزيديون في الصفحة 851.
95. شوبين: ا. ملاحظات جديدة عن تاريخ القفطاس القديم وقاطنيها، سان بطرسبرغ 1872 في 50 صفحة.

يتضمن الكتاب معلومات عن الكورد في منطقة القفطاس وتاريخ وجودهم هناك.


تتضمن المجلدات تقارير عسكرية عن العمليات ضد الكورد وحركاتهم التحررية.

97. ك. ل. ن. ملاحظات وذكريات عن الحملة على تركيا الأسابيعية سنة 1875 - المجموعة العسكرية - 1878، المجلد (179)، العدد (1)، القسم (2)، عن الكورد ودورهم أثناء تلك الحملة ينظر الصفحات 223-224.

98. بوتوكوف. ب. ل. مواد ومصادر لدراسة تاريخ القفطاس الحديث من 1722 حتى 1803، الأجزاء (1-3)، سان بطرسبرغ 1879.

الجزء الأول في 254 صفحة والجزء الثاني في 203 صفحة، أما الجزء الثالث فيقع في 150 صفحة.

توجد معلومات متفرقة عن الكورد في أجزاء الكتاب الثلاثة: ينظر فهرست الأسماء والمواقع الجغرافية والمواقع ذات العلاقة في الجزء الثالث، الصفحات 498-408.

الموارد مقتبسة من رحلة فريزر:

Fraser Narrative of a Journey in to Khorasan

انظر العرض في .. المعاصر- 1863، المجلد (41)، القسم (2)، الصفحات 25-31.

99. كونجي. خ.، من مقاطعة بريفان - القفطاس - تفليس 29 آب 1879، العدد (10) و 31 آب، العدد (10).

بعض المعلومات عن حياة الكورد في المقاطعة.

272
100. مورافيف، ن. تركيّا ومصر في عامي 1823 و1824، المجلد (1-2) موسكو 1879.

عن الكرد ينظر المجلد الأول الصفحة 2 والمجلد الثاني الصفحات 43، 134، 187.

101. تيموروف، م. حول ضروب الترحال لدى القبائل - القفقاس - تفليس، 
8 أيّولو 1878، العدد (9).

عن الكرد الرحل ينظر الصفحة 2 من العدد المشار إليه.

102. لرخ. ب. إ. نص باللغة الكردية، سان بطرسبورغ 1870.

103. ديتريخس، تقرير موجز عن نتيجة رحلة العقيد ديتريخس إلى الشرق,
- القفقاس. تفليس، أب 1871، العدد (100) الصفحة 2، و9، العدد 101، 
الصفحات 2-3. يتضمن التقرير بعض المعلومات عن كوردستان إيران
والكرد هناك.

404- دوبروفين، ن. تاريخ الحروب والمتلكات الروسية في القفقاس، المجلد
(1)، الكتاب (1). دليل بيليوغرافي للمصادر عن الحروب والمتلكات الروسية
في القفقاس، وللماضيين الأول والثاني من السلسلة، سان بطرسبورغ 1870.

105. راددي، ك. من يوميات مسافر - أخبار فرع القفقاس للجمعية 
الجغرافية الإمبراطورية الروسية، 1872، المجلد (1) الصفحات 178-181.

رحلة إلى مرايع الكرد في جبال آراكت الكبرى، الصفحات 185-187.

106. ستيبيتسي. إ. مقتطفات من يوميات رحلة العقيد جيريكوف -
أخبار فرع القفقاس للجمعية الجغرافية الإمبراطورية الروسية -
المجلد (1)، العدد (1) الصفحات 180-181، العدد (2) الصفحات 205-207.

تنتمي المدونات بعض الأخبار والمعلومات عن الكرد وكوردستان
107. تيليفيس، حول مرض الطاعون الذي انتشر في كوردستان في عامي
187 و1871 - القفقاس - تفليس، 4 تشريين الأول 1877، العدد (11)، و
تشرين الأول، العدد (117).

273
يورد الكاتب معلومات وخبرات عن مرض الطاعون الذي شهده الناس في كوردستان في عامي 1870 و1871.

188. تيلور، د. رحلة تيلور القنصل السابق في دياربكر عبر كوردستان، ترجمها عن الانكليزية ف. س. أستافيف، معلومات جغرافية عن تركيا الآسيوية - أخبار فرع القفص لجمعية الجغرافية الإمبراطورية الروسية - 1872، المجلد (1)، الملحق (1)، الصفحات 33-36. رحلة تيلور عبرت خلال عام 1871-1872.

وتضمن معلومات كثيرة عن الكورد وكوردستان.

189. تيلور. د. يوميات رحلة عبر أرمينيا وكوردستان ومسوبوتاميا الشمالية في سنة 1871، ترجمها ف. س. أستافيف، معلومات جغرافية عن تركيا الآسيوية - أخبار فرع القفص لجمعية الجغرافية الإمبراطورية الروسية - 1872، المجلد (2)، الملحق (2)، الصفحات 1-11.

190. زاغورسكي. لت. تقرير موجز عن الرحلة إلى قضاء أخارتسيخ سنة 1872 - أخبار فرع القفص لجمعية الجغرافية الإمبراطورية الروسية - 1873، المجلد (3)، الصفحات 1-11.

عن كورد أخارتسيخ نظر الصفحات 56-57.

191. زاغورسكي. رحلة إلى قضاء أخارتسيخ سنة 1872 - أخبار فرع القفص لجمعية الجغرافية الإمبراطورية الروسية - 1873، الكتاب (8)، الصفحات 1-86.

لحة أثيوغرافية موجزة عن كورد قضاء أخارتسيخ الصفحات 48-49.

192. مكسيوف. س. حدود العالم المعمد (المسيحي)، (4)، الجبال الروسية وأهالي جبال القفص (قصة)، الطبعة الثانية، سان بطرسبورغ 1873. في 23 صفحة.

عن الكورد نظر الصفحات 59-58.

193. مالوما. يا. د. النسطوريون وأهالي هكاري - أخبار فرع القفص لجمعية الجغرافية الإمبراطورية الروسية - 1873، المجلد (2)، الصفحات 1-152. 166.
عن النسطوريين الكرد كما يسمىهم الكاتب ينظر الصفحات 154, 155, 158.

114. كيرين‌تو. ج. حول الطرق في أرمينيا التركية، مقتبس من وصف رحلة العقيد يو. بلوم للمنطقة أثناء خدمته في الجيش التركي. أخبار فرع الفقطاس للجمعية الجغرافية الإمبراطورية الروسية، 1874، المجلد (3)، الملحق (1).

115. فون مولتكه، ملاحظات جغرافية عن آسيا الصغرى - أخبار فرع الفقطاس للجمعية الجغرافية الإمبراطورية الروسية، 1874، المجلد (2)، الملحق (1).

116. كامساراكان، ق. الأعراض السائدة في تقييم قيمة المدينة في حالتى القتل والضرر البدني عند الكرديين (الكرد ج. ق). الفقطاس 11 تشرين الأول 1874، العدد (131).

حوال الشر، ودفع الدنيا وتقديرها عند الكرد الذين يسمىهم الكاتب بالكرديين.

117. كامساراكان، ق. ملاحظات أخرى عن الكرد - الفقطاس - تفليس، 1874، العدد (128) 1875، العدد (95)، 1875. كامساراكان، ق. الزفاف عند الكرد - الفقطاس - تفليس، 27 أيلول، 1874 (125).

119. شريكي. ق. دراسات طبوغرافية لشمالي أرمينيا، ترجمة ن. أستافيف - أخبار فرع الفقطاس للجمعية الجغرافية الإمبراطورية الروسية، 1873، المجلد (3)، الملحق (5).

120. مياساروف. م. معلومات متفرقة عن الكورد ينظر الصفحات 8, 16, 17, 18, 21, 22 و23.

Bibliographia Caucasia et Trans Caucasia
محاولة لفهرسة المؤلفات المطبوعة عن القفقاس وماوراء القفقاس والقبائل القاطنة لهذه الأقاليم، المجلد (1)، القسم (1-2)، سان بطرسبورغ 1874-1876.

في 84 صفحة.

عن الكورد ينظر القسم (1-2)، الفصل (1)، المبحث (2) الصفحات 232-245. هذه المحاولة الببليوغرافية وضعت بمساعدة بيوتر لبره المشهر في حقل الدراسات الكردية.

121. زاغورسكي. ل. ب. ترجمة الحقائق العلمية عن أنتونيوسلاف القفقاس في مؤلف السيد ريتريخ ((التركيب القبلي لقطعات الجيش الروسي)). - أخبار فرع القفقاس للجمعية الجغرافية الإمبراطورية الروسية، 1875، المجلد (4).

عن الكورد ينظر الصفحة 23.

122. ليليخانوف. م. مرة أخرى عن الكورد. القفقاس - تفليس، 23 كانون الثاني، 1875، العدد (5).

123. كامسراكان. ف. رسالة إلى هيئة التحرير. القفقاس. تفليس. 24 كانون الثاني، 1875.

رد على مقال ليليخانوف السابق حول الكورد.

124. جيريكوف. إ.ه. يوميات سفر القوميسار (المفوض) الروسي الوسيط في تخطيط الحدود الإيرانية التركية (1872-1874) مطبوع بأشراف م.أ. غمالوفي. - نشرة فرع القفقاس للجمعية الجغرافية الإمبراطورية الروسية - 1875، الكتاب (9)، في 904 صفحة.

تحوي البيانات معلومات انتونوفية كثيرة عن الكورد على طرف الحدود وعن مواطن القبائل الكردية المختلفة.

125. رحلات من ماريا القفقاس إلى تركيا الأسيوية أعدها القسم الطوبوغرافي العسكري في منطقة القفقاس العسكرية، تفليس 1873 في 153 صفحة.
عن وصف القرى الكردية في المناطق المتاخمة للاواره القفقاس ينظر
الصفحات 17. 45. 20. 30. 40. 45. 55. 60. 65. 70. 75. 80. 85. 90. 100. 110. 115. 120. 125. 130. 135. 140. 145.
136. يقوم بوت لجات خاطفية عن الكورد - القفقاس - تقليس. تفليس. 5 تشرين
الثاني. 177. العدد (120) الصفحات 177.
177. ش. العلي الهمية (فرقة دينية غامضة في ايران). القفقاس - تقليس. 2 آذر (1873). العدد (27) و7 آذر. العدد (26). ان تجوياً إعداد جريدة القفقاس المان، امتحانات كثيرة عن العلي الهمية
ومناطق انتشارهم وطقوسهم الدينية.
178. شامبيري. سليم هي حياة وعادات الشرق، مترجم عن الألمانية، سان
بطرسبرغ 1877 في 45 صفة.
تضمن اللوحات بعض المعلومات عن حياة الكرد وعاداته وتقاليدهم
كأحد الشعوب الشرقية التي يدور حولهم الكتاب.
129. الكرد - مجلة الأفق - سان بطرسبرغ 1877. العدد (22).
الوحات لانثوترفية وتأريخية مركزية عن الكرد في الصفحة 253.
130. الكرد وكوردستان. مجلة الكلمة الشاذة. 1877، سلسلة مقالات نشرت
عام 1877 في الإعداد: (8) في 20 نيسان، الصفحات 138-139. 140. و (20) في 14
مايس الصفحة 154. و (2) في 24 مايس، الصفحات 154-155. و (22) في 28
مايس، الصفحات 170-171. و (23) في 4 حزيران، الصفحات 178-179. و (24) في
11 حزيران، الصفحة 178. و (25) في 18 حزيران، الصفحة 194.
واخرلا العدد (26) في 25 حزيران، الصفحة 202.
تتضمن سلسلة المقالات المنشورة في المجلة معلومات كثيرة عن موقع
كوردستان وعد نقوسها وعلاقة الكرد بالالتراء والروس ومستقبل تلك
العلاقات واقالبات الكردية ومعتقداتها الدينية، فضلاً عن رسائل القائد
الكردي المشهور فون فولته كون الشرق وسياسته الالتراء وعلاقاتهم
بالالتراء ونضف الحياة الردية مع وصف دقيق لولايات بايزيد وبدليس
ومدينة وان.
131. الكرد ومسألة كوردستان – مجلة حديث عن الكتب - سان بطرسبورغ
1877، العدد (2) الصفحات 2-3.
132. خورشيد أفندى، سياحانيهما حدود، وصف رحلة على الحدود
الإيرانية التركية خلال الأعوام 1841-1842، مؤلفة من قبل السكرتير السابق
للمندوب التركي في تخطيط الحدود بين إيران وتركيا ومرفقة بتقرير
المندوب الإيراني عن الرحلة نفسها، مترجمة عن التركية والفارسية من قبل
م. أ. غمازوف، سان بطرسبورغ 1777 في 52 صفحة. تتضمن السياحاتم
معلومات كثيرة عن الكرد وبخاصة في الفصول 2-6.
133. عثمان بيج، عن الكرد – القفقاس - تفليس 1877، 15 نيسان، العدد
(17 و14 نيسان، العدد (8).
134. التركيب الأندوغرافي لسكان ولاية أرضروم وسنغق لازستان - أخبار فرع
الجغرافيا للجمعية الجغرافية الإمبراطورية الروسية - 1878، المجلد (5).
عن كورد أرضروم ينشر الصفحة 239.
135. زاهي، رسالة إلى المحرر - القفقاس - تفليس. 13 كانون الثاني، 1879،
العدد (8). الصفحة 3.
136. الرسالة مرسولة من قبل العالم المعروف في حقل الدراسات الكردية الكسندر
زاهي إلى محرر جريدة القفقاس حول بعض المواضيع المنفورة في الجريدة عن
الكرد وكوردستان.
137. بعثة المهندس جوزيف خيرنيك لدراسة أحوال دجلة والفرات من
الناحية الفنية مع وصف الطرق المارة عبر سوريا الشمالية، مترجمة عن
الألمانية - أخبار فرع القفقاس للجمعية الجغرافية الإمبراطورية الروسية -
1879، المجلد (1)، الملحق (1) في 20 صفحة.
138. عن الكرد ينشر الصفحات 71-72، 138، 151، 152 و 130.
139. إيريتسوف، أ. محاولة دراسة إحصائية لسكان أرمينيا التركية - أخبار
فرع القفقاس للجمعية الجغرافية الإمبراطورية الروسية - 1879، المجلد (1)،
الملحق (4)، الصفحات 27-42.
تشتمل الدراسة بعض المعلومات الإحصائية عن السكان الكرد في ما يعتبرها الكاتب ارمينيا التركية.

138. حيرزا، ب. عرض اثاثوغرافي للقيقاس، سان بطرسبورغ (767) في ٣١، ص 5.

يتضمن العرض الاثاثوغرافي معلومات بسيطة عن السكان الكرد في الصفحة ٥.

139. كيرزادي، د. ملاحظات عن منطقة باطوم: أخبار فرعقيقاس للجمعية الجغرافية الأميراطورية الروسية ، ١٨٨٠، المجلد (١)، الصفحات ١٤٣-١٥٧.

عن كورد منطقة باطوم ينشر الصفحات ١٥١-١٦٢.

14٠. الكرد والفرس - مجلة الأصداء - سان بطرسبورغ، ٢، تشرين الثاني ١٨٧٠، العدد (٤٤) الصفحات ٧٢-٧٣.

يشير المقال إلى سياسات الحكومة الإيرانية تجاه الكرد.

14١. جوهَانز، إ. ملاحظات حول واقع الصناعة في قضاء أخالتسيخ في مقاطعة تفليس - مصادر ومجموعة للدراسة المرافق والقائلي في الصفحة ٨٠، الصفحات ١٨٨١، الإصدار (٦)، القسم (١)، الصفحات ٦٩ -٧٠.

عن الكرد والقبائل الكردية في قضاء أخالتسيخ ينشر الصفحات ٧٠-٧١.

1٤٢. اوسلار، ب. ك، أقدم القصص عنقيقاس، مجموعة المعلومات عن سكانbeccaiance - ١٨٨١، الإصدار (١٠) في ٨٨ صفحة.

عن الكرد وكرودستان ينشر الصفحات ٧، ٢٧، ٣٣، ٣٥، ٠٧، ٠٩، ١٠٠، ٢٧، ٢٧، ٣٣، ٣٥.

1٤٣. لازريف، ي، قصة عن جرائم الكردي مورو في أقليم بولانوك بأرمينيا التركية ووصف الإدارة الامبرتورية على ضوء علاقاتها مع الكرد والأرمن - السفر - تفليس، ١٨٨١، ٢، كانون الأول، العدد (٢). يسرد الكتاب في موقف المدير للمطالب الارمنية قضايا عن الاضطهاد العثماني للسكان الأرمن ودعم سياسات بعض الأقطاب الكرد تجاههم.
44. بكرادزي، د.، لفحة تاريخية: أثرية الجغرافية عن أقليم قارص، أخبار
فرع القفصاس للجمعية الجغرافية الإمبراطورية الروسية، 1882-1883، المجلد
(7).

عن كورد ولاية قارص ينظر الصفحة 197.

45. زاغورسكي، ل.، الخرائط الأثنوغرافية لأقليم القفصاس، أخبار فرع
الجمعية الجغرافية الإمبراطورية الروسية، 1882-1883، المجلد (7).

قراءة نقديّة لكتاب ريتيخ ((التركيب القياسي لقلمات الجيش الروسي)).

عن الكورد في قلمات الجيش الروسي ينظر الصفحات 159، 162، 164 و 165.

46. ستيبانوف، ملاحظات عن أقليم قارص، أخبار فرع القفصاس للجمعية
الجغرافية الإمبراطورية الروسية، 1882-1883، المجلد (7).

عن كورد ولاية قارص ينظر الصفحات 168 و 169.

47. تروبير، كورد آسيا الصغرى، ترجمة أ. س. زيليوني، أخبار فرع
الجمعية الجغرافية الإمبراطورية الروسية، المجلد (7).

المقال عبارة عن لفحة تاريخية وأثرية عن الكورد في آسيا الصغرى أي ترکیا الحالية مع تصنيفهم حسب الدين واللغة ونطاق الکیان، الصفحات
14.

48. عدد سكان منطقة قارص على أساس إحصاء المسالك لعام 1881، أخبار
فرع القفصاس للجمعية الجغرافية الإمبراطورية الروسية، 1882-1883، المجلد (8).

العدد (1) الصفحات 89-90.

عن عدد الكورد في ولاية قارص وتوظيفهم الجغرافي ينظر الصفحة 90.

49. كولوباكين، ب.، التركيب السكاني في إيران حسب القبائل والمقاطعات - مجموعة المعلومات عن آسيا - الإصدار (4)، الصفحات 105-110.

وتحدث المؤلف عن وجهة النظر العسكرية عن العشائر الكوردية وخصوصا
في مقاطعات أذربيجان وكردستان وكرمانشاه في الصفحات 62-72.

50. سادوفسكي، ك.، ملاحظات مقتضبة عن إقليم قارص - مجموعة مواد
لدراسة المواقع والقبائل في القفصاس - الإصدار (3)، الصفحات 335-350.
عن الكورد في ولاية قارص ، التي كانت محط اهتمام الدوائر العليا في روسيا،
ينظر الصفحات 331، 333، 337، 339، 341، 343 و 345.

١٥١. كولومباشين. ب. مدخل إلى دراسة القوات المسلحة الإيرانية عام ١٨٨٣ و سكان البلاد كمصدر لتجهيز الجيش الإيرaniem - موضوع على أساس المصادرون الروسية والأجنبية - مجموعة المعلومات عن آسيا - ١٨٨٤، الاصدار (٤).

يتحدث الكاتب عن هزيمة القوات الإيرانية في حربها ضد الكورد أثناء
إنتفاضة الشيخ عبيد الله النهري الصفحة ٤٢.

١٥٢. كولومباشين. ب. ملاحظ عن القوات المسلحة في إيران عام ١٨٨٣ والسكان كمصدر لتجهيز الجيش الإيراني - مجموعة المعلومات عن آسيا - ١٨٨٤، الاصدار (١) الصفحات ٢٣-٤.

١٥٣. كورگانوف. س. بضع كلمات عن الاكراد - القفصاس - تفليس، تشرين الأول ١٨٨٣، العدد (٣٣٩)، و ١ كانون الأول، العدد (٣٨).

يتضمن المقال بعض المعلومات عن حياة الكورد و واقع المرأة الكوردية.

١٥٤. سرافاندر تيانتس غاركين، منطقتي طوروس و أخبار، دليل الطريق عبر أرمينيا، يوميات مسافر، ترجمة أ. أو. كيشميشيف - أخبار فرع القفصاس للجمعية الجغرافية الأمبراطورية الروسية - ١٨٨٤، المجلد (٨)، الملحق (٩)، الاصدار (١) الصفحات ١١-١٦.

١٥٥. ول، المجلد (٩)، الملحق (٨)، الصفحات ٤٤-٤٥

معلومات أثيوغرافية عن الكورد في جبال طوروس.

١٥٥. تيزيز هاوزين. ف. مجموعة المواد والأبحاث المتعلقة بتاريخ الخانية الذهبية - مستهل من المصادر العربية - المجلد (١)، سان بطرسبرغ ١٨٨٤ في ٥٧٤ صفحة.

معلومات عن تاريخ الكورد.

١٥٦. كامساراكان. ك. ب. افتتاح الشيخ عبيد الله أراضي إيران سنة ١٨٨٠، مجموعة المعلومات عن آسيا - ١٨٨٤، الاصدار (١) الصفحات ٢٤-٢٢.٨١
يدور المقال حول الاتفاقية الكردية سنة ١٨٨٠ والعلومات المقتبسة من الكتبة الأزرق لسنة (٨٨١) الانكليزي، العدد (٥) حول دخول واقتحام رجال الاتفاقية بقيادة الشيخ عبيد الله النهري أراضي ايران بهدف انتزاع القسم الايراني من كوردستان من السيطرة الايرانية.

١٥٩. حول المفاهم الدينية عند الايزدائيين - حديثة هارص - العدد (٥٠)، ١١ كانون الأول ١٨٨٤.

١٥٨. كاريستيف. يو. س. الطريق من ارضروم الي الموصل - مجموعة المعلومات عن آسيا - ١٨٨٥، الأصدار (٣٩) الصفحات ٢٧٨-٢٧٨.

وصف للقرى الكوردية الواقعة على هذا الطريق من ارضروم الي الموصل.

١٥٩. ف. د، الكورد - العرض الجديد - تفليس، ١٨٨٥، ٣٣ شباط، العدد (٤٠٤)، و٢٧ شباط، العدد (٤٠٤).

١٦٠. ملاحظات تاريخية وأثنوغرافية عن الكردانيين - أخبار فرع القفصاس للجمعية الجغرافية الامبراطورية الروسية - ١٨٨٥، المجلد (٨)، الأصدار (٢)، الملحق (٤) الصفحات ٢٧-٢٥.

عن الكورد بنظر الصفحات ٢٧-٢٥.

١٦١. كورغانوف، س، عن الكورد - العرض الجديد - تفليس، ١٨٨٥، ٣٣ شباط، العدد (٣٩١)، الصفحات ٢-٢.

١٦٢. الكورد: الكشوف الكنيسة الموسكوفية - ٢٥ آب، ١٨٨٥، العدد (٣٥)، الصفحات ٢٥٤-٢٥٤.

المقال يدور حول اعتقادات الدينية عند الكورد ونظرة الحياة وواقع المرأة في المجتمع الكردي وكذلك عادات الزواج والضيافة وتأثير عنهم.

١٦٣. ماسالسي، ف. آ، لمحة عن الجزء الجنوبي من أقليم ظار - أخبار فرع القفصاس للجمعية الجغرافية الامبراطورية الروسية - ١٨٨٥، المجلد (٩)، العدد (١).

عن الكورد بنظر الصفحات ١٦٧ و١٦٨ و١٦٨ و١٦٨ و١٦٨.

٢٨٢
عن كورد باتهم ينظر الصفحات 357، 358، 375 و 376 و 378.

176. يا، الاشتراك في حفلة زفاف كوردية، لحة عن الحياة الاجتماعية عند الكورد - العرض الجديد - تصليس، 37، أب 1887، العدد (934).
178. يليسيطيف. أ. ن. رحلة تقصي أثرو也没什么 من آسيا الصغرى، نشرة تمهيدية - أخبار فرع الفلاح تجمعية الجغرافية الإمبراطورية الروسية -، المجلد (32)، الصفحات 392-399.
179. ماركوف. ي، الصعود إلى قمة آرارات الكبرى في 12 أب 1887 - أخبار فرع الفلاح تجمعية الجغرافية الإمبراطورية الروسية -، المجلد (9)، العدد (3)، الصفحات 392-399.
180. راجت في القدس وبلادها. ينوي الفصول الرابع والخمس الصفحات 771، 772، 773.
181. إيغازاروف. س، النظام الإداري والاقتصادي للمجتمع الريفي بمقاطعة بريفان، تصليس، 1887، المجلد (1)، في 158 صفحة.

283
عن الكورد وفراهم في ارمينيا فيimei صفحات 135-140.

372. زيلينسكي. س. ب، فلاحي الدولة في أقليم ماروار القفقاس - مجموعة
 المعلومات لدراسة الحياة الاقتصادية للكهفائيين في أقليم ماروار
 القفقاس - تفلیس، 1887، في جزئين.

عن الكورد ينظر الصفحات 76 و401-407.

373. كامینسکي. في. ف، الراعي في قضاء بإيريد - معلومات لتنظيم الراضي
 الصیفیة والشتويةіلبة، ولدراسة تربية المواشي في القفقاس - تفلیس،
1887، المجلد (1) الصفحات 407-409.

تتضمن الدراسة بعض المعلومات عن الرعاية الكوردية الرحل في منطقة
إیريد.

374. بارفیتسکی. في. تركيبة الفلناکانیینіلبة، معلومات إحصائية -
مجموعة المعلومات لدراسة الحياة الاقتصادية للكهفائيين في أقليم
ماروار القفقاس - تفلیس، 1887، المجلد (2) الصفحات 402-405.

معلومات إحصائية عن السكان الكورد في بلاد ماروار القفقاس -
375. زاغورسکی. في. التصنيف الأنثروبولوجي لشعوب القفقاس، مسلت من
مخطوط ل (ب. زاغورسکی) - تقييم القفقاس لعام 1888، تفلیس، 1887،
القسم الأول.

376. ليسوسکی. في. أقليم جورجیا، نبذة عسكريّة إحصائية، الأصدر (1)،
تفلیس 1887، في 41 صفحة.

عن الكورد ينظر الصفحات 45-62.

377. ماسالسکی. في. يا، نوات عن القسم الحدودي لاقليم قارس - أخبار فرع
الفتقاس للجمیعة الجغرافیة الامیراطوریة الروسیة، 1887، المجلد (23)،
الأصدر (1) الصفحات 427-429.

عن كورد ولاية قارس ينظر الصفحات 80-220.

378. أوفاروف، القفقاس، يوميات مسافر، موسکو، 1887، في 32 صفحة.
عن كورد منطقة ألبیز في ارمينيا ينظر الصفحات 223-225.

284
179. زاگورسكي. ل. ب. أبحاث شعوب الفقه - أخبار فرع الفقه للجمعية الجغرافية الإمبراطورية الروسية، 1887، المجلد (9)، الأصدار (2).

الملاحظات (1) الصفحات 82.

عن المحاولات الفاشلة لكتابة اللغة الكردية بالألفبائية الأرمنية واستخدام العلامات لبر لالفوبياذة اللاتينية ينظر الصفحات 2 و.5.

180. خدّين. س. عبر ايران، ميسوبوتاميا والفقه، الجزء (2). مترجم عن السويدية - مجموعة المعلومات عن آسيا - 888، الأصدار (23) الصفحات 123-84.

عن الكورد ومواطنهم ينظر الصفحات 89-96.

181. بوخندازي. إ. ل، السكان الرحل في أقيمتين، ماوراء الفقه - مجموعة المعلومات للدراسة الاقتصادية للفلاحين الحكوميين في أقليم موارأ الفقه، تفليس، 1888، المجلد (2) الصفحات 125-65.

بعض المعلومات عن الكرد والإقليم الكردية والبنين الداخل للمجتمع الكردي وحياة الرحل ينظر الصفحات 127-31.

182. فلاديفيب. ب. س. المراعي الشتوية والصيفية في أقيمتين. موارأ الفقه - مجموعة المعلومات للدراسة الاقتصادية للفلاحين الحكوميين في أقليم موارأ الفقه - تفليس، 1888، المجلد (5) الصفحات 129-125.

عن الكرد الرحل في مقاطعة يريفان ينظر الصفحات 129-131.

183. فيدرنيمو. ي. دليل الطريق عبر الفقه، تفليس 888 في 44 صفحة.

عن الكرد ينظر الصفحات 79-88.

184. يليسبيدي. أ. ب. أوضاع المرأة في الشرق، محاولات عامة، الحاضرة الخامسة - المحرر الشمالي - 888، العدد (8)، التسجيل (1) الصفحات 88-49.

عن المرأة الكردية وأوضاعها ومكانتها في المجتمع الكردي ينظر الصفحات 71-85.
185. يليسيف، أ.، بين عبادة الشيطان (ملاحظات عن عقيدة الأيزيديين) - المخبر الشمالي - سان بطرسبورغ، 1881، العدد (1)، الاسم (1) الصفحات 93-94. 
184. مجموعات، أ.، نشرة القسم الشرقي للجمعية الآثارية الإمبراطورية الروسية - المجلد (2)، الصفحات 38-41.
183. كولومبايتس، أ.، معلومات عن تركيا الآسيوية، الجوانب العسكرية والإحصائية، المجلات (5)، تفليس 1888-1891.

عن كوردستان أنظر المجلد الأول، الجزء الأول.
188. إيجي Zodiac، س.، دراسة في تاريخ المؤسسات في بلاد ماورار القفقاس، الجزء (1)، المجتمع الريفي، فازان 1889 في 33 صفحة.
189. عن الكورد أنظر الفصل الثالث (الإدارة الداخلية للمجتمع) الصفحات 85-91 والفصل الرابع (ملكية الأرض) الصفحات 88-89.
189. ميلر، ف.، دليل مقتنيات متحف داشكوف الأنثروبولوجي، الأصدار (1)، موسكو 1882-1887، والاصداز (1889) في 154 صفحة.
190. عن الكورد بنظر الصفحات 42-85.
191. كوفاليوسكي، ب. وماركونف، ي.، على قمم آزارات (من رحلة البعثة الطلابية عبر بلاد ماورار القفقاس)، موسكو 1889 في 36 صفحة.
192. وصف لحياة الكورد مع الأشارة إلى عاداتهم وتقاليدهم.
193. بوتوف، ملاحظات ومشاهد واساطير وسعى مفتركة من حرب القفقاس، الحرب التركية 1828-1829، المجلد (4)، الأصدار (41)، سان بطرسبورغ 1889 في 72 صفحة.

تتضمن الملاحظات معلومات عن إشراك الكورد في الحرب التركية الروسية.
194. فاسيليف، أ. ت، الكورد (رحلة إلى مضارب الرحل)، العرض الجديد - تفليس، 13 كانون الأول 1898، العدد (4) الصفحات 44.
193. كالانتر. أ.أ.، واقع تربية المواشي في القفقاس - معلومات عن تنظيم المراعي الصيفية والشتوية الحكومية ولدراسة تربية المواشي في القفقاس - تفليس 1899، المجلد (4)، الجزء (2) الصفحات 71-1.

194. أرتمونوف. ل. ك، أذربيجان الشمالية - لجنة عسكرية جغرافية، الجزء الأول، تفليس 1890 في 89 صفحة.

عن كورد أذربيجان ينظر الصفحات 22 و23-24.

195. ناسونوف. ف.، جداول تقدير نفوس الكورد، أخبار الجمعية الإمبراطورية لهجبي العلوم الصرفة، الأنثروبولوجيا والأنثروغرافيا، موسكو 1890، المجلد (2)، أعمال القسم الأنثروبولوجي، المجلد (2)، (يوميات)، السنة الأولى الصفحات 200-200.

196. سيميونوف. ف.، الكورد، لجنة أنثروغرافية - مجلة الطبيعة والناس - سان بطرسبورغ، 1890، العدد (10) الصفحة 155.

197. سرايغدز تيانس. ج، لجات عن إقليم فاسبوراكان والمناطق النائمة لها، ترجمة مختصرة من قبل أ.أ. كيشيشيف - أخبار فرع القفقاس للجمعية الجغرافية الإمبراطورية الروسية 1890، المجلد (1)، الأصدار (1).

الملحق (2) الصفحات 28.

تتضمن اللوحات معلومات كثيرة عن ولاية وان وسكانها.

198. الكراك الازرديون في إقليم قارص - القفقاس - تفليس 1890، 15 أب، العدد (15).

199. شولتز، خطوط سير العمليات العسكرية على جبهة قارص، الإصدار (1)، تفليس 1890 في 43 صفحة، والإصدار (2)، تفليس 1891 في 199 صفحة.

200. ييغيزيروف. س.، لجنة أنثروغرافية موجهة عن كورد مقاطعة بريفان - نشرة فرع القفقاس لجمعية الجغرافية الإمبراطورية الروسية.

1891، الكتاب (3)، الأصدار (1)، الصفحات 2-4.

287
202. كسينوفونت (زينفون، أكزينفون)، أناباسيس، ترجمة الكتابين (2 و4).

مع معجم وملاحظات. كريم، الطبعة الثانية مع تعديلات كثيرة، كيف.

1891 في 199 صفحة.

عن الكورد ينظر الكتاب (2)، الفصل الخامس، الصفحة 48، و الكتاب (4).
الفصل الأول، الصفحة 92 والفصل الثالث، الصفحات 105 و107 وغيرها.
202. بانتيوكوف، أي، الكورد والقرمياخيين (ملاحظات أثنيوغرافية) -
القفاس - تقليس، 1891، 23 شباط، العدد (400).
203. الكورد والقرمياخيين - قارص - 1891، 19 آذار، العدد (12).

حول مقال أي، بانتيوكوف السابق.

204. إيكيزاروف. س.، نصوص كرمانجية، دونها وترجمها للروسية
س.، إيكيزاروف. قد مقدمة ل. ب. زاغورسكي - نشرة فرع القفاس
للجمعية الجغرافية الإمبراطورية الروسية - 1891، الكتاب (12)، الأصدار (2).
اللحق (1) الصفحات 170-176.

النصوص عبارة عن قصص، أغاني، حكم ومثال شعبية ومحادثات باللهجة
الكرمانجية.

205. إيكيزاروف، س.، وzagorsky، و.، المجمع الكرمانجي الروسي -
نشرة فرع القفاس للجمعية الجغرافية الإمبراطورية الروسية - 1891،
الكتاب (12)، الأصدار (2)، الملحق (2) الصفحات 127-128.
206. سيليسكي، ب.، نبذة عن الأغنية والموسيقى في أقليم ماوراء القفاس -
المصور، 1891، المجلد (8)، العدد (193).
207. مليتر. ف.، صدى الروسديين عند الإكراد - النشرة الأثنيوغرافية -
1891، المجلد (9) الصفحات 20-201.
208. بأغليف، د. الأغنية الكردية (ترجمة بتصريف) - العرض الجديد -
1891، 18 ايار، العدد (226).
2009. إيغيازاروف. س. أ، محلة أنشعغرافية قانونية مختصرة عن الإيزيديين في مقاطعة بريفان - نشرة فرع القضاة لجمعية الجغرافية الأمبراطورية الروسية - 1891، الكتاب (3)، الصفحات 242-243.

1910. إيغيازاروف. س. أ، ملاحظات من ملاحظات السيد سيوفي عن الإيزيديين نشرة فرع القضاة لجمعية الجغرافية الأمبراطورية الروسية - 1891، الكتاب (3)، الصفحات 242-243.

201. كارتسيف، يو. س. ملاحظات عن الإيزيديي تركيا - نشرة فرع القضاة لجمعية الجغرافية الأمبراطورية الروسية - 1891، الكتاب (3)، الصفحات 242-243.

نفس الصفحات.

221. غيديبونوف، د. تحديد النقاط الفلكية في أرمينيا التركية وكوردستان في العام 1889 - نشرة القسم الطبوغرافي العسكري الغربي للأركان العامة - سان بطرسبرج، 1892، المجلد (2)، الصفحة 10.

222. باغيريف، د، قائمة المواقع المسكونة في مقاطعة بريفان حسب إحصاء 1888 - مجموعة بريفان - 1892، الأصدار (1)، الصفحة 22.

223. بانفوخوف، إ، فضاء أخالشاك، محلة طبية أنشعغرافية، المجموعة الطبية - تفلس، السنة (18)، العدد (3)، الصفحات 215-217.

224. عن الكورد ينظر الصفحات 139 و217.

225. دراجيف، عقيدة الإيزيديين - قارص - 1892، العدد (33)، الصفحات 2 و3.

226. فلاسوف. م، ملحق لمستر تقرير ب. فلاسوف حول رحلته عبر المناطق الشمالية من خراسان عام 1893 - مجموعة المعلومات عن آسيا - 1893، الأصدار (52).

وصف للكردية في خراسان في الصفحات 242-243.

227. مالونسل، متابعت في كوردستان - أخبار الجمعية الجغرافية الإمبراطورية الروسية، المجلد (25)، الصفحات 4-20.

228. عرض الوضع الإقتصادي لمنطقة قارص عام 1892، تقويم القضاة لعام 1894 - تفلس، السنة (5)، الصفحات 1-231، الصفحة 143.
يتضمن التقويم معلومات عن كورد قارص والهن التي يزاولونها.

239. كورزون، غ. ايران والمسألة الإيرانية - مجموعة المعلومات عن آسيا - 1893. الأصدار (3) الصفحات 239-47.

عن الكورد في ايران ينظر الصفحات 188-193.

40. ليكيرك، ز. الإيزيديون، الأرمن، المسألة الأرمنية، سان بطرسبرغ 1893. في 41 صفحة.

عن الكورد ينظر الفصل (1) الصفحات 27-37.

231. بانتيوخوف، إ. ملاحظات اثربولوجية عن القفطان، محاضرة في اجتماع فرع القفطان للجمعية الجغرافية الامبراطورية الروسية - نشرة فرع القفطان للجمعية الجغرافية الامبراطورية الروسية - 1893، الكتاب (15) الصفحات 152-161.

عن الكورد ينظر الصفحات 100-102.

222. ن، رسالة من أرضروم - العرض الجديد - تطليس، 1893، 30 مايو، العدد (240).

233. فلاسوف، ب. مرسال من تقرير. م. فلاسوف حول رحلة في عام 1892 إلى الأقاليم الشمالية من خراسان، سيماخ: كيلات، دريغز، كوجان وبونجنورد - مجموعة المعلومات عن آسيا - 1893. الاصدار (36) الصفحات 461-475.

عن الأكراد أنظر ص (19، 21، 27، 37، 47، 49، 53).

244. فلاسوف، ب. م، معلومات إحصائية عن مناطق دريغز، كوجان، بونجنورد، كيلات في خراسان في 1894 - مجموعة المعلومات عن آسيا - 1894. الأصدار (36) الصفحات 175-187.

معلومات عن أكراد خانية دريغز وخانية بونجنورد في الصفحات 136، 147، 152، 158، 162، 164، 166، 168، 170، 172، 176 و178.

290.
خاتيموف. ك، الحرف اليدوية في أقليم ماروار القطيف، تقرير عام 1891 في كتاب (تقارير ودراسات عن الصناعات اليدوية في روسيا)، المجلد (2)، سان بطرسبورغ 1894 الصفحات 259-370.

أندرونينكوف. ل، وصف دائرة البوليس الأوروفيلي الثالثة لقضاء أخانة، بمقاطعة تفليس - نشرة فروع القفطاس للجمعية الجغرافية الإمبراطورية الروسية - 1894، الكتاب (17) الصفحات 391-398.

عن الكورد ينظر الصفحات 391-396، 397-398، 399-400، 401-402.

فلاديمور. ب، نبذة مختصرة عن خراسان عام 1894 - مجموعة المعلومات عن آسيا - 1894، الأصدار (5) الصفحات 371-372.

عن الكورد في خراسان ينظر الصفحات 371-372.

ك. بيديفانوف. م، الأوضاع الصحية في قضاء زنكيزور بمقاطعة البازابيث بول خلال الأعوام 1826-1890 - نشرة جمعية القطيفاس الطبية - تفليس، 1894، العدد (17) الصفحات 117-181.

دانيالوف. ن، نحو وصف الخصائص الأنثروبولوجية والفيزيولوجية لسكان إيران في الوقت الحاضر، موسكو 1894 في 47 صفحة مع جداول ملحقة بالدراسة.

ملاحظات عن الخصائص الأنثروبولوجية والفيزيولوجية لأكراد إيران في أكثر من الكتب.

خاجاتوروف. ك، الكورد، طبائعيهم وقيمهم ونمط حياتهم - مجموعة المعلومات لوصف مواقع وقبائل القطيفاس - 1894، الأصدار (30)، القسم (1) الصفحات 24-36.

لمحة تاريخية أثر الإغرافيان عن الكرد وماضيهم وتوزيعهم الديني والحرف الذي يزاولونها وعاداتهم وواقع المرأة في المجتمع الكوري.

غلابيفسكي. ك، ل مناشدة مع ال$k$ارك في جبال آزارات، أغردا داغ - المخبر. 1894، العدد (188) الصفحة 439 و العدد (189) الصفحة 453.
223. نصوص كوردية مع هواشم وملاحظات ل. لوباتينسكي - مجموعة المعلومات لوصف مواقع وقبائل القفزاس - 1894, الأصدار (20), القرص (2).

3-2 الصفحات 160-1.

ثلاث أغاني وحكاية رواها معلم مدرسة جاگرينسكي. م. أداموف، وثلاث حكايات رواها ناظر مدرسة كامارمينسكي. ك. خاجاتوروف، الصفحات 9.

4. ف. سيسوليوفسكي. ن. الأيزيديون - القاموس الأندسكونوبدي. المجلد (22)، 1894.

5-4 ص 577 saver. ب.، ب. بيليوغرافية آسيا. دليل الكتب والمقالات عن آسيا. المجلد (2)، 1894 في 274 صفحة.

6. عن الكورد بنظر الصفحات 256-275.

7-5. زيليوني. أ. س. والعقيد سيسويف. ف. م. مذكرة توضيحية لخريطة توزيع السكان الأرمن في أرمينيا التركية وكوردستان حسب إظهارات U.Cuinet, la Turquie d’Asie. ( تركيا الآسيوية) 1890.

8-4. المذكرة وضعت من قبل جنرال الأركان العامة زيليوني والعقيد سيسويف في عام 1895. مجموعة المعلومات عن آسيا - 1895. الأصدار (12) في 40 صفحة.

9-3. كالانتار. أ. أ. مراوي الأغريز الصيغية الحكومية في قضائنا الكسندرية واليجميل sede. في مقاطعة بريفان - معلومات عن تنظيم المراوى الصيغية والشتوية الحكومية ولدراسة تربية المواشي في القفزاس. تغليس. المجلد (2)، الجزء (2)، الصفحات 271-274.

10. كورنتينكو. ي. الخرائط الأشتوغرافية لمقالات ومناطق أفلام موارد القفزاس الموضوعة من قبل مدير فرع القفزاس للجمعية الجغرافية الإمبراطورية الروسية. 1896. الكتّاب (8)، الملحق (1) الصفحات 41-42.


وكان ماونسيل قد قام برحلته إلى كوردستان عام 1892.
239 أورانوفسكي، وصف عسكري إحصائي للجزء الشمالي الشرقي من خراسان عام 1894 - مجموعة المعلومات عن آسيا - 1891 (الإصدار (18)
الصفحات 211-212.

عن الكورد في الجزء الشمالي الشرقي من خراسان ينظر الصفحات 55-57.
240 الفقهاء، مساحتها وسكانها كما توضحها المعلومات عن الأقضية والتوتر في السكان حسب المعتقدات الدينية والانتماء القومي - تقويم
الفقهاء لعام 1897. تفليس 1897، القسم (2) الصفحات 45-46.
241 باومغارتين، رحلة إلى شرق إيران - مجموعة المعلومات عن آسيا - 1892 (الإصدار (22) الصفحة 227.

242 بورناشف. س. د. صورة هومنيا أو وصف الواقع السياسي لملكي كارتاين وكافيتين، الطبعة الثانية. تفليس 1897. وكانت الطبعة الأولى في
كورسك في سنة 1793.

243 عن الكورد ينظر الصفحات 21-5.

244 Diagramski. ف، رحلة عبر مقاطعة برافان واقليم قارس خلال العطلة - مجموعة المعلومات لوصف مواقع وجبال الفقهاء - 1897 (الإصدار (21)
القسم (1) الصفحات 79-80.

عن الكورد في تلك المناطق وديارهم وأزيائهم وتقاليدهم ينظر الصفحات 68، 83، 109-110.

245 كارتسفين، ملاحظات عن الكورد، تفليس 1896: نظر أيضًا - نشرة فرع
الفقهاء للجمعية الجغرافية الإمبراطورية الروسية - 1891 (الكتاب (19).
عن الكورد ولغتهم وتاريخهم وتوزيعهم القبلي وفرسان الجمادية وغير ذلك من المواضيع ينظر الصفحات 378-379.
عن كورد خراسان ينظر 204-205.

247. باستثماري، أي. ف. الصعود إلى جبال الأغياز، محاضرة في الاجتماع العام لفرع القفقاس للجمعية الجغرافية الإمبراطورية الروسية في 15 أذار 1876 - أخبار فرع القفقاس للجمعية الجغرافية الإمبراطورية الروسية 1892، المجلد (11)، الأصدار (2) الصفحات 96-85.

248. بوبوفيتش، س. ي، لحة صحية طبوغرافیة لمنطقة أولتتين بأقيمت قارص - المجموعة الطبية - تحلیس 1891، السنة (32)، العدد (85) الصفحات 341.

عن كورد المنطقة ينظر 8، 12، 13، 18، 81.

249. بوتيان، ملاحظات عن آسيا الصغرى - مجموعة المعلومات عن آسيا - 1892، الأصدار (55) الصفحات 154.

عن الكورد ونسبة حياتهم وعلاقاتهم بالأرمن ينظر الصفحات 1، 4، 5، 7، 8، 12، 13، 19، 22، 23، 25، 27، 34، 45، 51، 61، 67، 73، 78، 85، 94، 95، 99، 112، 116، 118، 133، 136، 137.

250. جرين. ف. د. الأزمة الأمنية والحكم التركي (منبحة ساسون)، مترجمة عن الإنجليزية من كتاب - وضع الأمن في تركيا، موسكو 1897 الصفحات 123، 24، 32، 48.

251. ديبورن. م، واقع الأوضاع في أرمينيا التركية، الصفحات 273، 272. و: عشبة الأصل الأوروبا، الأذربجاني، الأرمن والعاهدين، مترجم عن الفرنسية - وضع الأمن في تركيا، موسكو 1897 في 100 سورة.

هناك معلومات كثيرة عن الكورد وعلاقاتهم بالأرمن في أكثر الصفحات الكتاب.

251. كونكستينكو، ي، خريطة موارد القفقاس مع بيان حدود المقاطعات والأقضية ومناطق المجتمعات الريفية وتوزيع السكان حسب المتثبات
الدينية. نشرة فرع القنفاس لمجلة الجغرافيا الإمبراطورية الروسية (1876، الكتاب 19) الصفحات 31-37.

253. أرتمونوف ل. ك، رحلة إلى إيران. منطقة استرآباد، شاهرود وشمال خراسان، دراسة عسكرية إحصائية، جزءان (1-2)، تقليدس 1894-1897.

254. بوجكارييف، ب. أقليم قارص - من كتاب (سكة حديد تقليدس - قارص - يريفان من النواحي الاقتصادية والتجارية)، تقليدس 1897، الصفحات 273-359.

255. عن الكرد ينظر الصفحات 626-627، 378-480، 500 و 443.

256. معلومات حول تصنيف سكان القنفاس على أساس الاعتقاد الدینی والانتماء القومي حسب الاقليم، تقليدس القنفاس لعام 1897، الصفحات 3-24.

257. عبادة الشیطان - قارص - العدد (10)، الصفحات 187-189، الصفحة 3.

258. إيفانوفسکی، ل. آرامات - إدارة الأرض، موسكو، 1898، المجلد (4)، العدد 100-105، الصفحات 3-24.


260. وكذلك الأعداد الأخرى لهذا التقويم للسنوات (1900، 1901، 1902، 1903 و 1904).


262. عن الكرد ينظر الفصل الثاني الصفحات 197-205.

263. جرکسکوف، آ، آبریججته - من الملاحظات الأولیة - البطرسپورگیة - 4 حزيران 1898، العدد (5، 100).

295
۲۶۰. حركسوف، أ.، العرف عند الأكراد. الكشوف البطرسبورغية - ۱۹ كانون الأول ۱۸۹۸، العدد (۴۸۵)، و۲۰ كانون الأول، العدد (۴۶۹).
۲۶۱. رومانوف، ف.، أ.، منابع عن عبادة أبوليس - الطبيعة والناس - سان بطرسبورغ ۱۸۹۸، العدد (۴۷۴)، العدد (۴۲).
۲۶۲. سكيبنيتسكي، م.، المراعي الصيفية الحكومية في قرملباغ - معلومات لتنظيم المراعي الحكومية الصيفية والشتوية ولدراسة تربة الواشي في القفطاس - تفيلس ۱۸۹۹، الجزء (۴) في ۲۰ صفحة.
۲۶۳. بولوتوف، ف.، من تاريخ الكنيسة المصرية الأرثوذكسية - القراءة المسيحية - ۱۸۹۹، أعداد كانون الثاني، شباط، آذار، نيسان لعام ۱۹۰۰ وآذار، نيسان وحزيران لعام ۱۹۰۱.
۲۶۴. لين بول ستالين، الملك الإسلامي، مترجم عن الإنكليزية من قبل بارتولد، سان بطرسبورغ ۱۸۹۸ في ۲۴۴ صفحة.
۲۶۵. بانينتسوف. ف.، أجناس القفطاس - تقويم القفطاس لعام ۱۹۰۰-۱۹۰۱ تفيلس ۱۸۹۹، القسم (۲).
۲۶۶. الشعراء المدعون - الكشوف التفليسية - ۱۸۹۹، ۳ كانون الثاني، العدد (۴).
۲۶۷. الشعراء والشعراء عند الكوردن - تنظر الصفحات ۲۳۷-۲۰۸
۲۶۸. كريمينسكي، أ.، الإسلام ومستقبله - موسكو ۱۸۹۹ في ۱۴۴ صفحة.
۲۶۹. إيفانوفسكي، أ.، الازبيديون على ضوء دراسة ك. أ. غوروشينكو - اللجنة العقلية الروسية - موسكو ۱۹۰۰، الكتاب (۳)، العدد (۳).
۲۷۰. كامستين، ك.، كلمات عن الازبيديين - نشرة الجمعية الأزبيدية الإمبراطورية الفلسطينية - سان بطرسبورغ ۱۹۰۰، كانون الثاني - شباط.